

تلاش





چند گل عرضه شده در نمایشگاه گل







چند گل عرضه شده در نمایشگاه گل



چند اندیشه تلاش

درباره چند مطلب تلاش

● خوشه چین گردشی بدور دنیا کرده و از همه خرمن‌ها برای شما در صفحه ۷ خوشه‌هایی گردآورده است.

● دکتر ناصر روحانی زاده که در مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران کار می‌کند مقاله‌ای درباره راکتورهای اتمی مولد برق نوشته و این مسئله مهم را مطرح کرده که چگونه اتم در راه جانشین شدن سایر منابع نیروگام بر می‌دارد و این پیشرفت اتم بکجا منجر خواهد شد؟

صفحه ۱۱

● تحقیق در صنایع و تحقیق در صنعت نفت ایران آیا چه مراحلی را پیموده و امروز این امر مهم که پایه هر پیشرفت و جهش صنعتی و اجتماعی است چه وضعی دارد؟ و آیا صنعت همگام با سایر علوم جلو می‌رود؟ و بودجه‌ای که برای تحقیق تخصیص داده شده چگونه خرج می‌شود؟

آقای عباس فلاح که از کارشناسان آگاه و مسئول قسمت تحقیق شرکت ملی نفت هستند آماری هم از پژوهشگران و بودجه سایر کشورهای جهان داده است که در صفحه پانزدهم آوردیم.

● از کاشان شهر مخمل و شهر انسان‌های کارآمد و با هوش هر کس سخنی ویا سخن‌ها شنیده و گروهی هم اقبال دیدن آنرا داشته‌اند. درباره گذشته و حال و راه آینده این شهر «مهناز عطارها مطالبی در صفحه ۱۸ برایتان گردآورده‌است با عکس‌ها و تصویرهایی از گذشته و حال آن.

● اسکی ورزشی است تازه و در عین حال بسیار کهن بطوریکه بعضی قدمت آن را بیش از ۵ هزار سال پیش می‌رسانند و در ایران هم طرفداران زیاد دارد که هر سال بر تعداد عشاق آن علاوه می‌گردد و با وجود آنکه ورزش گرانی است در روزهای تعطیل در تهران هزارها نفر به پست اسکی می‌روند. زیرا که این ورزش هم جسم را سالم و هم روح را با نشاط می‌سازد. اما چگونه باید دانست که بهترین میدان‌های اسکی در اطراف تهران در کجا است و آیا عشاق این ورزش درباره عمومیت دادن آن چه اقدام‌هایی کرده‌اند. جواب این سؤال‌ها را در ص ۳۰ کوشیده‌ایم بدویم.

● آقای مجتبی جزایری تاریخچه پیدایش ابریشم را در دنیا و در ایران کوشیده‌اند برای ما بگویند و نیز آینده آنرا با جدول و تصاویر زیبا. ص ۳۳



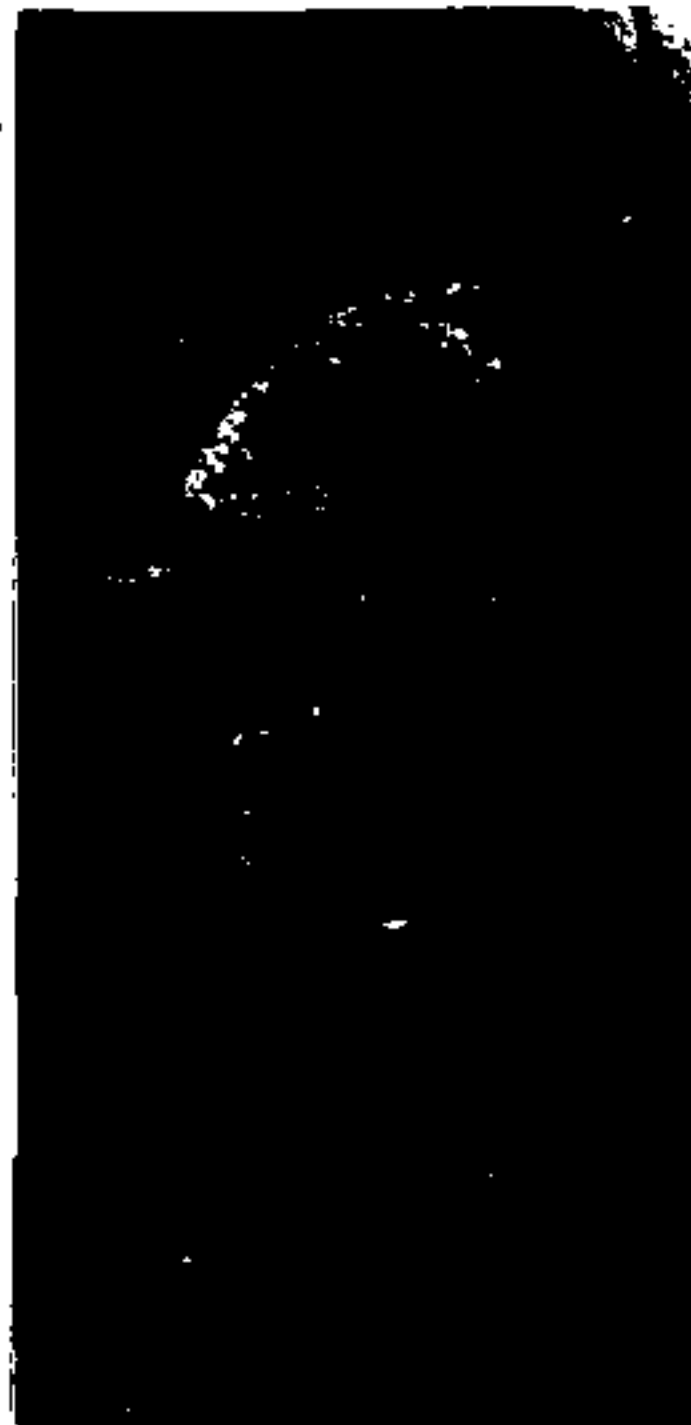
هانری کربین



ناصر روحانی زاده



حسن کریمی



مهناز عطارها



اصغر بهاری

● سرگذشت بزرگان کشورمان برای ما ایرانی‌ها همیشه جالب و شیرین است و آقای علی اصغر حلبی شرح زندگی امام محمد غزالی را برشته تحریر درآورده‌اند.

ص ۳۸

● آقای عباس رهبری مراسم عزرا و سوگواری که در ماه محرم برگزار می‌گردد شرح داده‌اند و درباره روضه‌خوانی و دسته گردانی پرده‌داری، تعزیه یا شبیه‌سازی مطالب جالب و خواندنی نوشته‌اند.

ص ۴۴

● گرگان و دشت به سرزمین طلای سفید معروف است و موضوع مقاله مبسوطی می‌باشد که آقای حسن کریمی دانشجوی سال دوم آموزشگاه عالی جنگل و مرتع از گرگان برای ما نوشته‌اند.

ص ۴۸

● عرفان ایران و پیدایش آن توسط آقای حبیب‌الله شریفی بطور شیوا و ساده آمده است چند شعر از ایشان را در شماره‌های قبلی تلاش خوانده‌اید.

ص ۵۸

● آقای دکتر پرویز اعتماد مقدم از مردان تحصیل کرده ایران هستند

مقاله «قطب‌های کشت و صنعت» را

نوشته‌اند.

● مصاحبه‌ای داریم با ایران شناس معروف فرانسوی هانری کربین که تا بحال در راه شناسائی فلسفه ایران و فلاسفه ایران مقام بزرگی را دارد. کتاب معروف او بنام «تاریخ فلسفه اسلامی» چندین بار بی‌چاپ رسیده آخرین چاپ آنهم «جیبی» و کمیاب است. با او گفتگوئی بعمل آمد که نظراتش را درباره ایران و فلسفه قدیم، با دیدی تازه و نوآورده است.

ص ۶۴

● ایران هنرمندان بسیار و اساتیدی در هر قسمت از سنت‌ها داشته است. در این شماره مصاحبه‌ای داریم با استاد اصغر بهاری که کمانچه می‌نوازند.

ص ۶۹

● آقای عبدالله عبدالمهی که تاکنون چندین مقاله تحقیقی درباره صنایع ایران نوشته‌اند این بار مطالعه‌ای درباره کاغذ و احتیاجات آن در ایران و کارخانه‌ای که در شرف تاسیس است نوشته‌اند که خواهید خواند و ما را از نظر خودتان آگاه خواهید کرد.

ص ۷۷

● و هفت ضمیمه علوم، هنری، کتاب، کدبانو، قوانین، ورزشی، و بریده چاپ شده‌ها داریم که در انتظار نظرهای انتقادی خوانندگان عزیز درباره این مطالب هستیم.

نیم خلد میوز د مکرز جویبارا

نیم خلد میوز د مکرز جویبارا
 فراز خاک و خشتا د میسده بنر کشتا
 بچک بته چنگا بنای هشته زنگا
 ز نامی خویش فاخه د و صداصول خت
 ز خاک رسته لاله با چو بدین پیاله با
 نیم روضه ارم جسد بمغزو مبدم
 زهر کرانه مست با پیاله هاب دست با
 زیرش سحاب با بر آب با خباب با
 فراز سرو بوستان نشسته اند قمر با
 فکده اند غلغلله د و صده هزار کیده
 د ختمای بارور چو اشتران باربر
 که بوی مشک میدهد هوای مرغزارا
 چه کشتا بهشت با نه ده نه صد هزارا
 چکا و ما کلنگا تذر و ها هزارا
 ترانه ما نوخته چو زیر و بم تارا
 ببرک لاله لاله ها چو در شفق ستارا
 زبس د مید و پیش هم بطرف جویبارا
 زمغرمی پرستھا نشانده می خمارا
 چو جوی نقره آب با روان د آبشارا
 چو مقرمان نقر خوان بز مردین منارا
 بشاخ گل پی گل ز رنج انتظارا
 همی زیشت یکدگر کشیده صف قطارا

از قافا

تلاش

شماره بیست و یکم

اسفند ۱۳۴۸ و فروردین ۱۳۴۹

نویسندگان: گویندگان: مؤول نوشته با گفته نامی خود هستند.

محل اداره: خیابان شاه - کوچه جم - شماره ۲۷ - بجا ۲۵ ریال



روی جلد: «بیدمشك بهار ایران زمین» عکس از
ر. نگاه
پشت جلد: «زمستان که رفت» عکس از ر. نگاه

تلاش سال نو ۱۳۴۹ را به خوانندگان عزیز خود
شادباش می گوید و امید دارد که همه کوشش‌ها
ثمرها بیاورد و آرزوها حقیقت گردد.

مطالب	صفحه
مصاحبه تلویزیونی شاهنشاه آریامهر	۲
از هر خرمن دانه‌ای	۷
راکتورهای اتمی مولد برق	۱۱
تحقیق در صنعت نفت	۱۵
کاشان شهر گلاب و مخمل و عقرب	۱۸
اسکی ورزش مدرن زمستانی	۳۰
ابریشم	۳۳
امام محمد غزالی	۳۸
محرم	۴۴
گرگان و دشت	۴۸
عرفان ایرانی و پیدایش آن	۵۸
قطب‌های کشت و صنعت	۶۰
من در این دو اقامتگاه احساس خوشاوندی دارم	۴۶
مصاحبه با استاد بهاری	۶۸
منابع اولیه عظیم و گرانبهای کاغذسازی	۷۷
فهرست رویدادها	۸۱
چهار تابلو رنگی داخل :	
«شب تهران» از ملك عراقی	
«دونقاشی» از عبدالرضا دریاییگی	
«زنك تفریح در يك دبیرستان» از ملك عراقی	
عکسهای سفید و سیاه از : غلامحسین ملك عراقی	
کاریکاتور از : کامبیز درم‌بخش و میم. الف	
تنظیم صفحات و طرح‌ها : باهمکاری فرشید مثقالی	
خطاط : حسن فروغی	
چاپ سکه	

این شماره ۷ ضمیمه علمی، کتاب، ورزشی، کدبانو،
قوانین، بریده چاپ‌شده‌ها و هنری همراه دارد. بهای
تلاش با ضمیمه‌ها ۴۵ ریال است.

شاهنشاه آریامهر در يك مصاحبه تلویزیونی با آقای ادوین نیومن خبرنگار شبکه تلویزیونی (ان . بی . سی) سیاست داخلی و خارجی ایران را در زمینه های مختلف تشریح کردند . گفتگوی تلویزیونی آقای نیومن با شاهنشاه باین شرح صورت گرفت :

● هدف اصلی ما آن است که سطح زندگانی ملت خود را ترقی دهیم

● ما باید کارهایی را که دیگران طی صد سال انجام دادند در ظرف چند سال پیاپی رسانیم

● انقلاب بهیچوجه تحمیل بر مردم نبود . بلکه پیشنهادهایی بود که مردم تشنه پذیرفتن آن بودند.

نیومن : من ادوین نیومن هستم در برنامه بحث آزاد امروز اعلیحضرت شاهنشاه ایران صحبت میفرمایند . اعلیحضرتا - تمدن ایران بعد از چین دومین تمدن باستانی و مداوم جهان بشمار میرود آیا بنظر آن اعلیحضرت ممکنست قدمت تاریخی مانع پیشرفت ملتها در دنیای جدید گردد ؟

شاهنشاه : اگر درست گفته باشم فکر میکنم این مطلب لااقل در مورد ما صحت نداشته باشد و من برای اثبات آن دلایل متعددی دارم که ثابت میکند گرچه کشور من حداقل دارای سه هزار سال سابقه تاریخی است معالوف توانسته است در مدتی کوتاه بدرجائی از توسعه و پیشرفت نائل گردد که میتوان گفت سابقه ممتد تاریخی هیچگونه مانعی برای پیشرفت و ترقی این کشور نبوده است و حتی در بعضی موارد این سابقه میتواند تا اندازه ای موجب رشد فکری و عقلانی ملت گردیده و نگذارد که آن ملت - لااقل در مورد کشور من - از يك پرتگاه به پرتگاه دیگر سقوط نماید . زیرا وقتی ما ترقیات عصر جدید را هدف خود قرار میدهیم از بسیاری موانع عبور نموده وبدون هیچگونه تاخیر و با سرعت زیادی گذشته را

پشت سر میگذاریم . لیکن درعین حال در اتخاذ آنچه که در بعضی موارد برای عصر جدید و جامعه مدرن چندان مطلوب نیست بمبالغه نمیپردازیم و در همینجاست که بعقیده من رشد فکری و سابقه تاریخی مفید واقع میگردد .

نیومن : اعلیحضرتا - اجازه میفرمائید مثالی در این مورد ذکر کنم ؟

شما در مورد پایان دادن به نظام ارباب و رعیتی در ایران در حقیقت از پدر خود رضاشاه کبیر پیروی میفرمائید ، در این مورد يك موضوع با اهمیت که بایستی تغییر می یافت موقعیت زنان بود . آیا در این زمینه محظورات و موانع بزرگی وجود نداشت که باید برای انجام این تغییر بر آنها فائق گردید ؟

شاهنشاه : چرا وجود داشت .

لیکن در حدود شش سال قبل يك روز، کهنه پرستان کشور ونیروهای ارتجاعی سعی کردند مزاحمت هایی تولید کنند و بدین منظور در خیابان ها اجتماع نموده کتابخانه ها را آتش زدند و اتوبوسهای پراز دختران مدارس را واژگون نمودند و بدین نحو باطن خود را بروز دادند . در آن روز بود که ما

تصمیم گرفتیم در مقابل این نیروها ایستادگی کنیم ، لذا قوای امنیتی بناچار وارد عمل شدند و متأسفانه در آن روز عده ای بقتل رسیدند، اما روز بعد ماجرا بکلی خاتمه یافت و تمام نیرو های ارتجاعی و عناصر متعصب و باصطلاح میهن پرست همان شب بکلی متفرق شده و از میان رفتند . البته وضعیت آن زمان وقوع چنین ماجرائی را ایجاب میکرد و اتخاذ تصمیم برای رفع آن نیز الزام آور بود لیکن پس از وقوع این حادثه انجام کار تقریباً آسان بود و از آن روز بعد تقریباً همه ساله یا شاید هرماه گامهایی بسوی پیشرفت برداشته ایم بدین معنی که موقعیت زنان کشور خود را من باب مثال تا حدودی که در کشور های بسیار بسیار شرقی جهان معمول میباشد بالا بردیم .

نیومن : البته حتی در آن کشور ها نیز زنان مدتها مقامی مادون مردان داشته اند ...

شاهنشاه : بلی .

نیومن : آیا در آن کشورها نیز موافقی برای رفع این مسئله وجود داشت ؟

شاهنشاه : در بعضی موارد زنان حتی خواستار تساوی حقوق

نیستند . من باب مثل در سویس زنان به محرومیت خود از حق انتخاب یا اموری مشابه آن رای میدهند .

کما اینکه در انگلستان نیز مدت ها طول کشید تا زنان در انتخابات حق شرکت یافتند .

نیومن : یا حقوق تملک .

شاهنشاه : بلی یا حقوق تملک .

اما در کشور من زنان حتی قبل از اجرای اصلاحات همواره از حق تملک برخوردار بوده اند .

نیومن : اعلیحضرتا . با توجه باینکه ایران کشور پهناوری است ، هنگامیکه شما دست بکار نوسازی کشور شدید در این مورد که کدام اقدام نخست انجام یابد چگونه اتخاذ تصمیم فرمودید ؟

شاهنشاه : این سؤال خوبی

است . بنظر من ما سعی میکنیم اقدامات لازم را با رعایت حفظ موازنه بین آنها انجام دهیم . ابتدا کوشش میکنیم که افراد حاکم برمقدرات کشور از تعلیم و تربیت برخوردار گردند . مدارس فنی و همچنین دانشگاهها را توسعه میدهیم . سپس با بیوادی مبارزه میکنیم زیرا بنظر ما مردم يك کشور وقتی از علم و سواد بهره مند بودند میتوانند تحولات خود را

درک کنند و در نتیجه سهم موثر-تری در برنامه های اصلاحی داشته باشند. امروز با وسایل مخابراتی عمومی مانند رادیو و تلویزیون انجام امور بطور محسوس آسانتر است. شاید بزودی ما از اقمار مصنوعی خود با کانالهای متعدد برای پخش اخبار داخلی استفاده کنیم. در این عصر مردم میتوانند در خانه های خود بکسب دانش بپردازند. ما حتی قصد داریم يك دانشگاه تلویزیونی هم تاسیس کنیم. آری، این یکی از موضوعاتی است که از نظر ما در درجه اول اهمیت قرار دارد.

اقدام دوم ما تاسیس شبکه های راههای مخابراتی و ساختمان جاده ها، راه آهن، ایجاد بندر، فرودگاهها و سایر سیستم های مخابراتی خواهد بود تا بدان وسیله مردم را با سهولت بیشتر به يك دیگر نزدیک سازیم. ما ناچار بودیم برای اصلاحات ارضی اهمیت خاصی قائل شویم، زیرا اصل مالکیت در کشور ما بصورت ارباب و رعیتی درآمده بود. ما این اقدام را با عزمی راسخ و در نهایت قدرت انجام دادیم و فکر میکنم که در این مورد به موفقیت نائل گردیده ایم. هدف مرحله دوم اصلاحات ارضی ما آن است که کشاورزانی را که تا چندی پیش برای ارباب خود کار میکردند و امروز خود مالک زمین بوده و جزء خرده مالکان بشمار میروند در شرکتهای روستائی بصورت يك گروه واحد درآوریم. زیرا زندگی بر روی يك قطعه كوچك خاک غیر ممکنست. من در گزارش هایی که در این زمینه مطالعه و بررسی نموده ام خوانده ام که برای برخورداری از يك زندگی شایسته در دهات يك خانواده روستائی در کشور های بسیار توسعه یافته که از کشاورزی پیشرفته ای برخوردارند باید ۱۲۵ یا ۲۵ تا ۳۰ جریب زمین داشته باشند لذا برای جلو گیری از اینکه مالکان عمده بار دیگر زمینهای این طبقه از مردم را با خرید از چنگ آنها بدر آورند ما در حال تاسیس شرکتهایی هستیم که در آنجا مالکان جدید اراضی، قطعه زمین خود را به ثبت رسانیده و سند آنرا دریافت میکنند و بدین ترتیب از احساس مالکیت زمین برخوردار میگردند لیکن در عین حال نمیتوانند زمین خود را بفروش رسانند. آنها فقط میتوانند اسناد زمین را آنهم به

اعضای شرکت نه افراد خارجی بفروشند.

نیومن: آیا این اقدام بدین منظور انجام گرفته است که بار دیگر املاک وسیع بوجود نیاید شاهنشاه: نه، لیکن این-قطعات كوچك جزء يك ملك وسیع بزرگ خواهد بود. این شرکتهای بین سه و گاهی اوقات تا ۸ هزارهكتار زمین در اختیار خواهند داشت لذا چنین ملك وسیعی رامیتوان به ماشین آلات مدرن مجهز نمود و میتوان با علم باینکه این ملك در تملك شرکت خواهد ماند برای استفاده از آن برنامه ای طرح نمود و در عین حال با این روش دیگر سیستم ارباب و رعیتی بوجود نخواهد آمد و فقط شرکتهای روستائی وجود خواهد داشت و کشاورزان عضو شرکت خواهند بود و اگر از کار خود خرسند نباشند میتوانند سهم خود را به دیگر-اعضای شرکت بفروشند و از آن خارج شوند. کشاورزان علاوه بر اسناد زمین و میزان سهمیه خود در مقابل کاری که در طول سال انجام داده اند بطور هفتگی ماهیانه و سالیانه دستمزدی دریافت خواهند داشت. ما این روش را در چند منطقه در کشور خود آزمایش کرده ایم لیکن این هنوز آغاز کار است نتیجه ای که از سال اول بدست آمد طبق اظهار خود کشاورزان این است که درآمد آنها در این سال سه برابر بیش از سال قبل بوده است.

نیومن: تا آنجا که من اطلاع دارم یکی از مناطق مذکور استان خوزستان است که در آنجا يك شرکت امریکایی مدت پانزده سال با دولت آن اعلیحضرت در زمینه های توسعه و بهره برداری از منابع همکاری نموده است.

شاهنشاه: درست است- لیکن این همکاری فقط در زمینه امور عمرانی این منطقه از قبیل طرح ساختمان سد ها و تنظیم سیستم های آبیاری و مجهز کردن منطقه به نیروی برق بوده است و بقیه امور در مسؤولیت ...

نیومن: اعلیحضرتا علت طرح این سؤال آن است که از قدیم برای زارع خرده مالک ارزش خاصی قائل شده اند در حالیکه شما احساس میکنید برای اینکه شخص کشاورز موثری باشد باید ملك وسیعتری دارا باشد شاهنشاه: بلی آقای نیومن-

هدف اصلی ما آن است که سطح زندگی ملت خود را ترقی دهیم و نیل باین هدف تنها از این طریق ممکنست که ما صنعت و کشاورزی خود را بسطح کشور های پیشرفته جهان برسانیم. ما مشاهده میکنیم که امور کشاورزی مثلا در ایالات متحده امریکا حتی بیش از امور صنعتی پیچیده و مشکل است زیرا علاوه بر مساله ماشین آلات، کار تخصصی و آزموده و عرضه کردن کالا در بازار و تهیه غذا و غیره در اوضاع و احوال طبیعی نیز در امر کشاورزی مداخله دارد بدین معنی که اوضاع طبیعی یکسال خوب و سال دیگر نامساعد میباشد گاهی سیل میآید و زمانی خشکسالی میشود و همه اینها در شؤون مختلف کشاورزی موثر است. بنابراین-کشاورزی از صنعت پیچیده تر است و ما میدانیم که برای دارا بودن کشاورزی پیشرفته و بدست آوردن حداکثر محصول از زمینهای تحت کشت باید از آخرین روشهای علمی کشاورزی و بهترین نوع ماشین آلات و حداکثر کودی که میتوان به زمین داد استفاده نمود.

نیومن: بنابراین حاصل این سخنان آن است که شما باید دوره هایی را که کشور های دیگر بتدریج از آن گذشتند یکباره با يك جهش طی کنید.

شاهنشاه: ما باید کار هایی را که دیگران طی صد سال انجام دادند در ظرف چند سال پایان رسانیم البته ما از این امتیاز برخورداریم که از ثمره کوششهای دیگران در این راه حداکثر استفاده را بعمل میآوریم. برای مثال شصت سال طول کشید تا ژاپن بذر جدید برنج و روش نوین کشت آنرا بوجود آورد و ما با بکار بستن روش آنان میتوانیم به نتایجی که آنها پس از شصت سال یا بیشتر تحقیق بآن رسیدند نائل گردیم.

نیومن: این کاریست که تا حدودی خود ژاپنیا انجام دادند. شاهنشاه: بله دقیقا همینطور است.

نیومن: اجازه میخواهم مسئله اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی را دنبال کنم. شما مناطق وسیعی از اراضی سلطنتی را بین کشاورزان توزیع فرمودید که بخود آن اعلیحضرت تعلق داشت.

شاهنشاه: بلی- ما همه آنها را توزیع نمودیم یعنی کلیه زمین های زراعتی بین کشاورزان توزیع

گردیده است.

نیومن: وسعت این زمینها چه مقدار بود؟

شاهنشاه: به هکتار یا به جریب نمیتوانم بلافاصله باین سؤال پاسخ دهم ولی میدانم که این اراضی بین ۳۵۰۰۰۰ نفر تقسیم گردیده است.

نیومن: آیا این امر موجب گردید که مالکان بزرگ بآن اعلیحضرت تاسی کنند؟

شاهنشاه: نه- آنها به من تاسی نکردند و بهمین دلیل بود که ما ناچار شدیم آن قوانین و مقررات سخت را وضع نمائیم.

نیومن: بنابراین آن اعلیحضرت در کشور خود انقلابی پدید آورده اند. علت چیست که شما این انقلاب را انقلاب سفید میخوانید.

شاهنشاه: علت آن فقط این است که انقلاب ما خونین به معنی واقعی کلمه نبوده است. مگر در آن روز که ذکرش قبلا در مصاحبه ما گذشت. همان روزی که نیرو های ارتجاعی میخواستند مانع اجرای برنامه ما گردند این مقاومت از طرف مردم نبود بلکه برعکس وقتی من این اصلاحات را بصورت رفراندوم ب مردم عرضه کردم آنها در حالتی از وجد و سرور و جشن و شادمانی فرو رفتند و آنروز بحقیقت تمام مردم کشور در این رفراندوم شرکت نمودند، در آن زمان زنان هنوز حق رای نداشتند و این حق در انحصار مردان آنهم در سنین معینی بود، نتیجه رفراندوم ۵ میلیون در مقابل ۴ هزار بنفع اصلاحات بود.

نیومن: اعلیحضرتا بعنوان يك محقق تاریخ آیا بنظر شما میتوان انقلابی را از بالا ب مردم تحمیل نمود.

شاهنشاه: بلی این امر وقتی امکان پذیر است که مردم بمقامات مافوق اعتقاد و اطمینان داشته باشند، لاقول در مورد کشور من چنین اقدامی ممکنست از این هم آسان تر باشد. مردم این کشور به شخصی من بخاطر بیست سال تجربه در امور مملکت داری نوعی اعتماد و اطمینان داشتند زیرا من و ملت باهم دوران سخت جنگ را گذرانیده بودیم و در مقابل انواع سختیها و فشار ها دوشادوش یکدیگر قرار داشتیم. يك استان از دست رفته را بار دیگر مجددا بدست آوردیم و باهم بمداخلات بیجای خارجی پایان دادیم. لذا يك اعتماد متقابل

بین ما پدید آمده بود علاوه بر این نام شاه برای مردم ما جاذبه سحرانگیزی دارد. در دورافتاده ترین نقاط کشور حتی آن پیرزن بیسواد که هیچ چیز نمیداند شاه مملکتش را میشناسد. بنابراین انجام انقلاب در بعضی موارد حقیقتا بسیار آسان بود. لیکن در مورد مالکان شاید بتوان گفت که به آنها تحمیل گردید. حتی در مورد مالکان نیز میتوانم بگویم که در بعضی موارد وقتی پیشنهاد اصلاحات ارضی را شنیدند بسیاری از آنها آنرا پذیرفتند و حتی در انجام آن همکاری نمودند موارد دیگر انقلاب بهیچوجه تحمیل بر مردم نبود بلکه پیشنهادهایی بود که مردم تشنه پذیرفتن آن بودند. نیومن: امیدوارم طرح این مطلب با موضوع بحث بی تناسب نباشد. گفته شده است که موفقیت انقلاب سفید در ایران متکی به شخص آن اعلیحضرت است بحدی که این امر برای ملت تقریبا خطرناک است. شاهنشاه: بلی این امر تا چندی پیش خطرناک بنظر میرسید و ممکنست تا چند سال آینده نیز چنین باشد. اما من اطمینان دارم با بالا بردن سطح فرهنگ عامه و دادن تعلیمات فنی بآنها و آماده کردن آنان برای برخورداری از حقوق مدنی خود و در عین حال با توسعه روش واگذاری کار مردم ب مردم از طریق ایجاد شوراهای روستائی و شهری و حتی شوراهای ایالتی، علاوه بر سیستم پارلمانی که در مرکز یعنی پایتخت کشور قرار دارد، آینده اطمینان بخشی در انتظار ملت ایران خواهد بود و در ظرف چند سال دوره هرگونه خطر یا سیر قهقرائی بکلی از میان خواهد رفت.

نیومن: اعلیحضرت آیا معنی این سخن آن است که با پیشرفت برنامه های انقلابی از قدرت شاه یا مقام سلطنت کاسته خواهد شد؟ شاهنشاه: نه قدرت معنوی، زیرا اگر چنین اتفاقی بیفتد جای تأسف است، فکر میکنم این نکته را قبلا نیز بیان داشتم. زمانی خواهد رسید که سلطان ناصالح دیگر نخواهد توانست به کشورش آسیبی برساند زیرا قدرت تقسیم خواهد شد و روشی پدید خواهد آمد که در آن کلیه امور چندین بار کنترل و بررسی خواهد گردید. ولی يك پادشاه خوب میتواند بسیار

صفحه چهارم

مفید واقع شود و علاوه قدرت معنوی پادشاه ثباتی به کشور خواهد بخشید ولو اینکه او بطریق روز افرونی از اعمال قدرت و دخالت مستقیم در امور مختلف بنفع اشخاص ذیصلاحیتی که برای انجام کار تربیت شده اند صرف نظر نماید. موضوعی که در این کشور و شاید در هر کشور دیگری نیز حائز اهمیت میباشد اینست که کنترل نیروهای مسلح کشور باید در دست رئیس مملکت باشد زیرا چیزی از این خطرناک تر نیست که ارتش در سیاست یا سیاست در نیروهای مسلح مداخله داشته باشد و طبیعی است که پادشاه با حائز بودن مقام فرماندهی کل نیروهای مسلح می تواند از دخالت ارتش در سیاست و برعکس جلوگیری نماید.

نیومن: اعلیحضرتا - والا - حضرت ولایتعهد به چه نحو آمادگی پیدا میکنند و چه نوع تعلیماتی میبینند؟

شاهنشاه: بنظر من ولیعهد باید بعد از تحصیلات متوسطه يك رشته تعلیمات نظامی و جامعه شناسی و اقتصاد ببیند زیرا دنیای فردا بر این دو رشته متکی است و بعبارت دیگر عدالت اجتماعی و اقتصاد سالم است که تقسیم ثروت مولد هر کشوری را بین نفوس آن براساس مناسب و متصفانه مقدور و میسر میسازد.

نیومن: اعلیحضرتا - برای اینکه از مطلب مورد بحث یعنی آموزش دور نشویم خواستم سؤال نمایم آیا ایرانیانی که برای تحصیل بخارج از کشور اعزام میشوند خود رشته تحصیلی را انتخاب میکنند یا اینکه دولت رشته تحصیلی آنها را تعیین مینماید؟

شاهنشاه: آنها خود رشته تحصیلی را انتخاب مینمایند ولی میتوان گفت که دولت از دو سه سال قبل باینطرف رشته های مورد نیاز را که ملازمه با پیشرفت و ترقی کشور دارد گوشزد نموده و مینماید و چنانچه محصلین اعم از پسر یا دختر مایل باشند در مراجعت شغلی بدست آورند طبعاً متوجه خواهند بود که چنانچه در رشته های ارائه شده تحصیل نمایند خیلی راحت تر موفق به یافتن شغل میشوند. رشته هایی که ما توصیه میکنیم عبارتست از رشته های فنی و پزشکی یعنی آنچه که کشور در حال حاضر نیاز مبرمی بآن دارد ولی بقرار

معلوم محصلین رشته های مورد نظر خود را انتخاب میکنند. فعلا ما در حدود ۷۰۰۰۰ محصل در خارج داریم که این خود رقم بزرگی است. نیومن: در کتاب شرح حال خود مرقوم فرموده اید که اغلب محصلین ایرانی وقتی بخارج میروند ابتدا از برخورد با فرهنگ خارجی دچار یکنوع ناراحتی و نگرانی میشوند و در مراجعت نیز همین احساس را دارند.

شاهنشاه: بلی قبلا اینطور بود. همانطور که میدانید من این کتاب را در سال ۱۹۵۹ یعنی دهسال قبل نوشته ام و در ظرف این مدت اوضاع عوض شده و این ناراحتی و نگرانی روز بروز کمتر حس میشود.

راجع به سطح زندگی میتوانم بگویم که امروزه جوانان ما که از دانشگاهها فارغ التحصیل می شوند با حقوقهایی حتی بالاتر از آنچه که همپایه های آنها در کشورهایی مانند آلمان غربی، سوئیس و حتی انگلستان دریافت میدارند استخدام میشوند. و میتوان ادعا کرد که کشور ما حداقل در آسیا مرکزی برای جلب مغزها شده است کما اینکه بسیاری از اشخاص از سایر کشور های آسیایی به کشور ما می آیند زیرا در اینجا امکانات حقوقی و بیشتر و بحتل سطح زندگی بالاتری برای آنها فراهم است.

نیومن: اعلیحضرتا گاهی اوقات محصلین در کشور های خارج تظاهراتی علیه آن اعلیحضرت مینمایند که چند نمونه شدید آن در برلین دیده شد. شاهنشاه این موضوع را حمل بر چه میفرمایند؟ شاهنشاه: ظاهراً مهمترین دلیل آن اینست که کمونیزم بین المللی آنها را متشکل نموده و در برخی موارد بآنها تعلیم میدهد که کمونیست بودن خود را آشکارا اقرار نمایند و در بعضی موارد دیگر ادعا میکنند که افرادی متدین هستند و محرك آنها دلایل مذهبی است و اینها طرق مختلفی است که آنها را مورد استفاده قرار میدهند ولی ناگفته نماند که بعضی از آنها پسران و دختران رنجیده و خشمگینی بیش نیستند همانطور که در کشور خود شما و سایر کشورها نیز یافت میشود. خوشبختانه در مورد ما تعداد آنها زیاد نیست و احتمالا در آلمان از پنج هزار نفر تجاوز نمیکند و بهمین دلیل است که چند صد چهره ای که در مونیخ دیدیم در

بن و برلین نیز با همان چهره ها روبرو شدیم و میدانیم که حمل و نقل آنها بوسیله تعدادی اتومبیل و هواپیماهای درست صورت گرفته بود و بدیهی است که این امر با تشکیلات مرتبی انجام میگردد.

نیومن: اعلیحضرتا - اگر معتقدید که کمونیزم بین المللی باعث آن شده نباید از نظر دور داشت که این تظاهرات در همان زمانی صورت میگرفت که شخص شاهنشاه و دولت اعلیحضرت مشغول طرح ریزی روابط جدیدی با اتحاد شوروی بودند. ممکنست بفرومائید چگونه این دو امر همزمان صورت میگرفت؟

شاهنشاه: این موضوعی کاملاً عادی است زیرا مراودات رسمی بین دو دولت و فعالیتهای سازمان کمونیستی را باید از یکدیگر جدا دانست چون خود آنها هم این دو را از هم تفکیک نموده اند.

نیومن: پس اعلیحضرت در روابط جدید خود با روس ها چه منظوری دارند؟

شاهنشاه: منظور ما همان چیزی است که بدست آورده ایم یعنی نه فقط روابط حسنه بلکه همکاری دوستانه و درخور همسایگی زیرا همانطور که میدانید ما مشغول انجام پروژه های بسیاری با روس ها هستیم از قبیل ایجاد کارخانجات ذوب آهن - ساختمان سد بر روی يك رودخانه سرحدی و تاسیس چند کارخانه ماشین سازی و فعالیتهای بسیار دیگری - ما بآنها مقادیر بسیار زیادی گاز طبیعی تحویل خواهیم داد. و برای این پروژه سرمایه گذاری هنگفتی نموده ایم یعنی برای ایجاد خط لوله گاز به اتحاد شوروی قریب ۷۰۰ میلیون دلار خرج میکنیم و از این موضوع کاملاً راضی هستیم زیرا بجای وجود سوء رابطه و نگرانیهای دایمی سرحدات ما با اتحاد شوروی بصورت سرحدات صلح و همکاری درآمده و این چیزی است که من عنوان روابط رسمی بآن اطلاق میکنم ولی از طرف دیگر حزب توده که حزب کمونیست ایران است بیش از پیش جار و جنجال بپا کرده و مردم ما را به طغیان و انجام کارهای دیگری دعوت میکنند که بدیهی است اظهارات آنها نه فقط مسخره آمیز بلکه از حرفهای بیگانه هم بی ارزش تر است ولی با این وجود قصد آنها سرنگون کردن رژیم است.

نیومن: فرضا اگر بحکومت شوروی اظهار بفرمائید «جلو عملیات حزب توده را بگیرد» آیا آنها هیچگونه اعمال نفوذی خواهند کرد؟ شاهنشاه: آنها اظهار میدارند که هیچگونه نفوذی در حزب توده ندارند علاوه بر این چرا من چنین حرفی بزنم؟ زیرا اگر میلیونها دلار هم صرف فعالیتهای اطلاعاتی و جاسوسی بکنم تا بافکار آنها پی ببرم باز میشود گفت که بدون صرف این وجوه صرفا با گوش دادن به گفتارهای فرستنده رادیویی آنها میتوان موفقیت بیشتری کسب نمود زیرا افکار آنها را همان گفتارهای رادیویی تشکیل میدهد.

نیومن: اعلیحضرتا این ایستگاه رادیو در کجا قرار دارد؟ شاهنشاه: سیار است گاهی در يك شهر و زمانی در شهر دیگر. ولی بهر صورت در بعضی از کشورهای اروپای شرقی قرار دارد. نیومن: اعلیحضرتا اجازه میخواهم موضوعی را عنوان کنم که شاید بنظر آن اعلیحضرت چندان مهم جلوه نکند ولی از نظر ما که در يك کشور به اصطلاح پیشرفته و پادری بعضی از کشورها با اصطلاح پیشرفته زندگی میکنیم این موضوع نسبتا مهم بنظر میآید. ایران در حال صنعتی شدن و مدرنیزه شدن است و نمونه آن صنایع فولاد - کارخانجات اتومبیل سازی و صنایع پتروشیمی است و میزان رشد اقتصادی سالیانه ایران ۹ درصد میباشد که نخست وزیر اظهار امیدواری کرده این میزان رشد تا ۱۲ درصد افزایش یابد.

شاهنشاه: خیر این نسبت هم اکنون ۱۲ درصد است.

نیومن: واقعا هم اکنون ۱۲ درصد است؟

شاهنشاه: اکنون ۱۳ درصد است و طی ۴ سال گذشته هم تقریبا ۱۳ درصد بوده است. طی سه سال اخیر هزینه زندگی به نسبت يك و نیم درصد افزایش یافته و فقط امسال هزینه زندگی رو بتراید می رود و این افزایش که ۳۵ درصد خواهد بود بعلا افزایش بهای پاره ای اجناس بخصوص فولاد و سایر محصولات در دنیا میباشد. این تقصیر ما نیست بلکه تقصیر اقتصاد جهانی است زیرا در غیر این صورت ما میتوانستیم افزایش يك و نیم درصد را حفظ کنیم.

نیومن: سؤال منظور نظرم

که عرض کردم ممکنست بنظر اعلیحضرت نسبتا بعید بنظر برسد اینست که با انجام اموری که ذکر آن رفت و مدرنیزه کردن کشور خود آیا تصور نمیفرمائید که بعضی مشکلات و مسائل معلومی را که جوامع صنعتی بیشتر با آن آشنا هستند از قبیل آلودگی هوا و سرو صدا و از بین رفتن صفات انسانی و نظایر آن را گریبانگیر خود میسازید؟

شاهنشاه: بلی - بلی ولی این عمل را گریزی نیست. تنها کاری که میشود کرد اینست که امیدوار باشم ملت من که ملت با رشدی است هرچه را مفید تشخیص میدهد از دنیای نوین صنعتی و جامعه ای که من آنرا جامعه نوین ترانزیتوریزه و کامپیوتوریزه میخوانم کسب نماید و در ضمن تمام جنبه های مطلوب تمدن خود و نیز مبانی زندگی و روال مودبانه را که همیشه مردم ما نسبت بیکدیگر رعایت کرده و صفا و آرامشی را که همیشه در خانواده وجود داشته و نیز نزدیکی و صمیمیتی را که نه تنها بین اعضاء خانواده بلکه بین اهل خانه وجود داشته و من امیدوارم ادامه یابد حفظ نمایند. اگرچه این اصول رو بزوال است ولی هنوز خانواده هایی هستند که بصورت خانوار زندگی نموده و همیشه با مستخدمین خود مانند اعضاء خانواده خویش رفتار میکرده اند و این مستخدمین نیز خود را از اعضاء خانواده دانسته و بکودکان وحتى به ارباب و کدبانوی خانواده پند و اندرز میداده اند.

نیومن: من فقط چند روزی را در تهران بسر بردم و بنظر من ایران که برای اولین بار از آن دیدن میکنم انسان را مجذوب و شیفته خود مینماید ولی باید بگویم که مقدار زیادی از وقتم در تراکم وسایل نقلیه سپری شده است. در ایالات متحده امریکا اینک مردم متمایل بقبول این عقیده شده اند که اتومبیل ضمن اینکه مشکلاتی پیش میآورد موجبات راحتی و آسایش را نیز فراهم میسازد و شاید عاقلانه است که در اینجا بوسایط نقلیه عمومی بیش از اتومبیلهای شخصی تکیه شده است.

شاهنشاه: بلی ما درباره امکان ساختن يك مترو در تهران مشغول مطالعه هستیم و بتدریج کلیه موتورهای دیزل را بموتورهای مصرف کننده L.P.G. که از بین برنده

دود است تبدیل میکنیم و علاوه شهر تهران از گاز نیز استفاده خواهد نمود. بدین ترتیب گمان میکنم پنج سال دیگر هوای تهران از دود پاک خواهد شد و مسلما این اقدام در شهرهای دیگر نیز صورت خواهد گرفت. اما تامین سیستم حمل و نقل عمومی مسلما ضروری میباشد.

نیومن: ممکنست از اعلیحضرت سؤال کنم L.P.G. چیست؟ شاهنشاه: L.P.G. یکی از فرآورده های بسیار سبک نفتی است. مقداری از ماده خامی که نمیتوانم اسم دقیق فنی آنرا بشما بگویم و هر چیز دیگر که ایجاد دود می کند و این دود معمولا بوسیله سوخت سنگین یا سوخت دیزل ایجاد میشود مورد تصفیه قرار میگیرد. این ماده بسیار سبکی است که بهیچوجه دود تولید نمیکند. اکنون دستگاهی بموتورهای دیزل فعلی اضافه کرده اند که از L.P.G. استفاده مینمایند. این امر حتی باعث ازدیاد قدرت موتور میشود زیرا احتراق با سوخت سبکتر بسیار آسانتر انجام میگیرد.

نیومن: اعلیحضرتا تهران باید یکی از شهرهای بزرگ رونق یافته دنیا باشد تصور میفرمائید تا چه میزان بتوان رشد آن را پیش بینی نمود؟

شاهنشاه: ما جدا میکوشیم تا افزایش سکنه این شهر را در رقم ۵ تا ۵ میلیون نفر متوقف سازیم. زیرا قبل از هر چیز باید توجه داشت که تامین احتیاجات جمعیتی بیشتر از این رقم امری انجام نشدنی است و مهمتر از آن مسئله کمبود آب است که تهیه بیش از این مقدار آب غیر مقدور است. نیومن: مثل اینکه تهران «لوس آنجلس» این قسمت از دنیا شده.

شاهنشاه: حدس میزنم در لوس آنجلس دریا بشهر نزدیک است. شما میتوانید آب شور دریا را تبدیل به آب شیرین کرده و آب شهر را تامین کنید ولی در تهران با ارتفاع تقریبا ۴۰۰۰ فوت از سطح دریا چگونه چنین کاری مقدور است؟

نیومن: اعلیحضرتا مسئله ای که برای شخص من مطرح میباشد اینست که ایران و چیزهای ایرانی همیشه جاذبه و افسون زیادی برای بقیه دنیا داشته است. نام ایران

يك خصوصیت نسبتا سحر آمیز بدنبال دارد. وقتی این مملکت يك کشور مدرنیزه و صنعتی آنچنان که آن اعلیحضرت امیدوارند بشود چه مقدار از این جاذبه و سحر انگیزی باقی خواهد ماند؟

شاهنشاه: برای خودمان یا برای دیگران؟ برای خودمان من امیدوارم با ارائه روش حفظ بناهای قدیمی و نگهداری آنها و خواندن اشعار شعرایمان و رسانیدن آنها به گوش مردم از راه رادیو و تلویزیون و برنامه های دیگر این خصوصیات باقی بماند و این از وظایف وزیر هنرهای زیبا است. وزارت فرهنگ نیز باید به پرورش و توسعه این خصوصیات بپردازد. دانشکده های هنرهای زیبا و سایر دانشکده های مربوط به ادبیات باید سنن ملی ما را از زوال مصون بدارند. من فکر میکنم ما خودمان مسلما مقداری از آن یا اکثر آنرا حفظ خواهیم کرد. در مورد دنیا تصور میکنم تورسم مقداری باین امر کمک خواهد کرد زیرا وقتی جهانگردان باینجا میآیند احتمالا از بناهای تاریخی و مناظر قشنگ بازدید خواهند کرد. آثار گذشته ایران چیزی است که در جای دیگر نمی توانید ببینید زیرا مثلا کارخانه ذوب آهن تقریبا در همه جا هست بنابراین مساعی خود ما و تعداد روز افزون توریست ها کمک خواهد کرد که این کشور جلال و شکوه و آثار گذشته خود را حفظ نماید.

نیومن: اعلیحضرتا شاید نبایستی این سؤال را مطرح کنم زیرا هنگامیکه جلوتر به شرح حال اعلیحضرت اشاره کردم خاطر نشان فرمودید که شرح حال مزبور را ده سال قبل مرقوم داشته اید. ولی در همان اتوبیوگرافی اظهار امیدواری فرموده بودید که ایران به ایجاد يك ترکیب جهانی نوین شرق و غرب کمک کند ممکنست بفرمائید در آئزمان که ده سال از آن تاریخ میگذرد منظور اعلیحضرت چه بود و اینک پس از ده سال نظر اعلیحضرت در آن باره چیست؟

شاهنشاه: بنظر من با کوشش هایی که ایالات متحده امریکا در راه حصول توافق یا تقاهم با اتحاد شوروی مثلا در زمینه محدودیت سلاح های هسته ای بعمل آورده جهان نیز در آن گام نهاده است. همه می گویند که بروز جنگ غیر قابل تصور است و بهمین دلیل هم که باشد باید

طرق و وسایلی برای درك يكديگر برانگیزند. شما تغییراتی را که در همین جهت در آلمان غربی حاصل شده است مشاهده میکنید فرانسه هم مدتها است میکوشد چنین نقشی ایفا کند و مشاهده میشود که کشورهای اروپای خاوری نیز برای نزدیکتر شدن به بقیه کشور های اروپایی تمایل دارند. بنظر من دنیا حقیقتا در چنین راهی گام بر میدارد. و هرگاه کشور ما بتواند بصورت پلی (بین شرق و غرب) درآید ما از آن حسن استقبال می کنیم زیرا هیچ کشوری در زمان ما نمیتواند از يك كشتر همگانی مصیبت بار هسته ای پیروز درآید.

نیومن : ایران طی قرون متعددی حالت يك چهار راه را داشته است. آیا این موقعیت جغرافیایی کشور وضع خاصی را در مناسبات خارجی به ایران تحمیل میکند ؟

شاهنشاه : ممکنست ولی ما هرگز از فلسفه اساسی خودمان در سیاست خارجی که همانا حفظ استقلال و حق حاکمیت و آزادی فردی است دست برنخواهیم داشت و این چیزی است که با هیچ چیز دیگر سودا نخواهیم کرد. ولی در عین حال تصور میکنم ما که در این چهارراه مهم قرار داریم همواره می توانیم در صورت بروز هر نوع سوء تفاهمی بصورت يك رابط حسن نیت عمل کنیم و بکوشیم میانجی خوبی باشیم.

نیومن : اعلیحضرتا در این خصوص همیشه اظهار نظر شده است که ایران با اسرائیل مناسبات بازرگانی سودمندی دارد آیا ایران که کشوری مسلمان است میتواند در زمینه مشکلات موجود بین اعراب و اسرائیل که واقعا اسباب ناراحتی سراسر جهان میباشد و صلح را به مخاطره میاندازد کاری انجام دهد ؟

شاهنشاه : مستقیما خیر ولی بطور غیر مستقیم میتوانیم توصیه کنیم که تا آخرین لحظه لازم است دریافتن راه حل های مسالمت آمیز برای مسائل موجود کوشش و مجاهدت شود و این چیزی است که در کنفرانس رباط مورد توجه قرار گرفت. از طرف دیگر نیز به اسرائیلی ها میگوئیم - ببینید در این عصر نمیتوانیم اصل تصرف اراضی و سرزمینهای را که با استفاده از زور صورت گرفته است قبول کنیم.

لذا ما میتوانیم چنین نقشی را ایفا کنیم و در این راه اگر آنها از ماحرف شنوی داشته باشند از حیثیت و نفوذ خودمان استفاده نمائیم. ولی موضوع مهمی که باقی میماند این است که سازمان ملل متحد بایستی نیرومندتر شود و این در بسیاری موارد کاملا اهمیت دارد. یا آنکه دست آخر چهار کشور بزرگ یادو کشور مقتدر جهان حقیقتا بایستی راه حل عملی و قابل قبولی برای این مسئله پیدا کنند.

نیومن : ایران موضوع اولین شکایت به شورای امنیت سازمان ملل بود یا بهتر بگویم اولین کشوری بود که به شورای مزبور شکایت کرد و آنهم در زمانی بود که اتحاد شوروی در آذربایجان بود آیا اینطور نیست ؟

شاهنشاه : بلی درست است ولی این مربوط به چندین سال قبل است.

نیومن : بنابراین آنچه که از آن زمان به اینطرف برای سازمان ملل اتفاق افتاده است ایران را مایوس کرده است ؟

شاهنشاه : بلی صحیح است بدون شك مایوس شده بودیم. به همین دلیل و شاید هم از همان موقع بود که ما احساس کردیم که وجود دوست و متحد بسیار مغتنم و مفید میباشد و باوجود اینکه داشتن موسسه ای چون سازمان ملل متحد بسیار خوب و موثر است ولی هر کشور صاحب عزت نفس در جهان باید در وهله اول متکی بخود باشد.

نیومن : در بقیه وقتی که باقی مانده است از اعلیحضرتا اجازه میخواهم سؤالات بزرگتر و جامع تری را مطرح نمایم. شاهنشاه فلسفه خودشان را ناسیونالیسم مثبت می نامند. آیا این همان چیزی است که هم اکنون میفرمودید ؟

شاهنشاه : بلی این یکی از جنبه های ناسیونالیسم مثبت است زیرا مشاهده شده است که برخی از دوستان که با ما پیمان منعقد کرده بودند در ساعات سختی و آزمایش خشك و بی اعتنا باقی ماندند.

نیومن : ولی کشوری به پهنای ایران مسلما نمیتواند صرفا متکی بخود باشد. تعداد کشور هایی که بتوانند از نظر نظامی مستغنی و متکی بخود باشند بسیار کم است. شاهنشاه : این بسته به آن است که دلیلش چه باشد. از اینرو است

که ما پیمان اتحاد داریم و با آنکه فقط روی کاغذ است هنوز به آن وفاداریم.

نیومن : سنتو را میفرمائید؟ شاهنشاه : بلی و آنهم در زمینه يك جنگ جهانی است. که خیلی بعید بنظر میرسد. معذا در هر پیشامد محلی مامکتی به خود و قدرت نظامی خودمان هستیم زیرا بنظر من اگر قرار باشد که کشور های بزرگ در کشمکشها و زد و خورد های محلی مداخله کنند برای جهان بسیار ناراحت کننده خواهد بود.

نیومن : با اجازه شاهنشاه یکبار دیگر به اتوبیوگرافی اعلیحضرت اشاره میکنم. مرقوم فرموده اید، «در سالهای اخیر ما در خاورمیانه در تحلیل عینی خودمان پیشرفتی نکرده ایم» علت این امر چه بوده؟ شاهنشاه : شاید عقیده ها یا خاطراتی نامطلوب از گذشته باشد. برخی از کشورها هنوز عهد استعمار گری و سلوک و رفتاری را که در آن دوران وجود داشت بخاطر دارند.

شاید بعضی از آنان هنوز احساس میکنند که مورد استثمار واقع شده اند. نبودن تعلیم و تربیت و نداشتن دولت خوب و درستکار و منزه نیز مزید بر علت است. به علاوه در بسیاری موارد دولتهای فاسدی وجود دارند که فقط بفکر پر کردن جیب خود هستند و همه این عوامل دست بدست یکدیگر داده و محیطی ایجاد کرده اند که کمکی به تفکر و تعمق در باب این مسائل و پیدا کردن راه حل صحیح و آشکار نمینماید.

نیومن : اعلیحضرتا - از کتاب شرح حال شاهنشاه چنین استنباط نمودم که آن اعلیحضرت جدا به مشیت الهی معتقد بوده و هدایت و راهنمایی خداوند را در تمشیت امور ذیمدخل دانسته اند. در صورتیکه اعلیحضرت هنوز هم بر این عقیده باقی هستند ممکنست منظور خود را صریحا بیان فرمایند؟ شاهنشاه : اتفاقات بسیاری که در زندگی من پیش آمده مرا بیش از پیش در این عقیده راسخ نموده و بدیهی است که هنوز هم نهایت اعتقاد را باین امر دارم. شاید بعضیها موضوع را مسخره آمیز بدانند یا فرض نمایند که من مایلم توجه بیشتری را بسوی خویش جلب یا خود را شخصی بزرگ و برجسته ای قلمداد نمایم ولی هرگاه شما

تاریخچه کشور مرا در دوران سلطنت من بدقت مطالعه نمائید متوجه خواهید شد که حداقل سه یا چهار مرتبه در آستانه سقوط یعنی سقوط کامل قرار گرفتیم و خیلی آسانتر میبود که من موفقیتها را تماما جزو افتخارات شخصی خود قلمداد و ادعا نمایم این منم که با تیزبینی و ذكاء خویش موفق به حل مسائل و معضلات گردیده و کشورم را از ورطه سقوط نجات داده ام ولی مجبورم اذعان نمایم آن قدرتی که پشتیبان و نگاهدارنده من بود مرا از کلیه این بلیات مصون و محفوظ داشت و مرا به اتخاذ روش و طریق صحیح مشوق و رهنمون گشت.

نیومن : البته اطلاع دارم مواردی از قبیل افتادن از اسب - بیماری شدید و سوء قصد بجان اعلیحضرت پیش آمد کرده و علاوه بر این در دوران حکومت مصدق و در زمان ملی شدن نفت کشور آن اعلیحضرت در آستانه هرج و مرج قرار گرفت.

شاهنشاه : بلی چنین است و ضمنا باید از چند حادثه هوایی کم اهمیت تر نیز نام برد. نیومن : اعلیحضرتا - هدف گلوله قرار گرفتن - تا چه میزان در تضعیف روحیه و اعصاب اثر میگذازد ؟

شاهنشاه : میتوانم بگویم حادثه باندازه ای سریع صورت گرفت که تا پایان کار نتوانستم درست تشخیص دهم ولی در مرتبه دوم صدای گلوله های مسلسل و انعکاس آنرا در راهرو میشنیدم و چنین بنظر میرسید که ده یا بیست مسلسل در آن واحد و برای مدتی طولانی مشغول تیراندازی بودند و در ظرف این مدت من مجبور بودم در دفتر کار خود بایستم بدون اینکه بدانم در خارج چه میگذرد و نمیدانستم آیا باید از اطاق بیرون بروم یا نروم. در این واقعه باوجود اینکه من مسلح نبودم خود را نباختم ولی باید اذعان کنم که مدت آن بسیار طولانی بنظر میرسید و با آنکه شاید بیش از چند ثانیه بطول نینجامید باندازه چند دقیقه بنظر میآمد.

نیومن : سؤال بنده باین علت است که خود هرگز با چنین منظره ای برخورد نکرده ام بهر حال خیلی متشکرم واز آن اعلیحضرت برای این مصاحبه نهایت سپاسگزاری را دارم.



از هر خرمین دانه‌ای

«امشب از خود می‌سازیم»

اخیرا درهای تالار دانشکده‌های دانشگاه تهران بروی هنرو هنرمندان و هنردوستان باز شده است.

یکی از شبهای دهه دوم بهمن ماه به توصیه یک دوست عاشق تئاتر به تالار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفتم. ساعت هشت شب در آنجا قطعه تئاتری بنام «امشب از خود می‌سازیم» اثر پیراندلو را نمایش می‌دادند.

کار تهیه این پيس را خود دانشجویان دانشگاه تهران بنام «کوی دانشگاه تهران» انجام داده بودند و تنها پرویز صیاد درمیان آنها سابقه تئاتری داشت. باید بگویم که بایک فکر قبلی بدیدن نمایش رفتم و آن این بود که آیا شاگردان تازه کار دانشگاه تهران از عهده انجام یک پيس به سنگینی کار پیراندلو بر خواهند آمد.

پیراندلو همان استاد ادبیات زبان ایتالیائی است که نزدیک به یک ربع قرن در انستیتو عالی تربیت استاد دز رم تدریس کرد و رمان‌ها و داستانها و کارهای تئاتری بسیاری منتشر کرد.

بعضی را عقیده بر اینست که کارهای تئاتری او بسیار تاریک است و گروهی دیگر را عقیده بر اینست که وی یک معرف زنده دل و آگاه و مطلع از حالات گوناگون روحیه بشری است.

بهر حال صرف نظر از قضاوت های مردم، واقعیت اینست که پیراندلو در سال ۱۹۳۴ جایزه نوبل ادبیات را بدست آورد. اولین کار تئاتری او «هرکس حقیقت خودش را دارد» نام داشت که درست یکسال مانده به پایان جنگ

اول (۱۸ - ۱۹۱۴) انتشار یافت. مهم ترین آثار تئاتری او «شش شخصیت در جستجوی مولف» است که در حیات فروغ فرخزاد، بانظر او، اداره او و گروهی دیگر در تهران بروی صحنه آمد. و بعد «هائری چهارم»، «لباس پوشاندن به لخت ها»، «هرکس به سبک خود» و بالاخره «امشب فی البداهه می‌سازیم» است که «امشب از خود می‌سازیم» ترجمه کرده بودند.

افراد این گروه هنری دانشگاه زیر نظر خانم پری صابری کار می‌کنند که ترجمه و کارگردانی و دکور و لباس این پيس را هم او بهمه داشته. و باتوجه بمدت بسیار کوتاه تمرین افرادی که پيس را آماده کرده و بروی صحنه آورده بودند باید گفت که پیشرفت آنها چشم گیر است.

هیچ کاری و مخصوصا کار هنری نمی‌تواند بدون نقص باشد اما کوشش دانش پژوهان و دانشجویان دانشگاه تهران در عرضه این پيس هر تماشاگری را تحت تاثیر قرار می‌داد. همه بازیگران که تعداد آنها از بیست تجاوز می کرد نقش خود را خوب ایفا کردند اما کار خانم سوسن تسلیمی که نقش سنگینی را برعهده داشت مرا بیاد حرف لوئی ژووه فرانسوی

انداخت که بهنگام بازی «زنی دیوانه از اهل شایو» گفته بود بازیگر باید خود را در پوست شخصیت تئاتری خود بگذارد.

ما امیدواریم که این گروه کوشا و پرتحرک و پرشور و شوق در راه درستی که پیش می‌روند (و در این راه دانشگاه تهران هم سهم بسزائی دارد) توفیق های بیشتر بدست آرند.

باشد که پایه های هنر تئاتر سالم ایران بدست این گروه و امثال آنها در دانشگاه پی‌ریزی شود. و سپس در تمام مملکت اشاعه و تعمیم یابد.

این نظرها را اکثر کشورهای صنعتی پذیرفته اند.

«باگشودن بال های طلائی خویش»

«صنعت که هزارها هزاربازوی توانا دارد»

«شاد و خوشحال از آب و هوای ما می‌گذرد»

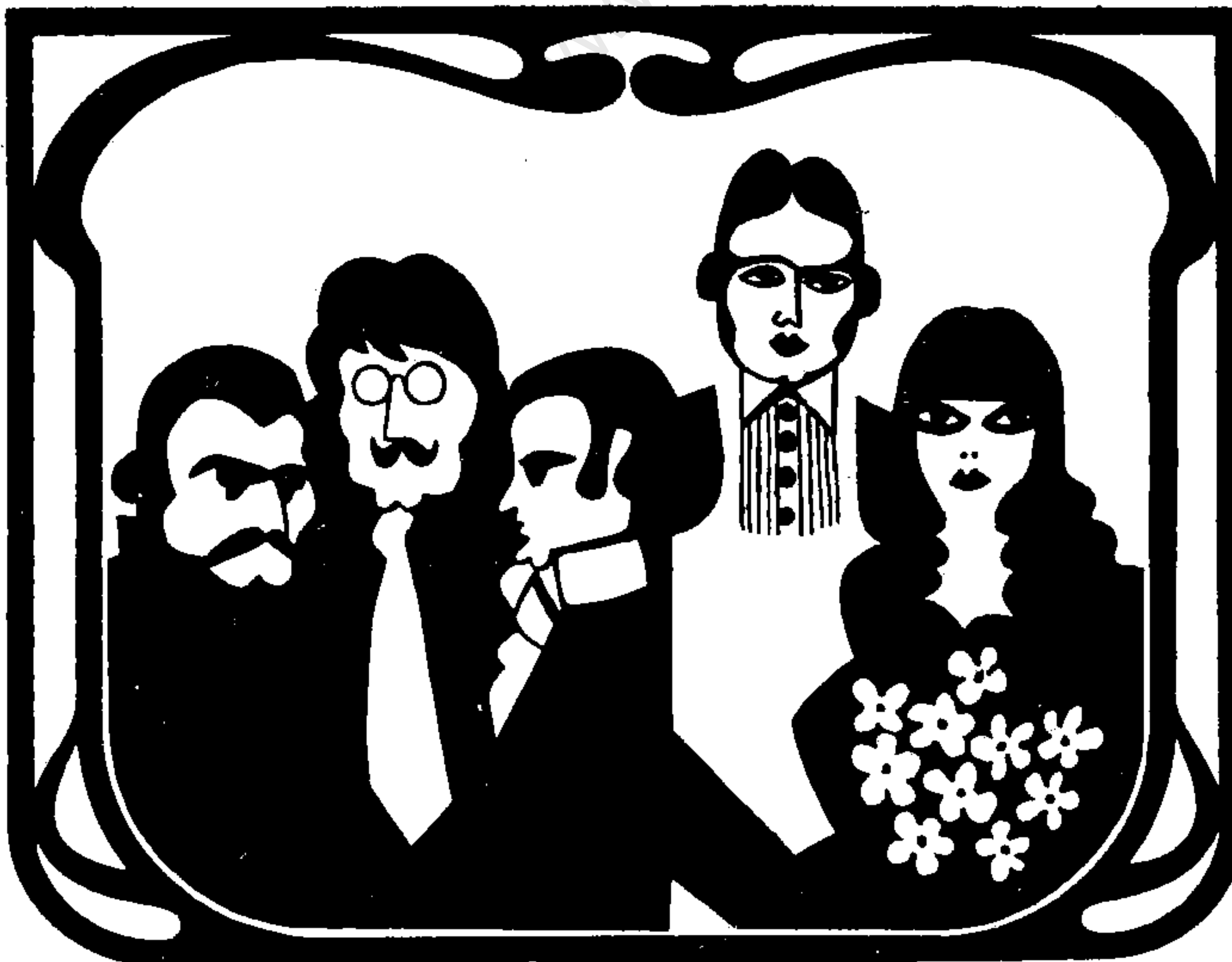
«وملك های ما را بارور می سازد.»

این گفته را از روزه دولیل سازنده سرود ملی فرانسه آوردم. صنعت باز موضوع روزاست و شاید بتوان گفت مهم ترین موضوع مورد

بحث در جهان امروز. از این جهت فرقی میان کشور های توسعه یافته و در حال توسعه و عقب مانده نیست.

مثلا همین فرانسه که آنرا گروهی کشور صنعتی تصور می کنند، خود را از لحاظ صنعتی پیشرفته نمی‌داند. آخرین آمار حکایت می‌کند از اینکه تولید صنعتی انگلستان دوازده درصد و تولید صنعتی آلمان چهل درصد بیش از فرانسه است و از لحاظ وسعت عمل و تمرکز در امر صنعت هم فرانسه راه طولانی در پیش دارد. تنها گروه معدودی می‌دانند که موسسه رنو فرانسه که حتی در روسیه شوروی هم شعبه و کارخانه دارد در میان موسسات بزرگ غیر امریکائی در ردیف نوزدهم قرار دارد. و تازه بیست شرکت بزرگ غیر امریکائی دنیا هیچکدام به آستانه دو میلیارد دلار کارکرد در سال نمی‌رسند.

بیاد داشته باشیم که این رقم برای شرکت موسسه رویال داچ، نه میلیارد و دویست میلیون دلار و برای شرکت اونی لیور: پنج میلیارد و نیم دلار و برای شرکت امپریال کمیکال اند استریس دو میلیارد و نهصد میلیون دلار و برای شرکت فولکس واگن هم



انجام شد، نه در سطح افرادی که بازی پیس را تفنن تلقی کرده باشند. در هر سه شب بازی سالن انجمن ایران و فرانسه پر بود و گروهی هم در راهروها میان صندلی‌ها ایستاده تماشا می‌کردند. زحمات این گروه قابل تقدیر و موفقیت آنها با توجه باینکه زبان فرانسه بود قابل ذکر است.

پس از اتمام جلسه در ملاقاتی که با بازیگران دست داد همه تماشاگران در ضمن تبریک به آنها آرزو کردند که این کار جدی و اصولی را بازیگران «آماتوری» رها نکنند و این راه را نه بخاطر خودشان بلکه بخاطر دوستی با تئاتر و زبان و فرهنگ فرانسه هرچه بیشتر تکرار کنند.

وقتی ژاپن امپراتوری در کمک به سبیری شوروی گام برمی‌دارد
در اخبار آمده بود که مذاکرات بسیار مهمی بین ژاپن و شوروی در نیمه ماه فوریه در باره کمک امپراتوری زرد به کشور شوراها آغاز گشته است.

موضوع مذاکره تجهیز سبیری شرقی است. ژاپنی‌ها بدین مناسبت نیرومندترین هیئت اقتصادی خود را که تا بحال از لحاظ کمیت و کیفیت افراد اعزامی سابقه نداشته تحت ریاست «ناگانو» به مسکو فرستادند. در این هیئت شصت شخصیت اقتصادی و صنعتی ژاپن عضویت دارند که نیمی از آنها مدیر و رئیس هیئت مدیره مهم ترین موسسات صنعتی و تجاری ژاپن هستند.

اولین موضوع مذاکره بحث در اطراف صدور گاز به ژاپن است. یک لوله گاز بطول ۱۵۰۰ کیلومتر که شصت کیلومتر آن از زیر تنگه سویا میان جزیره هوکایدو و ساخالین خواهد گذشت باید گاز را به ژاپن برساند.

شورویها علاقمندند که ژاپنی‌ها هم در بهره‌برداری و هم در استفاده از این گاز مشارکت داشته باشند. و نیز در استخراج و بهره‌برداری از نفت شوروی که در منطقه «باز - امور» و در آبهای دریای ژاپن و دریای هوکایدو کشف شده ممکن است مورد علاقه ژاپن قرار گیرد. پیشنهاد هائی برای استخراج و تاسیس یک شرکت

چه در تولید و چه در مصرف صنایع. و بالاخره تلفیق کار کشاورزی با صنعت و پیش‌برد کشاورزی از طریق کمک‌های صنعتی، مانند تهیه بذرها مناسب با زمین، هوا و محیط کشت، با بازده‌های عالی و تهیه ماشین‌آلات کشت و ماشین‌های درو و دفع آفات و تهیه کود شیمیائی با توجه باینکه هر روزی که می‌گذرد روند «تقاضای جنس بهتر و بیشتر» رو باز دیاد است.

این نظریه‌ها را چه در بخش دولتی و چه در بخش غیر دولتی، اکثر کشورهای علاقمند به صنعتی شدن پذیرفته‌اند، و در بکار بستن آنها اقدام کرده‌اند.

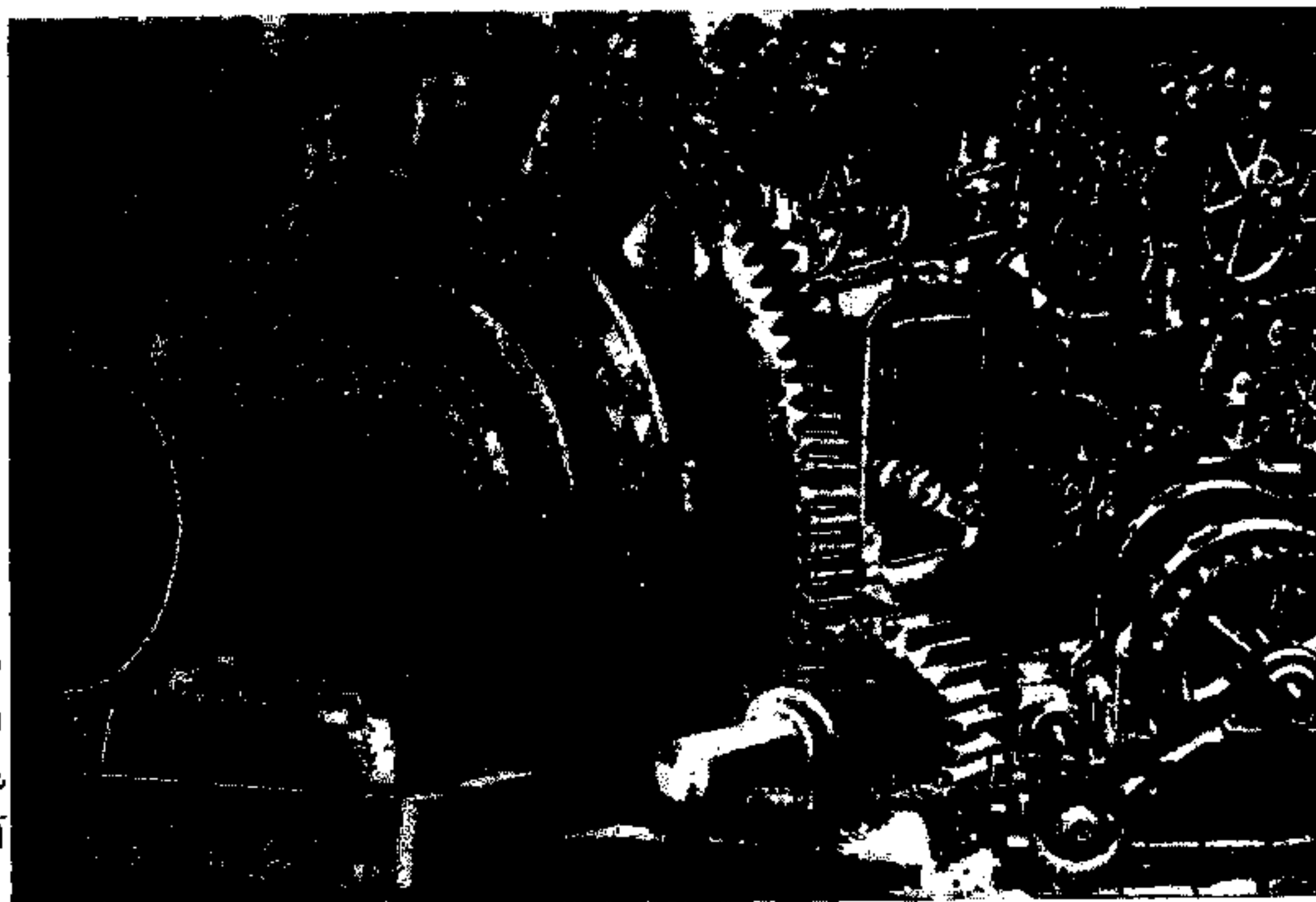
حال آیا همه این رویه‌ها و قواعد که در کشورهای خارج از مرز کشور ما مورد پذیرش قرار گرفته با کشور ما هم با اصطلاح قدیمی‌ها «طبق النعل بالنعل» منطبق است یا نه؟

جواب این سؤال رامشولان تنظیم برنامه‌های پنج ساله و ده ساله و بیست ساله آینده این مملکت عزیز ما باید بدهند البته با توجه به‌طور فکر، سلیقه، سنن و راه روش‌ها و مزه‌های دهان مردم کشور ما.

آواز خوان زن کچل

در انجمن فرهنگی ایران و فرانسه در نیمه دوم بهمن ماه «آواز خوان زن کچل» اثر اوژن یونسکو را گروهی از ایرانیان بزبان اصلی: فرانسه روی صحنه آوردند. بازی کنان از همه طبقات جامعه ایران بودند، ژاله صبا استاد رشته باله، فرخ غفاری کارگردان، نویسنده و معاون سابق تلویزیون ملی ایران، کاظمی نقاش هنرمند و استاد دانشگاه در رشته تربیتی، خانم صابری و روشنگر اعتماد کارشناس تئاتر و سینما و بالاخره داود رشیدی کارگردان معروف و استاد تدریس در رشته تئاتر و سینما، در این قطعه بازی کردند. کارگردانی پیس را مشکوتی انجام داده بود.

اگر چه ظاهراً این گروه یک کار آماتوری را ارائه کرده بودند اما باید گفت که کار در سطح با اصطلاح «پروفسیونل» و کسانی که کارشان بازی در تئاتر است



۱- تشکیل بانک‌های سرمایه گذاری صنعتی در رشته‌های معین صنعت.

۲- اختلاط و امتزاج موسسات صنعتی که کارهای مشابه صنعتی انجام می‌دهند.

۳- توجه به حاشیه درآمدهای موسسات صنعتی یا آنچه که در اصطلاح حسابداری سود ویژه واقعی نام دارد با توجه به اصول مدیریت و سرمایه‌گذاری درست، وجلوگیری از هدر رفتگی هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری، و استفاده کیفی و کمی از نیروهای انسانی موجود در این موسسات و در تمام کشور، ایجاد واحد های عظیم صنعتی، تمرکز و اداره آن بدست مدیر یا مدیران و افراد لایق و عاشق کار، و حذف هزینه‌های شخصی و بدون اثر مستقیم در بازده کار و صنعت، آگاه بودن مرتب مدیران از آخرین تحولات و پیشرفت‌ها و شکست‌های آن صنعت و کار در دنیا، آگاه ساختن بموقع مسئولین برای جلو گیری از تجربه کردن، تجربه شده‌ها، در جریان گذاشتن مسئولین از آخرین اطلاعات مربوط به ماشین‌ها و وسائل پیشرفت کار، و تهیه برنامه‌های مناسب برای احتیاجات ده تا ۲۵ سال آینده آن صنعت و محصولات آن، و نیروی انسانی مورد نیاز، و نو کردن و ایجاد تحرك در همه صنایع، چه در بخش سرمایه‌گذاری چه در بخش ماشین‌آلات و وسائل و چه در هزینه‌های جاری و مخصوصاً مشارکت مردم

درست همین مبلغ یعنی (۲۹) میلیارد و برای فیلیپس دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار بود.

ما هم اکنون در ایران راهی درست را بسوی صنعتی شدن پیش گرفته‌ایم.

امروز نه فقط در سیاست رهبری مملکت بلکه در همه تصمیم‌هائی که گرفته می‌شود یک معارف و شاخص بچشم می‌خورد و آن رشد سریع اقتصادی و اجتماعی مملکت است.

این رشد طبق برآورد بانک مرکزی ایران بطور قابل توجهی براساس ۱۲ درصد و بیشتر تا بحال محفوظ مانده است و کوشش مداوم این است و باید باشد که این درصد سالانه باقی بماند و بیشتر هم بشود.

در این چند ساله اخیر مردم مملکت ما به این رشد علاقمند شده‌اند و حتی شاید بتوان گفت که بدان عادت کرده‌اند. و این یک واقعیت بلاتردید است که وقتی ملتی به رشد اقتصادی و رشد مداوم سطح زندگی عادت کرد دیگر نمی‌تواند از این علاقه و عادت خود باسانی صرف نظر کند.

و امروز پر همه مسلم است که صنعت و توسعه آن کلید رشد اقتصادی و هم اجتماعی است.

در کشورهای صنعتی دنیا رفته رفته تصمیماتی برای بهبود صنعت و توسعه آن می‌گیرند. از جمله باید از تصمیماتی که در زیر آورده‌ایم یاد کرد:

از این جهت از طرف ژاپنی ها داده شده است .

موضوع دوم مذاکره آنها ایجاد و تجهیز بندر جدید و رانگر در خلیج و لادی وستک بود و موضوع سوم بهره برداری از جنگل های سیبری از طرف ژاپنی ها از طریق تامین وسائل صنایع چوب است . در همه این مذاکرات شورویها بدنبال اعتبارات درازمدت بودند که البته صنعت ژاپن بدون کمک دولت ژاپن بعلت زیادی مبلغ آن نمی توانست موافقتی نشان دهد . چندی پیش شورویها با شرکت نیشان ژاپنی معامله ای کردند برای خرید دو هزار و سیصد تراکتور و کامیون سنگین بمبلغ ۳۵ میلیون دلار .

باز خبر دیگری بود مبنی بر اینکه شورویها اخیرا باز با ژاپنی ها وارد مذاکره شده اند ، برای تاسیس کارخانه ای که بتواند سالانه یکصد و پنجاه هزار کامیون و یکصد هزار موتور اتومبیل تهیه کند و نیز مذاکراتی در جریان است برای اینکه بهره برداری از خط هوایی بوسیله ژاپنی ها از راه مسکو توکیو از فراز سیبری بنا بر قراردادی که در نوامبر گذشته بامضاء رسید بمرحله عمل درآید .

تقاضای ژاپن برای بازگشت بعضی جزائر در اقیانوس آرام که از سال ۱۹۴۵ به تصرف شورویها درآمد هنوز در میان است و شورویها نمی خواهند کلمه ای در این مورد بپذیرند و توسعه سیبری هم بوسیله ژاپن مورد علاقه شوروی بنظر میرسد . اما درهمه این خبرها يك نکته مهم جالب بنظر می رسد و آن اینکه این کشور آسیائی کهن و کهنه که ژاپن نام دارد و درست تاریخ شناخته شده آن باتاریخ ایران مقارن است و مردم آن سنن قدیمی و کهن خود را با شور و شوق حفظ کرده اند و اکثریت مردم آن هنوز برزمین می نشینند و لباسهای قدیم خود را در خانه می پوشند و آداب و عادات و رویه و روال زندگی پیشین خود را حفظ کرده اند و از صنعتی شدن کشورشان در عصر و تاریخ (می جی) بیش ازیکصد سال نمی گذرد ، امروز بمرحله ای رسیده اند که کشور شورا ها که

حیات و زندگی خود را برصنعتی شدن استوار کرد امروز توسعه صنعتی سیبری خود را با آنها در میان می گذارد و خریدار کامیون ها و تراکتور ها و کارخانه های کامیون سازی و موتور اتوموبیل سازی آنها است . بیاد بیاوریم که این کشور در ۲۴ سال پیش از این با انفجار بمب های اتمی در آن کشور بکلی از پا در آمد و از صفر کار خود را آغاز کرد . آری يك کشور شرقی اگر بخواهد و اگر سنن و عادات و رویه های درست خود را از دست ندهد می تواند نیاز های خود را برآورد و می تواند که کشور های صنعتی را هم نیازمند خود سازد .

طبيب يا عينك ساز

چندی پیش در يك مهمانی بحثی بود در باره اینکه آیا طبیب چشم حتماً باید دستور تهیه عینک را بدهد یا عینک ساز هم می تواند خود بتنهائی این کار را بکند ؟ مثل معمول استدلال های

موافق و مخالف فراوان شد . گروهی می گفتند که بازدید از چشم و اجازه تهیه شیشه های مورد نیاز از اعمال اختصاصی و خاص اطبا است و گروهی دیگر با استناد به مقررات معمول در بریتانیا و بلژیک و ممالك متحده که عینک سازها در موارد ضرورت می توانند با تشکیلات بیمه های اجتماعی همکاری کنند می گفتند که اینها باید بتوانند به مشتریان خودشان عینک مورد احتیاج آنها را بدهند . در فرانسه این مشکل يك ربع قرن پیش بدین شکل حل شده بود که می بایست حتما نسخه طبیب چشم در دست باشد تا عینک ساز اقدام به تهیه عینک برای مشتری بکند .

یکی از مهمانان می گفت در کشور ما هم رویه فرانسویها مورد پیروی است اما با توجه به مشتریان فراوانی که امروز طبیبی درجه اول و مخصوصا طبیب چشم تهران دارند و چه بسیار روزها باید در صف ایستاد تا وقت ملاقات با آنها برسد و با توجه به اطلاعات و دانشی که در امور تهیه عینک از همه مسئولین عینک سازی ها خواسته می شود ، آیا نمی شود ترتیبی داد که در شرائط خاص عینک سازهایی که مجاز به تهیه عینک هستند و بنا بر این اطلاعات کافی در این رشته باید داشته

باشند بتوانند به آنها که محتاج عینک هستند کمک کنند ؟ تو خواننده عزیز در این مورد چه نظر داری و حق را به کدام دسته می دهی ؟

توقف تکنیک و پیشرفت و کسب در آمد بیشتر یا قصه ای نواز حسابگرهای برقی

رقم عملیات شرکت معروف آی. بی. ام. امریکا از پنج میلیارد و سیصد میلیون دلار در سال ۱۹۶۷ به شش میلیارد و هفتصد و هشتاد و هشت میلیون دلار در سال ۱۹۶۸ و هشت میلیارد و یکصد و نود و هشت میلیون دلار در سال ۱۹۶۹ رسید که از این مبلغ اخیر تنها دو میلیارد دلار آن مربوط به تجارت جهانی است .

اما نکته جالب توجه اینکه اصل تاکنون بر این بوده که ماشین های حسابگر برقی را باستناد اینکه تکنیک و رویه آن ممکن است با پیشرفت زمان تغییر کند بیشتر تقاضا کنندگان با مبالغ گزاف اجاره می کردند ولی نمی خریدند بطوریکه بهای کرایه ماشین ها گاه در مدت سه سال معادل با بهای خرید آن می شد . با همه اینها تمایل مصرف کنندگان به اجاره آنها بیشتر بود تا به خرید .

اما در سال گذشته طبق نظر مسئولین شرکت آی. بی. ام. استفاده این شرکت بیشتر براساس فروش خود ماشین حسابگرهای برقی بود و این امر در نگاه اول ممکن است موجب تعجب فراوان شود .

اما حقیقت اینست که در این دو سال اخیر يك نوع توقف و رکود در تکنیک این حسابگرها طبق نظر روزنامه لوموند پیش آمده است . در آغاز پیدایش این حسابگرها (کمپیوترها) در فاصله های کوتاه در کار آنها تحول سریع و پیشرفت های چشم گیری پیش آمد . «نسل های» ماشین با سرعت یکی جای دیگری را می گرفت و طبیعی بود که مصرف کنندگان و مشتریان آن به طریقی عمل کنند که ماشین ها هنوز مدت کوتاهی کار نکرده کهنه نشوند . و بدین علت تعرفه های سنگین و کوتاه مدت را قبول می کردند ، از بیم آنکه مبدا ماشین را که امروز خریداری می کنند فردا بعلت پیشرفت در تکنیک و کار این

ماشین ها کهنه شود .

اما امروز چنین بنظر می رسد که حتی خود سازندگان این ماشین ها چنین می اندیشند که به يك وضع ثابت رسیده اند ؛ وضعی که شاید باین زودبیا عوض نشود و بنا بر این تمایل مصرف کننده که بر کرایه حسابگرهای برقی بود بسوی خرید آنها بازگشته است .

هم اکنون گروه کثیری از موسسات کشور ما از ماشین های حسابگر برقی (کمپیوتر) استفاده می کنند . بطوریکه شاید از این جهت ایران در خاورمیانه اول باشد .

و تا آنجا که من اطلاع دارم بیشتر این ماشین ها اجاره است .

اگر اطلاعات مربوط به رکود و ثبات در تکنیک این ماشین ها صحیح باشد و اگر در ظرف سه سال و اندی سازندگان ماشین ها بهای اصلی يك ماشین را از مصرف کننده بگیرند آیا جای آن نیست که درباره ادامه سیستم سابق مجددا مطالعه و بررسی کافی بشود ؟

از طرف دیگر با پراکندگی این ماشین های حسابگر در ادارات ، شرکت ها و موسسات گوناگون کشور ما ، آیا جای آن نیست که درباره

تمرکز همه ماشین ها در يك جا و استفاده از ارتباط این مرکز اصلی با مراکزی که حسابگرهای برقی مورد نیاز آنها هستند آیا نمی توان واقعا صرفه جوئی هایی هم در هزینه های این حسابگرهای برقی بعمل آورد ؟

اعتقاد داشتن و معتقد کردن

اخیرا آقایان ژورژ پمپیدو و شاپان دلماس بادو وزیر فرانسوی وبا کمک هیئتی از افراد برگزیده فرانسه دست بکار ارزیابی مناسب میان دولت و مردم شده اند .

ژان پیر لولکلرک معتقد است که در این کنگاش و جستجو همان مار دریائی قدیمی باز به سطح آب آمده که اسمش را باید تجدید نظر درمناسبات میان مدیریت و (باصطلاح خود او) «اداره شده ها» گذاشت .

و گویا پس از ماهها جستجو ومطالعه راه حل هایی برای این مشکل یافته باشند . هدف اصلی اینها اینست که تغییرانی بزرگ بوجود آورند تا میان فرانسویها و

"مدیریت" که همان دولت باشد مناسبات هم ساده شود و هم انسانی. برای رسیدن باین هدف و اعمال این سیاست چند وسیله یا وسایلی باید برانگیخت و چگونه در اجرای آن باید نظارت کرد؟ از آغاز امر چنین بنظر می آید که ایجاد یک کمیسیون اصلاحات بسبب و رویه‌ای که سابقه داشت به کار نمی‌آید و بدین منظور دو هیئت نظارت یکی بسوی شمال و یکی بسوی آکیتن اعزام شد. این دو هیئت وظیفه داشتند که در مدت سه ماه نظریات و عقاید و رضایت‌ها و نارضا‌یی‌های فرانسویها و حتی مامورین دولت را روی کاغذ آورند. و این هیئت‌ها وظیفه هم داشتند تا مراقبت کنند "برحجم مجموعه گزارش‌های مفصل و فلسفی موجود درباره اعمال مدیریت دولت چیزی افزوده نگردد."

باز اینها وظیفه داشتند نظریات علمی و دقیق و روشن در باره امور معین و مشخص را عرضه دارند. بدین ترتیب هیئت اعزامی به آکیتن دست بر روی ۶۶ نقطه داغ در مناسبات میان مدیران و مردم گذاشت و حاصل کارهای آنها کمک کرد باین که فهرستی از نقطه‌های «داغ» در شمال فرانسه در نیمه ژانویه و در منطقه آکیتن در نیمه فوریه امسال آماده شود.

آنگاه این سؤال را پدیدو مطرح کرد که آیا نمی‌شود از کارمندان و مامورین مفید و وارد ولی با اصطلاح "چند بنیادی" برای چندین کار مختلف استفاده کرد؟ بطوریکه مردم برای حل گروهی از مسائل مبتلا به خود، فقط با یک مخاطب سرو کار پیدا کنند و مجبور به رفتن از این اتاق بآن اتاق و این دفتر بآن دفتر و این ساختمان بآن ساختمان نشوند.

پدیدو می‌خواهد در این مورد کارهایی "در عمق" انجام گردد ولو آنکه مدت آن طولانی باشد، مثل پیدا کردن مامورین شایسته و ذی صلاحیت و مفید "چند بنیادی" یا چندکاره و با اصطلاح خودش Polyvalent یا عمومیت دادن کارهای یک مامور مفید دولت برای سبک کردن بار مراجعین.

از آن طرف نخست وزیر فرانسه می‌خواهد اعتقادی در میان مردم و مامورین دولت ایجاد کند مبنی بر اینکه باید رویه خود را عوض کنند. و در این مورد بدنیال یک تکنیک و راه حل برای «آگاه کردن» و «مطلع ساختن» و «در جریان گذاشتن» فرانسویها است. او عقیده دارد که باید قدم به قدم و مرحله به مرحله تصمیم‌های عملی در بهبود وضع روزمره و روزانه مردم در مناسبات آنها با مامورین به مرحله اجرا درآید. و بدین منظور مثلاً در مورد گذرنامه، شناسنامه، تصدیق رانندگی و کلید تصدیق‌های مورد نیاز دستگاههای دولتی و ملی تسهیلات بسیاری فراهم شود و این تسهیلات را هم باید عمومیت دهند.

شابان دلماس رئیس دولت فرانسه اصرار دارد که در این زمینه‌ها هر روز تصمیم‌هایی در راه ایجاد تسهیلات تازه‌ای برای مردم گرفته شود.

بنظر آنها اصل باید براین باشد که در کار خدمات و سرویس‌ها مامورین دولت تا آنجا که ممکن است در کار مردم تسهیل کنند و پس از خدمات البته نوبت به امور دیگر می‌رسد مانند مواد کشاورزی، بهداشت عمومی و امثال آن.

اما مشکل همان است که شابان دلماس نخست وزیر فرانسه بدان اشاره کرد. یعنی معتقد کردن مامورین دولت و هم مردمی که به خدمات این مامورین نیاز دارند؛ معتقد کردن مامورین از بالاترین فرد آنها تا آنها که در پایین‌ترین پله‌ها هستند.

"اگر زیربنای مدیریت ما با تکنیک تازه جهان منطبق نگردد گناه آن با اداره کنندگان است نه با مامورین آنها." این نتیجه‌ای بود که آقای مالو وزیر و مسئول اجرائی دولت فرانسه از تحقیقات و تتبعات خود در این زمینه‌ها گرفت و آنرا عیناً در ماه دسامبر سال گذشته با اطلاع مجلس ملی فرانسه رساند.

و اما همین پیشنهادها و نظرهای پدیدو و شابان دلماس رئیس دولت هم در همجا یکسان و

یکجور تلقی نگشت. تا آنجا که حتی در روزنامه لوموند نوشتند که ساده کردن مناسبات میان مامورین دولت با مخالفت گروهی از مدیرها و مامورین دولت که نمی‌خواهند به ابواب جمعی آنها خدش‌ای وارد شود ممکن است لطمه وارد کند و از تعداد دفاتر و ادارات و مشاغل آنها بکاهد و حدود و دائره وسیع کار آنها را محدود سازد و بدین مناسبت احتمالاً ممکن است با مخالفت و مقاومت آنها روبرو شود.

و درباره مردم هم گفتند که این رجوع افراد به مراحل گوناگون برای گرفتن انواع گواهی‌ها و تصدیق‌ها اگرچه طولانی و مزاحم است اما تسهیل فراوان و حذف مراحل گوناگون ممکن است موجب «حمایت کمتر از افراد ضعیف‌تر» شود و باعث شود که آنها که قوی‌ترند کارشان زودتر و سریع‌تر و بهتر انجام گیرد.

خواننده عزیز، اگر من بدین تفصیل موضوع را در اینجا آوردم برای آنست که نظر تو را بدانم. امروز در دنیای ما فراوان هستند مسائلی که در همه کشورهای جهان کمابیش یکجور و در عین حال مطرح است. و یکی از آنها روابط میان مامورین دولت و مردم است که برای تسهیل آن و معتقد کردن اداره‌کننده‌گان و «اداره شده‌ها» کوشش‌هایی در اکثر کشور های جهان و از جمله فرانسه بعمل آمده و می‌آید.

نظر آقای پمپیدو و شابان دلماس رئیس دولت آنکشور را برایت در بالا آوردم توام با نظر بعضی از نویسندگان آن کشورها در عدم موافقت با اینگونه تصمیم‌ها. اما تو حق را بکدام طرف می‌دهی؟

در ضمن خوب است که مامورین دولت از بالاترین سطح (مانند وزراء) تا مامورین تازه وارد بخدمت و آنها که میان این دو سطح قرار دارند، آنها هم نظر خودشان را درباره اعتقاد داشتن مدیران و مامورین و معتقد کردن مردم و «اداره شده‌ها» و هم چنین مناسبات میان مدیران و مردم برای ما بفرستند.

راکتورهای اتمی مولد برق (الکتریسیته)

نوشته : دکتر ناصر روحانی زاده

مقدمه : عصری که ما در آن زندگی می کنیم عصر اتم نامیده میشود. شناخت چگونگی کاربرد اتم در راه صلح و استفاده آن در راه تامین نیازمندیهای انرژی بشر از جمله مواردی است که ذهن بسیاری از دانشمندان و متخصصین اقتصادی جوامع مختلف را بخود مشغول کرده است.

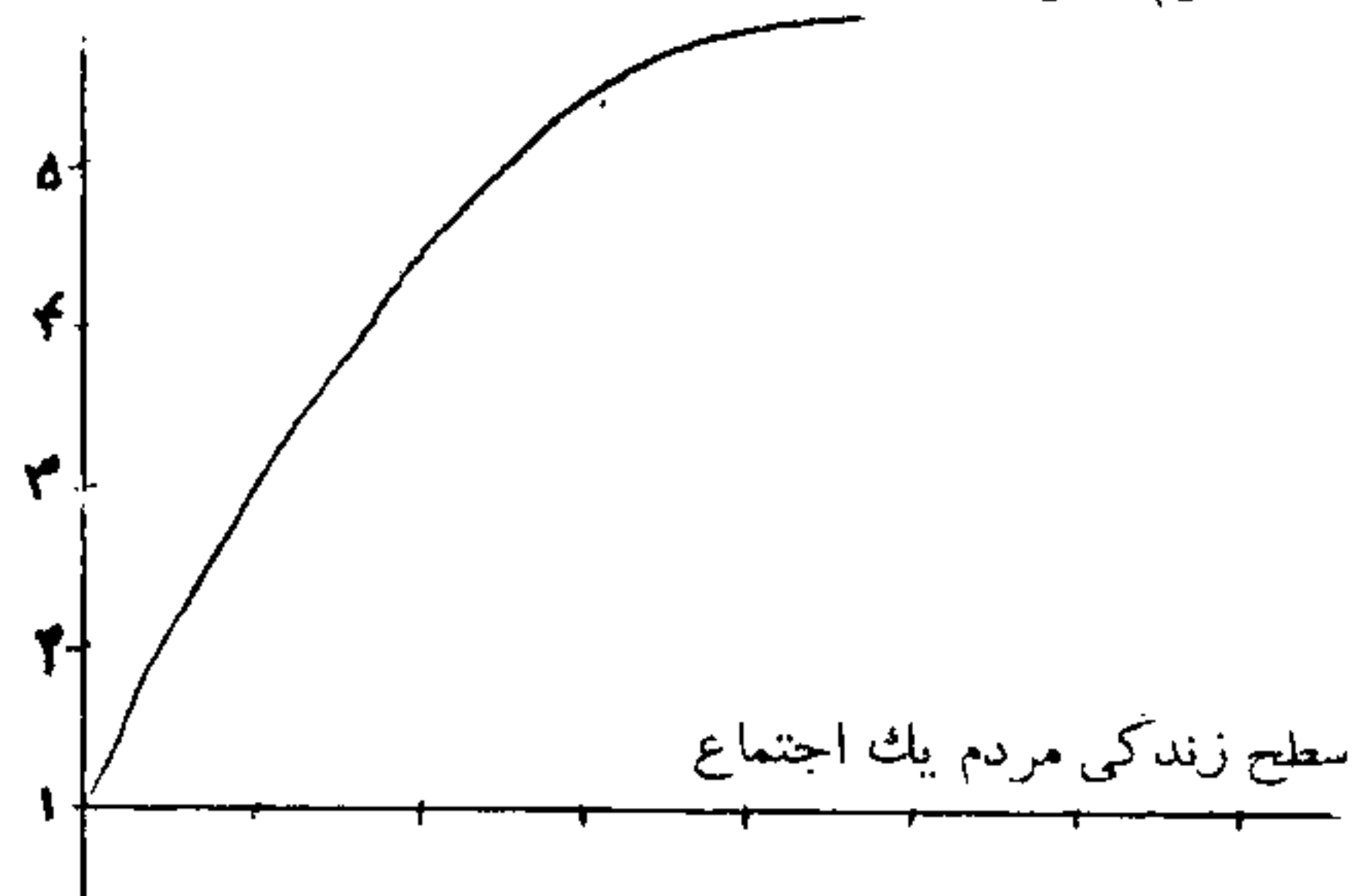
در این عصر تقریباً تمام کشورهای دنیا با انرژی اتمی و چگونگی استفاده صلح جویانه آن آشنائی دارند. اتم و راکتورهای اتمی در راه خدمت به بشر بکار میروند. در مدت کوتاهی که از پیدایش راکتورهای اتمی میگذرد بشر توانسته است از آن بعنوان وسیله و ابزار کار جدید و مفیدی برای رفع احتیاجات خود استفاده نماید. امروزه علوم اتمی هزاران موارد استفاده برای بشر پیدا کرده است و مستقیماً در تمام جهات مختلف زندگی تاثیر گذارده و شدت این تاثیر گاهی بحدی زیاد است که میتوان گفت انقلابی روی داده است.

علوم اتمی در رشته های مختلف علوم کار

برد قابل ملاحظه ای پیدا کرده و در بالا بردن سطح زندگی مردم نقش موثری را ایفا میکند. در علم پزشکی برای شناخت امراض و معالجه آن، در کشاورزی برای بالا بردن سطح تولیدات و آشنا کردن محققین به شیوه های مدرن کشاورزی، در بیولوژی برای شناخت حیات و چگونگی زندگی سلولهای حیاتی و در صنعت برای ایجاد الکتریسیته و ماشین های مولد حرارت و در نتیجه برای انداختن کشتی ها و زیر دریائی های عظیم اتمی از انرژی اتمی و تشعشعات حاصل از آن استفاده میشود.

طبق محاسبات سازمانهای بین المللی یکی از شاخص های مهم بالا رفتن سطح زندگی يك اجتماع میزان مصرف سرانه انرژی الکتریک آن اجتماع است یعنی هرچه در يك اجتماع مقدار مصرف انرژی الکتریک زیاده تر باشد سطح زندگی آن اجتماع بالاتر است. منحنی زیر افزایش مصرف انرژی الکتریکی يك جامعه را نسبت به سطح زندگی آن جامعه بطور کیفی نشان میدهد.

مگاوات



مقدار انرژی الکتریک تهیه شده برای جمعیت (مردم) يك کشور

جوامع در حال توسعه سعی دارند که انرژی الکتریکی مورد نیاز خود را هرچه بیشتر و ارزاتر تولید کنند بدین سبب از تمام شیوه های تولید این انرژی استفاده میکنند. یکی از شیوه های مدرن تولید انرژی الکتریکی استفاده از راکتورهای اتمی مولد برق میباشد. اخیراً نیز در هندوستان يك کارخانه برق اتمی بقدرت ۲۰۰ مگاوات ایجاد گردیده است بنظر میرسد که بحث کوتاهی در مورد تولید برق بوسیله راکتورهای اتمی بی مورد نباشد.

بررسی وضع راکتورهای مولد برق در جهان :

راکتورهای اتمی مولد برق در جهان بر حسب نوع سیستم خنك کننده و چگونگی سوخت اولیه آن (که از اورانیوم غنی ۲۳۵ یا طبیعی باشد) به ۴ یا حداکثر ۵ نوع تقسیم میگردد که در اغلب کشورهای دنیا ساخته و بکار افتاده اند. در جدول زیر آماری کلی از تمام راکتورهای مولد برق موجود در جهان و همچنین قدرت و مقدار تولید برق آنها در ساعت نشان داده شده است (برای تعیین قدرت راکتور در این جدول بایستی ظرفیت تولید برق را ضربدر ضریبی برابر ۳ نمود).

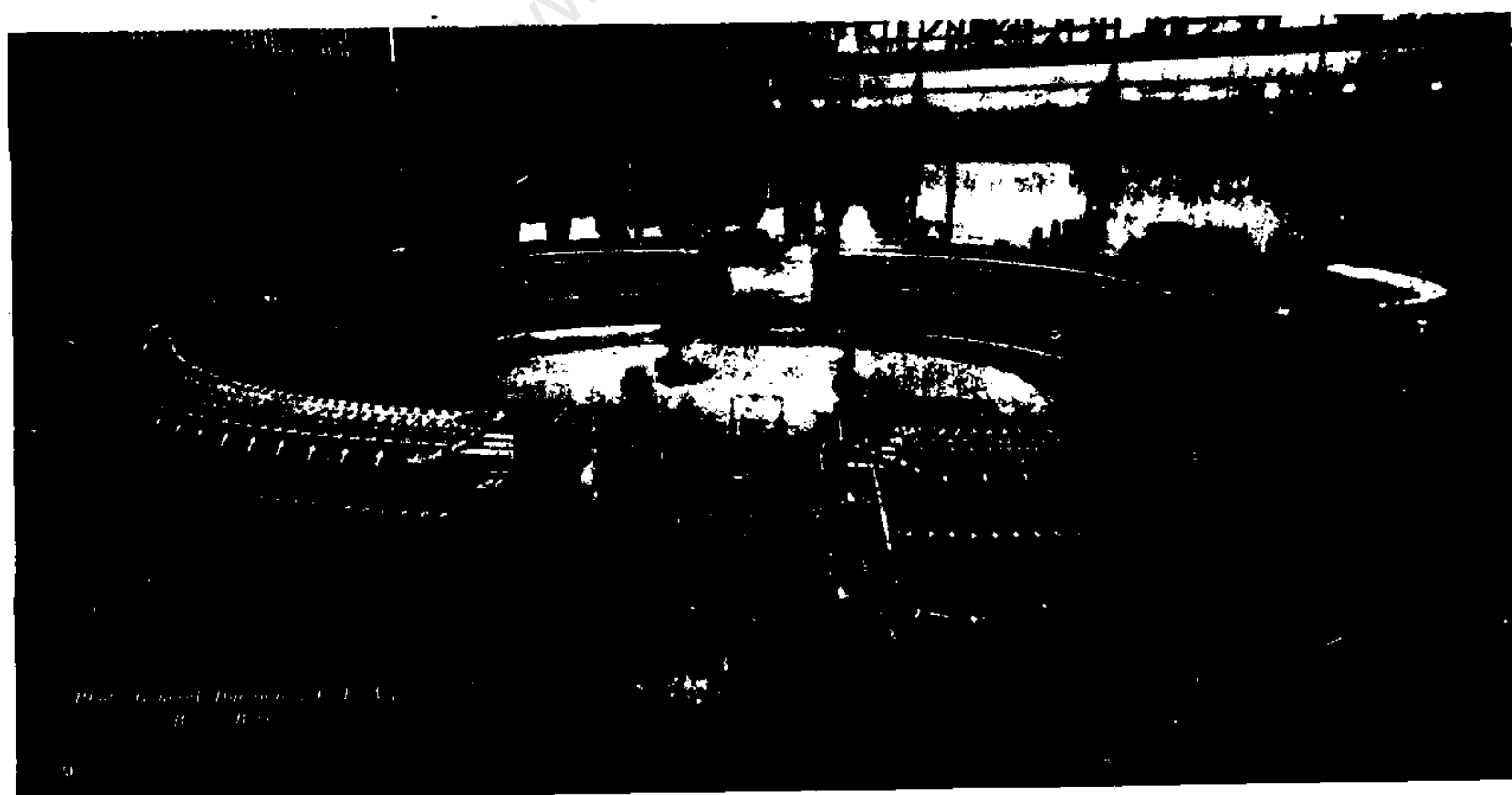
Capacity
MWe

U.S.A.

SPAIN:		FRANCE :		gross)
Zorita	153	Marcoule	80	Shippigport 100
NETHERLANDS:		Chinnon (EDF-1, -2, -3)	760	Dresden 210
Dodewaard	54	Busey	100	Yankee 185
BELGIUM:		St. Laurent-des-Eaux	500	Indian Point 292
Mol, BR-3	114	Chooz (SENA)	266	Big Rock Point 75
SWITZERLAND:		ITALY:		Humboldt Bay 70
Beznau - 1	364	Latina	210	Saxton 4.3
INDIA:		Garigliano	169	Idaho, EBR-2 22
Tarapur-1	200	Trino	252	Hanford, NPR 800
Tarapur-2	200	W. GERMANY:		Fermi 69.5
		Gundremmingen	250	Peach botom 40
		Lingen	250	Conn. Yankee 590
		MZFR	50	San Onofre 450
		Obrighein	280	BRITAIN:
		Kahl	15	Calder Hall 219
			Capcity	Chapelcross 228
			(New	Berkeley 334.4
			gross)	Bradwell 374.1
				Hunterston 360
		AVR	15	Hinkley Point 664.1
		JAPAN:		Trawsfyundd 584.8
		Tokai, JAPCO	166	Dungeness-A 576.6
		CANADA:		Sizewell 652.5
		Rolphton, NPD	25	Oldbury 633.5
		Douglas Point	220	Windscale, AGR 41
		SWEDEN:		Dounreay, DFR 13.5
		Agesta, R-3/Adam	10	Winfrith, SGHWAR 1000

راکتور اتمی یعنی چه :

راکتور اتمی یا پیل اتمی دستگاهیست که در آن هسته‌های عناصر مختلف (هسته‌های سنگین) که آنها را سوخت می‌گویند شکسته میشوند و در نتیجه مقدار زیادی انرژی آزاد میگردد. عناصری که برای این عمل مورد استفاده قرار می‌گیرند اورانیوم ۲۳۵، ۲۳۳ و پلوتونیوم ۲۳۹ میباشند. عمل راکتورهای اتمی بر اساس شکسته شدن هسته عنصر سنگین و تقسیم آن بدو قسمت میباشد. که بوسیله دو دانشمند آلمانی در سال ۱۹۳۹ (اتوهاهن Otto Hahn و فریز اشتراسمان Fritz Strassman) کشف گردید و معلوم شد که برخورد نوترونها با هسته بعضی عناصر سنگین (مثلا اورانیوم ۲۳۵) سبب برهم خوردن توازن داخلی هسته میشود که



سینکرون « زحل » متعلق به مرکز اتمی ساکلی به پروتون ها نیروئی معادل سه میلیارد الکترون ولت میدهد .

بجوش آورد. بنابراین از راکتور اتمی ایران فقط میتوان برای ایجاد پرتوهای مختلف و استفاده از این پرتوها در ساختن رادیو ایزوتوپها و تحقیقات اتمی استفاده کرد در صورتیکه در راکتورهای اتمی که برای تولید برق کار میکنند ما بهیچوجه به تشعشعات و پرتوهای رادیواکتیو احتیاجی نداشته و آنها را با حفاظهای حرارتی و بیولوژیکی محصور مینمائیم و فقط از انرژی و گرمای حاصله که در این راکتور هابسیار زیاد است استفاده مینمائیم.

در راکتورهای مولد برق قدرت خیلی بیشتر از راکتورهای تحقیقاتی است. مثلاً با راکتورهای با قدرت حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ مگاوات انرژی حرارتی میتوان جریان معینی از آبی را با فشار ۵۰ اتمسفر تا ۵۰۰ درجه حرارت سائتیکرادی گرم کرد و در اثر عبور از یک دستگاه تبادل گرمای میانی که برای جلوگیری از آلوده شدن ژنراتورها تعبیه شده است وارد ژنراتورهای بخار و توربینهای مولد برق کرد و انرژی حرارتی را تبدیل به انرژی الکتریکی نمود و پس از بکار انداختن توربینها با یک پمپ ثانوی آب خنک شده دوباره وارد راکتور میگردد و بهمین ترتیب ۲۴ ساعته یک راکتور مولد برق کار میکند. شکل ۱ مدار جریان خنک کننده یک راکتور قدرت را نشان میدهد.

کنترل عمل شکست زنجیره ای اولین بار بوسیله میلههای گرافیت که میلههای اورانیوم را دربرداشت انجام گرفت.

در شکست اورانیوم در راکتورهای اتمی بازاء هر هسته ۲۰۰ میلیون الکترون ولت انرژی آزاد میشود و بلافاصله بحرارت تبدیل میشود. مایع خنک کننده (آب، آب سنگین، فلزات مذاب و غیره) انرژی حرارتی تولید شده در هسته مرکزی را بدستگاههای مصرف کننده حرارت منتقل میکند و پس از خنک شدن مجدداً به هسته مرکزی بر میگردد.

فرق بین راکتورهای تحقیقاتی و راکتورهای مولد برق:

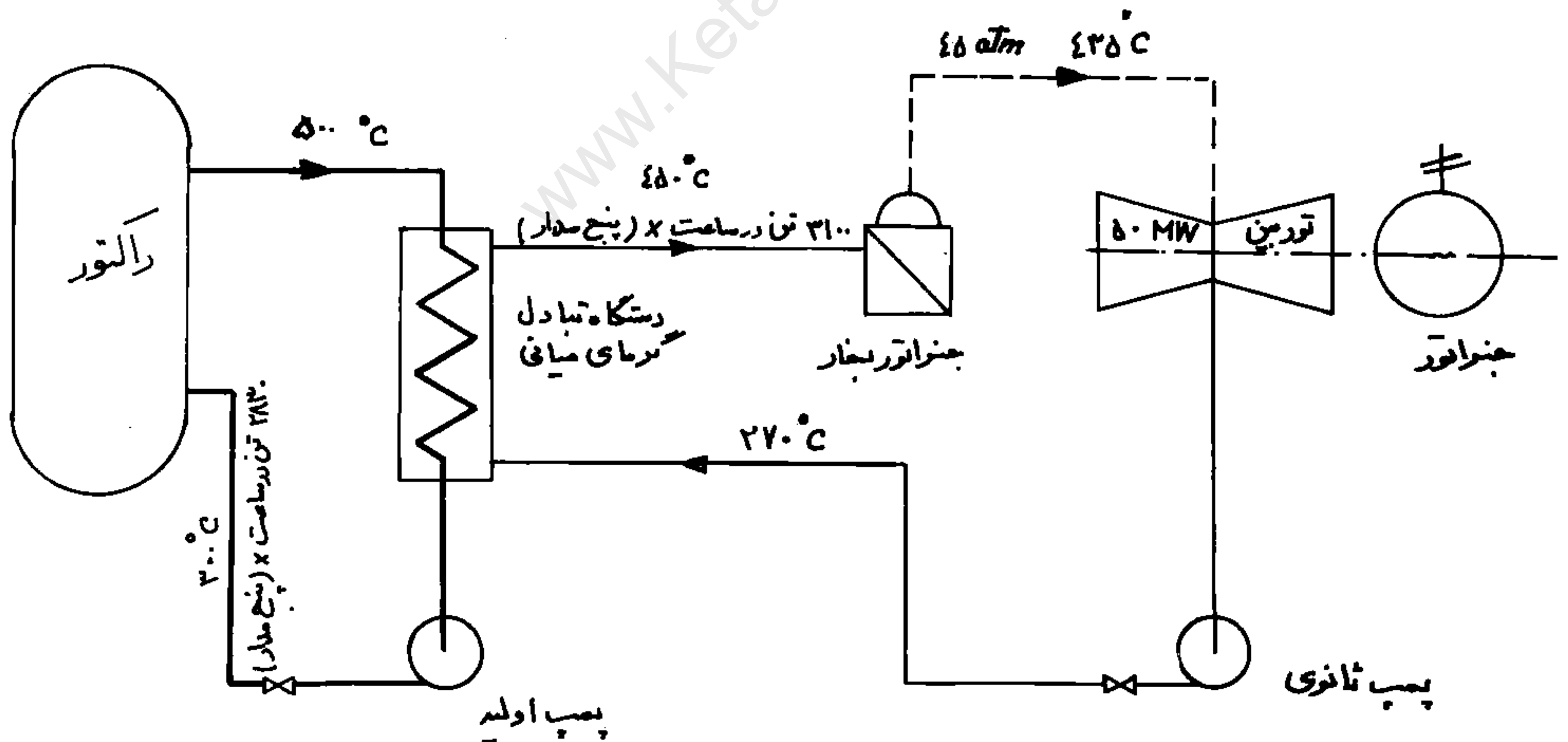
راکتورهای اتمی اعم از تحقیقاتی و مولد برق براساس عمل **Fission** یعنی شکست زنجیره ای هسته کار میکنند و هیچگونه فرقی از نظر علمی و کار و اساس باهم ندارند مگر چند مورد بخصوص که عبارتند از:

در راکتورهای اتمی که مورد استفاده تحقیقاتی قرار میگیرند (مثلاً راکتور اتمی ایران) مقدار انرژی و بالنتیجه حرارتی که ایجاد میگردد آنقدر نیست که بتوان از آن برای برآه انداختن توربینهای مولد برق استفاده کرد. مثلاً انرژی حرارتی حاصل از راکتور اتمی ایران با قدرت ماگزیمم، مقدار حرارتی است که میتواند در هر ساعت ۵۴ متر مکعب آب ۲۰ درجه را در فشار متعارفی

پس از دراز شدن وسط آن فرورفتگی پیدا میکند و معمولاً بدو تکه تقسیم میگردد که با سرعت زیادی بدور پرتاب میشوند این عمل را شکست اتمی یا **Fission** مینامند.

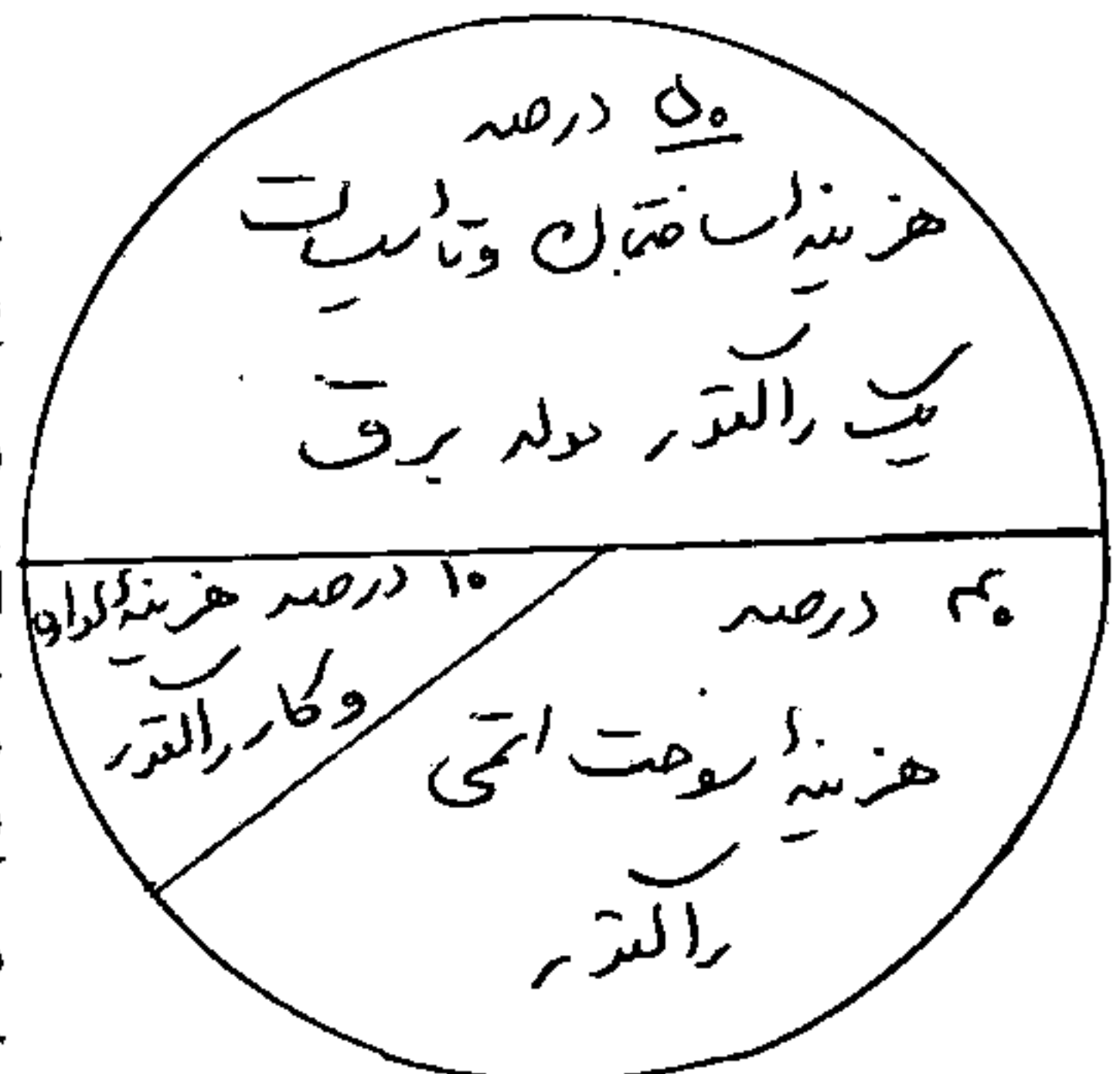
در نتیجه این عمل انرژی زیادی تولید میشود و تکههای ایجاد شده بزودی در اثر برخورد با مواد اطراف خود متوقف میشوند و انرژی سینتیک آنها مبدل بگرما میگردد و همین گرما است که بصورت مختلف چنانچه لازم باشد بمصرف میرسد.

یک واکنش شکست در راکتور بتنهائی نمیتواند یک منبع انرژی قابل استفاده باشد و یک شکست زنجیره ای لازمست تا یک عمل شکست باعث شکستهای دیگری شود و انرژی لازم بدست آید و برای اینکه واکنش بحالت زنجیره ای در آید یک مقدار معینی از ماده قابل شکست و همچنین یک منبع ثابت نوترون لازم است. مقدار معینی از ماده که میتواند این منظور را تامین کند جرم بحرانی یا **Critical Mass** نامیده میشود. موقعیکه این مقدار موجود باشد و نوترونها باندازه کافی برسد یک واکنش زنجیره ای رخ خواهد داد که بایستی در راکتورها کنترل گردد. برای اولین بار انریکو فرمی **Enrico Fermi** در سال ۱۹۴۲ در آمریکا موفق شد که اولین عمل زنجیره ای را کنترل نماید و اولین راکتور اتمی دنیا را بسازد.



مدار جریان خنک کننده راکتور مولد برق

خرج يك راکتور اتمی مولد برق معمولاً زیاد است و میتوان آنرا بصورت زیر نشان داد .



بدین معنی که ۵۰ درصد خرج اصلی يك راکتور اتمی مولد برق بایستی بمصرف ساختمان و تاسیسات راکتور برسد و چنانچه راکتور مولد برق اتمی را بصورت زیرزمینی سازند این مقدار باز هم افزایش پیدا میکند (در حدود ۲۵ درصد) و ۴۰ درصد هزینه يك راکتور اتمی صرف تهیه سوخت راکتور میگردد که چنانچه این سوخت از اورانیوم

طبیعی تهیه گردد ارزاتر تمام میشود . زیرا تهیه اورانیوم غنی بسیار گرانتر و سخت‌تر از اورانیوم طبیعی میباشد . ۱۰ درصد هزینه يك راکتور نیز صرف اداره و بکار انداختن و کار يك راکتور مولد برق میشود که اگر بخواهیم طبق صورتهای و هزینه های منتشر شده بوسیله آژانس بین المللی انرژی اتمی محاسبه ای در مورد این هزینه ها بعمل آوریم باین نتیجه میرسیم که هزینه این راکتور های مولد برق برای کشورهای خیلی پیشرفته مانند آمریکا ، روسیه ، فرانسه و انگلستان خیلی ارزاتر از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان میباشد . مثلاً هزینه کلی ساختمان و سوخت و اداره يك راکتور برای تولید يك کیلووات برق برای کشور هائی مانند آمریکا ۱۷۰ دلار و برای فرانسه ۲۰۰ دلار ولی برای هندوستان در حدود ۵۰۰ دلار میگردد . بعبارت دیگر يك راکتور ۲۰۰ مگاواتی در فرانسه ۱۱۰ میلیون دلار تمام میشود در صورتیکه همین راکتور در هندوستان ۲۸۰ میلیون دلار تمام شده است . این اختلاف هزینه ایجاد کارخانه برق اتمی و راکتور باین سبب است که کشور هائی مانند آمریکا و فرانسه سازنده اصلی تمام دستگاهها و تاسیسات مربوطه بوده و هزینه خرید از خارج و حمل و نصب و ... را ندارند ولی قیمت برق ایجاد شده برای

تمام کشور ها توسط راکتور های اتمی و برای مردم برابر ، تقریباً در حدود ۵۰ دینار میگردد .

مسئله بسیار مهم دیگری که در راکتور های اتمی مولد برق باید در نظر گرفت اینست که آیا سوخت راکتور از اورانیوم غنی شده است یا اورانیوم طبیعی ؟

سوخت اورانیوم طبیعی را که در معدن یافت میشود میتوان با ایجاد يك کارخانه تصفیه بدون هزینه زیاد تولید کرده و مستقیماً بدون احتیاج به کشور های تولید کننده اورانیوم غنی شده (که بسیار گران است) سوخت راکتور مولد برق اتمی خود را ، مانند کشورهای فرانسه و انگلستان که از اورانیوم طبیعی برای سوخت خود استفاده میکنند و راکتور های مولد برق اتمی آنها با سیستم گازگرافیت میباشد ، تامین نمود در خاتمه اضافه مینماید که از بحث در باره سایر مسائل راکتور های اتمی مولد برق از قبیل تعداد مصرف سوخت اتمی و قیمتها و نیروی انسانی که در این راکتور ها بکار میرود و یا بررسی مشکلات و مسائل اقتصادی و سیاسی این امور که جنبه فنی و اختصاصی بخود میگیرد خودداری نموده و چنانچه در این موضوع بخصوص خواننده ای علاقمند باشد تمام منابع علمی موجود در اختیارشان قرار خواهد گرفت .



مرکز اتمی آووان در نزدیکی شهر شینون (فرانسه)

قرن بیستم بعثت کارشهای علمی و فنی و موفقیت‌های پژوهشی عصر تکنولوژی نام گرفته است .

تحقیقات در شعب گوناگون و رشته‌های مختلف علوم و فنون که بزبان انگلیسی Research & Development مصطلح شده و در زبان فارسی آن را «توسعه و تحقیقات» مینامند عبارت است از سلسله تفحصات و پژوهش‌ها و مطالعات علمی بصورت گوناگون. بطور کلی میتوان توسعه و تحقیق را اصطلاحاً بفن و یایک حرفه و تخصصی اطلاق نمود که فعالیت‌های آن منجر و منتج به کشف و حل مجهولات علمی و گسترش‌های علمی و فنی تازه‌ای میگردد که غالب این نتایج در بهبود و بالابردن سطح زندگی جامعه بشری مؤثر خواهد بود .

« تحقیقات در صنعت نفت »

انگیزه و علل تحقیق

چنانچه بایک نظر اجمالی تاریخ و سیر تحولات علوم و فنون را از دیر باز مورد دقت قرار دهیم خواهیم دید که علت و انگیزه اصلی تحقیقات که حاصل آن جهش و گسترش علوم و صنایع تا بمرحله و پایه امروزی بوده است نیازمندیها و ارضاء حس کنجکاوی بشر میباشد . اصولاً برای آدمی کنجکاوی در شناخت مجهولات یک غریزه فطری است باید توجه داشت که همیشه رفع احتیاجات برای ضروریات زندگی و غیره بشر را بتکاپو و تعقیب و تحقیق در زمینه‌ای وادار ننموده است بلکه در اکثر موارد اقناع حس کنجکاوی و خلاقیت انگیزه شروع دریک کار تحقیقاتی بوده و غالباً هم باموفقیت روبرو گردیده است .

نگاهی به سیر تاریخی علوم و صنایع چنانچه از دوران باستان و قبل از میلاد حضرت مسیح بعثت کلاسیک نبودن علوم صرف نظر کنیم و به قرون وسطی یعنی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۴۵۳ مسیحی نظری بیافکنیم می بینیم که در این دوره بعثت نفوذ بی حد و حصر کلیساها و تسلط کامل کشیش‌ها بر اوضاع اجتماعی علوم و فنون دچار یک وقفه و رکود عجیبی گردید و بهمین سبب است که این دوره از تاریخ جهان را تاریک نام نهاده‌اند. کلیساها با احداث دادگاه‌هایی تحت عنوان دادگاه‌های تفتیش عقاید هر عقیده و نظریه علمی را که برخلاف عقاید و خرافه پرستی های کلیسا میبود تکفیر میکردند و صاحب آن عقیده را مورد کیفر قرار میدادند همه میدانیم که گالیله دانشمند معروف ایتالیا را مجبور نمودند آنچه را در خصوص نظریه علمی درباره زمین و منظومه شمسی گفته بود تکذیب کند .

بطور کلی نه تنها علوم بلکه هنر و ادبیات هم از تسلط کلیساها در امان نماند و هنرمندان



نیز از ترس تکفیر به مسائل مورد خواست و قبول کلیساها گرایش پیدا کردند. نمونه بارز این گفتار اشعار دانته ایتالیائی است که همه در مدح کلیساها و موضوعات دوزخ - برزخ و بهشت سروده شده است فقط نقاشان و معماران و مجسمه سازان بودند که تا اندازه ای در خلاقیت های خود آزادی داشتند و بهمین علت است که بهترین کلیساها و مجسمه ها در آن دوران ساخته شده و بعضی از آنها تا بامروز باقی است در مدت ۶ قرن از ده قرن قرون وسطی وضع بهمین منوال بود تا در شرق اسلام ظهور کرد و بتدریج با خرافه پرستی و عقاید بی اساس کلیساها مبارزاتی آغاز شد و در نتیجه علوم از زنجیر اسارت آزاد گردید.

در سال ۱۷۶۰ که بشر به نیروی بخار پی برد در حقیقت جهان علوم قدم به مرحله تازه ای گذارد و انقلابی پدید آمد. این انقلاب در تاریخ جهان به انقلاب صنعتی موسوم شده است مکانیزاسیون (۱) با بکار گرفتن این نیروی جدید اکثر صنایع دسنی به صنایع مکانیکی مبدل گردید و در نتیجه سطح تولیدات افزایش پیدا کرد و دنیای تجارت و اقتصاد آن زمان بعد از دوران تاریک قرون وسطی جهشی بخود دید.

در قرن نوزده کشفهای دیگری از قبیل کشف امواج الکترو مغناطیس که منجر به اختراعاتی در زمینه رادیو - تلفن و تلگراف و غیره گردید انقلاب دیگری بوجود آورد که میتوان آنرا انقلاب تحریک و خودکاری که ترجمه کلمه اتوماسیون (۲) باشد نام گذاشت.

در طی این تغییر و تحول نیروی ماشینی تحت سلطه کامل بشر قرار گرفت و پس از آن نیروی اتم - رادار - واز همه مهمتر مغزهای الکترونیک بمنزله نیروی مغزی و عصبی علم و صنعت به تمدن بشر نفوذ پیدا کرد.

همه این تحولات و موفقیتها از پرتو پشت کار و فعالیت دانشمندان و محققین از طریق پژوهشها حاصل شده است و همه میدانیم که دامنه علوم و کشفیات در این جهان ناشناخته بی انتها است خاصه آنکه در این دوران بشر راهی آسمانها شده است حال تا آنجا چه بیابد و به چه اطلاعات و کشفیات جدیدی دسترسی پیدا کند مساله ایست که تحقیقات آینده نشان خواهد داد.

صنعت نفت هم در رهگذر این تحولات همگام با سایر علوم و صنایع پیشرفته است. چه نفت بطور اعم در ابتدا فقط ماده ای برای سوخت و یا برای درمان بعضی از امراض تلقی میشد و استفاده هائی که بر آن متصور بود بر همین محور دور میزد لیکن بتدریج با پیشرفت تکنولوژی و شناخت ترکیبات موجود در نفت بشر پی به صدها مورد استعمال این

مایع سیاه رنگ برده و درصدد بهره برداری و استفاده از جزء جزء آن برآمده است. این موفقیتها نیز حاصل مطالعات و تحقیقات و تجربیات بوده است و همین علل باعث گردید که پایه های تحقیق نیز در صنعت نفت بنیان گیرد.

نظری به بودجه های تحقیقاتی

بودجه امور تحقیقی در آمریکا در حدود ۲۰ هزار میلیون دلار در سال است که سه چهارم آنرا دولت و یک چهارم بقیه رابخش خصوصی تامین میکند. در سال ۱۹۶۵ در حدود ۱۸۵ میلیون نفر در امور تحقیقاتی مشغول بکار بوده اند. کلیه این بودجه ها صرف مطالعه طبیعت و ایجاد قواعد علمی نمیکرد بلکه در حدود ۸ میلیارد دلار از این بودجه ها صرف سازمانهای ارتشی و سالی ۵ میلیارد دلار از آن صرف تحقیقات فضائی میگردد و مقدار قابل ملاحظه ای از آن صرف بهبود محصولات و راندمان کارخانه ها میگردد و بطور کلی شاید کمتر از پنج درصد (۵٪) از آن صرف تحقیقات علمی و فنی و پزشکی میگردد و همین ۵٪ است که انسان را با سرار طبیعت واقف میگرداند و ثمراتی نظیر کشف داروهای آنتی بیوتیک - واکسینا و رادار و تلویزیون رنگی و پخش برنامه ها از طریق ماهواره های مصنوعی و بالاخره هواپیماهای جت داشته است.

در سایر ممالک هم بودجه های تحقیقاتی چشمگیر است مثلاً در کشورهای فرانسه - انگلستان - آلمان و سوئد در حدود ۳۰ دلار برای هر نفر در سال و در کشور ایتالیا در حدود ۶ دلار برای هر نفر در سال صرف تحقیقات میگردد آمار نشان میدهد که در آمریکا هر ۱۰ الی ۱۲ سال بودجه کلی تحقیقات دوبرابر شده است. صنایع نفتی آمریکا بطور متوسط بیش از یک درصد و صنایع شیمیائی آن کشور در حدود دودرصد از کل فروش خود را صرف تحقیقات مینمایند. یکی از مدیران شرکت نفت استاندارد نیوجرسی هنگام افتتاح یک مرکز پژوهش اظهار داشته است که طبق آمار موجود تا کنون ما به این نتیجه رسیده ایم که در مقابل هریک دلاری که در راه امور تحقیقی صرف نموده ایم معادل ۵ دلار درآمد و عایدی تازه داشته ایم. تعداد و نفرات پژوهشکاران که در امور تحقیقی کار میکنند بنوبه خود قابل ملاحظه هستند و در شرکت نفت گلف ۱۸۰۰ نفر در سان اویل ۱۲۳۰ و در کمپانی اسو در حدود ۱۰۰۰ نفر کادر تحقیقاتی آنان را تشکیل میدهد.

محقق و پژوهشکار کیست

صرف نظر از بودجه و لوازم و تجهیزات که برای امور تحقیقاتی لازم است در واقع سرمایه اصلی تحقیقات قوای فکری و اندیشه و تجربه متخصصین و مهندسين است و حاصل

فعالیتهای آنان خلق وسائل جدید کشف مجهولات طبیعت و ایجاد رفاه در زندگی مادی بشر است.

البته انگیزه دانشمندان و محققان همه باهم یکسان نیست بلکه از لحاظ اهمیت و حتی شدت وحدت با یکدیگر متفاوت است. بعضی با اقناع حس کنجکاوی و غریزه خلاقیت و برخی با انجام کارهای تحقیقاتی و پیش برد علوم احساس رضایت میکنند و از اینکه احساس کنند جامعه بوجود آنان محتاج است قانع میگردند. برای اینکه محقق در کاری موفق گردد بایستی ذاتاً علاقمند به کارهای تحقیقاتی و ضمناً دارای استعداد توانائی و پشتکار وظیفه شناسی و اعتماد بنفس نیز باشد.

اثر توسعه صنعت نفت در اقتصاد

از آنجا که صنعت نفت موجد صنایع وابسته دیگری میباشد و هر پیشرفتی موجب پیشرفت دیگری میگردد و یا بقول «امرسن»: اختراع مولد اختراع است بدون شک گسترش صنایع نفتی عامل موثری در پیشرفتهای اقتصادی و بهبود و رفاه زندگی جامعه بشر خواهد بود.

امروز فرآورده های متنوع و گوناگونی از نفت ساخته میشود که شاید تعداد آنها از ده ها هزار افزون باشد این مواد اعم از اینکه جنبه های سوخت و تولید نیرو داشته باشند یا آنکه محصولات فرعی و اصلی دیگری از قبیل انواع کودها - پلاستیک ها - سموم و حشره کشها - رنگها - پاک کننده ها و حتی محصولات غذایی همه در نتیجه تلاش پی گیر و تحقیقات مداوم حاصل گردیده اند. مثلاً در زمان جنگ دوم جهانی که مصرف لاستیک افزایش یافت و از طرفی منابع طبیعی و مراکز تهیه مواد اولیه آن با شغال ژاپنی ها درآمد ملل غربی و آمریکا بفکر تهیه لاستیک از نفت افتادند و تحقیقات آنها منجر به تهیه ماده ای بنام بوتاداین گردید که در واقع تحول بزرگی برای صنعت نفت محسوب میگردد.

تحقیقات اساسی و علمی

حال که با اهمیت فعالیتهای تحقیقاتی پی برده شد بایستی اضافه نمود که امروزه علی الاصول تحقیقات و مطالعات مهندسی در رشته های مختلف صنعت و بویژه در صنایع نفتی از دوجنبه کاملاً متمایز مورد نظر قرار میگیرد. یکی از نقطه نظر کنه و اساس موضوع که بآن تحقیقات آکادمیک یا اساسی (یا نظری) میگویند (۳) و دیگری از نظر امکانات عملی و اجرایی که تحقیقات عملی نام گرفته است (۴)

تحقیقات اساسی صرفاً از روی غریزه کنجکاوی در جهت پرده برداری از مجهولات طبیعت و کسب اطلاعات تازه صورت میگیرد. نتایج و موفقیتهای این قبیل تحقیقات از قبل قابل پیش بینی نیست و در مواردیکه هم نتایج

آن قرین موفقیت باشد غالباً موارد استعمال و استفاده هائی که بر آن مترتب است قابل تصور و پیش بینی نمی باشد .

بطور کلی حاصل این نوع پژوهشها بیشتر جنبه «آکادمیک» داشته و بصورت سلسله مقالات و رسالات در سراسر دنیا انتشار می یابد و برایگان در دسترس همگان قرار میگیرد . سرعت و پیشرفت علوم نظری ، مرهون و مدیون علاقه و پشتکار پژوهشکارانی است که برای شناخت طبیعت ب تحقیق و مطالعه پرداخته اند و دنیا هم بوجود آنان مفتخر است و زحمات آنان را ارج میگذارد زیرا پژوهشها و نظریات دیروز آنان زمینه تکنولوژی مدرن و پیشرفته امروز را فراهم ساخته است .

تحقیقات اساسی در يك کشور در حال توسعه و یا در موسسات تجارتي و صنعتی از لحاظ اقتصادی بصلاح نیست زیرا با صرف وقت قابل ملاحظه ای چنانچه فعالیتهای تحقیقاتشان هم به نتایج ارزنده ای منتهی گردد مع الوصف آن نتایج در وضع اقتصادی و صنعتی و همچنین بهبود وضع و مرغوبیت محصولات و بطور کلی در ارتقاء سطح زندگی مردم اثر آئی و مستقیم ندارد از این جهت عطف توجه صددرد به تحقیقات اساسی اتلاف پول و اتلاف وقت است البته منظور از اتلاف فقط از جنبه اقتصادی و نیازمندی کشور در حال توسعه و یا توسعه تجارتی است نه از لحاظ ارزش معنوی مطالعات و تحقیقات .

عده ای معتقدند که تحقیقات اساسی از دید ارزش علمی برای هر کشوری لازمست ولی همانطور که خاطرنشان شد در کشورهای در حال توسعه و بخصوص شرکتهای تجارتي و صنعتی مسائل و نیازهای دیگری مطرح است که موجب میشود تحقیقات اساسی از حد خود عدول کرده و به تحقیقات عملی گرایش پیدا کند از این رو برای تحقیقات اساسی بایستی حد و نصابی در نظر گرفت مثلاً ۱۰ یا ۱۵ درصد از فعالیتهای پژوهشی به امور تحقیق اساسی اختصاص داده شود .

البته دانشگاهها و مراکز علمی بایستی اساس و اعظم کوشش خود را بر پایه تحقیقات اساسی استوار کنند تا زمینه مساعدی برای پرورش فکر و ایجاد عادت به تعمق و تفکر در دانشجو فراهم گردد . زیرا تفکر عامل مهم برای زندگی آینده دانشجو است و او است که بایستی مسائل فنی و اقتصادی فردای کشورش را پاسخگو باشد .

تحقیقات عملی به عکس تحقیقات اساسی از روی انگیزه کنجکاوی انجام نمیگیرد بلکه هدف و انتظار از این تحقیقات قبلاً مسلم و معلوم است و محقق با پژوهش در مورد

استفاده قرار دادن اطلاعات قدیمی و یا بکار گرفتن اطلاعات تازه تر و یا با ترکیبی از این دو به بررسی و تحقیق در يك سلسله عوامل میپردازد که نتیجه و حاصل تحقیقاتش متضمن حل يك مساله فنی و یا پاسخگوئی به يك نیاز اقتصادی و صنعتی و یا بهبودی وضع و جنس تولیدی يك کارخانه سازنده میباشد .

نتایج این قبیل تحقیقات دیگر برایگان در اختیار همه قرار نمی گیرد بلکه جزء اطلاعات محرمانه تلقی میشود و در مقیاس بزرگتر در مرکز ثبت اختراعات هر کشور به ثبت میرسد و خواستاران می بایستی در قبال پرداخت حق الامتياز از آن استفاده کنند .

اگر کادر تحقیقات يك کشور در حال توسعه و یا يك شرکت صنعتی و تجارتي در زمینه تحقیقات علمی فعالیت نداشته باشد آنوقت ناچار برای رفع نیازمندیهای خود بایستی نتایج تحقیقات سایرین را در مقابل پرداخت حق الامتياز نسبتاً زیاد خریداری کند و یا برای رفع معضلات و مشکلات مسائل فنی و اقتصادی خود و گشایش و راه حل آن دست بدامان کادر تحقیقاتی و یا مهندسین مشاور خارجی گردد . پس ملاحظه میشود که تحقیقات عملی هم کشور را صنعتی می کند و پیش میرود و هم از نظر اقتصادی متضمن منافع سرشار است .

در سالهای اخیر تحقیقات عملی هم بنوبه خود دو صورت متمایز بخود گرفته است یکی صورت تجاویزی و دیگری صورت تدافعی . جنبه تجاویزی تحقیقات عملی نیاز سریع به کشف مجهولات و تمسک به هر حربه و وسیله ممکن و گریز از راههای میان بر بمنظور پیشی گرفتن بر سایر رقبائی است که در همان زمینه ب تحقیق پرداخته اند . مثلاً مسابقات تحقیقات فضائی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی رامیتوان شاهد گرفت . اما تحقیقات عملی از جنبه تدافعی آن برای حفظ موقعیت و منافع يك کشور و یا يك موسسه در جهت برابری با رقبای تحقیقاتی خود صورت میگیرد . مثال خیلی ساده آن چند کارخانه را میتوان در نظر گرفت که محصولات مشابه تولید می کنند و همواره برای بهبود و مرغوبیت تولیدی خود و کاهش هزینه های تولید دست اندر کار تحقیق هستند و این تحقیقات در حقیقت جنبه تدافعی در مقابل رقیب برای حفظ موقعیت و منافع میباشد .

علمای علم تحقیق عقیده دارند که جنبه تدافعی تحقیقات نسبت به جنبه تجاویزی آن مرجحتر است شاید نیاز به تکرار نباشد که کوشش در تحقیق و بسط و توسعه آن در کشور های در حال توسعه بایستی مصروف شناخت مواد خام — ایجاد مصرف برای این

مواد و حل و چاره کاری معضلات صنعتی و اقتصادی گردد زیرا تحقیقات عملی است که منجر به پیدایش زمینه های جدید برای توسعه و بهبود وضع و رفاه زندگی مردم میگردد .

ذکر این نکته نیز ضروری بنظر میرسد که در ممالک در حال رشد سریعاً و ابتدا بساکن نمیتوان به مسایل تحقیقات عملی پرداخت . بنظر میرسد بهتر است فنون و نتایج تحقیقاتی ممالک پیشرفته را بعنوان پایه قبول نمود و آنرا با شرائط و انتظارات موجود محلی موافق و سازگار کرد ب عبارت دیگر فاصله بین آغاز تا تحقیقاتی که منجر به نتایج و ثمرات ابداعی میگردد بایستی بوسیله يك سلسله تحقیقات که جنبه تقلیدی دارد پر شود و از نتایج آنها زمینه مساعدی برای تحقیقات عملی بوجود آورد .

در صنعت نفت از این نوع تحقیقات یعنی تحقیقات عملی زیاد استفاده میگردد گرچه بطور کلی عده ای هنوز به اصول این گونه مطالعات و تحقیقات آشنائی ندارند و به نفس مطالعات يك طرح اقتصادی و سرمایه گذاری بد بین هستند و جسته و گریخته چه افواها و چه در مطبوعات شنیده و دیده میشود که مطالعه فلان طرح بجائی نرسیده و یا مبالغ هنگفتی هزینه مطالعات و تحقیق شده ولی طرح اجراء نگردیده و غیره ... مع الوصف بایستی اذهان عمومی روشن گردد که قبل از اینکه برای هر طرح صنعتی و اقتصادی بتوان سرمایه گذاری کرد و یا آنرا اجراء نمود بایستی با تحقیق و مطالعه کافی امکانات عملی و فنی ، هزینه و عایدات آن طرح و عواملی که اجراء آن طرح را مجاز میدارند مورد بررسی قرار داد .

این مطالعات و تحقیقات نیز بدقت نظر و باریک بینی خاصی محتاج است چه اگر دقت کافی نشود ممکن است با خوش بینی های نامعقول در پیش بینی درآمد دچار اشتباه گردد و یا در تعیین عوامل هزینه دقت کافی ملحوظ نگردد ولی اگر این مطالعات از طرف کارشناسان زبده و وارد بعمل آید نتیجه مطلوب و رضایت بخش عاید خواهد شد .

البته در کار تحقیقات مسایل بفرنج و پیچیده ای خود نمائی می کنند و نباید تصور کرد که حربه تحقیقات بمشابه چراغ جادوی علاءالدین است که با کشیدن دستی به آن يك پری ظاهر شود و کلیه مسائل اعم از بزرگ و یا کوچک را با سرعت حل کند .

از گفته های آقای دکتر عباس فلاح در شرکت ملی نفت ایران

- 1) Mechanization
- 2) Automation
- 3) Basic Research
- 4) Applied Research



شهر گلاب و مخمل و عقرب

* « کاشان در زمان صفویه بغایت معمور بوده الحال قریب هفت هزار باب خانه در او هست بطلال و اهل کسالت و بی کار در آن دیار کم است ... غریب دوست و ملایم و هموارند . مردمش از قدیم مذهب امامیه دارند . در آن بلده از مس ظروف فراوانی بغایت خوب می سازند و عموماً سفیدرخسار و از متاع حسن و جمال برخوردارند . »
* باغی که انسان را بسکوت و وهم وامی دارد . معذک اکنون بخاطر سبزی و آب فراوان بزرگترین محل نشاط و دیدنی ترین جای کاشان برای ساکنان و توریست ها محسوب می شود .

* در دامنه کوهها در زمینی مسطح گل های سرخ پرورش داده می شود . و به هنگام بهار که زندگی طبیعت بار دیگر شروع می شود گلها سر از جوانه برمی آورند و من رشد زندگی را می بینم بلبان را می بینم که چگونه شیدایی می کنند . و سعی می کنند حتی از کمترین نفس خویش استفاده کنند تا مشامشان از عطر سرخ گلها معطر شود . و زمانی که این زندگی به کمال رسید در سپیده دمی فرح بخش زنان سرخ و سفید و بلند قامت ده نشین چادر شبی به کمر می بندند و به گل چینی مشغول می شوند .

* دختر ۹ ساله کاشی به تنهایی از عهده تمام کار های خانه برمی آید و در سن ۱۳ ، ۱۴ سالگی بخوبی آشپزی می کند و خیاطی می داند .

* در بازار مسگر هاست که سر و صدایشان انسان را بخود می خواند همه چیز با مس ، که هنوز هم مورد استفاده اغلب کاشی ها قرار می گیرد ، ساخته می شود و وجود ظروف ملامین و چینی نتوانسته بازارش را کساد کند . و از واجبات جهیزیه عروس خانمهای کاشانی بحساب می رود .

* آثار تزیینی کاشان از دو نظر بر هنر های ملی در اصفهان و نقاط دیگر ایران برتری دارد . یکی پرکار بودن آثار است یعنی در یک قالی بافت کاشان حد فاصل گردش های اصلی گل و بته و اسلیمی را که معمولاً خالی می گذارند .

* رنگهای فیروزه و آبی نشان دهنده آسمان و هوایی است که موجب زندگی و زیبایی می شود که همین اتمسفر در طبیعت بوجود می آورد .

* رنگ اکرو خانواده زرد ها مبین فلسفه عالم و آدم است که انسان از خاک می باشد و برخاک خواهد شد و این رنگ ارتباط مستقیم با خاک و رنگ خاک و معنی و مفهوم مشهود در بالا دارد .

● دختر و پسر جوان آنقدر مست باده غرور جوانی هستند که نمی توانند بد و خوب جنس مخالف را تشخیص دهند.



دل دو سه روزی کشید جانب کاشان و دید
جنت و خلدی در آن جنتیان را مقرر
روضه‌ای از خرمی در همه گیتی مثل
مردمش از مردمی در همه عالم سمر
مایل مهر و وفا، طالب صدق و صفا
خوش سخن و خوش لقا، خوش صور و خوش سیر
از سید احمد هاتق اصفهانی

— این اولین صدا که تو ای مسافر
می‌شنوی بانگ مؤذن است به مناره مسجد جامع
شهر و به قامت گنه کاری که طلب عفو
می‌کند فریاد برآورده و خدایش را با هزار
کلام و هزار صوت می‌خواند.
اینجا صد ها هزار مردم می‌زیند که در
کلامشان به نهایت نام خداست.

اینجا دارالمومنین است

شهر مقدس کاشان است
در حرارت بی‌امان تابستان که کویر سنک
را آب می‌کند. مردم این شهر به سردابه‌ها
فرو می‌خزند، که برایشان تنها گریزی است
از دشت بی‌انتهای سوزان و گرم.

به آن بلند ترین مناره خیره می‌شوم از
میان صد ها گنبد آبی رنگ و مناره خشتی
و خاکی سر برافراشته و به کوفی می‌خوانم،
و حکومت سلجوقیان را به یادگارشان می
بینم. من در این دشت که از بی‌آبی زمین
هایش تکیده شده کاجهای بلند باغشاه را می
بینم که در برابر تماشاگر قد خم می‌کند.
شاید به رویایش امیرکبیر را می‌بینید. در
چشمهای پرهیجان این کودک کاشی فقط یک
کلمه نقش می‌بندد. کاشان

اسمی که می‌گویند ریشه‌اش بر اثر طول
کهن تاریخ گم گشته اما خود همانند فرزندی
حلال و مصمم اما رنج‌دیده برجای استوار
مانده تا برای ابد نام پدر را زنده نگه دارد
و بریگانگی خویش سوگند خورده است.

در دل حصار ویرانه این شهر مردمی
هستند به گرمی و حرارت و مهر آفتاب،
مردمی ساده دل و فعال که اغلب از سر پنجه
خویش نان می‌خورند و شاید با هر لقمه نان
صد بار شکر همراه دارند! چه مردم قانع و
پیشروی ساکنان این شهر شده‌اند، شهری که
هنوز خاطره‌ها را حفظ کرده و محله‌ها را
بنام خیلی خیلی کهنش می‌شناسد.

« دروازه اصفهان، » گذر خان، »
« دروازه فین، » « پامنار، » و یانامهایی
که حتی برای عده‌ای از ساکنانش هم غریبه
است مثل « درگلون ».

دو خیابان به موازات یکدیگر از ابتداء
تا انتهای شهر گسترده است دو خیابانی که
بقدری طولانی است که نمی‌توان انتهایش را
دید و بقیه معابر چون خط سومی است برای
دو راهرو عمومی و عریض شهر.
در کوچه‌های سنگفرش تنک و تاریک

که بوسیله دیوارهای کاهگلی و بلند محصور
گشته‌اند صدای قدم‌هایمان آنقدر اوج می
گیرد که انگار تمام کسانی که تاکنون در
این رهگذر رفت و آمد کرده‌اند در پشت
سرمان بحرکتند و در های بلند و بزرگ
چوبی، حلقه‌های مسین که بوسیله دالانسی
با پله‌هایی سنگی به حیاط بزرگ خانه مرتبط
می‌شود و اطاق‌های بیشمار که اغلب قرینه‌اند
و پنج دری را در میان دارند بایک تالار
« ایوان » باریک و دراز، یک حوض بزرگ
و چند باغچه که اغلب بر اثر شدت گرما گل
هایش پلاسیده گشته‌اند. و وقتی در های
بزرگ « پنج دری » باشیشه‌های رنگارنگ
به رویمان باز می‌شود فرشهای کاشی با نقش
و نگارهایی خیره‌مان می‌کند تا آنجا که
گاهی حس می‌کنیم باید در این محوطه پرواز
کرد تا مبادا فرش‌های چنین پرارزشی در زیر
لگد ها فرسوده شود. در حالیکه خود مردم
کاشان اعتقاد دارند این فرشهای قشنگ هرچه
بیشتر پا بخورند پرارزش تر خواهند شد.
اما برای کارگران قالی باف آنقدر ارج و
منزلت قائلند که هیچ‌گاه بخود اجازه نمی
دهند با کفش بروی فرش قدم بگذارند. روی
پیش بخاری با پارچه نرمة قدیمی پوشانده
شده و برای ترین این چنین مهمان‌خانه‌ای
از اشیاء گرانقیمت عتیقه استفاده می‌کنند.
زنان کاشی آنقدر مقتصد هستند که بخود
اجازه نمی‌دهند با خریدن اشیاء لوکس و گران
قیمت، که بعد از مدتی از مد می‌افتد پول
شوهرشان را دور بریزند، آنها چیز هایی
برای دکور و ترین می‌خرند که در موقع
فروش اگر استفاده‌ای از آن حاصل نگردد
لااقل ضرر هم نکنند.

ولی هیچگاه این اشیاء را نمی‌فروشند
چون به اعتقادشان چیزی که بخانه آمد
هرگز نباید خارج شود. و برآستی این چنین
هستند. چرا که همه کارهایشان از روی
حساب است و دقیق تنظیم می‌شود و این
حسابگری تا به آنجاست که جمعی به خست
و بخل نزدیکش می‌دانند.

ساکنان این گوشه کویر برای گریز از
گرمای توان گیر و برای دست یافتن به منبع
حیاتی آب مجبورند خانه‌هایشان را در عمق
۵ تا ۷ متری سطح خیابان بنا کنند. بنابراین
اغلب پشت بامها هم سطح کوچه و خیابان
قرار گرفته است مرد کاشی به خاطر تعصب
نسبت به خانواده و برای بر حذر بودن خانواده‌از
چشم نامحرمان دیوار های بلندی بطول ۴
تا ۵ متر بدور پشت بام می‌کشد. در این
خانه‌های قدیمی بادیوار های که سربه‌فلک
می‌ساید احساس می‌کنیم که در یک قلعه
هستیم قلعه‌ای که تنها راه خروجش یک دالان
باریک و تاریک و پرپله است. در این موقعیت
به مسیر آب جاری شهر رسیده‌اند اما هنوز
از شر گرما در امان نیستند و باز گرمای

سخت را بر تمامی پیکر و وجودشان احساس
می‌کنند دوباره می‌کنند عمیق و عمیقتر و حدودده
پله: دیگر اینجا سردابه‌ایست نیمه تاریک با
بادگیری بر فراز پشت بامش. سردابه‌ای خنک
و شاید بسیار خنک تا آنجا که اختلاف درجه
حرارتش با خیابان حدود ۵ تا ده درجه
می‌شود:

باد آباد مهین خطه کاشان که مدام
مهد هوش و خرد و صنعت و بینایی بود
هر که برخاست بهر پیشه ز شهر کاشان
در فن خویشتنش فرط توانایی بود
لفظ کاشانه و کاشان بلقب های قدیم
معبد و جایگاه جشن و دل آسایی بود
صنعت کاشی از اینجا بدگر جای رسید
کاین هنرویرثه این شهر به تنهایی بود
فرش زیباش کنون شهره دهر است چنانک
زری و مخمل او شاهد هر جایی بود
(از دیوان ملک الشعراء بهار)

« سخنی چند از پیش »

از آغاز استیلای تازیان شهر کاشان هم
در قلمرو امیر نشین اصفهان درآمد. در
زمان خلافت هارون الرشید عباسی کاشان و
قم از حوزه وسیع اصفهان جدا گشته، تا
دوره مغول مدتی این دو شهر زیر فرمان
حکمران واحدی قرار گرفته و گاه نیز برای
هریک فرمانروای مستقلی گماشته شده است.
از عهد صفویه به بعد در تقسیمات کشوری
ایران ولایت کاشان یکی از شهرهای مرکزی
ایالت « عراق عجم » بشمار رفته و بدار
المومنین ملقب گشته است.

(از کتاب تاریخ اجتماعی کاشان)

جغرافیای کاشان

کاشان امروز یکی از شهرستان های
استان دوم محسوب می‌شود که مرز هایش را
از طرف شمال بکویر و شهرستان قم از طرف
جنوب بخاک اصفهان از جانب مشرق و شمال
شرقی بدشت کویر و از سوی جنوب شرقی
به اردستان، و از سوی مغرب به شهرستان
های محلات و گلپایگان.

بلندی های کاشان بیش از دو رشته کوه
موازی نیست. اول دنباله سلسله کوههای
مرکزی ایران را نام می‌برم که از شهر کاشان
می‌گذرد و تا اردستان و نائین امتداد پیدا
می‌کند و آبادی هایی که از مشهد اردهال
تا قمصر و نظیر در دره ها و دامنه های
شرقی این رشته کوهها واقع شده از دیر
های خوش آب و هوای کاشان محسوب می
شود. و اغلب بیمارانی که امراض ریوی
دارند بنا به تجویز پزشک به این نواحی می
روند. قله های مرتفع این سلسله یکی در
مشرق نیاسر بارتفاع ۳۶۰۰ متر و دیگری
معروف به قلعه کروس نزدیک بزرگ بارتفاع
(۲۵۱۵) متر و سومی کوه هفت کتل به
ارتفاع (۳۰۰۳) متر و چهارمی کوه
کرکس بارتفاع (۳۸۹۸) متر در نظر است.

آبهاییکه از این سلسله جبال بدامنه‌های شمال و مشرق جاری می‌گردد مقداری از زمین‌های اطراف کاشان را مشروب می‌سازد و مازاد آن به کویر مرکزی ایران سرازیر می‌شود. جلگه شمال شرقی هم که در مسیر این سیلابها واقع شده منتهی بکویر نمک می‌شود که سطح آن پوشیده از نمک قابل استخراج می‌باشد.

و دوم کوههایی است که در غرب «دلیجان» و «میمه» واقع شده، بطوریکه حد طبیعی میان کاشان و گلپایگان است. از محصولات طبیعی و مهم کاشان می‌توان غلات، پنبه، تنباکو، انواع میوه‌ها بخصوص انار راوند، انجیر و توت فین و گوجه برقونی قمصر را نام برد.

(خالد ازهری) می‌گوید: بار نخستین که (حسن سهل) مرا بخدمت امیرالمومنین درآورد چون خدمت کردم از من پرسید که تو چه نامی؟ گفتم خالد. نام پدرت چه بود؟ گفتم ازهر. گفت از کجایی؟ گفتم از کاشان. گفت از کدام دیه؟ گفتم از «آیروزان» و آن دهی است معروف مامون بخندید گفت از آن جمله که شاعر مرایشان را صفت کرده است و می‌گوید:

«ندانسته بودم که نان میوه است به‌تردیک قومی یقین شدبکاشان»
«گفتم اگر امیرالمومنین اجازت فرمایند کلمه بگویم: فرمودند بیاید گفت. گفتم امیرالمومنین در دوام جلال و معاضدت و اقبال باقی باد، آن شاعر که کاشان راهجو کرده است در حقیقت مدح ایشان گفته‌است بسبب آنکه نان آن سرزمین بغایت پاکیزه و لطیف و لذیذ باشد چنانکه مردم بنان‌خورش محتاج نباشد. و همه کس را چنان نماید که آن نان میوه است از غایت لطافت.

امیرالمومنین گفت نیکو مخلص طلبیدی و خوب محملی نهادی - پس (حسن سهل) را گفت: او را ولایت ده. ولایت گرگان و طبرستان بمن داد.

از کتاب «جوامع‌الحکایات محمدعوفی، طول جغرافیایی کاشان - ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه و عرضش ۳۴ درجه است، ارتفاع آن نسبت به دریا ۹۴۵ متر. اما ارتفاع دهستان‌های اطراف متفاوت است چنانکه ارتفاع آران = ۹۳۰، قمصر = ۱۸۳۰ و جوشقان = ۲۲۲۲ متر است.

مردم این شهر آریایی نژاد هستند و با نژاد‌های اقوام مهاجم ترك و تازی چندان آمیزشی نداشته‌اند. و این یکی از دلائل اصالت و پاکی نژاد آنان است که در حفظ زبان پارسی قدیم کوششان را به‌ثمر رسانیده است و اهالی اکثر دهستان‌ها به این زبان آشنا هستند و تنها اختلاف لهجه است که شاید در نظر اول اندکی ثقیل به نظر آید.

کتاب زینة المجالس در شرح کاشان می‌نویسد: «حمدالله مستوفی گوید که مردم کاشان حکیم پیشه و لطیف طبعند. و در آنجا جهال و بطل کمترند و الحق این معنی مطابق واقع است و اهل آنجا البته بکسی مشغولند و حرفه شعربافی در آنجا رواج تمام دارد. وضع و شریف مرتکب آن می‌گردند. مثل راست: بازار کاشان در تمام جهان نیست.

و در تذکره هفت اقلیم است که گوید: «کاشان از شهرهای جدید است و زبیده خاتون منکوحه هارون الرشید آنرا بطالع سنبله بنا نهاده، الحق به‌شیرینی و پاکیزگی آن شهر در تمام ایران بلکه در جهان شهری نیست و متوطنان آنجا اکثر به صنعتی و شغلی

مشغولند و شعر بافی را به کمال رسانیده ... و دیگر آنچه لایق تحریر باشد جوانان سرو قد آن شهر است که در هر گامی دلارامی و در هر قدمی صنمی ملاحظه می‌شود:

«همه سیمین بر و زرین سواران»
«همه مه روی و پروین گوشواران»
«بگاه عشرت و بوس و تماشا»
«چو شهد و شکر و باده گواران»

و وحشی بافقی گوید: «یوسف دیگر بدست آور تو وحشی قحط نیست»

«ما مگر در مصر یعنی شهر کاشان نیستیم»

و بالاخره حاج‌زین‌العابدین شیروانی در کتابی بنام (بستان‌السیاحه) می‌نگارد:

«کاشان در زمان صفویه بغایت معمور بوده الحال قریب هفت هزار باب‌خانه دراو هست. بطل و اهل کسالت و بی‌کار در آن دیار کم است ... غریب دوست و ملایم و هموارند. مردمش از قدیم مذهب امامیه دارند. در آن بلده از مس‌ظروف فراوانی بغایت خوب می‌سازند و عموماً سفید رخسار و از متاع حسن و جمال برخوردارند.

و به‌اتکاء مشاهده‌هنرمندان، موسیقیدانان نویسندگان و شعرای این دیار می‌بینم آنچه گفته‌اند و نوشته‌اند نه‌تنها اغراق نبوده بلکه حقیقت محض است.

استاد رضا ورزنده نابغه دنیای موسیقی مردی است از سرزمین گرمسیر کاشان و در حکایت است که وقتی قوامی خواننده سالخورده اما پرتوان رادیو به هنگام جوانی در بزمی از دوستان در گلستانی از قمصر مشغول نغمه‌سرایی بوده بلبلان همه سکوت اختیار می‌کنند و اندک اندک به شاخسارهای تردیک قوامی رومی‌آروند.

مشفق کاشانی، محشتم و بسیاری از شعراء خوب ایران را می‌شناسیم که با آب و نان این سرزمین رشد کرده‌اند و اعتبار یافته‌اند. و بالاخره به آنجا می‌رسیم که در



مورد کمال الملك غفاری نقاش چیره دست این دیار زبان سکوت اختیار می کنیم چرا که چیزی نمی توان نوشت که وصف هنر این مرد بزرگ در آن بگنجد و معروف است که هر زمان که تابلوئی را تمام می کرد بدستور ناصرالدین شاه آنقدر اشرفی بروی آن می ریختند تا از نظرها محو می شد. وی از گروه معدود هنرمندانی است که در زمان حیات عزت و اعتبار یافت.

از دیگر بزرگان و نقاشان معروف کاشان می توان نامهای محمود خان ملک الشعراء، ابوالحسن خان ثانی، صبیح الملك غفاری و دیگری ابوتراب خان غفاری نقاشی را ذکر نمود که جزء دسته شش نفری نقاشان معروف دوره قاجاریه بوده اند.

در میان خوش نویسان این شهر حاجی اسماعیل کاشی خطوط کوفی و نسخ میرزا زین العابدین خان بن محمد حسین خان شیبانی خط نستعلیق، فتحعلی خان ملک الشعراء صبا نقاش خط نستعلیق و شکسته زین العابدین منان بن محمد بن محمد علی خان کاشی برادر زاده صبا شکسته و نستعلیق، محمد کاظم خان شیبانی در صدر قرار گرفته اند.

و در میان عرفاء و حکماء از این نامها به درخشانی یاد شده ملا غیاث الدین نجومی حکیم و استاد علوم ریاضی و در فن ساعت سازی ماهر بوده. سر حلقه عارفان مظفر حسین کاشی که دارای مباحثات فلسفی با معارضان عرفان بوده و همطراز باملاصدرای شیرازی و میرفندرسکی می باشد.

میر عبدالرزاق فرزند میر محمد یوسف طبیب کاشانی که از شاگردان میرفندرسکی و یکی از فلاسفه عهد خود بوده است.

شاه شمس و قاضی اسد کاشی و میرزا محمد محق بیگی معروف باردبیلی که مولف کتابهای (تذکرة العارفین) (ریاض العارفین) و (منهاج السالکین) می باشد.

محمد اشرف ابن محمد مهدی کاشانی مولف کتاب اساس الادیان.

صنایع محلی و تحولات تاریخی کاشان از روزی که اولین سنگ بنای این شهر را در دل شنهای کناره کویر بنا نهادند شاید از سالها سال قبل از آن طبیعت دل خوشی از این سرزمین نداشت. چرا که این بوم را از تمام مواهب طبیعی مثل آب، جنگل، رودخانه، دریا و مرتع محروم کرد و حتی باران های منظم و کافی را هم از آن دریغ نمود، تا مردمی که به این مکان روی آورده اند حتی نتوانند بوسیله کشاورزی و دامپروری امرار معاش کنند. اما ازطرفی مردم فعال و پیشرو این شهر که خود را آماده نبرد باطبیعت می دانستند به صنعت و پیشه وری روی آورده اند و به جبران محرومیت از مواهب طبیعی پرداختند و بالاخره باذوق



گلچین بیری منزل بروجردی در کاشان

سرشار و استعداد طبیعی که در نهادشان چون گنجینه‌یی خفته بود برتری برای مردم این کناره بوجود آورد بطوریکه به قله درخشانی از تاریخ صنایع ایران دست یافتند، چنانکه کلیه منابع آثار صنعتی و هنری قدیم و جدید ایران و هم چنین جمیع دانشمندان باستان شناس در این باره به یک قول برتری استعداد مردمان این سرزمین هم آوازه‌اند.

بدیهی است که آثار صنعتی و هنری مراد نظر ما چیز هائیکه بدست انسان و به راهنمایی هوش و خرد و ذوق انسانی ساخته می‌شود. برای فراهم ساختن چنین آثاری هرچه بیشتر ذوق و سلیقه و تخیل و نازک اندیشی که از لطائف طبع و مزایای روح بشری است بکار برده شود، محصولات هم بهمان نسبت زیبا و جالب و ممتاز تر گشته ارج و ارزش مادی و معنوی آنها زیادتر خواهد بود. برای بررسی این صنایع می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم نمود.

الف - صنایع باستانی مستمر که در تمام ادوار تاریخ بطور استمرار و بدون انقطاع ادامه داشته است مانند:

کوزه‌گری و سفال سازی، بافندگی و نساجی، مسگری و فلز کاری.

ب - صنایع باستانی موقت که در واقع دنباله همان صنایع باستانی مستمر است که بواسطه برخورداری از شرایط مساعد محیط و اوضاع مناسب دوره های درخشان تاریخ ایران به اوج ترقی و تکامل رسیده است.

در این گونه فنون و صنایع نمایش ظرافت و زیبایی و تجلی حسن و جمال بر جنبه های مادی و احتیاجات عادی زندگی غلبه یافته است. نظیر منسوجات ابریشمی و گلابتون دوزی، قالیبافی، نقاشی، خوشنویسی و تذهیب و منبت کاری و غیره.

ج - سایر صنعت های ضروری زندگانی اجتماعی که بتدریج مراحل تکامل را پیموده است از قبیل رنگرزی، زرگری، دباغی، روغن کشی و غیره.

قدیمترین مهد تمدن بشر.

تپه های سیلک یکی از نخستین مراکز تمدن و سکناي بشر ماقبل تاریخ شناخته شده و این بنا بر تحقیقات باستان شناسان و براساس اطلاعاتی است که در نتیجه کاوشهای علمی در تپه های سیلک بدست آمده است:

در سال ۱۳۱۱ شمسی بود که گروهی به سرپرستی دکتر (گیرشمن) باستان شناس معروف از طرف موزه لوور فرانسه به جستجو های علمی و پردامندای در سیلک دست زدند که تا سال ۱۳۱۵ طول کشید. این تلاش موجب بدست آوردن اطلاعات مهم تاریخی شد که از دو تپه شمالی و جنوبی و گورستان سیلک جمع آوری شد. و بی اغراق می‌شود گفت که این اطلاعات توانست چون خورشید

تابناکی بر دوره تاریک ماقبل ایران پرتو افکن شود.

«سیلک تنها نقطه ایست که پیش از عهد هخامنشی مدارک کتبی بدست داده. تصور انسان در سیلک بسیار قدیم تر از یونان است.»

(نقل از کتاب ایران از آغاز تا اسلام)
«کهن ترین مجسمه انسانی که در فلات ایران (درکاشان) پیدا شده مجسمه کوچکی است از جنس استخوان. این مجسمه متعلق به چهار هزار و دویست سال پیش از میلاد است و لباس او منحصر به لنگی است که بر کمر خود بسته» به نقل از کتاب (صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ) بنا به تحقیقاتی گمان می‌رود که در اواسط هزار و چهارم پیش از میلاد مردم سیلک بوجود می‌پی برده باشند و در آن زمان که سکنه این ناحیه روبه ترقی و تکامل می‌رفتند یک تغییر، یک انقلاب و یک تحول بزرگ و ناگهانی همسان زلزله، جنگ و یا آتش سوزی خیلی شدید تلی از خاکستر بروی این شهر در حال تک تازی کشید و زندگی مردم به قهقرا رفت و به نیستی انجامید اما از آنجا که این سرزمین در کنار چشمه آب بود دوره سوم زندگی سیلک آغاز گردید و کوزه‌گری و فلز کاری در این دوره به ترقی بسیاری رسید تا آنکه در دوره چهارم موردهجوم قبایل عرب قرار گرفت و یکباره زیر نفوذ و استیلای ایلامی‌ها رفت.

نمونه‌های آثار مکشوفه از تپه‌های سیلک در موزه ایران باستان (در تهران) و موزه لوور پاریس محفوظ است.

از آثار قابل بحث دیگر چشمه فین است که در کنارش آبادی بسیار قرار گرفته و آن چشمه ایست فیاض که منبع آنرا باتلاق «گاوخونی» در اصفهان می‌دانند. چشمه ایست که در تابستان و زمستان اندکی و بیشی بخود نمی‌بند.

از تحقیقات علمی و منابع موثق چنین برمی‌آید که چشمه فین از دوران ماقبل تاریخ با همین وضع و کیفیت کنونی جاری بود. و بی شک سیلک هم که در دوره استقرارش چندین بار به نابودی کشیده شد و از نودوباره مردم به بنایش اقدام کردند از برکت وجود همین چشمه بوده است. اما در آخرین مرحله نابودی که سیلک و مردمش در زیر توده‌های خاکستر آتش سوزی مهیب شهر به نابودی کشیده شد و مردمش بدست مهاجمان مدفون و یا پراکنده شدند (اوایل هزاره اول پیش از میلاد مسیح) و از سیلک چیزی نماند مهاجمان فاتح، ناحیه (فین) کنونی را مسکن خویش قرار دادند و بعد به مرور که جمعیت به فزونی گراید در اطراف چشمه‌های کوچک آن حدود هم مانند آران دشت، بیدگل، نوش‌آباد و زرآباد و نیاس و غیره آبادیهائی پدید آمد.

اما آنچه باعث ترقی بیشتر فین گردیده وجود باغشاه است.

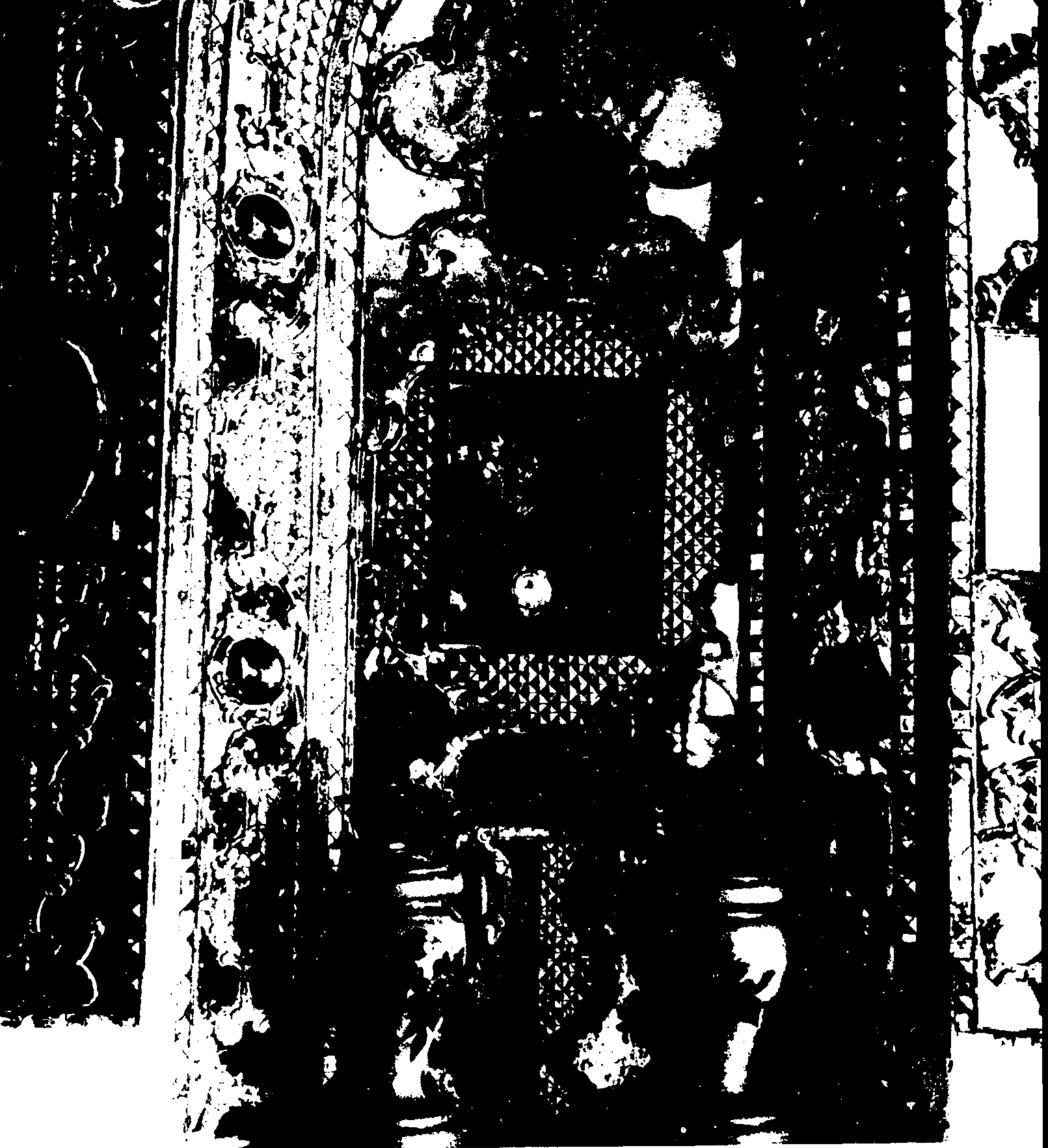
باغی بزرگ با آبی روان. باغی با سرو های بلند و صدها صدها فواره سنگی و استخر های بزرگ و بزرگ با کاشی‌های آبی و اینجامورد علاقه و سکونت مردیست به عظمت تمام سروهای سربلک کشیده و تمام سنگهای مستحکم مردی بزرگ و وزیری لایق چون امیر کبیر. و اما حکایت آن چنان است که وقتی سعایت کنندگان امیر کبیر خوب خوب را از چشم شاه بیانداختند و شاه حکم قتل وی را صادر کرد. در لحظه‌یی که حمام بزرگ باغشاه را گرم می‌کردند دلاکان و کارگران خود را آماده می‌کردند تا وزیر محبوب کوچکترین گله‌ای نداشته باشد، مردی که شاید از دیار شیاطین رسته و پای بدین شهر نهاده بود خود را آماده می‌کرد تا بالای جان مردی بزرگ باشد. خزینه پراز آب جوش شد حوض های بزرگ را که بی شباهت به استخر نیست آب انداختند و امیر کبیر به حمام رفت اما دیری نپایید تا از آن همه خوبی و فعالیت و جنب و جوش جسدی بر زمین و نوشته‌های خونبی بردیوار به یادگار ماند. و از آن پس این باغ بزرگ که روزگاری محل جشن‌ها و میهمانی های مجلل بود به عزاخانه‌ای تبدیل شد و هنوز هم بوی غم بر تمامی ساختمان‌ها و سروهایش گسترده است.

باغی که انسان را بسکوت و وهم وامی‌دارد. معذلک اکنون بخاطر سبزی و آب فراوان بزرگترین محل نشاط و دیدنی‌ترین جای کاشان برای ساکنان و توریست‌ها محسوب می‌شود هر کس به کاشان برود سری هم به حمام مخروبه‌ای می‌زند که امیر کبیر در آن به قتل رسیده در کتابخانه باغشاه حدود هزار جلد از کتاب‌های مختلف از او بیادگار مانده است و تالاری که مقداری از آثار عتیقه کاشان و تپه سیلک و بعضی از وسایل امیر کبیر در آن نگهداری می‌شود. سالی یکمرتبه به همت تجار بازار مکاره در باغشاه برپای می‌گردد و هر کارخانه‌دار و هر سازنده‌ای با عرضه کردن کالاهایش در غرفه‌های متعدد که به همین مناسبت می‌سازند هم نظر خارجیان را جلب می‌کند که خود منبع درآمدی است و هم برای شناسایی محصولات کاشان گامی است درخور ارزش.

سفیدآب

چندی بالاتر از این چشمه و این باغ بزرگ چشمه ایست بنام «سفید آب» آبادی کوچکی در کنارش قرار گرفته، می‌گویند سفیدآب خاصیت درمان پذیری دارد و از همین روست که افرادی که دچار امراض جلدی می‌شوند برای شستشو و جدا کردن مرض از خویش به این چشمه می‌آیند. این جا همیشه شلوغ است.

در چشم انداز من جزء کوه و بیابان نیست



گچ بری منزل شکری در کاشان

نیموده ایم :

یکی ، دو کیلومتر پائین تر گنبدی فیروزه ای رنگ جلب نظر می کند که جاده خاکی آن از وسط يك گندمزار می گذرد این مقبره که در حال خراب شدن است و دیوارهایش اغلب بر اثر مرور زمان ترك برداشته و حتی قسمت

هم زیارت می کنند و احیاناً اگر نذری داشته باشند ادا می نمایند و در ضمن پس از يك هفته زندگی در خانه هایشان که بوسیله دیوارهای بلند احاطه شده به این سبزه زار می آیند تا بقول خودشان نفسی تازه کنند .
براه ادامه می دهیم هنوز چند صد قدمی

بر می گردم تابسوی دیدنی های دیگر رو آورم. شازده ابراهیم ، امامزاده مقدس و مورد احترام و ستایش مردم درسبزه زار کوچکی که دورادور شازده ابراهیم رافرا گرفته است. روزهای جمعه خانواده های کاشی که از طبقه متوسط این شهر هستند به این امامزاده می آیند

هایی از آن خراب شده است .
فیروز مکنی همان ابولؤلؤ قاتل عمر است
 اینجا مقبره مردی است بنام فیروز مکنی که تازیان او را به بردگی گرفته و به مدینه بردند و آنچه مشهور است و حتی مخالفان مذهب شیعه هم این مطلب را که از صدر اسلام شایع بوده نقل کرده اند این است که فیروز معروف به ابولؤلؤ عمر را بقتل رسانیده است و از مدینه گریخته و خود را از طریق عراق به کاشان رسانیده است و در این شهر وفات یافته و از این روست که گاه مردم متعصب و خیلی متعصب کاشان که معتقدند فاتحه خوانی برای این مرد صواب است به این مقبره می آیند . تاریخ بنای این مقبره به چند سال بعد از قتل عمر می رسد .

از کتاب قاضی نورالله شوشتری بنام مجالس المومنین است که «عوام و اوباش کاشان در روز بیست و ششم ذیحجه که روز قتل عمر است صورتی از خمیر می سازند و شکم او را از دوشاب سرخ پر می گردانند و او را عمر نام می نهند آنگاه او را برداشته برقص و حرکت می برند و در طعن عمر مبالغه بسیار بجا می آورند و فریاد و ولوله بسیار می کنند و از اول روز تا آخر به این کیفیت می گذرانند و چون شب در رسید و می خواهند که از مزار بابای مذکور (ابولؤلؤ) بخانه های خود مراجعت کنند بعضی از عوام و اوباش ایشان کاردی بر شکم آن صورت می زنند تا دوشاب از شکم آن بیرون می آید پس از آن، جماعت آن دوشاب را از جهت آنکه بخون عمر تشنه ایم می خورند .

امروزه هم مراسمی در روز بیست و ششم ذیحجه در کنار مزار ابولؤلؤ انجام می شود با این تفاوت که بجای ساختن مجسمه خمیری از پارچه استفاده می کنند و در پایان مراسم که شب هنگام فرا می رسد این مجسمه را آتش می زنند .

دو کارخانه بزرگ شبانه روزی به کاری سخت پی گیر است

در نزدیکی کاشان کمی جلوتر از هنرستان صنعتی پسران دو کارخانه بزرگ برجاست و شبانه روز به کاری سخت پی گیر است . کارخانه حریر و مخمل که محصول ارزنده و درخور ستایش دارد . چرا که از قدیم کاشان یکی از مراکز مهم بافت پارچه های مخملی و زربفت و غیره بوده است و اکنون با اسلوب و فنون جدید و هنر و تجارت دیرین در این راه پیش تاز شده اند و تا آنجا که می دانم مقداری از این محصول بخارج از ایران هم صادر می شود . در مرکز شهر صنعتی کاشان همیشه صدای ماشین های کارخانه ریسندگی بگوش می رسد .

در محله ای بنام پشت مشهد . در میان کوچه پس کوچه های این قسمت شهر زیارتگاهی است بنام حبیب بن موسی الرضا که

در شبهای جمعه اغلب زنهای کاشی رامی توانید در این جا ببینید . عده ای نذر می کنند و بادستهای پرازنان و حلوا و خرما و غیره به اینجا می آیند برخی به سرخاک عزیزان از دست رفته می آیند . اما همه این مردمی که به این زیارتگاه می آیند دیدار يك فبرافراموش نمی کنند . همه به بالای این قبر سیاه که حدود نیم متر ارتفاع دارد می آیند و فاتحه می خوانند . اینجا در گوشه حبیب بن موسی الرضا شاه عباس کبیر خفته ، بنا به خواسته خود او . بدون هیچگونه آرامش و جلب توجهی گوری سرد با سنگی سیاه در کوچه ای دنج و خلوت . شاه عباس سفرهای زیادی به کاشان نمود و به این شهر دل بستگی زیادی داشت و ابنیه فراوان در این شهر بوجود آورد اما در این میان کاروانسرای بزرگی که فعلا متروک است و در نزدیکی قصر قرار دارد و هنوز ویرانه هایش حکایت از عظمت و بزرگی روزگار دیرین می کند بیشتر جلب توجه می نماید .

داستان زن تنها و سک

حکایت جالب اینکه تاچندی قبل زنی به تنهایی بدون حتی دره یی ترس و وحشت در این ویرانه بزرگ که دورا دورش بوسیله اوتاقهای متروک محصور می شد زندگی می کرد و تنها مونسش سگی بزرگ و قوی هیکل بود . این زن صبح خیلی زود بده می آمد و تنک غروب دوباره به این کاروانسرا می رفت او در رویایش این خلوتگاه دهشتناک را کاروانسرای پرهیاهویی می دانست و معتقد بود که بهر سرایدار این کاروانسراست . هیچگاه از تنهایی و ابهت دچار وحشت نشد ، حتی در آخرین دم هستی ، خود را به کاروانسرا رسانید تا بقول خودش در کنار همسر جان بدر آورد و در لحظه یی که این زن بار و یاهای بزرگش مرد سک او هم برای همیشه ترك کاروانسرا کرد . چرا که می دانست دیگر اینجا احتیاجی به پاسداری ندارد . و تنها مسافرش برای ابد به خاموشی گراییده است . در این جاده ه فرسنگی که فاصله بین کاشان و قمصر است دیدنی بسیار است از جمله آنکه در دل کوه ، گودی خیلی کوچکی است که همیشه چراغ نفتی در آن روشن است و آنرا جای پای حضرت علی می دانند هر کس حاجتی داشته باشد نذر می کند که برای مدتی نفت چراغ این محل مقدس را تأمین کند .

جای عصای حضرت علی و شفای بیماران
 دو کوه آنطرف تر آب صالح قرار دارد از سوراخی باندازه ته عصا آبی گوارا خارج می شود این چشمه بالای کوه قرار گرفته و بوسیله کوره راهی که به سختی می توان آنرا پیمود به محله آل قمصر مرتبط می شود . مردم این ده معتقدند که اینجا جای عصای حضرت علی (ع) است . و بیماران خود را برای شفا در این چشمه که گودالی هم به همین منظور

در کنارش حفر نموده اند شستشو می دهند . اما آنچه باید از این ده بزرگ بگویم هوای خوب و عالی و آب گوارا و سبزی و گل های سرخ معطر آن است .

در دامنه کوهها در زمینی مسطح گل های سرخ پرورش داده می شود . و به هنگام بهار که زندگی طبیعت بار دیگر شروع می شود گلها سراز جوانه در می آورند و من رشد زندگی رامی بینم بلبلان را می بینم که چگونه شیدائی می کنند و سعی دارند حتی از کمترین نفس خویش استفاده کنند تا ماشامشان از عطر سرخ گلها معطر شود . وزمانی که این زندگی به کمال رسید در سپیده دمی فرح بخش ، زنان سرخ و سفید و بلند قامت ده نشین چادرشبی به کمر می بندند و به گل چینی مشغول می شوند . این کار قبل از طلوع آفتاب باید تمام شود و بعد این زنان با دامن های پر گل به سراغ گلاب گیرها می روند . گلها در دیک های بزرگ می جوشند و بخارشان ازنی می گذرد و قطره قطره این شیر جانی به ظرفی دیگر سرازیر می شود روز بعد روی هر شیشه گلاب حدود يك سانتیمتر عطر جمع شده که از گلاب جدا می گردد . و بدین ترتیب گلستان های پر گل قمصر بزرگترین منبع تهیه گلاب بشمار می آید . همانطور که همه می دانند گلاب قمصر معروف است و یکی از مهمترین تجارت های تجار کاشان محسوب می شود .

اندک اندک خیابان ها به خاموشی می گراید مردان اهل کاشان حدود غروب و یا ساعتی دیرتر به کاشانه باز می گردند . و در نتیجه خیابان های شهر خلوت و سکوت را پذیرا می شود . در لحظاتی که زندگی شبانه تهران جان می گیرد . و خورشید چشمگیر نئون ها طلوع می کند شهر کاشان به خاموشی می رود در این لحظات در سراسر کاشان يك سکوت سخت حکم فرماست . تنها وسیله سرگرمی که حدود یکی ، دو ، سه سال قبل در کاشان بوجو دآمد دو سینماست . و فلکه کمال الملك که تنها میدان وسیع و پردرخت کاشان گرمسیر است که بجای يك پارک عمومی از آن استفاده می شود . در این شهر تعداد امازاده ها بسیار است .

«عاشورا»ی کاشان

بی اغراق مراسم عزاداری ماه محرم عاشورا در هیچ يك از شهرهای اسلامی به شکوه و جلال شهر کاشان نیست . چرا که در این مراسم مردم کاشان تا آنجا که توانستند آداب و سنن این ایام را حفظ نموده اند . در این ماه مردم کاشان می کوشند از وجود بهترین واعظان و روحانیون استفاده کنند و در این زمینه حتی کارشان به رقابت های سخت می کشد . مثلا اگر دسته عزاداران حسینه ارشاد برای مخارج يك واعظ ۷۰۰۰ تومان در نظر بگیرند دسته موسی بن جعفری سعی می کند با پرداخت پول بیشتری از واعظی معروف تر استفاده کند . و

بدین ترتیب در ماه محرم کاشان بصورت
مجمعی از علماء و روحانیون عالیقدر در
می آید .

اتفاقاً گاه این رقابت ها مبارزاتی بین افراد
دسته های مختلف بوجود می آورد که گاه پلیس
مجبور به دخالت می شود .

مراسم روضه خوانی در کاشان از ساعت
۸ صبح شروع می شود و اغلب تا ساعت یک
یادو بعد از نیمه شب ادامه پیدا می کند . در
صحن مساجدی که مراسم عزاداری را صبح
انجام می دهد اغلب بابتن تجیر (که مانعی برای
نور و گرمای مستقیم خورشید است) بصورت محل
سربو شده ای در می آورند دیوارهای دوراب
دور مسجد را با پارچه سیاه می پوشانند و با
فاصله های منظم از پارچه های که اشعار
مذهبی و آیات قرآن بروی آنها نوشته شده
استفاده می کنند . در گوشه یی از مسجد منبر
را قرار می دهند که پلکانش با قالیچه مفروش
شده و در دو طرف منبر دو علم قرار می دهند
و همین طور از پرچم های مختلفی که اشعار
مذهبی برویش نقش بسته استفاده می شود .
اما جالب اینجاست که مراسم تأدیر وقت انجام
می گیرد و معهذرا اغلب مردم کاشان از زن
و مرد و بچه در آن شرکت می کنند . زنها
برای گرفتن جا باید از سرش به مساجد و
اماکنی که مراسم روضه خوانی در آنها
برپاست بروند و اغلب بصورت دسته جمعی
حرکت می کنند و بنا به نوبت هر کدام یک
شب برای گروه خود میوه و تنقلات می برند
و در حالیکه مشغول شنیدن سخنان واعظ
هستند گاه در زیر چادر مشغول خوردن میوه
های مختلف و احیاناً شام می شوند .

اغلب زنان (نازا) که بقول کاشیها
«اجاقشان کور است» فاصله بین ۷ مسجد
را پابره نه می روند و گاهی اتفاق می افتد که
آنقدر پایشان ضرب می بیند و مجروح می شود
که به مسجد سوم یا چهارمی که می رسند از
پای می افتند و توان راه رفتن را از دست
می دهند . اما آنها که بقولی دستشان به دهنشان
می رسد نذر می کنند و مخارج یک هفته یا یک
شب هیأت را تأمین می کنند . کم کم و کم کم
این هیجانات و التهابات زیاده تر می شود چون
به روزهای عاشورا و تاسوعا نزدیک می شوند
وضع عمومی را این چنین می توان تشریح
کرد . رجال و متمکنین در این ایام کراوات مشکی
می زنند و بقیه مردان که اصولاً جزء کسبه
هستند در طول یک ماه محرم صورت خود را
اصلاح نمی کنند و با پیراهن و کت و شلوار سیاه
یا به کوچه و خیابان می گذارند و دسته های
سینه زنی هیئت های مختلف خود را آماده
می کنند . در این ماه اکثر خانواده با اطعام
مردم و بادادن نهار و شام به مستمندان و
درویشان سعی می کنند بارگناهان خویش را
کم نمایند . غذای این ماه آبگوشت نذری است
که شامل یک گوسفند چند کیلو لوبیا و سیب

زمینی است و از دسته های مختلف سینه زنی
دعوت می کنند که مثلاً برای نهار به منزلشان
بروند . نزدیک ظهر حدود ۱۰۰ نفر مرد
سینه زن در حال سینه زنی و خواندن شعارهای
مذهبی وارد خانه می شوند و تصور کنید که
سیر کردن این چنین مردان که یک صبح تا
ظهر را مشغول سینه زنی و راه رفتن بوده اند
کار چندان آسانی نیست .

اغلب برای طبخ و آماده کردن آبگوشت
اهالی یک محل در خانه میزبان جمع می شوند
و شب هنگامی که زیر دیک را روشن کردند
همه تا صبح کنار اجاق بیدار می نشینند تا صواب
کرده باشند . البته باید اضافه کنم که آبگوشت
را یک مرد ورزیده بوسیله یک گوشتکوب
بزرگ چوبی می کوبد . تصور کنید له کردن و
مخلوط نمودن نزدیک نیم تن گوشت و آب
ولوبیا و نخود و پیاز کار چندان سهل و
آسانی نیست . از این گوشت کوبیده به بیماران
می دهند تا شفا پیدا کنند و افراد سالم هم
سعی می کنند حتی اگر یک لقمه شده از این
نان گوشت کوبیده بخورند که امراض از
تنشان دور شود .

در روز عاشورا و تاسوعا که بازار تعطیل
است دسته های هیأت های مختلف برآمده می افتد
دو طول بازار را می پیماید در حالیکه در هر
فاصله به زمین می نشیند و یک نفر که صاحب
صدای خوش باشد به نوحه سرایی می پردازد ،
در این روز مردم شهر به دیدن این دسته ها
می آیند در حالیکه در دکان و حجره ها
و یا جایگاه های مخصوص کاروانسراهای که
دسته ها از آن می گذرد جای گرفته اند عده یی
به تماشا می نشینند و جمعی باشیون در عزای
ملی خویش شرکت می کنند . گاهی بین دو
دسته عزاداری بر سر زود و دیر رسیدن نزاع
هم می شود و اما شب تاسوعا و عاشورا ، شام
غریبان درست می کنند بدین صورت که چراغ
ها را خاموش کرده و در زیر نور کم شمعها ،
به سینه زنی و نوحه سرایی می پردازند که
از جاسوز ترین کلمات استفاده می شود .

یک دسته دیگر که بسیار تماشائی است
گروه کودکان یا نوجوانان هیئت است که
بعد از غروب هر کدام یک شمع روشن بدست
می گیرند و در کوچه و خیابان به نوحه سرایی
در مورد مرگ علی اکبر و علی اصغر می پردازند .
و در این کار آنقدر جدی هستند که غالباً
اشک تماشاچیان را در می آورند . کودکانی
را که پیراهن مشکی پوشیده اند با پای برهنه
به سرو سینه می زنند و حتی گاهی اشک
می ریزند .

یک عزای مشترک که از کودکان ۵-۶
ساله تا پیر مردان ۷۰-۸۰ ساله در آن شرکت
می کنند .

در اینجا هر سال واقعه کربلا تکرار می
شود . و در دل گرم این شهر که چون صحرای
عربستان است مردم به یاد شهید از دست رفته

خود حسین ابن علی می گریند و نوحه می
خوانند .

عروسی در کاشان

در کناره کویر دخترانی هستند که
در سن ۱۰ تا ۱۲ سالگی آغاز دوره بلوغ
را می بینند ، دخترانی به گرما و حرارت کویر
اما محدود ، و چقدر محدود ، دخترانی که
در گذشته حق نداشتند به چشم یک پسر نگاه کنند
اما این دختران سیه چشم و گندم گون دیری
نمی یابند که بخانه شوهر قدم می گذارند
زندگی مشترک زناشویی کمال مطلوب هر
دختری است و درسی که می خوانند بخاطر
آنستکه بتوانند بچه های شان را بهتر تربیت کنند .

دختر ۹ ساله کاشی به تنهایی از عهده
تمام کارهای خانه بر می آید و در سن ۱۳ ،
۱۴ سالگی بخوبی آشپزی می کند و خیاطی
می داند . این دختران مهربان اغلب خود
جهیزیه شان را درست می کنند و تمام تزئینات
بوسیله خودشان انجام می شود . اما چطور
یک دختر را می پسندند . در این شهر فقط
یک حمام نمره خصوصی وجود دارد که
مشتریانش بیشتر کاشانی های متمکن و یا از
مردمی هستند که به کاشان آمده اند ، اما اغلب
کاشی ها به حمام عمومی می روند . اینجا
بهترین محل برای انتخاب عروس است . مادر
شوهر ها و خواهر شوهر ها به حمام
می روند و دختران دم بخت را زیر نظر می
گیرند و از لحاظ اندام و زیبایی صورت
بر انداز می کنند . وقار و متانت ، حجب و
حیا و نظم و ترتیب و نظافت در درجه
اول قرار دارد . نگاه می کنند که دختر چطور
اسباب حمامش را جمع آوری می کند . چگونه
لباس می پوشد و خلاصه هیچ یک از حرکات
او را از نظر دور نمی دارند . البته دختران هم
که می دانند به سن شوهر رسیده اند تا آنجا که
امکان دارد سعی می کنند رفتار معقولی داشته
باشند تا اگر چشم تیزبینی متوجه شان شد از
فکر خود منصرف نشود . همه مردم این شهر
برای همدیگر آشنا هستند . بنابراین در مورد
شخصیت خانوادگی و وضع مالی دختر
باندازه کافی اطلاعات مفید دارند و اگر
دختر را پسندیدند بی درنگ به خواستگاریش
می روند .

گاهی بندرت از وجود دلالان استفاده
می شود . این زنان بهمه خانه ها رفت و آمد
می کنند و اگر پسری تصمیم به ازدواج گرفت
باو می گویند که بسراغ کدام دختر برود
گاهی هم مادر دختر به نزد یکی از دلالان
می رود و مشخصات داماد دلخواهش را باو
می گوید و از او می خواهد که اگر به چنین
مردی برخورد کرد دختر وی را باو معرفی
کند .

یکی دیگر از مراکزی که می تواند
دختران را به خانه شوی بفرستد مساجد و



مراسم عروسی در ابیونه

مجالس روضه خوانی است ، چون اغلب مردم این شهر در اول هر ماه مجلس روضه خوانی بر پا می کنند . و مادر پسرانی که تصمیم بازدواج گرفته اند به این خانه و آن خانه می روند تا دختر دلخواه را پیدا کنند بعد تماس بین پدر و مادر طرفین برقرار می شود و در صورت رضایت آنها بساط ازدواج چیده می شود . در این امر کمتر اتفاق می افتد که دختر و پسر دخالتی داشته باشند چون به عقیده بزرگتر ها دختر و پسر جوان آنقدر مست باده غرور جوانی هستند که نمی توانند بد و خوب جنس مخالف را تشخیص دهند . بنابراین می توانید حدس بزنید که ازدواج های عاشقانه در این شهر کمتر وجود دارد .

تعیین مبلغ مهریه و مخارج عروسی با خانواده عروس است و تا آنجا که امکان داشته باشد قیمت را بالا می برند که خانواده داماد خدای نکرده فکر نکنند می خواهند از شر دخترشان راحت شوند .

مراسم مفصل عروسی ترتیب داده می شود تا لحظه عقد بیش از یکی دو بار عروس و داماد یکدیگر را ندیده اند . اغلب برای اینکه آتش اشتیاق داماد را تیزتر کنند بعد از برگزاری مراسم عقد مراسم عروسی را به ۶ ماه یا یکسال بعد موکول می کنند در این مدت عروس و داماد که رسماً زن و شوهر هستند حق ندارند تنهایی با هم بیرون بروند و یا در خلوت با هم صحبت کنند . هفته ای یک یا دو بار داماد به خانه عروس می آید البته با دستهای پر . پس از یک سال مراسم عروسی برپا می شود . جشنی و سروری و در نیمه های شب که بانك شادی کم کم فرو می نشیند عروس و داماد را تا خانه داماد همراهی می کنند . حجله باتمام تزئینات وزیبایی هایی که امکان فراهم آوردنش برای خانواده طرفین وجود داشته برپا شده و عروس و داماد را بداخل می فرستند . معمولاً میهمانان باید رفع زحمت کنند ولی در این شهر این چنین نیست چون نزدیکان عروس و داماد تا طلوع صبح پشت در حجله بیدار می نشینند . و یکی از سربلندی ها و افتخارات مردانست که مراسم عروسی را همان شب انجام دهد و گر نه داماد از چشم خانواده عروس می افتند و بیاد مسخره کشیده می شود . عروس هم باید بعد از ۹ ماه از این تاریخ فرزند پسر سالمی بدنیا آورد . و گر نه او را بیمار و رنجور و ناقص الخلقه می خوانند و از چشم مادر و خواهر و خلاصه فامیل شوهر می افتند . تهیه لباس بچه اول تا سن ۷ سالگی بعهده مادر عروس است که سعی می شود بسیار زیبا باشد . خلاصه مراسم تمام می شود و يك زندگی آغاز می گردد . زندگی که تا سالها می تواند کوشی باشد برای شناسایی طرفین در این مورد .

دختران و پسرانشان بازدواج تن در می دهند و طبق آمار شاهدیم که طلاق میان آنها بسیار کم است .

کاشان امروز

وضعیت کنونی کاشان بسیار جالب است خیابان های اسفالت شده و مهمتر از همه وجود چند سینماست که تا چند سال پیش وجود نداشت . شهری است خلوت اما تمیز با خانه های قدیمی و کاه گلی که روز بروز صنعتی تر می شود . مردمش فعال و با هوش هستند و خیلی زود نردبان ترقی را طی می کنند . استعداد عجیبی دارند که واقعا قابل تحسین است .

و از همه تماشائی تر بازار کاشان است که بیش از يك کیلو متر طول دارد کفش را با موزائیک پوشانده اند و در سقف گنبدی شکش سوراخهایی تعبیه شده برای گذرنور . این بازار دسته بندی شده است قسمتی محل کفاشهاست ، در يك جاشیرینی فروشها جمع شده اند ، کمی بالاتر بازارزرگرهاست و کمی این طرفترها مغازه های پارچه فروشی گرد

مردان کاشی کمتر اضطراب دارند چون می دانند زنشان با آنها می سازد اگر چه خودشان سرناسازگاری داشته باشند .

يك زن خوب که بچه های خوب بدنیا می آورد و شوهرش را خوب خشك و تر می کند و براستی در همه حال شريك غم و شادی اوست زنی که می تواند از ۲۰ ، ۳۰ نفر مهمان ناخوانده شوهر پذیرایی کند و اگر به انبازش قدم بگذارید انواع مختلف ترشی و مربا و تنقلات را می توانید بیابید و خلاصه زنی که همراه خویش گرانترین جهیزیه را آورده و باخود آرامش و نشاط به ارمغان دارد . زنی مطیع و سازگار زنی است که خوب و زود می تواند با محیط جدید خود را وفق دهد و به مردی عشق بورزد که حقیقت بعد از ازدواج او را دیده است .

شاید این اعتقاد به جایی باشد که عشقی که از ازدواج و بتدریج و بدون هوس بوجود می آید بسیار محکمتر و عمیق تر از عشقی است که با چشمان کور و دل بسته دربند هوای نفس متولد می شود . و با همین اعتقاد

آمده‌اند. و در انتهای آن بازار مسگرهاست که سرو صدایشان انسان را بخود می‌خواند همه چیز با مس که، هنوز هم مورد استفاده اغلب کاشی‌ها قرار می‌گیرد و وجود ظروف ملامین و چینی نتوانسته بازارش را کساد کند، از واجبات جهیزیه عروس خانمهای کاشانی بحساب می‌رود.

دهکده‌های این شهر را می‌بینم - آران، بیدگل یا خانه سفال سازان دو دهکده در کویر با تپه‌های بزرگ شنی و گرمای سخت اینجا. اغلب مردم به سفال سازی مشغول هستند کوزه، قلقلک، قلک، سنگاب، شاید اسم سنگاب و قلقلک برای اغلب مردم ناشناس باشد. دو ظرف برای خنک‌نگه داشتن آب در گرمای طولانی تابستان سنگاب با شکم برآمده می‌تواند چندین لیتر آب در خود حفظ کند و قلقلک که در موقع ریختن آب قل‌قل می‌کند.

جوشقان

هر کس اندک اطلاعی راجع به فرش داشته باشد نام «جوشقان» را بسیار شنیده، جوشقان دهی است که نزدیکی کاشان با آب و هوای بسیار سرد مردم این سرزمین اغلب بکار قالی بافی مخصوصا بافتن قالیچه مشغولند.

يك كودك جوشقانی از موقعی که بدنیا می‌آید با تخته قالی، رنگ، شانه و تاروپود آشنا می‌شود.

دختران و پسران جوان جوشقانی گه گاهی آنقدر روی تخته قالی بافی می‌نشینند که پاهایشان حالت سستی پیدا می‌کند و اغلب اتفاق می‌افتد که برای ابدفلیج می‌شود. چرا که محل برپا کردن دار قالی اغلب بدترین اتاق خانه است. اتاقی تاریک که کمتر حرارت نور خورشید بدان می‌رسد. دختران قالی باف از صبح تا شب پشت دستگاه می‌نشینند و دانه‌دانه ریشه می‌زنند، ناهار را با عجله همان پشت می‌خورند و بانور کمتر آشنایی دارند به دختران از هفت تا بیست ریال برای بافتن هر رج دستمزد داده می‌شود.

و این پول خون بهای این جوانه‌های جوانی است! بعضی از آنها که وضع مالی خوبی ندارند حتی در روزهای جمعه هم کار می‌کنند و کلماتی مثل «دوتایکی ساقه‌چناری» «یکی دوتا پس» «سفیده جاش» «یکی دوتا عوض» با جان و خونشان عجین گشته است. آنها حتی در خواب هم با رویای قالی بسر می‌برند. قالی با دستمزد خیلی خیلی نا - چیز تهیه می‌شود و در بازار با نرخهای بالا و بالا بفروش می‌رسد. مردمی که زندگیشان در گل‌های قالی که اندک اندک رشد می‌کند خلاصه می‌شود.

قالی کاشان معروف است ولی در این میان آنهایی به ثروت می‌رسند که تجارت

قالی می‌کنند با پرداخت ۱۰۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان صاحب يك قالی ۳×۴ می‌شوند که در بازار به قیمت ۳ تا ۴ هزار تومان بفروش می‌رود. ولی باز این مردم ساده دل و مهربان گلایه نمی‌کنند و همین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان را نعمت خدا می‌دانند در اغلب قریه‌های کاشان حداقل در هر خانه يك دستگاه قالی بافی وجود دارد. حتی در خود شهر مردمی هستند از طبقه متوسط که بجای خرید قالی خود اقدام به بافتن آن می‌کنند و در نتیجه سودی که باید به جیب تجار سرازیر شود خود نفع می‌کنند.

مشهد اردهال

مقبره سلطان علی یکی از امامزادگان باعث رونق این دهکده است. وقتی وی به کاشان پناه آورد اهالی فین کمک بسیارش کردند و بعد از مرگ مقبره‌ای خوب برایش ساختند. این امامزاده که از مال دنیا يك قالی داشت و اکنون این قالی در محل امامزاده حفاظت می‌شود در روز مخصوص اهالی فین با چوب دستی‌های بلند به مشهد اردهال می‌آیند قالی را بدوش می‌کشند در کنار چشمه‌ای خوب می‌تکانند تمیز می‌شویند و بعد دوباره به مقبره باز می‌گردند. این کار را صواب می‌دانند بنابراین به هیچ کس غیر فینی اجازه نمی‌دهند که در مراسم چوب زنی قالی سلطان علی شرکت جوید. و اگر يك از خدا برگشته این عمل را انجام دهد. با جان خود بازی هولناکی کرده. چرا که مردم (فین) با آن چماق‌های بلند و کلفتشان بر سر مرد اجنبی می‌ریزند.

برسرش می‌ریزند تا از این صواب بزرگ محروم می‌کنند. تماشاچیان بسیارند. مردم از صبح خیلی زود و حتی شب‌قبل، به مشهد اردهال می‌روند، قیمت میوه و آب یکمترتبه بالا می‌رود و شلوغی هیاهو و دشت وسیع و گرما. گاه انسان را دچار سرسام می‌کند ولی این مراسمی است که اغلب اهالی کاشان و دهات اطراف و نزدیک مشهد اردهال در آن نظارت می‌کنند. چون حق شرکت فقط متعلق به مردم فین است که با غرور و سر بلندی به این فرش تکانی مبادرت می‌ورزند.

مختصری در مورد هنرهای تصویری و تجسمی و ملی کاشان

هنرهای ملی ایرانی عموماً در اینیه مذهبی و بافته‌ها جلوه کرده است. این‌دو پدیده هنری یعنی ساختمان‌ی و بافته‌های دستی ارتباط شکل و رنگ مستقیم با هم دارند. هنرهای ملی ایرانی که در گلها و بتها و اسلیمی‌ها خلاصه می‌شود. سرآغازی بس شنیدنی و جالب دارد.

هنر تصویری در ایران از خط و خطاطی استخراج شده است و میرعلی نامی بعد از اسلام و در زمانی که اسلام در ترویج و بسط بود خط

اسلامی را تغییر داده و بصورت تقریبی‌تریینی درآورد و اسلیمی که امروزه به گردش دو خط باریک در گوشه و کنار آثار تذهیب و تزیین دیده می‌شود مقلوب لغت اسلامی است چون میرعلی خط اسلامی را با گردش‌هایی که در آن ایجاد کرد بصورت تزیینی یا بقول فرنگی‌ها دکوراتیو درآورده از آن در پی ریزی اساسی هنرهای ملی ایرانی استفاده کردند و امروزه اسلیمی وجه مشخصه این هنر شرقی می‌باشد. در نقوش قالی کاشان و مساجد آن از این اسلیمی‌ها بسیار دیده می‌شود منتها در قدرت و جا افتادگی پیاپی همین شیوه در اصفهان یا مسجد کبود تبریز نمی‌رسد.

آثار تزیینی کاشان از دو نظر بر هنرهای ملی در اصفهان و نقاط دیگر ایران برتری دارد. یکی پرکار بودن آثار است یعنی در يك قالی بافت کاشان حداقل گردشهای اصلی گل و پته و اسلیمی را که معمولاً خالی می‌گذارند گلها و پته‌های فرعی و ریزتر پر کرده و متن قالی به اشکال دیده می‌شود و چون زمینه کار وسعت کمی دارد خود گردش را مثل اسلیمی‌ها در قالیها و کاشیها ایجاد می‌نماید.

دیگر رنگ قالیهای کاشان است رنگ قالی‌ها چنان نزدیکی با کاشیکاریها ندارند زیرا کاشیکاریهای مساجد کاشان عموماً از مآخذ اسطوره‌ای و مسایل مطرح در اساطیر و جنبه‌های حیاتی و تماس بشر با فضای بیرون آب می‌خورد. رنگهای فیروزه و آبی نشان دهنده آسمان و هوایی است که موجب زندگی بوده و زیبایی که همین اتمسفر در طبیعت بوجود می‌آورد.

رنگ اکرو خانواده زردها مبین فلسفه عالم و آدم است که انسان از خاک می‌باشد و برخاک خواهد شد و این رنگ ارتباط مستقیم با خاک و رنگ خاک و معنی و مفهوم مشهود در بالا دارد.

رنگ قرمز را در الوان هنر کاشان شاید به اشارت و تقریب مختصر بتوان در رابطه انسان با آتش و آتش پرستی و پیشرفت عرفان و آتش پرستان در شرق دانست. رنگ مشکی نیز در کاشیکاریهای کاشان بچشم می‌خورد و این قضای تیره شب را می‌تواند نشان دهد.

در سده اخیر در بعضی از خانه‌های شخصی در کاشان کاشیکاریها و گچ بریهایی نوتر از اجرای همین شیوه در قرون گذشته بچشم می‌خورد که از جمله می‌شود گچ بریهای خانه شخصی «شکری» و گچ بری و کاشیکاریهای خانه شخصی «بروجردی» را نام برد. منتهی تصویر اینگونه هنرهای ملی کاشان به شیوه قاجار است و تطابق تکنیکی با هنرهای قبلی ندارد. در برخی زمینه‌ها

تا حدی طبیعت توانسته در هنر نفوذ کند در حالیکه قبلا طبیعت نشانه‌یی بود برای ایجاد اثری تصویری و تجسمی از گلهای سرخ و زرد و سفید طبیعی و تزیینی. نقاش همزمان ما در کاشانی فاصله این گفته را تصدیق می‌کند. آنچه باید در اینجا ذکر شود این است که کاشان به پیروی از شیوه‌های قاجار نیز همان شلوغی و ریزه کاری را دارد.

در خانه بروجرودی این اثر را می‌بینیم. گاهی تابلوهای نقاشی قاجار که تحت نفوذ هنر عربی و اروپایی ساخته شده است در میان نقوش تزیینی جلوه کرده است تصویری از شاهان قاجار و شکارگاه و غیره دال بر این گفته است. گچ بریهای خانه شکری بسیار قوی و خوب است ولی گاهی مجسمه‌ها و نقش‌های برجسته‌یی را می‌بینیم که با شیوه‌های سه بعدی اروپایی و آثار دوبعدی ایرانی پیروی شده است و نیز در برخی کارها مظاهری از شیوه کار زمان اشکانی خود

نمایی می‌کند و همگامی چندانی با سایر قسمت‌های گچ بری شده ندارد ولی بهر حال نباید فراموش کرد که گچ بریهای نامبرده بسیار قوی است و از منابع و گنجینه‌های پرارزش هنر ملی است که در سالهای اخیر وزارت فرهنگ و هنر بر آن نظارت می‌کند.

و بدین ترتیب کاشان پس از قرن‌ها به جای استوار مانده است و تنها دلخوشی مردم این گوشه کویر مبارزه‌ای توان‌گیر باحرارت بی‌دریغ خورشید و خشکسالی است.

مردمی که از موهبت نعمت‌های طبیعی محرومند و به پیروی سر پنجه هنرمند خویش بر جای استوار مانده‌اند.



دختر سپاهی



یکی از کارخانه‌های
ریسندگی کاشان



اسکی

ورزش مدرن زمستانی

- تاریخ پیدایش اسکی را به ۵ هزار سال قبل مرتبط می کنند .
- در سال ۱۹۶۸ هنگام برگزاری دهمین دوره مسابقه های زمستانی در فرانسه سه میلیون بلیط ورودی برای مسابقه های اسکی بفروش رسید .
- ساکنان نقاط سردسیر اروپای شمالی برای اولین بار از اسکی بشکل بدوی و ابتدائی استفاده کردند .
- در اطراف تهران اسب سواری و الاغ سواری نیز دارد قسمتی از برنامه های اسکی می شود .
- استاسیون «دیزین» با طرحی که برای آن تهیه شده است، پس از پنج سال دیگر از مراکز نمونه خاورمیانه برای ورزش های زمستانی خواهد شد .
- بطور متوسط تعداد کسانی که روز های تعطیل به پیستهای اطراف تهران برای اسکی ، تماشا و تفریحات دیگر زمستانی می روند بالغ بر پنجهزار نفر می شود .
- اولین بار ، در سال ۱۹۳۴ اسکی به بازیهای المپیک راه یافت و ۲۶ کشور در فدراسیون جهانی اسکی که در همان سال تشکیل شد عضو شدند .

موزه «جوگاردین» در استکهلم بانمایش آثاری مربوط به اسکی ، پیدایش این ورزش را به ۵ هزار سال قبل نسبت می دهد . در آن روزگاران که هنوز وسایل مدرن اسکی ساخته نشده بود اگر به نظر کارشناسان موزه توجه کنیم مردمان از استخوان حیوانات و امثال آن برای اسکی

رواج یافت از آن جمله ورزش اسکی را باید نام برد . این ورزش امروزه موقعیتی بزرگ و قابل توجه در جهان پیدا کرده و پس از سالیان دراز با تجربه و تعمق مربیان ، محققان و قهرمانان ، ورزش و علاقه روز افزون مردم باین ورزش اسکی بشکل مدرن کنونی درآمده است .

با يك توجه مختصر به ساختمان ، حرکات و مشخصات بدن باید قبول کنیم ورزش هم با خلقت بشر خلق شد. لکن بصورت کلاسیک و توام با مقررات خاص مربوط به زمانی می شود که ورزش بشکل بازیها و مسابقات

مناطق سردسیر کم از این طریق برای حمل و نقل و عبور و مرور استفاده کردند.

در سال ۱۲۰۰ میلادی برای اولین بار در جنگ «اسلو» پیش قراولان جنگنده های سوئدی مجهز به وسایلی کاملاً شبیه به اسکی های امروز در کوهستانهای پوشیده از برف و یخ اسکاندیناوی به مقابله با دشمن شتافتند و این موجب شد که سوئدی ها از آن تاریخ بعد ارتش خود را مجهز به اسکی کنند.

در آغاز کار طول اسکی ها طبقه بندی نشده بود و بطور کلی کسانی که از این وسیله استفاده می کردند طولی حدود ۷ پا و ۶ اینچ را برای اسکی خود در نظر می گرفتند. سوئدی ها درباره این ورزش تکامل نیافته بیشتر و زودتر از همه مطالعه کردند و پس از بررسی های زیاد طول وسیله اسکی را به ۳ پا تقلیل دادند. هنوز هم این ورزش شکل نداشت و تابع مقررات و قانونها هم نبود.

آغاز تکامل اسکی را باید از قرن نوزدهم بحساب آورد. در این قرن مسابقه هایی بی قاعده و نامنظم در اتریش برگزار شد و کم کم اسکی بصورت یک بازی و تفریح درآمد. در سال ۱۸۵۰ «نروژیها» یک دوره مسابقات هیجان انگیز در «هولمن کولن» نزدیک «اسلو» کنونی برگزار کردند. از سال ۱۸۶۰ خانواده سلطنتی نروژ نیز باین ورزش علاقه نشان دادند و بتدریج توجه عموم به اسکی بعنوان یک تفریح و بازی تازه معطوف گشت. از طرف پادشاه نروژ کمیته ای مامور تدارک مسابقه ها و مطالعه در باره اسکی شد. از اینجا مقررات ابتدائی اسکی در نروژ برای اولین بار شکل گرفت. پس از ۱۱ سال که مرتب مسابقات اسکی برگزار شد این پدیده نو بصورت یک «واحد ملی» در نروژ جلوه گر شد. در هنگام برگزاری این مسابقه ها «هولمن کولن» یک پارچه شور و احساس می شد و مردم از نقاط مختلف برای دیدن مسابقه ها بانجا روی می آوردند.

پس از نروژیها مردم کشورهای امریکای شمالی، ژاپن، استرالیا، نیوزلند و سراسر اروپای شمالی و کانادا و هاوایی نیز بسوی این ورزش کشیده شدند و پس از چند سال اسکی در بیشتر نقاط جهان رونق یافت. بدین ترتیب از قرن نوزدهم فصل اسکی در جهان آغاز گشت.

نخستین کلوب - اسکاندیناوی های مقیم امریکا برای اولین بار در سال ۱۸۷۲ اولین باشگاه اسکی را تاسیس کردند. این باشگاه با این که طی سالیان دراز چندین بار تغییر نام داده است معهذ اهنوز دایر است. در حال حاضر این باشگاه با نام «نیشن» دایر و مشغول فعالیت است.

استفاده می کردند و آنها را به وسیله چرم پیا می بستند و بر روی برف بعنوان وسیله ای برای حرکت مورد استفاده قرار می دادند.

در نتیجه یخبندان بتدریج این وسایل طویل به استخوانهای کوتاه و کوتاه تر مبدل گشت و برای حرکت بر روی یخ های مناطق سردسیر مناسب گشت. مردم شمال اروپا و

المپیک - در سال ۱۹۳۴ اسکی در شمار بازیهای المپیک درآمد و فدراسیون جهانی آن تشکیل شد. در همان سال ۲۶ کشور بعنوان شرکت در مسابقات المپیک در فدراسیون جهانی عضویت یافتند.

از این ورزش بقدری استقبال شد که در زمانی بسیار کوتاه چنان محبوبیت و موفقیتی در میان جوانان بدست آورد که بهیچوجه قابل پیش بینی نبود. در مسابقات زمستانی سال ۱۹۳۵ یعنی یکسال بعد که در «آلپ» آلمان برگزار گردید قریب یکصد و پنجاه هزار تماشاگر از سراسر جهان برای دیدن این دوره مسابقات دور هم گرد آمدند. پرش با اسکی - تا سال ۱۹۳۶ برنامه اسکی که در بازیهای زمستانی برگزار می شد محدود بود به مسابقات ۱۸ و ۵۰ کیلومتری و بتدریج و گذشت زمان شگفتی های جالبی در رشته های مختلف این ورزش پدید آمد که یکی از زیباترین و پرشکوه ترین آنها را می توان پرش با اسکی دانست.

در سال های نخست رکورد پرش با اسکی فقط ۸۲ پا و در دست «توماس والترز» امریکائی بود. لکن در سال ۱۹۵۱ این حد نصاب به رقم عجیب ۴۵۲ پا افزایش یافت. در حدود ۱۳۹ متر است. صاحب این رکورد «تانولوبرو» قهرمان بزرگ فنلاندی بود.

زمان اوج - در حال حاضر اسکی یکی از پررونق ترین ورزش و بازیها است و این بستگی به شرایط آب و هوا و منطقه ای نیز دارد. در مناطق سردسیر بیشتر و دائمی تر و در مکانهای دیگر با شرایط زمان. اولین ریزش برف موجی از شور و هیجان در عاشقان این ورزش پدید می آورد و خیل اسکی بازان بسوی پیست ها روان می گردد. رشته هایی که در مسابقات بین المللی برگزار می گردد عبارتست از سرعت «فرو» مارپیچ مخصوص، مارپیچ بزرگ و پرش.

این رشته ها در ایران و در مسابقات داخلی نیز عیناً تمرین می شود و به مسابقه گذاشته می شود. اگر به تاریخچه پیدایش و تکامل این ورزش نظری بیفکنیم سرعت پیشرفتی را که بدست آمده ملاحظه می کنیم.

در فوریه سال ۱۹۶۸ دهمین دوره بازی های المپیک زمستانی در شهر «گرونوبل» فرانسه با حضور ژنرال دوگل رئیس جمهور وقت فرانسه افتتاح شد. برای تماشای این دوره مسابقات بیش از سه میلیون بلیط ورودی بفروش رفته بود. (در این مسابقه علیاحضرت شهبانوی ایران هم حضور یافتند.)

در کشور ما اسکی سابقه طولانی ندارد. و در شمار ورزشهای نو رواج یافته است. (البته اگر اصل و پایه این ورزش را بر مبنای

سر خوردن بر روی یخ و برف بحساب نیاوریم که مسلماً از سالیان دراز میان نوجوانان و جوانان بعنوان يك بازی و سرگرمی رواج داشته است .)

اسکی در حین جنگ دوم جهانی و بعد از آن باوجود آمدن پیستهای شمشك و آبعلی بصورت مدرن و جدید در ایران رونق گرفت. و امروز این ورزش با وسایل مجهز و مدرن از قبیل تله اسکی و تله سی یژ و ساختمانها و هتل هایی که در نزدیکی این پیست ها ایجاد گشته مورد استقبال اکثر مردم ورزش دوست و مخصوصاً جوانان قرار گرفته است. لکن هنوز عدم آشنائی عموم مردم و محدود بودن مکانهای اسکی آنطور که باید و لازم است امکان بهره برداری از این استقبال مردم را محدود ساخته است.

در ضمن این را هم باید داشت که هنوز در همه شهرها و شهرستانهای ایران مانند تهران باین ورزش توجه نشده است. تردیدی نیست که شرایط آب و هوا در کار این ورزش مهم است. هم اکنون یکی از برنامه های فدراسیون اسکی و سازمان تربیت بدنی این است که ورزشهایی را که شرایط جوی در آنها اثر دارد به شهرستانهای مناسب بکشانند و در این زمینه باتشکیل اردوها و برنامه های منطقه ای قرار است به پیشرفت آنها كمك بشود. از این جمله است اسکی و شنا... ترس از اسکی - مسئله جالبی که جا دارد در اینجا بدان اشاره کنیم ترس و وحشتی است که در دلها از اسکی بوجود آمده است و وقتی صحبت از اسکی می شود شکستن دست و پا و صدمات بدنی ناشی از این ورزش در نظرها فوراً مجسم می گردد. مطلب دیگر اینکه گروهی تصور می کنند که اسکی يك ورزش اشرافی است و برای طبقات متوسط مناسب نیست. در حالیکه این اندیشه و خیال با واقعیت فاصله بسیار دارد. در مورد اول با وجود وسایل مدرن و مجهز جای هیچگونه رعب و وحشتی باقی نمی ماند. البته اگر بی بندوباری و عدم احتیاط در کار نباشد و بازیکن نخواهد خود نمائی بکند و اگر تعلیم صحیح در کار باشد و از جلسه اول بانظر و كمك مربی کار تعلیم آغاز شود خطرات و صدماتی که متصور است تقریباً هیچگاه پیش نخواهد آمد.

و اما در مورد اشرافی بودن این ورزش باید گفت که لااقل در ایران با امکانات موجود از لحاظ رفت و آمد به محل های اسکی و تهیه وسایل و مخارج روزانه نیز آنطور که بعضی می گویند این ورزش اشرافی و پرخرج نیست.

اسکی از ورزشهایی است که باتئوری اصلاً قابل تعلیم نیست. بطور حتم بایستی آموزش اسکی با عمل توأم باشد. بهترین

نحوه ای که برای آموزش اسکی تابحال مورد قبول قرار گرفته متد فرانسوی می باشد و کتاب راهنمای «اسکی دو فرانس» بهترین راهنمای آموزشی شناخته شده است.

چند توصیه - برای اسکی وسایل مورد نیاز عبارتند از لباس اسکی، کفش، چوب دستی، چوب اسکی؛ و بهتر است که نکات ذیل در تهیه آنها حتما رعایت شود:

۱- تهیه لباس بستگی به سلیقه شخصی و تمکن مالی او دارد. ولی در هر صورت باید نکات فنی در مورد آن توجه شود. شلوار باید برای نشستن و برخاستن راحت و مناسب باشد و در داخل کفش در زیر پا مهار گردد. بهتر است از نوعی باشد که برف را بخود نگیرد.

۲- کفش اسکی باید از نفوذ آب و جذب رطوبت جلوگیری کند. نوع و رنگ های مختلف که ساخت کشور های مختلف است مورد استفاده قرار می گیرد ولی نوع «سگك» دار آن از همه مطمئن تر و مناسب تر است زیرا براحتی باز و بسته می شود. کفش اسکی نباید گشاد باشد ولی پا در داخل آن بایستی براحتی حرکت داشته باشد. بعضی ها توصیه می کنند که کفش اسکی حدود يك ساعت قبل از استفاده در آب ولرم قرار بگیرد تا برای پا آماده گردد. بهر صورت مهمترین اصل این است که کفش اسکی بر روی چوب اسکی، محکم و سخت مهار گردد و بر روی آن بسته شود.

۳- چوب دستی یا «باتون» یکی از عوامل ایجاد حوادث و سوانح در اسکی است. بهر حال بهتر است از نوع فلزی آن استفاده شود زیرا چوبی و فلزی آن اگر از جنس بسیار عالی نباشد خطر شکستن دارد. ۴- چوب اسکی: اسکی که کفها بر روی آن بسته می شود انواع مختلف دارد. نکته ای که رعایت آن لازم و واجب بنظر می رسد اینست که چوب اسکی باید حتماً «مسلح» (آرمه) باشد. قسمت تحتانی آن باید مجهز به «سلاح» یعنی آهنی باشد تا هدایت اسکی آسان و راحت باشد. خود اسکی بایستی خمیدگی لازم را داشته باشد و اندازه طول آن بستگی مستقیم به قد و وزن اشخاص دارد.

وضع اسکی در تهران - علاقه شدید و روز افزون جوانان و مردم تهران به اسکی پیست های اطراف تهران را در روز های تعطیل بصورتی درمی آورد که بقول قدیمی ها اگر در هوا سوزن بیاندازند بزمین نمی رسد. در روزهای تعطیل عموم باشگاهها، اغلب مدارس و سازمانهای ملی و خصوصی و دولتی با کاروان های خود عازم آبعلی و شمشك و پیست جدید گاجره می شوند. هزینه رفت و آمد بطور متوسط يكصد ریال است و اغلب با غذای معمولی که عبارت از ساندویچ و میوه

و شیرینی های پر کالری است (از قبیل خرما) و میوه خشك و تخم مرغ پخته خوراك مردم متوسط تامين می گردد. کاروان ها حدود ساعت ۷ تا ۸ صبح از میدان فوزیه حرکت می کنند. مسئله جالب کرایه دادن وسایل اسکی در پایین پیستها است برای آنهایی که خودشان این وسایل را ندارند و یا بطور اتفاقی گذارشان بآنجا افتاده است. این وسایل همیشه مطمئن و مناسب نیست و اغلب حوادث و خطرات برای همین دسته از مردم که این چنین باسکی می پردازند ممکن است پیش آمد کند.

نمایش مد و تفریح - مسئله باعث تاسف که نمی توان به هیچ بیانی آنرا توجیه و تفسیر کرد و در بعضی جاهای دیگر دنیا هم بچشم می خورد صحنه ای است که در کنار و محوطه پیست ها بوجود می آید و این موضوع بیشتر در آبعلی دیده می شود این است که کسانی فقط برای وقت گذراندن می آیند، همچنین خانمها و جوانانی برای نشان دادن «مد» هفت قلم آرایش کرده به محل اسکی می آیند. این ها علاوه بر این که تراکم رفت و آمد جاده ها را بوجود می آورند در محل پیست ها هم مزاحم ورزشکاران و علاقمندان واقعی به ورزش می شوند.

این بیشتر در پیستهای عمومی است. در پیستهای اختصاصی مثل «كلوب نور» بالاتر از آبعلی فقط اعضاء و ورزشکاران و علاقمندان، مجاز با استفاده هستند.

برای آینده - از اقداماتی که برای تعمیم این ورزش شده است اقدام به ساختمان استاسیونی است بنام «دیزین» در جاده چالوس و نزدیکی گچسر. این استادیوم عظیم طی يك برنامه پنج ساله ساخته خواهد شد و یکی از بزرگترین و مجهزترین مراکز ورزش زمستانی در خاور میانه خواهد شد. سیصد میلیون ریال اعتبار ساختمانی این مرکز می باشد. مدت هفت ماه از سال از این محل می توان بهره برداری ورزشی نمود. در اینکار سازمان تربیت بدنی، فدراسیون اسکی، سازمان برنامه، وزارت راه و ارتش ایران همکاری دارند. این مرکز در آینده برای جلب ورزشکاران و همه کسانی که به این مراکز ورزش زمستانی علاقه دارند مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در این استاسیون، پیست های متعدد اسکی برای قهرمانان و مبتدیان ساخته خواهد شد و وسایل تفریحی بولینگ، مینی گلف و از این قبیل نیز در محوطه آن در نظر گرفته شده است. تله کابین، تله سی یژ و تله اسکی نیز در پیستهای این استادیون نصب خواهد شد.





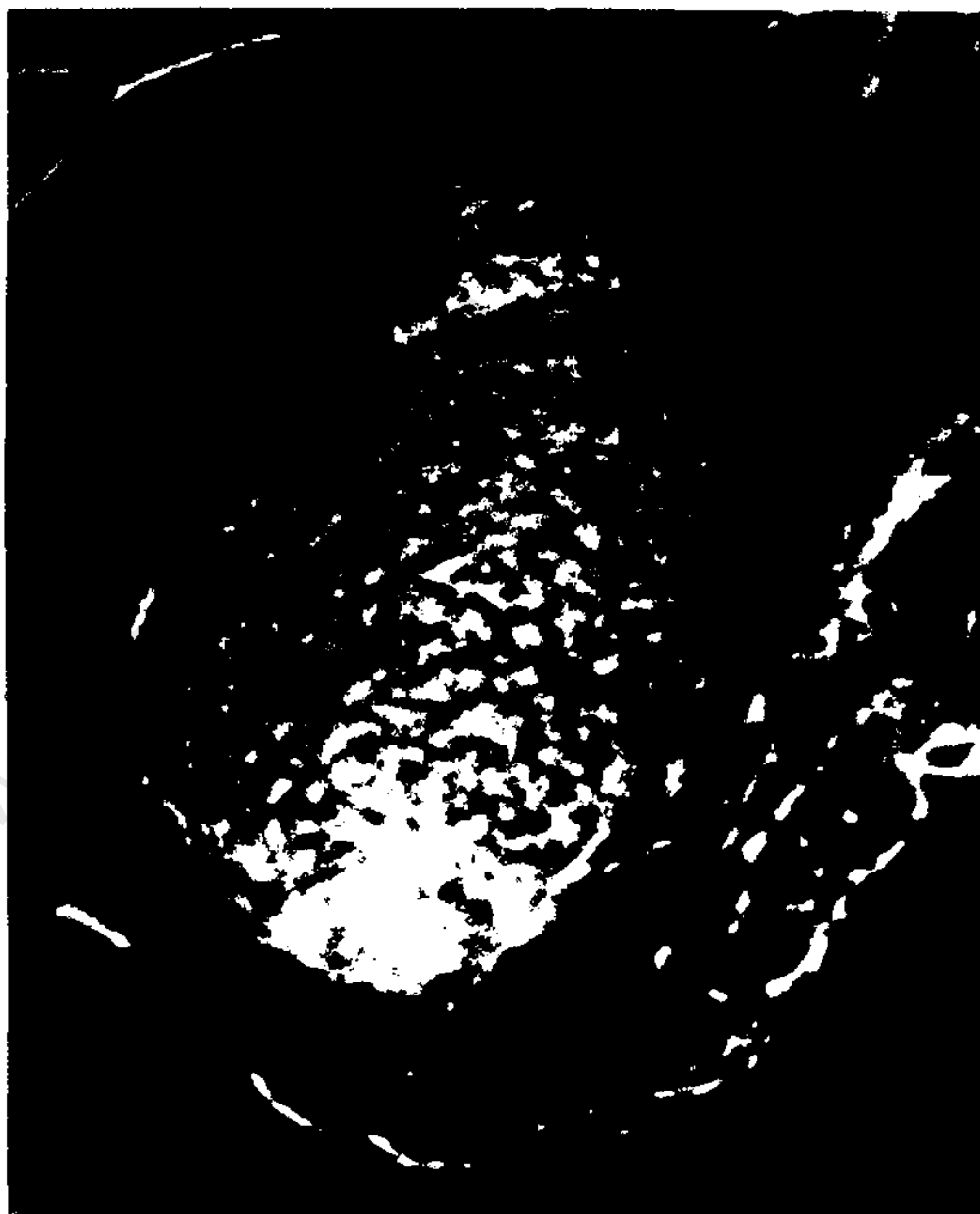
|||

www.KetabFarsi.com



ابریشم

از مجتبی جزایری



* حشرات دسته‌ای بزرگ از موجودات زنده روی زمین را تشکیل می‌دهند .
* حشرات شش پا دارند و بدن آنها از سه قسمت ساخته می‌شود .
* پروانه ها و بید ها از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند .
* بدن حیوانات پوشیده از ماده کیتین است که آب و مایعات در آن نفوذ نمی‌کند .
* وقتی يك پروانه را می‌گیرید پولکهای پروانه روی دست شما می‌ماند .

بیله ابریشم

«پرورش کرم ابریشم را از زمان تورات در نواحی بحر خزر معمول داشته‌اند .

همین شاخکهاست که دوست یا دشمن را تشخیص می‌دهند .

حشرات غذاهای مختلفی می‌خورند بعضی از آنها از برگ تغذیه می‌کنند انواع دیگر خونخوار هستند و یا ممکن است از پشم شیره گیاه حشرات دیگر کاغذ یا چیزهای دیگر تغذیه کنند .

روی بدن حشرات سوراخهای ریزی وجود دارد که متصل به لوله های منشعب از هم می‌شود و بوسیله این لوله ها و سوراخها عمل تنفس را انجام می‌گیرد .

انواع حشرات که تاکنون موفق به شناختن آنها شده‌اند متجاوز از پانصد هزار است و این خیلی بیشتر از تعداد انواع تمام جانوران دیگر است .

حشرات با همه تنوعی که دارند خصوصیات مشترک نیز بسیار دارند که آنها را بهم نزدیک می‌کند تا جائیکه توانسته‌اند همه را در يك دسته جای دهند .

همه حشرات شش پا دارند و بدن آنها از سه قسمت سر سینه شکم ساخته می‌شود روی سر معمولا آنتن (شاخک) دارند و بوسیله

«قدح مگیر چو حافظ مگر به ناله چنک که بسته‌اند بر ابریشم طرب دل شاد» هزاران سال است که زمین عرصه تاخت و تاز انسان است . میلیونها سال پیش از این خزندگان عظیم الجثه حاکم بر پهنه زمین بودند و پاره‌ای از دانشمندان اظهار نظر می‌کنند که بعد از انقراض نوع بشر کره خاکی میدان جولان حشرات خواهد شد .

حشرات دسته‌ای بزرگ از موجودات زنده روی زمین را تشکیل می‌دهند تعداد

بدن همه حشرات پوشیده از ماده کیتین است که آب و مایعات در آن نفوذ نمی کند .

بعضی از انواع حشرات دارای بال هستند و برخی دیگر بال ندارند .

دو دسته مهم از حشرات پروانه ها و بید ها هستند که از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند پروانه ها و بید ها از حشرات بال دار هستند ولی برخلاف سایر حشرات بال آنها پوشیده از پولکهای بسیار کوچکی است وقتی يك پروانه را می گیرید غباری روی دست شما می ماند این غبار تعدادی از پولکهای پروانه است .

پروانه ها و بید ها دو شاخك دارند ولی شاخك آنها باهم تفاوت دارد شاخكهای پروانه باریك و سوزنی شکل است اما شاخكهای بید مانند پر مرغ پهن و منشعب است .

علاوه بر این راههای دیگری هم برای تشخیص این دو از یکدیگر وجود دارد . بید ها معمولا روز استراحت می کنند و شبها پرواز می کنند ولی پروانه ها برعکس روزها پرواز می کنند و شب استراحت می کنند . وقتی يك پروانه استراحت می کند بالهایش را جمع می کند ولی يك بید در حال استراحت بالهایش را پهن می کند .

بدن بید ها پهن تر از پیکر پروانه هاست و پوشیده از کرکهای نرم و نسبتا بلند تری است .

پروانه و بید برای تکامل چهار مرحله را طی می کند که عبارتند از تخم نوزاد شفیره و حشره بالغ . این تغییر شکل را که از تخم شروع و به حشره بالغ ختم می شود اصطلاحا دگردیسی می گویند .

تخم انواع پروانه ها و بید ها بسته به نوع حشره رنگ و شکل و اندازه متفاوت دارد ولی غالبا تخم آنها بصورت صفحه محدب الطرفین و شبیه عدس و بسیار کوچک است وزن هر تخم معمولا کمتر از يك میلی گرم است .

بعد از این حشره وارد مرحله نوزادی می شود در این حال حشره شکل کرم را دارد و بهمین نام خوانده می شود . کرم موجود پر خوری است که به سرعت رشد می کند و چون پوست کرم نمی تواند سرعت خود او رشد کند کرم مرتبا پوست می اندازد تا بزرگ و بزرگ تر شود .

بعد از این حشره وارد مرحله سوم زندگی خود می شود این مرحله را حشره معمولا در داخل پیله می گذراند و در این حال شفیره نامیده می شود حشره در این مرحله هیچ چیزی نمی خورد و در حالتی شبیه خواب بسر می برد و بتدریج تغییر شکل می دهد تا شبیه به پروانه می شود در این حال پیله را سوراخ کرده خارج می شود و از

اینجا مرحله آخر زندگی که مرحله بلوغ باشد آغاز می شود .

کرم پروانه ها و بید ها زیانهای فراوانی به بشر می زنند چون انواع محصولات مفید را بسرعت می خورند به استثنای کرم کلم که از نوع پروانه هاست بقیه انواع کرم ها از انواع بید هستند که به محصولات کشاورزی زیان می رسانند .

از میان انواع بید های مضر تنها يك نوع آن است که برای نوع بشر نه تنها زیان ندارد بلکه منبع استفاده سرشاری هم هست و آن بید ابریشم است که به غلط پروانه ابریشم خوانده می شود .

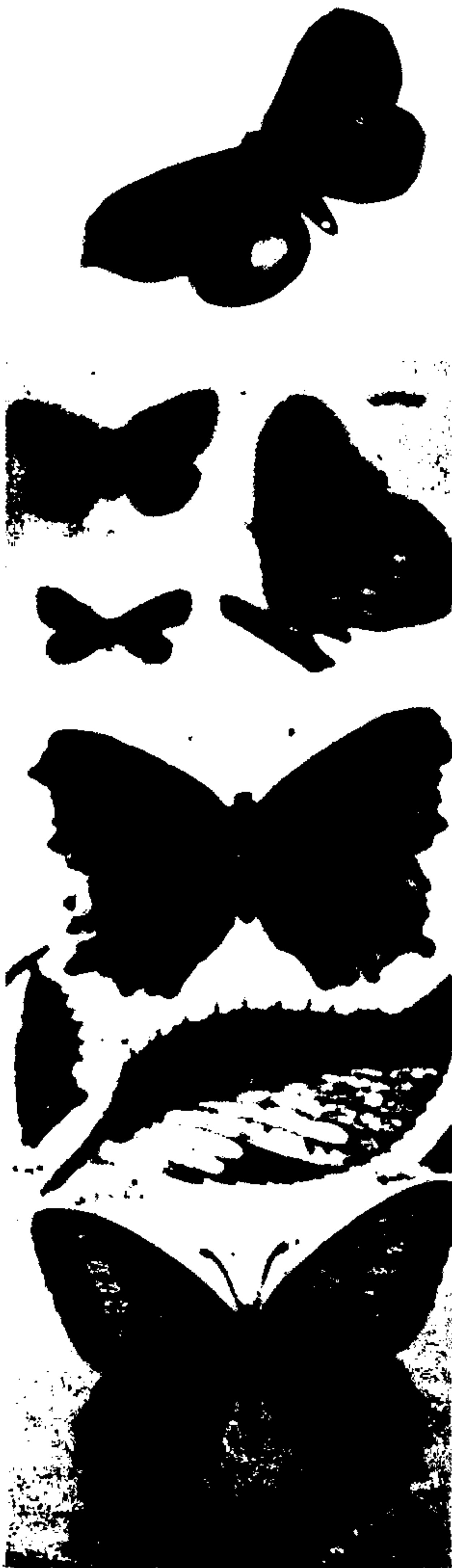
از عمر بید ابریشم بیشتر از چند میلیون سال می گذرد ولی بیشتر از چهار هزار سال نیست که بشر از آن استفاده می کند . هنوز بدرستی معلوم نیست که اولین بار چطور بشر موفق به استفاده از آن شد ولی مسلم است که چینیان نخستین کسانی بودند که موفق به بهره بردن از آن شدند . داستانهای مختلفی در این مورد وجود دارد که دوتای آن از همه معروف تر است .

يك روز که شاهزاده خانم چینی مشغول نوشیدن چای بود يك پیله ابریشم در ظرف چای او می افتد و وقتی که می خواهد آنرا از ظرف چای خارج کند تار های ابریشم از هم باز می شوند و باین ترتیب استفاده از آن رایج می شود .

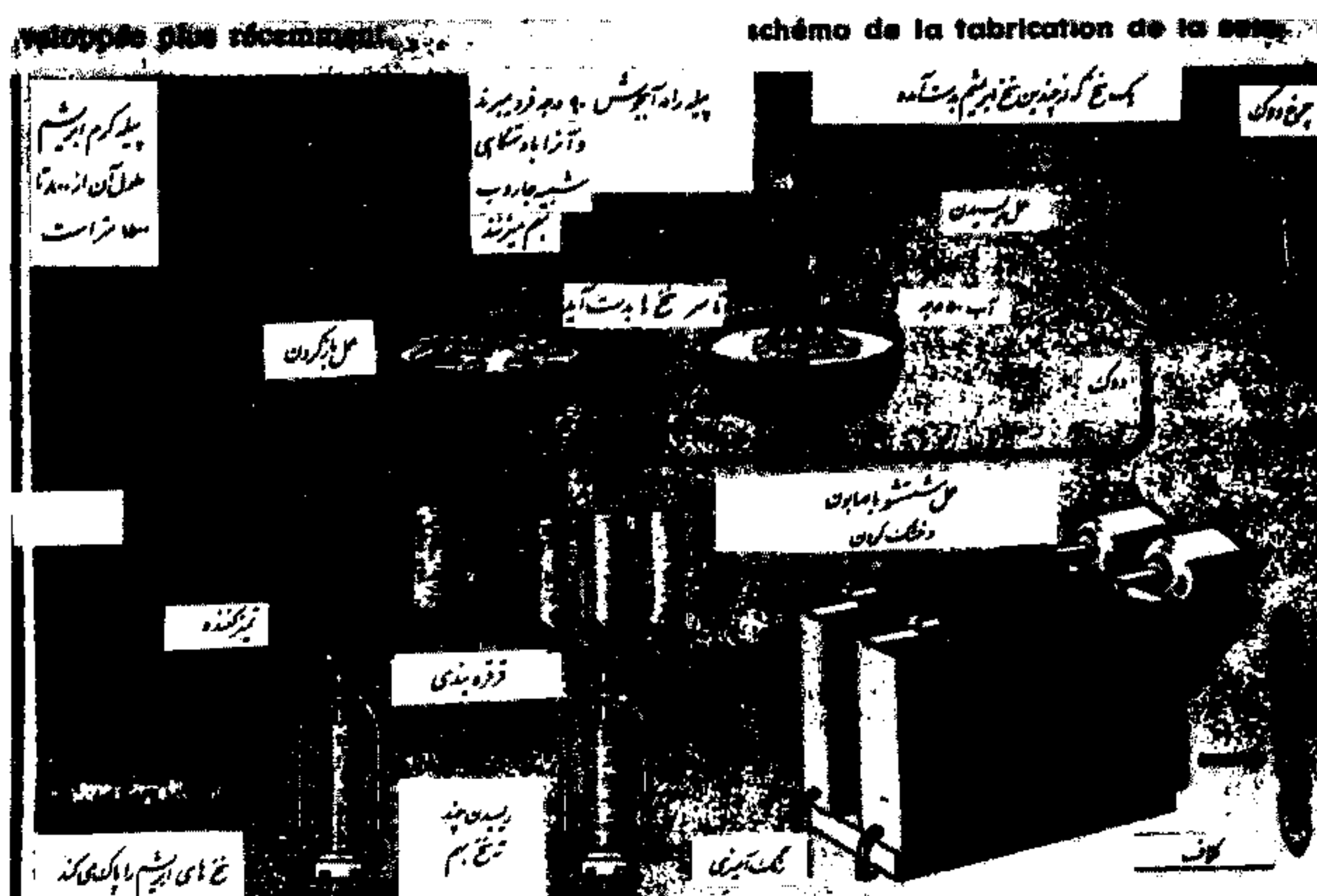
داستان دیگر که خیلی بیشتر از اولی شهرت دارد این است که در سال ۲۶۵۰ قبل از میلاد مسیح کوانگ تی امپراطور چین صبح يك روز بهاری همراه ملکه جوان خود در باغهای کاخ امپراطوری قدم میزدند که کرمهای سفید رنگی را بر درختی می بیند که تار های ظریفی بر شاخه ها تنیده اند از ملکه می خواهد که راه استفاده از این تار های ظریف را پیدا کند . ملکه جوان مدتها تحقیق می کند و بالاخره موفق به کشف ابریشم می شود . بزودی پرورش کرم ابریشم در سراسر کشور پهناور چین توسعه میابد و پارچه های ابریشمی که باظرافت چینی بافته می شد بازار های دنیا را تسخیر می کند . مردم چین بهمین مناسبت ملکه را خدای کرم ابریشم لقب دادند و از آن پس او را « سی لینگ تی » خواندند .

چین تولید ابریشم را در انحصار خود گرفت و باوضع مقررات و قوانین مخصوص مانع از این شد که تولید ابریشم از انحصار مردم چین خارج شود .

ظرافت و زیبایی پارچه های ابریشمی سبب کنجکاوی مردم دیگر سرزمین ها شده بود و می خواستند راز آنرا کشف کنند . اما این کار به آسانی ممکن نبود . سالها گذشت بالاخره یکی از مهابراجاهای ثروتمند



برای استفاده از تارهای ابریشم پيله
بایستی کاری کرد که پروانه از آن خارج



نواحی بحر خزر معمول داشته‌اند .
احتمالا پارچه های ابریشم زربفت که
مورد استفاده پادشاهان هخامنشی بوده است
در خود ایران تهیه می شده است . بعد از آن
نیز در دوره ساسانیان و سپس بعد از نفوذ اسلام
در ایران پرورش کرم ابریشم و تهیه پارچه

بین ۲۲ تا ۲۵ درجه سانتی گراد باشد اگر
حرارت پایین تر باشد کرمها تغذیه نمی کنند
و خواهند مرد .
پرورش کرم ابریشم در ایران سابقه ای
طولانی دارد یکی از مجلات پاریس می نویسد
« پرورش کرم ابریشم را از زمان تورات در

نشود چون سوراخی که پروانه برای خارج
شدن خود ایجاد می کند تار بلند ابریشم را
به هزاران رشته کوتاه مبدل می کند که
بکار بافتن پارچه نمی آید . باین منظور بوسایل
مختلف شفیره را در داخل پيله می کشند یکی
از راهها سرد کردن پيله در سردخانه است
که سبب مړك شفیره می شود . بعد بوسیله
فرچه های مخصوص و در مایع گرم سر رشته
را پیدا می کنند و به آرامی آنرا باز کرده
روی قرقه می پیچند از ریسیدن و بافتن
همین رشته های بسیار ظریف است که پارچه
های زیبای ابریشم بافته می شود .

پرورش کرم کاریست پر منفعت و نسبتا
آسان ، ولی اگر دقت کافی در مورد آن نشود
بیماریهای مختلف کرمهای ابریشم را از بین
خواهد برد .

بیماریهای مختلف کرم ابریشم عبارتند
از :

۱- پیرنین Pirnin علت این بیماری
را نامرغوب بودن تخمهای کرم ابریشم می-
دانند و علامت آن خالهای سیاهی است که
روی بدن مخصوصا پاها کرمها پیدامی شود .
۲- فلاشری Flasheri یا سیاه
میری که علت آن رطوبت برگها و یا کثافت
محل پرورش کرمهاست و به سرعت سبب از
بین رفتن کرمها می شود .

۳- موسکاردین Moskardin یا
سفید میری علت این بیماری را برخی يك
نوع قارچ می دانند که هنوز کشف نشده است و
بعضی دیگر معتقدند که رطوبت برگها سبب
آن می شود علامت آن خالهای سفیدی است
که به شکل كفك روی پوست کرمها ایجاد
می شود .

۴- گراسری Graseri یا زرد میری
که به سبب تغذیه بیش از حد یا به علت
رطوبت برگها ظاهر می شود و چندان خطر-
ناك نیست .

علاوه بر بیماری های بالا آفت های
دیگر نیز کرم را تهدید می کند که خطرناك
ترین آن يك نوع مار قرمز رنگ شبه به
افعی است که از انواع سفره ماهی ها می باشد؛
یعنی برای تغذیه شکم خود را شکل سفره
باز می کند و کرمهای ابریشم روی شکمش
جمع می شوند سپس شکم خود را می بندد
و به این طریق می تواند روزانه چند هزار
کرم ابریشم را از بین ببرد .

موش یکی دیگر از آفات کرم ابریشم است
چون آنها را می خورد . مورچه نیز به کرمهای
ابریشم آسیب می رساند برای پرورش کرم
ابریشم که نام دیگر آن نوغان است باید
نكات دیگری را نیز رعایت کرد . معمولا
برای پرورش ۲۵ گرم تخم نوغان که در
حدود ۲۵ تا ۳۷ هزار عدد است مساحتی
در حدود ۶۰ متر مربع با فضای ۱۰۰ متر
مکعب مورد لزوم است حرارت این محل بایستی

های ابریشمی در بسیاری از نقاط ایران معمول بوده است.

در روزگار گذشته ابریشم بدست آمده در گیلان بزرگترین رقم محصولات این سرزمین بوده است. در خراسان پرورش کرم ابریشم فوق العاده مورد توجه است و چون برای پرورش کرم ابریشم به درختهای توت احتیاج فراوانی هست به غرس این درختها توجه بسیاری می شده است چنانچه در خراسان غرس درخت توت را از اعمال و دارای ثواب اخروی می شمارند و هنوز هم در پاره ای از نقاط این استان مرسوم است که درختهای توت را وقف می کنند این موضوع بخوبی نشان می دهد که پرورش کرم ابریشم در ایران چقدر مورد توجه و علاقه بوده است.

شاردن سیاح معروف فرانسوی در سفرنامه خود میزان ابریشم ایران را در حدود ۶۲۳۰۰۰ من تخمین کرده است که این مقدار معادل سی و هفت هزار تن پيله ترمی باشد (قرن یازدهم هجری)

در اواخر قرن سیزدهم هجری (۱۲۹۴ هجری قمری) بیماری پیرین که ذکر آن گذشت از راه آسیای غربی به ایران نفوذ کرد و باعث خسارات فراوانی شد و پس از آن میزان تولید ابریشم بسیار پایین آمد و به حدود ۳۳۸۰۰ من تنزل کرد.

انواع ابریشمی که در ایران بدست می آید عبارتند از:

۱ - ابریشم میلانی ۲ - ابریشم شعربافی
۳ - ابریشم اعلا ۴ - ابریشم تاجر ۵ - کج و لاس

ابریشمهای درجه یک ایران همیشه با بهترین ابریشمهای دنیا که در فرانسه و ایتالیا بدست می آیند رقابت می کرده است ولی چنانکه گفته شد بعد از شیوع بیماری پیرین مقدار ابریشم تولید شده به میزان بسیار قابل توجهی کاهش یافت بعد از این اقدامات مختلفی از طرف دولت انجام گرفت که از جمله می توان ورود تخم نوغان از ژاپن و انواع دیگر تخم نوغان را نام برد که دو نوع ژاپنی و بروسه آن در ایران نتیجه بهتری داد در سال ۱۳۱۶ قانونی از مجلس گذشت که به موجب آن نوغان به انحصار دولت در آمد و اداره ای بنام اداره کل نوغان تشکیل شد و بدنبال آن کارخانه حریر بافی چالوس تاسیس شد که در آن زمان در نوع خود در دنیا کم نظیر بود. ورود الیاف مصنوعی مثل نایلون پرلون ریون و انواع دیگر آن که به مراتب ارزان تر از ابریشم بودند و پس از جنگ جهانی دوم رواج پیدا کردند لطمه بزرگی به بازار جهانی ابریشم زد که یکی از نتایج آن تعطیل شدن کارخانه حریر بافی چالوس بود. پس از این دولت انحصار نوغان را لغو کرد و خرید و فروش ابریشم در اختیار بازرگانان قرار گرفت.

محصول ابریشم ایران در سال ۱۳۰۹

هجری شمسی ۳۴۳۳ تن بوده است که پس از ژاپن، چین، ایتالیا، شوروی و سوریه مقام ششم را در جهان حائز بوده. ولی پس از جنگ و رواج الیاف مصنوعی ابریشم ایران به ۱۹۰۰ تن تقلیل یافته است و این مقایسه اثر ناگوار تولید الیاف مصنوعی را نشان می دهد. علاوه بر این در سال ۱۸۸۹ میلادی شخصی بنام شاردونه موفق به تهیه ابریشم مصنوعی شده بود که رواج آن نیز لطمه بزرگی به تهیه ابریشم طبیعی زد ولی پس از مدتی ابریشم طبیعی جای از دست رفته را بدست آورد. چون هرگز دوام و لطافت ابریشم طبیعی را نداشت.

در حال حاضر تهیه نوغان در چهار کارگاه نظنز، تربت حیدریه، رشت و بندر پهلوی انجام شود. کارگاه نظنز از نظر تشکیلات فنی مجهز و ظرفیت آن ۳۰ هزار جعبه ۲۵ گرمی تخم نوغان در سال است. (هر جعبه ۲۵ گرمی محتوی تقریباً ۲۵ تا ۳۷ هزار تخم کرم ابریشم است)

کارگاه تربت حیدریه نیز دارای تجهیزات کافی است و ظرفیت آن نیز در حدود ۳۰ هزار جعبه تخم نوغان ۲۵ گرمی است آب و هوای خشک تربت حیدریه و نظنز محل مناسبی برای تهیه تخم نوغان است.

کارگاه بندر پهلوی ظرفیتی برابر ۴۰ هزار جعبه ۲۵ گرمی تخم نوغان را دارد.

بالاخره کارگاه رشت می تواند سالیانه ۲۸ هزار جعبه تخم نوغان تهیه کنند.

کلیه تخم نوغانهای تهیه شده در چهار کارگاه به سردخانه رشت حمل می شود در اینجا معاینه ذره بینی و نمونه برداریهایی برای تعیین مرغوبیت نوع تخم و اطمینان از سلامت آن

انجام می شود و در صورت درخواست خریداران بطور دسته جمعی تخمها را تفریح و در اختیار می گذارند (تفریح اصطلاحاً خارج شدن کرم از تخم است)

پیش از این گفته شد که تهیه ابریشم مستلزم وجود درخت توت کافی است در ایران انواع مختلفی از درختهای توت وجود دارد که عبارتند از توت سیاه معمولی و توت سیاه دیگری که به شاه توت معروف است و توت سفید. در گیلان نوعی درخت توت وجود دارد که برگهای بریده بریده یا صافی دارد بعضی انواع آن اصلاً میوه نمی دهند و بقیه میوه های ریزی می دهند که قابل استفاده نیست.

درختان توتی که از نظر پرورش کرم ابریشم اهمیت دارند آنهایی هستند که برگهای بزرگ نزدیک بهم دارند و برگهای آنها بریدگی ندارد این درختها میوه ندارند.

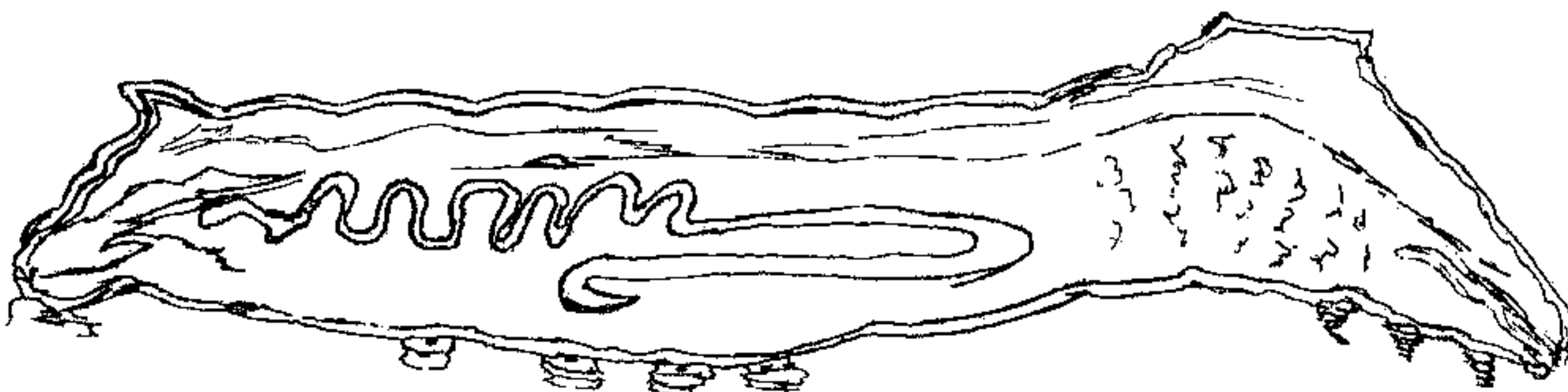
و نبودن میوه در برگگی که بمصرف تغذیه کرم ابریشم می رسد بسیار مهم است. چون وجود میوه بعد از باران سبب جذب رطوبت و آب شده تولید دو بیماری خطرناک فلاشری و گراسری را مینماید.

بموجب آمار آخرین میزان حصول پيله و ابریشم ایران بقرار ذیل است.

۱ - در حال حاضر مقدار ۴۰ هزار جعبه تخم ابریشم ۲۵ گرمی در ایران بفروش می رسد و بهای هر جعبه داخلی ۵۰ ریال و هر جعبه مارک خارجی ۱۰۰ ریال است.

۲ - هر سال در حدود ۲ هزار جعبه تخم نوغان از بلغارستان به ایران وارد می شود.

۳ - قیمت ابریشم در داخل هر کیلو ۱۲۵۰ ریال است.



امام غزالی

هنوز به سی سالگی نرسیده بود که تمام
فنون و علوم رسمی زمان خود را فرا گرفته
بود.

علاقه به تحقیق در طبیعت من سرشته
بود.

از آغاز جوانی تشنه درک حقایق بودم.

۱- روزگار غزالی

«بشوی اوراق اگر همدرس مایی :
که درس عشق در دفتر نباشد»

حافظ

غالب بلاد اسلام به انشاء مساجد و مدارس
اقدام کرد، از جمله : در طوس و هرات و
نیشابور و بغداد مدارس بنام «نظامیه»
ساخت که مشهورترین آنها «نظامیه بغداد»
است. در زمان او و پندبیر او گذشته از
اینکه ملک شاه مملکت را آرام کرد و اغتشاشات
داخلی را مندفع ساخت کار جهانگشایی پدر
خویش آلپ ارسلان را (حکومت ۴۵۵-۴۶۵)
دنبال کرد و شام و حلب و جزیره را فتح
کرد، چنانکه خواجه برای نشان دادن وسعت
مملکت او دستور داد اجرت ملاحان جیحون
را در انطاکیه بدهند! هندو شاه نججوانی
این مطلب را چنین نوشته :

«گویند : خواجه در ایام وزارت با
سلطان از جیحون بگشت و اجرت کشتی
بانان جیحون ده هزار دینار بروالی انطاکیه
نوشت، او را گفت : از جیحون تا انطاکیه
نه ماه راه است ملاحان را جهت اجرت تا
آنجا رفتن متعذر باشد. گفت : راست می
گویند اما غرض من آنست که طول و عرض
مملکت سلطان، کسانی که ندانند معلوم
کنند، و این برات را خود لشکریان ما از
کشتیبانان بخرند و هم اینجا مال به ایشان
رسد!» (*)

منظور از این بسط مقال، تاریخ نویسی
نیست و بیشتر از این هم در باره خواجه و
ملک شاه صحبت نمی داریم که تفصیل آن دفتری
دیگر می خواهد، خواستیم تا حدودی وضع
این دوره درخشان - که معلول لیاقت
چند نفر از پادشاهان و وزراء بویژه خواجه

آبادترین آنها بود و این پادشاه و وزیر
و عمال واعیان دیگر سلجوقی در آن شهر
اینه بزرگی ساخته بودند که هنوز هم آثار
یکمده آنها برجاست (۲). روتق عمده
سلطنت ملک شاه هم مرهون کفایت و لیاقت
وزیر دانشمند و کارداران او خواجه نظام الملک
طوسی است. چه اگر کفایت خواجه نظام -
الملک و قدرت قلم او با شجاعت و صلاحیت
شمیر آن دو سلطان سلجوقی یار و قرین
نمی گردید و مملکت داری خواجه ضامن و
پشتیبان کشورگشایی ایشان نمی شد دوام و
بقای چنان دولت وسیعی محال می نمود و چه
نیکو گفته است امیرالشراء معزی :

«تو آن خجسته وزیری که از کفایت تو
کشید دولت سلجوق سر بعلیین!»
«تو آن ستوده مشیری که در فتوح و ظفر
شده است کلک تو بانیخ شهریار قرین!» (۳)

نفوذ و جبروت خواجه در دولت سلجوقی
چنان شده بود که در اواخر عمر، ملک شاه
از آن پریشان دل گشته بود و خواجه در
اواخر ایام سلطنت وی، اغلب کارهای عمده
کشور را بدست پسران متعدد خود سپرده بود
و ایشان هم بعلت نفوذ بسیار خواجه و سوابق
خدمت طولانی او در دستگاه سلاجقه غالباً

از طریق انصاف و اعتدال منحرف می شدند
و به استبداد و تحکم می رفتند، (۴) و (۵)
خواجه علاوه بر کاردانی و حسن اداره،
مردی نیکو سیرت و با خیر و برکت بود و
از خود آثار خیریه بسیار بجا گذاشت و در

توضیح این مطلب آنست که تا ظهور سلجوقیان
با اینکه پادشاهان مقتدری از قبیل سلاطین
سامانی و آل بویه و حتی سلطان محمود در
ایران حکومت مستقل می کردند و اقتداری
بتمام داشتند و از حوزه خلافت مجری شدند،
و لیکن کشور ما بچند قسمت منقسم شد و
در حقیقت یک نوع حکومت ملوک الطوائفی
بر آن حاکم بود و مثلاً سلطان محمود با آن
همه شوکت و جلال پادشاهی، بسبب لشکر-
کشی به هندوستان و نزاع با ترکان ماوراء
النهر و خوارزمیان مجال آنرا نیافت که
فتوحات خود را در تمام ایران بسط دهد و
حکومت واحدی تشکیل دهد.

ولیکن سلاجقه در اندک زمانی تمام
ملوک الطوائف را از بین بردند و بنیادشان
را برانداختند و در تمام ایران رایت سلطنت
برافراشتند و حتی ممالک مجاور آسیای را
تسخیر کردند و از آن همه یک کشور پهناور،
بوجود آوردند که مرکز آن ایران بود، و
بطوریکه در تواریخ مسطور است این روش
در زمان حکومت آلپ ارسلان و بویژه پسرش
ملک شاه سلجوقی (شوال ۴۸۵ - ۴۵۶) - که
بیشک بزرگترین و مقتدرترین پادشاهان
سلجوقی است - به منتهی درجه خود رسید،
چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال دریایچه
خوارزم و دست قبچاق تا ماوراء یمن بنام
او خطبه می خواندند و امپراطور روم شرقی
و امرای علوی گرجستان و ایخان به او خراج
و جزیه می دادند و اصفهان در عهد او و خواجه
نظام الملک، از مهم ترین بلاد دنیا و یکی از

برخلاف تصور برخی از دانشمندان، تنها
اشخاص نیستند که در محیط تأثیر می گذارند
بلکه محیط هم در پرورش و ایجاد بزرگان
و دانشمندان مؤثر است و اگر تأثیر این یک
از اولی بیشتر نباشد، باری کمتر نیست.

بنابراین مقدمه کوتاه اگر بخواهیم شرح
زندگی و احوال یک متفکر و پادشاه و حکیمی
را بنویسیم، ضرورت دارد اول محیط او را
بشناسیم و اوضاع و خصوصیات دوره او را
دریابیم، و جریانات سیاسی و بحرانیهای
دیگر اجتماعی آن عصر را بررسی و تحقیق
کنیم تا علل بوجود آمدن شخصیت علمی مورد
نظر را بیشتر و بهتر بفهمیم. و بتوانیم کار
های او را ارزیابی کنیم و بمقیاس همان
دوران و همان روزگار بسنجیم.

«غزالی» در سال ۴۵۰ هجری (۱) در
طوس از مادر زاده و در جمادی الاخری سال
۵۰۵ هجری در همان شهر وفات یافته است
این دوران بطوریکه می دانید همزمان با
حکومت سلجوقیان در ایران است. روزگار
سلاجقه - که از ۴۲۹ هجری تا ۵۵۲ هجری
در ایران فرمانروایی کرده اند - یکی از
درخشان ترین و تابناک ترین دوره های تاریخ
کشور ایران است. و بسیاری از علما و
دانشمندان و شاعران بزرگ ما در این دوره
بظهور رسیدند.

در واقع با بروی کار آمدن سلجوقیان
بود که ایرانیان بنحو بارزی توانستند خود
را از زیر بار تسلط تازیان بدور بدارند و
دیگر فرامین خلیفه را گردن نگذارند

است - روشن شود.

غزالی هم معاصر همین دولت بود و با بیشتر پادشاهان این دودمان هم عصر بود. سلطنت این دودمان که با همت رکن - الدین ابوطالب معروف به طغرل در سال ۴۲۹ تأسیس شده بود و با کشورگشایی های ایل ارسلان و ملکشاه و درایت خواجه بنیادی استوار یافته بود، پس از روزگار خواجه و قتل او در روز دهم رمضان ۴۸۵ رو بضعف نهاد و اگر چه فرزندان ملکشاه تا زمانی در این مرز و بوم حکومت کردند - بویژه سلطان سنجر - با این همه دیگر داشت آفتاب دولت سلجوقی در ایران بمغرب می - خرامید!

سنجر آخرین پادشاه سلجوقی است که در خراسان مقر داشت. و پس از او خراسان بدست «آتسز» خوارزمشاهی افتاد، بدین معنی که در سال ۵۴۸ قمری عظیم ترکان «غز» مصادف با دوره حکومت استقلالی سنجر شد و این پادشاه هم خود و هم زوجه اش در ششم جمادی الاول بدست غزان مدتی گرفتار و اسیر شد و با اینکه دوباره استخلاص یافت ولی طولی نکشید که وفات نمود و با مرگ او دولت «سلاجقه کبیر» در ایران پایان رسید (۶)

پیش گفتیم غزالی با بیشتر سلاجقه معاصر بود، چه ولادتش در اواخر عهد «طغرل» واقع شد و وفاتش در زمان سلطان محمد، و همین سلطان است که غزالی کتاب «نصیحه الملوك» را برای او تألیف کرد، نیز غزالی حدود ۱۴ سال حکومت سنجر را در خراسان درك کرده است (۷). غزالی نزد تمام سلاطین و بزرگان این دودمان محترم و معزز بود، و آنها امام را بزرگترین دانشمند زمان خود می دانستند، غیر از اینها غزالی نسبت به بعضی از آنها حق تربیت و خدمت داشت و نسبت به برخی از آنها غناهای شدید اعمال می داشت و همانند پدری آنها را پند می کرد، و اینکار جز از وی از کس دیگر امکان نتوانستی داشت.

۳- وضع اجتماع و پایگاه علم در روزگار غزالی:

حیات غزالی که از اول نیمه دوم قرن پنجم تا اوایل قرن ششم هجری طول کشید، روزگار عجیبی بود که امتیازات مخصوص دارد: نخست - کثرت علما و دانشمندان، و وفور تألیف و تصنیف کتب بخصوص کتب های مذهبی و معارف اسلامی مانند: فقه و اصول فقه و کلام و حدیث، و این بدانسیب بود که مدارس اسلامی در این روزگار کاملاً دایر بود و ارباب ذوق و استعداد در هر فنی از فنون دانش بویژه علمی که در بالا ذکر شد - تألیف و تصنیف کردند، و از این رو، کمتر دوره ای در تمدن اسلامی می توان سراغ داد که این چنین تابان و درخشان باشد. دوم - رواج بحث و جدل میان ارباب مقالات، بخصوص علمای اهل تسنن، که کارشان سخت در روتق بود و سبب آن این بود که هم سلاطین سلجوقی و هم خواجه بزرگ نظام الملک طوسی سنی بودند و اعیان و رجال دولت نیز بهر صورت تابع ایشان بودند و لذا با تمام نیرو و ایمان خود نگاهبان اصول عقاید اهل تسنن بودند.

سوم - مرسوم شدن تبلیغات مذهبی و مجادلات فرقه ای و غلبه و شدت یافتن احساسات دینی به تمام مظاهر زندگی مردم، که عالمان دین هر آن شعله آنرا تیزتر می کردند و هر فرقه خود را «ناجی» و دیگری را گمراه می پنداشت چنانکه خود غزالی بدان اشاره کرده و گفته است که: «اختلاف مردم در ادیان و ملل، و اختلاف پیشوایان مذاهب با آن همه فرقه ها و تباین راهها، دریای ژرفی شده است که بسیاری در آن

غرقه شده اند، و جز اندکی رهایی نمی توانند یافت! و هر فرقه ای گمان می کند که او ناجی است و هر گروهی بر آنچه دارند شادند! و این همان است که سید عالم از آن خبر داد که: بزودی امت من هفتاد و سه فرقه شوند؛ که ناجی آنها یکی نیست و آنچه او وعده کرده بود اینک بظهور آمد. (۸)

میان فقها و علمای مذاهب و ارباب مقالات در این دوره مناقشات و مجادلات مذهبی اشتداد یافته بود و هر زمان که جماعتی از آنها بهم می رسیدند و یا در مجلسی حاضر می آمدند مسائل علمی و مذهبی را مطرح مذاکره قرار می دادند و برخی اوقات کار از مباحثه و مجادله به مشاجره می کشید و در این میان مردم غوغا و عامه «مادر مرده» بطرفداری از اهواء و هوسهای ریاست طلبانه فلان و یا بهمان بر می خاستند و گاه این بحث ها بزد و خورد و کشتار نیز می انجامید! فن خطابه و جدل و خلاف که سه حربه برنده علمای آن دوره بود، در این دوره رونقی بسزا گرفت و در این باب کتابها و رساله ها پرداختند و چه بسیار از دانشمندان که کوشیدند: تمام مطالب آنها را حفظ و بازگویی کنند و همانند ابواسحق شیرازی مسائل خلاف را چنان از بر داشته باشند که یکی از شما سوره فاتحه را! (۹)

قهرآ نتیجه این وضعیت، آن شد که علما و دانشمندان مورد توجه و احترام بزرگان و عامه مردم واقع گردند و در نظر محترم شوند، در شرح احوال ابواسحق شیرازی نوشته اند که: از طرف خلیفه عباسی المقتدی بامر الله (۴۶۷ - ۴۸۷) از بغداد به خراسان آمد - مردم هر ناحیه از مرد و زن به استقبال او می شناختند و رکاب او را می بوسیدند و خاک پای استرش را به تمن و تبرک بر می گرفتند و عالم بزرگ خراسان ابوالمعالی جوینی محض تجلیل غاشیه او بدوش می کشید. (۱۰)

از طرفی دیگر باطنیه یا اسمعیلیه که به «امام معصوم» دعوت می کردند مبلغان و داعیان دانشمند داشتند و آنها را به بلاد و ممالک اسلامی خاصه ایران می فرستادند.

این جماعت که اغلب فدائیان زبردست و دانشمند بودند دارای تشکیلات و سازمان های مرموز شگفت آوری بودند و بیشتر به ایمان و اخلاص پیروان و هواداران خود متکی بودند، و چون خلفای عباسی با این گروه شدت دشمنی داشتند از سلاطین ایرانی مدد می گرفتند، و سلاطین ایران هم یا بنابر مصلحت یا از روی ایمان (۱۱) با اسمعیلیان و داعیان آنها سختی مخالفت می کردند و آنان را قریطی و خارجی و ملاحده می گفتند و چون یکی از آنها را می یافتند، به انواع زجر و حبس و قتل می کشیدند و از همه بیشتر در این راه سلطان محمود غزنوی بود که به تعبیر بی همتی: «انگشت گرد جهان کرده، قریطی می جست!!» (۱۱)

از سوی دیگر صاحب نظران و فلاسفه دست در کار تألیف و تصنیف رسالات علمی و کتب فلسفی بودند و از مدت ها پیش یعنی از روزگار مامون نیرو گرفته بودند و سخنان و مقالات خود را بگوش هوشمندان اقطار اسلامی رسانیده بودند و بدین جهت فقیهان و دانشمندان مذهبی با آنکه خودشان در چندین جنبه مخالف می جنگیدند می بایست به این جماعت هم که پیش از همه فرق به افزار عقل و برهان مسلح بودند - جواب بگویند و این بیش از همه کار را مشکل کرده بود در نتیجه این عوامل و علل خانمان سوز تائف آوری از قبیل جنگهای صلیبی که از سال ۹۰۴ تا ۹۹۰ بشدت یا ضعف دوام داشت و نیز اختلاف سنی و شیعه، يك خلجان و شورش و اغتشاش درونی در میان اسلامیان

برپا شده بود که شاید در هیچیک از اعصار اسلامی نظیر نداشته باشد.

در همین زمان بود که غزالی به عرصه هستی قدم گذاشت.

۳- دوره اول زندگی غزالی

نابغه بزرگ و حجت اسلام، امام زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد غزالی (۱۲) طوسی، در سال ۵۰ هجری از پدری کارگر که پشم می ریش و می فروخت به شهر طوس در وجود آمد، پدر امام در اوقات فراغ به حلقه های درس دانشمندان و به مجالس وعظ واعظان محافل درس فقیهان، می رفت؛ سخنان آنانرا می شنید، و بر دانش های آنان آگاهی می یافت، و آنچه بیشتر از روزی او بود، در راه آنان خرج می کرد و همین آمد و شد و استماع مجالس وعظ و درس، او را بر آن داشت که از خدا بخواهد فرزندی به او عطا کند تا از این گونه مجالس درس و وعظ بنیاد گذارد و مردم را به امور دینشان دانا گرداند و به خیر دنیا و آخرتشان بینا کند!

خدا هم این خواهش او را پذیرفت، و دو پسر به او داد: نخستین ابو حامد غزالی که ما از آن سخن داریم، و دو دیگر برادرش احمد که مشغول به وعظ شد و در آن بمقامی بزرگ رسید (۱۳)

چون وفات پدر نزدیک شد، ابو حامد و برادرش را به دوستی صدیق سپرد نام او «ابو حامد احمد بن محمد راذکانی» و بدو گفت: از اینکه خود درس نخوانده بودم پیوسته غمگین بودم، و دلم می خواست که با تعلیم این دو پسر مرا جبران کنم، دریغ که نشد! تو این مهم را انجام ده و آندو را تعلیم کن! و اگر در این راه تمام آنچه من باقی گذاشته ام صرف و خرج کنی، باک مدار!

آن صوفی با صفا آنچه پدر این دو کودک گفته بود بجای آورد و لیکن بزودی مرده ریک پدر ته کشید و آن دوست مجبور شد آندو را به مدرسه ای که در آن غذا و لباس دانش جویان را تأمین می کردند بپسارد! این کار در روح آندو سخت تأثیر کرد و آنان را به تحصیل تشویق نمود - چه فقر است که جوهر انسان را بروز می دهد تا به امور کوچک سرفروذ نیارد! -

و از این جا بود که غزالی همواره از آن یاد می کرد و می گفت: «ما علم را بغیر خدا خواستیم و لیکن خدا نخواست که جز برای او باشد!» (۱۴)

غزالی محمد که بی اندازه باهوش و تند ذهن بود، علوم دینی و ادبی را نزد همین «احمد راذکانی» فراگرفت، پس از آن به جرجان نزد امام «ابونصر اسمعیلی» رفت و از گفتار او و در خدمت او تعلیم نوشت، دوباره به مهن خود برگشت. از او روایت می کنند (۱۵) که گفت: در راه، راهزنان، راه بر من بیریدند و هر چه داشتم بیردند، در پی دزدان افتادم و به التماس گفتم: «هر چه دارم ببرید و لیکن توبره ای دارم که هیچ بکار شما نمی آید آنرا بمن باز دهید». چون بسیار الحاح کردم، سر دسته دزدان را بر حال من دل بسوخت و گفت: در توبره چیست که اینقدر ناله می کنی و این مایه بدان دل داده ای؟! گفتم تعلیمه هایست که يك چند برای شنیدن و نوشتن آن از وطن دور شده ام و رنج فراوان بردم! گفت: چگونه ادعای علم می کنی در حالی که چون ما این پاره کاغذ ها را از تو بگیریم بی دانش بمانی؟! امام می گوید: گویی این سخن الهامی بود از جانب خدا که مرا بخود آورد، که چون به طوس باز گشتم، سه سال مشغول آن شدم تا آنها را از بر کردم و چنان شدم که اگر

دزدان راه بر من بیرند، از دانش خویش بیگانه نگردم! (۱۶)

بهر حال غزالی، دوباره از طوس بعزم تحصیل بیرون رفت و به نیشابور آمد - در آن زمان نیشابور مرکز دانشمندان خراسان بود - غزالی در این شهر پیش «امام الحرمین ابوالمعالی جوینی» به تحصیل «خلاف» و «کلام» و فنون جدل و مقدمات حکمت پرداخت، بدانسان که در میان تمام شاگردان امام الحرمین انگشت نما شد و امام بداشتن چنین شاگرد هوشمندی بخود نازید (۱۷) و بقول برخی در باطن براو رشک می برد! (۱۸)

هنوز غزالی به سی سالگی نرسیده بود که تمام علوم رسمی و فنون متعارف زمان خود را از ادب و فقه و اصول و خلاف و کلام و مبادی فلسفه فرا گرفته بود و استاد کامل گشته، با وجود این باز در خدمت استاد خود بسر می برد و در نیشابور کم کم بکار تصنیف و تألیف شروع کرده بود تا اینکه بسال ۴۷۸ امام الحرمین درگذشت. غزالی پس از این واقعه در «مفسر» که ناحیه ای بتزدیک نیشابور است - بخدمت وزیر نامدار سلجوقیان خواجه نظام الملک رسید - خواجه که نام و آوازه فضل او را از پیش شنیده بود مقدم او را گرامی داشت، در خدمت او غزالی با علما و فقها مناظره کرد و بر آنها غالب آمد چنانکه همگی یکدل و یک زبان و از بن دندان به فضیلت او معترف شدند. روز بروز بر مقام و تقرب غزالی در نزد خواجه و ملکشاه افزوده می گشت تا اینکه منصب تدریس در نظامیه بغداد را به او مفوض کردند. (۱۸) خواجه بسال ۴۸۴ بر کرسی تدریس نظامیه بنشست. مدت چهار سال در بغداد به تدریس و وعظ و تذکیر و خطابه و مناظره و تألیف و تصنیف مشغول بود و صدها نفر شاگرد در حلقه درس او حاضر می شدند و پیوسته مقام ظاهری و عزت و حشمت او در افزایش بود. نوشته اند مدت سه سال از همین چهار سال را که در بغداد بود مشغول مطالعه کتابهای فلسفه بود تا از دقایق و نکته های این علم هم آگاه گردد!

دوره اول زندگانی غزالی که می توان آنرا «دوران صوری حیات غزالی» نام گذاشت بدینسان که اجمالاً گفتیم در سی و نه سالگی او پایان می پذیرد که موافق با سال ۴۸۸ هجری می شود. (۱۹)

۴- دوره دوم زندگی غزالی و تحول روحانیش:

چون مدت عمر غزالی از ۳۹ روزه نشیب آورد، حالی پیدا کرد که بکلی با احوال سابقش فرق داشت، دیگر آن غزالی که چون غضنفری در سخن دلیر می آمد و راه کلام بر همگان می بست از جوشش افتاده بود مثل این بود که تمام دانش های رسمی در وجود او مرده بودند، و جملگی دفن شده بودند همه شاگردان و دوستان و هواداران از این واقعه ناراحت بودند و لیکن از درد پنهانی او آگاه نبودند، گروهی براو تاسف می خوردند و جماعتی دیوانه اش می خواندند: هر کسی از ظن خود شد یار من وز درون من نجست اسرار من آخر کسی که در این ورطه هولناک نیفتاده جز این چه تواند گفت؟! حال شبهای مرا همچو منی داند و بس تو چه دانی و کمشب سوختگان چون گذرد؟ آری غزالی از سر همه تعلقات بگذشت و آنچه يك عمر در باطن داشت و بظاهر نمی توانست آورد، بالاخره آشکار گشت! آن امر چه بود؟ عطش باطنی بردرك حقیقت! آخر هر کس معتقد خود را حق می دانست، غزالی علوم رسمی را خوانده بود اما در

باطن می‌دید که دردش بسا این جملات و این کلمات درمان نمی‌یابد او در پی کیفیت و حال بود تا مگر راه بمقصود بیرد اما صد حیف که :

«علم رسمی سر بسر قیل است و قال نه درو کیفیت حاصل نه حال !»
حال از خود او بشنود :

«... دوستی و علاقه به تحقیق در طبیعت من سرشته بود ، از آغاز جوانی تشنه درک حقایق بودم ، از مدتها پیش می‌خواستم حقیقت را دریابم چه کنم این عطش درونی بر من اختیاری نبود تو گویی غریزی و فطری من بود ، من از غنوفان جوانی روح تقلید و تمید را بشکسته بودم ، چون می‌دیدم کودکان یهود و نصاری و مسلمانان جملگی در مهد تربیت پدر و مادر پرورش می‌یابند و بمقاید پدر و مادر و تلقینات نزدیکان برمی‌آیند و می‌بالند و حدیث معروف را که می‌گوید : هر مولودی نخست بفطرت اولیه از پدر و مادر متولد می‌شود . پس از آن پدر و مادر او را یهودی و ترسا و مجوسی می‌کنند ! شنیده بودم از این رومی‌خواستم آن فطرت اولیه را بجویم و بیایم تا مگر عقاید عارضی را که به تقلید از والدین و استاد در ذهن انسان پدیدار می‌آید پاک سازم . پیش خود گفتم : مطلوب من علم به حقایق امور است ، پس باید نخست بدانم که حقیقت علم چیست ؟ و از اینجا بر من آشکار شد که علم آنگاه یقینی تواند بود که معلوم بر مطالب چنان متکشف گردد که شکی با آن باقی نماند و امکان غلط و پندار به هیچوجه با آن مقارن نباشد و دل نیز به امکان آن گواهی ندهد .

علم یقینی و امان از خطا ، شایسته است که مقارن با یقین باشد بدان حد که اگر کسی به بطلان آن تحدی نماید و مثلاً بگوید : که سنک را به زر و چوبدستی را به اژدها مبدل می‌کند ، در آن علم هیچ گونه شکی و انکاری حادث نگردد !

چه مثلاً وقتی من دانستم که ده بیشتر از سه است ، اگر کسی بگوید : نه ، سه بیشتر از ده است بدلیل آنکه من عصارا به اژدها می‌گردانم ، و من نیز این کار را از او به بینم ، در معرفت من شکی پدیدار نگردد ، شاید از کار او تعجب بکنم و لیکن شك در معلوم خودم نتوانم کرد .

پس فهمیدم که هر علمی که آنرا من چنین ندانم و درباره آن بدین پایه از قطع و یقین نرسیده باشم علمی است که بران هیچ اعتبار نیست !

پس در پی آن شدم که چنین علمی بیابم و لذا گرم در کار آمدم و برای آن که بدین مطلوب برسم ، شروع کردم تا دانش های خود را بررسی کنم ، پس دریافتم که من علمی ندارم که بدین صفت موصوف باشد ، مگر حسابات و ضروریات . چون از تمام دانش ها آمیدم بریده آمد بر آن شدم که بدانم : آیا وثوق من بمحسوسات و ضروریات از نوع آرامش و وثوقی است که به تقلیدیات حاصل می‌گردد یا نه ؟

چون باریک شدم ، دیدم که بدبختانه در محسوسات هم آن امان و آرامی نیست زیرا شکم قوت گرفت و بمن گفت : اطمینان تو بمحسوسات از کجاست ، چه قوی‌ترین حاسه تو ، بینایی است ، چون بسایه می‌نگرد حکم می‌کند که ایستاده است و تحرك ندارد و بدینسان حرکت را نفی می‌کند ! چون ساعتی می‌گذرد می‌فهمی که سایه متحرك بوده متنتهی يك مرتبه حرکت نکرده است ، بلکه تدریجا و کم کم ،

ستارگان آسمان را می‌بینی که باندازه ، از يك دینار کوچکترند ، ولیکن دلایل هندسی می‌گویند : که آنها از زمین بزرگتر هستند ! این مثالها و نظایر این ها اطمینان مرا از محسوسات برید ، پیش خود گفتم : حال که حاکم عقل احکام حس را تکذیب کرد ، شاید جز به عقلیاتی که «اولیاتشان» می‌گویند بر هیچ امری اطمینان نشاید داشت مثل اینکه می‌گویم : «ده بزرگتر از سه است» و «نفی و اثبات جمیع نمی‌شوند» . اما محسوسات هم بمن گفتند : از کجا که اطمینانت به عقلیات ، همانند وثوق تو به محسوسات نباشد ، چه تو پیش از این بمن واثق بودی ، چون حاکم عقلی بیامد مرا تکذیب کرد ، و اگر حاکم عقلی نبود ، تو همچنان مرا تصدیق می‌کردی و از کجا که در وراء حاکم عقلی حاکم دیگری نباشد ، از جواب درماندم پیش خود گفتم : حاکم عقلی آمد خطا های حس را آشکار ساخت ،

آیا امکان ندارد که حاکمی برتر از عقل باشد تا اشتباه های عقل را ظاهر نماید ؟ چون بیشتر تامل کردم بصحت این شك دلیلی یافتم و آن این بود که گفتم : در عالم خواب چیزهای بی‌نی و احوالی بنظر می‌آید و گمان می‌کنی که جملگی آنها ثبات و قرار دارد چون بیدار می‌شوی می‌فهمی که آنچه اصل و ریشه‌ی ندارد و واقعی نیست ! پس از کجا که این امور که در بیداری به حس یا عقل بدانها اعتقاد پیدا کرده‌ای ، به نسبت با این حالتی که در آن هستی ، حق باشد ؟ و ممکن است برای تو حالتی دست بدهد که نسبت آن با بیداری تو همانند نسبت بیداریت با خواب باشد و بیداریت به نسبت با آن همچون خواب ! آری اگر به این حالت بررسی یقین کنی که تمام آنچه بعقل خود دریافته‌ای خیالاتی است که هیچ سودی ندارد ! و باشد که این حالت همان باشد که «صوفیه» آنرا ادعا می‌کنند ، چه آنها گمان می‌کنند که وقتی در این حالت هستند در خویش فرو می‌روند و از حواس خود غایب می‌شوند ، و احوالی را مشاهده می‌کنند که موافق این مقولات نیست و شاید این حالت همان مرگی باشد که پیامبر گفت : «مردمان خفتگانند که چون بمیرند بیدار شوند !»

شاید زندگی دنیا هم به نسبت با آخرت خسواب باشد که چون انسان بمیرد اشیاء براو برخلاف آنچه اکنون می‌بیند ظاهر شود ، و در این حال براو بگویند : «پوشش چشم ترا برداشتیم و امروز دیدگان تو تیزبین شده است !»

چون این خواطر و خیالات بر ذهن من خطور کرد و بر نفس من راه یافت ، در پی چاره‌ی گشتم ، اما ممکن نشد ، چه جز یا دلیل نمی‌شد آنها را دفع نمایم ، و چون نصب دلیل جز با ترکیب علوم اولیه امکان نداشت ، و در آنها هم از پیش شك کرده بودم ترتیب دادن دلیل ممکن نشد ، این درد سخت‌تر شد و نزدیک بدو ماه طول کشید و من در آن مدت وارد بحالت سوسطائیان شدم ولیکن گفتن و بزبان آوردن توانستم تا آنکه خدای بزرگ مرا از این مرض شفا داد و نفس به‌صحت و اعتدال برگشت و چنان شد که ضروریات عقلی دگر باره مقبول و موثوق افتاد ! لیکن اینکار با نظم دلیل و تربیت مقدمات درست‌نشد ، بلکه بنوری بود که خدا در سینه من افکند ، و این نور است که کلید بیشتر دانشها و معارف است و آنان که گمان کرده‌اند کشف حقیقت موقوف بر تحریر ادله و برهان است از وسعت رحمت الهی بی‌خبرند ! از این نور نمونه های بسیار وجود دارد ، چنانکه وقتی

رسول را از «شرح» و معنای آن درآیه : «ومن یرد الله ان یرید به یشرح صدره للاسلام» پرسیدند گفت : «آن نوری است که خدا در دل می‌افکند !» پرسیدند : علامت آن کدام است . فرمود : «دوری از سرای فریب و روی آوردن به سرای جاویدان» (۲۰) و از این راه باید که طلب کشف حقیقت کنند ...» (۲۱)

آری این انقلاب بزرگ در روح غزالی بوجود آمد . زمام طاق از دست او بیرد لذا بر مهاجرت از بغداد تصمیم کرد . در باطن آهنگ ریاضت و اقامت در شام داشت که مرکز بزرگ زاهدان و صوفیان بود ، ولی از ترس خلیفه و سلطان وقت و مردم آشنا و بیگانه سفر حج را بهانه کرد و در ماه ذی القعدة ۴۸۸ بترك همه چیز گفت وبا ابوالقاسم حاکمی (وفات ۵۲۹) که از آشنایان قدیم او بود ، بقصد سفر حج از بغداد بیرون رفت .

این سفر غزالی ده سال طول کشید و در این مدت در بلاد شام و جزیره و بیت المقدس و حجاز گردش کرد !

اما به صورت وسیرت درویشان ، آری بلباس درویشان ژنده پوش و ناشناس همه جا می‌گشت . بنابر قول معروف از بغداد به دمشق رفت و حدود دو سال در شام اقامت نمود و پیوسته مواظب زهد و فکر و عبادت و خلوت و تصنیف و تالیف بود و در جامع «دمشق» معتکف شده بود .

در همین سفر شام «ابوبکر بن ولید قریشی» (وفات ۵۲۰) خواست با غزالی مناظره کند ، غزالی گفت : «ترکناه لصیفة فی العراق» یعنی : مناظره و جدل را بکودکان عراق باز گذاشتیم و در گذشتیم (۲۲) . از اینجا بود که غزالی در احیاء العلوم هم يك فصل بزرگ در مذمت علمای مجادل نوشت و عالمان و فقیهانی را که منظورشان تحمق مردم و مباحثات و مفاخره با اصطلاحات علمی و جدل است سخت نکوهید (م ۲۲) غزالی دیگر تعصب و سختگیری را ترك گفته بود چنانکه در مکتوبی فارسی هم که در پنجاه و سه سالگی برای عذر نرفتن خویش بدربار سلطان سنجر سجولقی (وفات ۵۵۲) نوشته چنین می‌گوید :

«بدانکه این داعی پنجاه و سه سال عمر بگذاشت ، چهل سال در دریای علوم دین غواصی کرد تا بجایی رسید که سخن وی از اندازه فهم بیشتر اهل روزگار در گذشت ، بیست سال در ایام سلطان شهید روزگار گذاشت و از وی به اصفهان و بغداد اقبالها دید و چند بار میان سلطان و امیرالمومنین رسول بود در کارهای بزرگ و در علوم دینی نزدیک هفتاد کتاب کرد پس دنیا را چنانکه بود ، بدید و بجملگی بینداخت و مدتی در بیت المقدس و مکه مقام کرد و بر سر مشهد ابراهیم خلیل عهد کرد که پیش هیچ سلطان نرود و مال سلطان نگیرد ! و مناظره و تعصب نکند» (۲۳)

پس از شام ، غزالی به بیت المقدس رفت و مدتی هم آنجا به ریاضت و خلوت و زیارت مشاهد شریفه مشغول بود ، تا از «بیت مقدس» به زیارت «تربت خلیل» رفت .

بعد از مسافرت شام و بیت مقدس بقصد حج عزیمت حجاز کرد و در سال ۴۹۸ پس از آدای مناسک حج و زیارت مکه و مدینه و مشاهده مشرقه عزم مراجعت بوطن خویش نمود و در همین سال بطوس برگشت (۲۴) .

ره آورد بزرگ غزالی از این سفر دهساله یاب به تعبیر بهتر از این سیر روحانی کتاب بزرگ «احیاء علوم الدین» بود که در میان

کتابهای اخلاقی کمتر نظیر دارد و هر کس پس از وی خواسته در اخلاق کتاب بنویسد ، این اثر بزرگ را زیر نظر داشته است . غزالی از این مسافرت الزاماً یکسره به نیشابور روت و پس از اصرار و تاکید زیاد سلطان سنجر تدریس مدرسه نظامیه نیشابور را پذیرفت (۲۵) ، این وضع دیری نپایید و شاید بیش از یکسال نکشید و شوق زیارت و دیدار فرزند و عیال - و یا امری دیگر او را به طوس کشانید ، در این مدت یکساله که در نیشابور بود کتاب بسیار نفیس و عزیز «المنقذ من الضلال» را که برخی از محققان آنرا «اعترافنامه غزالی» نامیده اند نوشت . و چنانکه در مقدمه «المنقذ من الضلال» بوضوح می گوید : «در این وقت عمر او از پنجاه در گذشته بوده است . (۲۶)

غزالی از نیشابور به طوس وطن اولین خود باز آمد و در آن «خانقاهی» برای صوفیه ساخت . و در جوار آن برای مشغولان بدانش مدرسه‌ای درست کرد و اوقات خود را برای انجام وظایف خیر از قبیل ختم قرآن و مجالست با اهل قلوب و تدریس تقسیم کرد . (۲۷)

اما تمام احوال روحی و طرز تدریس و تعلیم او در این زمان با دوره سابقش - که در بغداد بود - فرق کرده بود . یکتا عالم مبتکر و یگانه متکلم جدلی ، پس از این مسافرت سرتاپا حال شده بود و جهانی از آرامش و سکون و تواضع . بزبان عرفانی باید گفت : که سفر غزالی از بغداد سفر من الخلق الی الحق و آمدنش از بغداد به نیشابور و طوس تا آخر عمر نموداری از سفر من الحق الی الخلق بود . (۲۸)

۵- آثار غزالی - غزالی از آن عده مصنفان و مؤلفان است که آثارشان به کثرت معروف است چنانکه پیش گفتیم در یکجا می نویسد : «چهل سال در دریای علوم غواصی کرده و در علوم دین نزدیک به هفتاد کتاب تصنیف کرده پس دنیا را چنانکه بود بدیده جلگی را پینداخت ...» (۲۹)

شاید غیر از موضوعات دینی درباره دیگر مواضع هم کتاب نوشته باشد که نام نبرده یا ما نمی دانیم . در هر صورت غیر از خود او دیگران هم بیشتر از هفتاد کتاب و رساله از او نقل کرده اند . (۳۰) خوشبختانه بیشتر این آثار بجای مانده است که ما برخی را به ترتیب اهمیت ذکر می کنیم :

۱- احیاء علوم الدین : که مهم ترین کتاب عربی غزالی است در مواظ و حکم و اخلاق و مسائل دینی ، که آنرا در سفر شام و بیت المقدس پرداخته است . در اهمیت این کتاب همین بس که گفته اند : لودیهت کتب الاسلام و بقی الاحیاء لاغنی عما ذهب ! (۳۱) . یعنی اگر تمام کتابهای اسلامی از میان برود و تنها «احیاء» باقی بماند ، از آنچه از میان رفته بی نیاز می باشد !

این کتاب بر چهار قسم تقسیم می شود یکی در عبادات ، دودیکر در عادات ، سدیکر در مہلکات ، چهارم در منجیات . هر کدام از این چهار قسم شامل ده کتاب است که مجموعاً چهل کتاب یا چهل بخش می شود .

این کتاب پیوسته مورد نظر اهل معرفت بوده و موافقان و مخالفان زیادی داشته است و درباره آن رساله ها نوشته و تلخیص و شرح کرده اند .

نخست خود امام ابن کتاب را خلاصه کرد و آنرا : «المرشد الامین الی موعظة المتقین» نام نهاد . و تلخیص برادرش ربه نام «لباب الاحیاء» باید نام برد شاید مهم ترین شرحی که به «احیاء» نوشته شده است همان است که مولف تاج المروس سید محمد حسینی معروف به مرتضی زبیدی (تولد ۱۱۴۵ و وفات

۱۲۰۵) نوشته و آنرا «اتحاف السادة المتقین» نامیده است . این شرح در سال ۱۳۰۲ هجری در ۱۳ مجلد در فاس چاپ شد ، و باز در سال ۱۳۱۱ در مصر در ده مجلد چاپ گردید . زبیدی از طرفداران جدی امام بود و همواره از او دفاع می کرد از طرفداران دیگر امام ، زین العابدین ابو الفضل عبدالرحیم بن حسین عراقی است که احادیث این کتاب را بیرون آورد و در سال ۷۵۱ کتابی در چند مجلد پیرداخت در صحت احادیث و سند آنها . بعد هم در سال ۷۶۰ کتابی مختصر تر بنام «المغنی عن حمل الاسفار» پیرداخت .

از مخالفان غزالی یکی : ابوالفرج بن الجوزی است (وفات ۵۹۷) که «منهاج - القاصدین» را در شرح «احیاء علوم الدین» غزالی نوشت و سپس بنظر خود کتابی پیرداخت در اغلاط احیاء العلوم ، که آنرا «اعلام الاحیاء باغلاط الاحیاء» نامید (۳۲) پسر ابن الجوزی هم (ابوالمظفر ابن الجوزی) غزالی را انتقاد کرد که کتابش را بذهب صوفیه وضع کرده است غزالی هم در جواب بعضی از این اعتراضات کتاب «الاملاء علی مشکل الاحیاء» را نوشت (۳۳)

۲- المنقذ من الضلال : (۳۳ م) پیش در باره این کتاب صحبت کردیم . باید گفت : که این کتاب بهترین آثار غزالی است .

۳- مقاصد الفلاسفه : این کتاب شاید یکی از بهترین و آسان ترین کتب حکمت مشاء است که غزالی برای تفهیم مقاصد فلاسفه پیرداخت تا پس از آن کتاب تهافت الفلاسفه را براساس آن تالیف نماید و نشان دهد که بدون فهم و کورکورانه فلاسفه را رد نکرده است خود می گوید :

«قینعی ان تحقیر مذہبهم اول اللفظیم ، ثم تثقیل بالاعتراض ، فان الاعتراض علی المذہب قبل تمام التفهیم رئی فی عما یو !» (۳۴) این کتاب به سال ۱۸۸۸ با شروع در لندن چاپ شد ، و در سال (۱۵۰۶) به لاتین ترجمه شده بوده است . (۳۴)

۴- تهافت الفلاسفه : غزالی در این کتاب با سلاح خود فلاسفه ، یعنی برهان و استدلال و قواعد فلسفه به ابطال عقاید فلاسفه پرداخته ، در بیست مسأله از مسائل مختلف تناقض آراء و لغزش های آنها را بیان کرده و در سه مسأله حکم بکفر فلاسفه داده است و در هفده مسأله به بدعتشان منسوب داشته است . آن سه مسأله که در آن فلاسفه با تمام مسلمانان مخالفت کرده اند عبارت است از :

۱- می گویند : ابدان و اجساد محشور نمی شوند ، و آنچه پاداش می بیند و عقاب می یابد ارواح مجرده اند ، و ثوابها و عقابها جسمانی نیست بلکه روحانی است .

۲- می گویند : خدای تعالی کلیات را می داند و به جزئیات عالم نیست ! و این کفر صریح است ، و حق آنست که : باندازه ذره‌ای در آسمانها و زمین از دانش او بر کنار نیست .

۳- می گویند : عالم قدیم وازلی است و این خلاف حدوث عالم است که در شریعت آمده است . (۳۵)

و آن هفده مسأله که در باب آنها فلاسفه را به بدعت و انحراف و کجروی متهم و منسوب می دارد عبارت است از :

۱- عجز فلاسفه از اثبات صانع ۲- عجز فلاسفه از اقامه دلیل بر محال بودن دو خدا ۳- ابطال مذاهب فلاسفه در نفی صفات ۴- ابطال قول فلاسفه در اینکه می گویند : ذات باری به جنس و فصل منقسم نمی شود ۵- ابطال قول فلاسفه که می گویند : مبداء اول موجود بسیط بدون ماهیت است . ۶- عجز فلاسفه از اثبات اینکه : خدا جسم نیست ، ۷- در بیان اینکه قول به دهر و نفی صانع بر فلاسفه لازم می آید ۸- عجز فلاسفه از اثبات اینکه مبداء اول عالم بغیر است ۹- در ابطال

قول فلاسفه که گویند : خدا جزئیات را نمی داند ۱۰- ابطال قول فلاسفه که گویند : آسمان حیوانی متحرک بالاراده است ۱۱- ابطال قول فلاسفه راجع به غرض محرک آسمان ۱۲- در ابطال قول ایشان که گویند : نفوس آسمانی تمام جزئیات را می دانند ۱۳- در ابطال قول ایشان راجع به محال بودن خرق عادات ۱۴- درباره قول ایشان که : نفس انسانی جوهری است قائم بنفس و جسم و عرض نیست ۱۵- قول ایشان درباره محال بودن فنای نفوس بشری ۱۶- در ابطال انکار فلاسفه به رستخیز و حشر اجساد ۱۷- در ابطال مذهب ایشان در ابدیت عالم (۳۶) . پس از بحث مستوفی درباره هر یک از این مسائل و بیان عجز و تهافت حکما و تقریر ادله ایشان ،

غزالی در آخر این کتاب چنین می گوید : اگر کسی بپرسد حال که مذاهب این جماعت را بیان کردی ، آیا بطور قطع حکم بکفرشان می کنی ؟ گویم : آری بی هیچ تردید تکفیر آنها در سه مسأله حتمی است . نخست : مسأله قدم عالم و اینکه تمام جواهر قدیم اند ۲- قول ایشان که خدای تعالی به جزئیاتی که از اشخاص حادث می گردد عالم نیست ۳- انکارشان به بعث اجساد و حشر آنها که این سه با اسلام سازگار نیست و معتقد آن تکذیب کننده انبیاء است . ولیکن باقی مسائل ، چیزهایی است که مذهبشان به معتزله نزدیک است .

صاحب تاریخ الحکماء شهرزوری می گوید : که غزالی بسیاری از مطالب این کتاب را از تالیفات یحیی نحوی انتحال کرده است ! ولیکن چون آن تالیفات بدست ما نیست ، این قول را از او باور نتوانیم داشت . (۳۸)

قاضی ابواللید محمد بن احمد بن رشد المالکی (وفات ۵۲۰) بدفاع از فلاسفه برخاست و کتاب «تهافت التهافت» را در رد تهافت الفلاسفه نوشت و گفت : هر چه غزالی در این کتاب نوشته ، خالی از برهان و عاری از یقین است ، در آخر کتاب می نویسد : «لا شک ان هذا الرجل اخطأ علی الشریعة کما اخطأ علی الحکمة ...» (۳۹) یعنی شکی نیست که غزالی شریعت و دین هردو را خراب کرد و خطا نمود و سپس می گوید : «و اگر ضرورت طلب حق در بین نبوده ، اصلاً در این باره سخن نمی گفتم !»

(۷۶۹۵) - بسیط و وسیط و وجیز در فقه ، که این کتابها را بسیاری از دانشمندان شرح و تلخیص کرده اند .

۸- جواهر القرآن : که مشتمل بر زبده قرآن است ، این کتاب منقسم به علوم و اعمال است ، و اعمال هم بدو قسم . ظاهری و باطنی تقسیم می گردد ، اعمال باطنی نیز منتهی به ترکیب و تحلیف می شود .

۹- المصنوع به علی علی غیر اهله : که در سال ۱۳۰۹ در ضمن مجموعه‌ای خطی در مصر چاپ شد ، اما در انتساب این کتاب بر غزالی تامل است غزالی در کتاب «جواهر القرآن» نوشته که : برخی کتابها نوشته ام که بر غیر اهلس مننون است . سبکی می گوید : یقین دارم که این کتاب از آن غزالی نیست و لیکن یافعی آنرا از غزالی می داند .

۱۰- فضاویع الباطنیة : که شامل تعالیم قرامطه و اسماعیلیان و غیر ایشان از طوایف باطنیه است . کتاب مزبور در موضوع خود سخت سودمند است . (۴۲)

۱۱- غرایب الاول فی عجایب الدول : که در آن سلطان محمد پسر ملک شاه سلجوقی را مورد خطاب قرار می دهد .

۱۲- سر العالمین و کشف مافی الدارین : که از نظام حکومتها و دولتها بحث می کند .

(۴۳)

۱۳- تنزیه القرآن عن المطاعن : که بسال ۱۳۲۹ در مصر چاپ شده است . (۴۴)

۱۴- المنحول : در علم اصول است ، این کتاب را غزالی در دوران جوانی نوشت و همین کتاب بود که دستاویز جماعتی غوغا قرار گرفت و از روی آن گفتند : غزالی در امام ابوحنیفه طعن کرده است . (۴۵)

۱۵- المستصفی : در اصول فقه است . کتاب کلانی است در دو مجلد ، در مقدمه این کتاب می گوید : «مَنْ لَمْ یَعْرِفِ الْمَنْطِقَ فَلَا یَقْدِرُ عَلَى الْعِلْمِ اصْلاً» (۴۶)

۱۶- بزرگترین و اصیل ترین کتاب فارسی غزالی «کیمیای سعادت» نام دارد ، که در اخلاق و مسائل دینی پرداخته و تلخیص گونه‌ای فارسی است از احیاء علوم الدین غزالی ، و «نظیر آن کتابی بفارسی در این موضوع نوشته نشده» ، و تاریخ تالیفش میان سالهای ۵۰۰ - ۴۹۰ است و بعداً نمونه‌های از آن خواهیم آورد .

در حدود بیست تا سی جلد هم از رسائل و کتب غزالی چاپ شده و یا وجود آن در کتب خانه های بزرگ عالم سراغ داده شده که ما از ترس اطاله کلام در آنها سخن نمی گوئیم و اکنون می پردازیم باینکه مختصری از افکار او را بیان کنیم :

۱- بطور فکری غزالی : پیش از این مبلتی از انقلاب فکری غزالی را از زبان وی شنیدیم حال به بینیم کار او بکجا انجامید ؟ آن جوشش باطنی و اغتشاش درونی چه شد و از غزالی چه ساخت ؟ باز از خود او بشنوید :

«چون خدا به فضل خویش مرا از این بیماری نجات داد اصناف طالبان را در چهار فرقه یافتیم :

۱- متکلمان ، که ادعا دارند اهل رای و نظر هستند .

۲- باطنیه ، که ادعا دارند اصحاب تعلیم هستند و حقایق علمی را از امام معصوم اقتباس می نمایند ؛

۳- فلاسفه ، که گمان دارند اهل منطق و برهان هستند ؛

۴- صوفیه که ادعا دارند خاصان حضرت اند و اهل مشاهده و مکاشفه . (۴۶) رای او درباره متکلمان - غزالی معتقد است که خدای تعالی طائفه متکلمان را زمانی بوجود آورد ، که فرقه‌های مختلف دینی - با هم گلاویز شده بودند ، و دینها تعدد یافته و بدعتها زیاد شده بود و در نتیجه ، ایمانها در نفوس مردم تزلزل پذیرفته بود ، در این زمان بود که متکلمان بیاری دین و سنت قیام کردند و از آن محارست نمودند و از عقیده‌ای دفاع کردند که تناقضات دشمنان را آشکار می ساخت و حجج مبدعان را ست قلمداد می نمود . و این از باب آن است که غزالی بفضل متکلمان اقرار می نماید ولیکن بر متکلمان نکته‌ای چند می گیرد که اهم آن از این قرار است :

نخست اینکه : این «اهل رأی و نظر» در بحث های خود به مسائل جواهر و اعراض خوض می نمایند ، و برای دفاع از سنت و شریعت اسالیب خصوم خود را می گیرند و بمقدمات منطقی اعتماد می کنند ، در حالی که طبیعت این اسالیب و مقدمات با طبیعت دین مناقض است و از ادراک حقیقت ایمان عاجز است . دو دیگر آنکه : گفتگوهای این گروه ، اختلافات موجود در میان مومنان را بر طرف نمی سازد ، از این رو شایسته اینست که در محدوده خاصی منحصر بماند ، و نیز عوام را از علم «کلام» باز دارند ، زیرا نیاز جمهور مردم مربوط به داشتن ایمان است نه بعلم جدل ،

و انگهی اگر علم کلام بمقصود کسانی که می خواستند مبدعان را بکوبند و بدعتها

می خواستند مبدعان را بکوبند و بدعتها

صفحه ۱۱۱

را براندارند کافی بود، باری بمقصود غزالی که در جستجوی علم یقینی بود وافی نبود. **هلم مذهب باطنیه** - باطنیه اصحاب تعلیم امام معصوم هستند، بزرگان هر گروه را که پیش آنان برود متهم می نمایند که از تعالیم آنان بیگانه است، لذا غزالی همت کرد تا کتب آنانرا بجوید و مقالاتشان را گردآوری کند، و آنچه در مذهب این جماعت آمده جمله را مرتب نماید و غرض او از اینکار آن بود که شبهات آنها را تقریر نماید، سپس فساد آنها را آشکار گرداند!

و چنانکه از کتاب «المنقذ» برمی آید اقوال این جماعت را در کتابی غیر از «المنقذ» رد نموده، و می توان گفت که اغلب این ردود در کتاب «القسطاس المستقیم» آمده است.

غزالی غائله این تعلیم را بسبب امر موکدی که از «حضرت خلیفه» (۴۷) آمده بود و خواسته تا غزالی حقیقت این اعتقاد را کشف نماید، آشکار ساخت، و تصادفاً این امر باشوقی که غزالی خود برای تحقیق تعلیم این جماعت پیدا کرده بود مقرون گشت، لذا مذهب آنانرا تقریر کرد، سپس آنرا ابطال نمود (۴۸) که خلاصه آن از اینقرار است:

باطنیه می گویند وجود معلم معصوم ضرورت دارد، و اوست که داعیان را به شهرها می فرستد، و از علم بدانها بهره می دهد تا آنرا در میان مردم منتشر نمایند، و اگر امری برایشان مشکل شد، یا در چیزی اختلاف کردند، به او ملتجی می شوند تا آنان را پد آنچه حق است ارشاد نماید. غزالی در رد آنها می گوید:

۱- که ایشان عوام و کم خردان را جسته جسته بمذهب خود می خوانند، و دلیلشان اینست که بوجود امام معصوم ضرورت است، ولیکن واقع اینست که این جماعت از اقامه برهان برای تعیین امام عاجزند. و اضافه می کند که معلم ما «محمد» (ص) بود، که تعلیم او کاملتر و عمیق تر بود که دعا را در بلاد می فرستاد ولیکن چون تعلیم کامل شد، مرگ معلم یا غیاب او زبانی ندارد.

۲- اهل این مذهب در تمام امورشان - خواه اساسی و خواه غیر اساسی - به «امام» رجوع می کنند، لذا اگر مثلاً یکی از ایشان در وقت نماز خواست قبله را پیدا کند، تابه معلم خود دسترسی پیدا کند و از او استفاده نماید وقت نماز می گذرد! آری باطنیه این چنین «معلم» را طلب می کنند و عمری را در سراین کار ضایع می سازند و نتیجه چیزی فرا نمی گیرند!

۳- از طرفی حاصل علمی که یکی از آنها، آنرا ادعا می نمایند مستند بمذهب فیثاغورس است و آن از ترکیب ترین مذاهب فلسفی است و ارسطو آنرا رد کرده و گفته: «مذهب فیثاغوری حشو فلسفه است!» (۴۹)

حمله غزالی بر فلاسفه - چنانکه پیش از این گذشت غزالی فلسفه را بدون استعانت از استاد فرا گرفت. و این البته کار آسانی نیست و شاید برای بعضی از مردم مشکل جلوه نماید که بطور شخصی بدون استعانت از استاد فلسفه بتواند یاد گرفت، لیکن فراموش نباید کرد که غزالی منطق را خوب خوانده و تئیک ورزیده بود و آنرا بحق - مقدمه تمام علوم می دانست و انگهی چندین سال - شاید بیشتر از ده سال - در علم کلام که مباحثش با مباحث فلسفه در آمیخته بود محصور و با اصطلاحات آن آشنایی تمام داشت. این دو عامل همراه با بحیرت و تیز هوشی غزالی بود که راه را برای غزالی هموار ساخت که بدون استعانت از استاد و مدرسی در مدت زمانی که در بغداد تدریس می کرد و شاید در مدت کمتر از ۳ سال فلسفه را به نیکی فرا

گرفت، و چنین فهمید که فلاسفه، باوجود طبقات مختلف و تفاوت مراتبشان یا کافر و ملحد هستند و یا در گمراهی اند، لذا بر آن شد نشان کفر و لغزش را بر صورت ایشان بزند.

غزالی فلاسفه را به سه صنف تقسیم کرد: دهریان، طبیعیان، الهیان، سپس نظر خود را درباره هر یک از آنها بیان داشت: اما دهریان - غزالی این جماعت را در عداد زنادقه می شمارد زیرا که خدا را انکار می کنند و گمان دارند که عالم بنفس خویش موجود است!

و اما «طبیعیان»، بوجود خالق حکیم اعتراف دارند، چونکه در طبیعت عجایب صنع او را می بینند؛ جز اینکه آخرت را انکار می کنند، و عقاب و ثواب را باور نمی دارند، پس در شهوات دنیاوی فرو می روند؛ ایشان هم در رای غزالی با وجود ایمانشان بخدا در شمار زنادقه اند!

و اما «الهیان»، که در میان ایشان سقراط و افلاطون و ارسطو هم هستند، خود بر دهریان و طبیعیان رد نوشته اند، و از جمله ارسطو بر تمام الهیان پیش از خود رد نوشت و از همه آنان بیزاری جست. «جز اینکه از ردائل کفر آنها و بدعتهایشان بقایایی فرو گذاشت که از آن رهایی نیافت، پس تکفیر ایشان و پیروان ایشان از متفلسفان اسلامی همچون «ابن سینا» و «فارابی» و دیگران واجب است!» (۵۰)

غزالی ردود خویش را بر آراء فلاسفه در سه باب مرتب کرد:

۱- قسمی که انکار آن اصلاً واجب نیست؛
۲- قسمی که واجب است در آنها آنانرا متسوب به بدعت کرد.
۳- قسمی که تکفیرشان در آن لازم است.

غزالی علوم فلاسفه را با نسبت بقرصی که کسب می شود به شش قسم تقسیم کرد: ریاضی، متعلق، طبیعی، سیاسی، اخلاقی، الهی.

اما ریاضی: متعلق به حساب و هندسه و هیأت عالم است، و مبتنی بربراهین استواری است که بر انکار آنها راهی نیست. جز اینکه علیرغم عدم تعلق اش به امور دینی دواقت بزرگ از آن ایجاد می گردد: یکی از آندو آفت اینست هر کس این علوم را مطالعه می کند از دقت براهین و دلیلهای منطقی آن تعجب می نماید، لذا اعتقادش درباره فلسفه نیکو می شود، و گمان می برد که تمام علوم فلاسفه در دقت و وضوح و استواری براهین همانند این علم است، از این جهت هر چه را در الهیات می گویند مسلم می دارد، و کفر و تعطیل و تسامح آنها را در پاره شریعت می پذیرد؛ و غافل می ماند که اینگروه آنچه در پاره ریاضیات گفته اند «برهانی» و آنچه در باب الهیات گفته اند «تخمینی» است.

و این آفتی بس بزرگ است و لازم است که هر کس را که بدین علوم مشغول و خوض نماید، از «آنها باز دارند... اگرچه کار او مربوط به امر دین است هم نباشد».

«آفت دوم»، زبانی است که از دوست نادان برای اسلام مایه می گیرد، و آن وقتی است که مدافع اسلام گمان می برد که دین به انکار هر علمی که منسوب به فلاسفه هست حکم می دهد، از این رو تمام دانشهای ایشانرا رد می کند، و همو ادعای جاهلانیه می نماید؛ و چنین می پندارد که هر چه فلاسفه می گویند خلاف شرع است. ولیکن باید دانست که هر کس فکر می کند که با انکار این علوم اسلام را نصرت می دهد و باری می کند بر دین جنایت می کند! «زیرا در شرع

به این علوم نفیاً و اثباتاً تعرضی نیست، و در این علوم هم برای امور دینی تعرضی وجود ندارد»، جز اینکه اگر مدافعی چنین کند مردم می پندارند که دین این علوم و مدلولات مسلم ریاضی و برهانی را انکار می نماید و از این رو زیان آن برهوشمندان پوشیده نیست.

اما «منطقیات» هم، نفیاً و اثباتاً با دیانت کاری ندارد و کار او آنست که در دلایل و قیاسات و مقدمات براهین و ترکیبهای آنها نظر نماید و وضع حد کند، و این جمله از نوع مقدماتی است که متکلمان در ادله برای تعریفات و اختلاف در عبادات و برخی اصطلاحات دیگر بدانها اعتماد دارند و از آنها استمداد می کنند. جز اینکه نباید فریب خورد که آنچه هم فلاسفه گفته اند با همچو براهینی تأیید گشته است.

اما طبیعیات، دین نباید آنرا انکار نماید، چه آن در آسمانها و اختران آسمان و اجسام و استحالت و امتزاج آنها بحث می کند. و فقط نکته ای که بر آنها می گیرد اینست که در کتاب «تفاوت الفلاسفه» می گوید: طبیعت مسخر خدای تعالی است و بنفس خویش کار نمی کند. (۵۵)

در مورد «سیاسیات»، غزالی می گوید: این جمله مربوط به امور دنیوی و سلطان است و از کتابهای آسمانی و پیامبران و حجیم مأثوره از گذشتگان مأخوذ است.

رای او درباره صوفیه. گفتیم که غزالی چون از اکتساب و انتقاد علوم رسمی زمان خویش فارغ گشت، بالاخره به طریق صوفیه روی آورد، و در آن طریقه آرام گرفت، و بیساده آورد که روزگاری که در بغداد تدریس می کرد، از یک سو شهوات دنیاوی او را بخویش جذب می کرد، و از سوی دیگر منادی ایمان او را به کوچ می خواند؛ اما بر او آشکار گشته بود که قلب از سرای غرور و فریب نمی گذرد و همواره مشغول جاء و علاقه های دنیائی است. و پیوسته این درد در باطن او غلظه داشت تا بر نفس خویش هموار کرد بغداد را ترک گوید. غزالی پس از این تصمیم، وارد شام شد درحالی که عزت و ریاضت و مجاهده نفس را می خواست، لذا تمام روزها را در مناره مسجد مشغول می ماند؛ و چنانکه گفتیم - از آنجا به بیت المقدس و از آنجا به حجاز رفت؛ و ده سال بر این حال بماند، تا اینکه حقیقت تصوف بر او کشف گردید بطریقی که در زیر می آید: - بنظر غزالی طریقه تصوف معلم و عمل تمام می گردد، ولیکن علم آسان تر از عمل است؛ جز اینکه آن تنها سالک را به دریافت و درک حقیقت تصوف نمی رساند، چه مثلاً فرق میان کسی که حقیقت زهد و شروط و اسباب آنرا می شناسد، و میان کسی که حالت زاهدان دارد، همچون فرق میان دو کسی است که یکی اسباب سکر و مستی را می شناسد و دیگری مست است و حالت سکر دارد!

و آنحضرت خصوصیات متصوفان اینست که بدرک احوال آنها از راه تعلم نمی توان رسید بلکه این مقصود تنها از راه ذوق و حال معسور است و تبدل صفات، چه او در نظر می گیرد که: «صوفیه ارباب احوال هستند نمخداوندان اقوال!»

- غزالی زمانی به تصوف روی آورد که در باطن به خدای تعالی ایمان یقینی داشت و به نبوت و روز رستاخیز اعتقادی تمام داشت، و چون دقیق شد فهمید که صوفیه سالکان راه خدا هستند، و سیرت آنها بهترین سیرت هاست، و اخلاصشان پاکترین خلقها؛ و هر آنچه در ظاهر و باطن آنها موجود است، برگرفته است از «پرتو مشکوّه

نبوت، و زَر نور نبوت نوری سراغ نداشت که بتوان از آن کسب نور کرد».

— صوفیان در احوال خود مکاشفات و مشاهداتی دارند، که بدانها بمراتب بالا ارتقاء می‌یابند و آنجا در حالت پیداری فرشتگان و ارواح پیامبران را مشاهده می‌کنند، و از آنها صوتها می‌شنوند و فایده‌ها اقتباس می‌کنند. این حالتی است که تعبیر نمی‌توان کرد، و هر کس بدان حال رسید جز این نمی‌تواند گفت:

— در آنجا عالمی بود که من هرگز یاد آن نخواهم کرد.

تو گمان نیکو بیر، ولیکن از خبر آن مه‌رس! (۵۱)

و آنکس که نعمت این ذوق روحی را نچشیده، از حقیقت نبوت جز اسمی نمی‌داند! و این مکاشفات از جمله کرامات اولیاء است. و کرامات «بدایات انبیاء» است سپس غزالی اضافه می‌کند که تحقیق درباره این حال «علم» نامیده می‌شود؛ و دارا شدن این حال «ذوق» است، و پذیرفتن آن از راه تداول و با حسن ظن «ایمان» است. و همانند این ذوق بر «پیامبر» بگذشت آنگاه که به «حراء» رفت و از اینجا بود که عرب گفتند: «محمد عاشق پروردگار خویش شده است!»

— جز اینکه غزالی برای تصوف نکته‌هایی می‌گیرد و مثلاً می‌گوید: برخی برای آن مبادی فلسفی می‌تراشند، و می‌گویند: صوفیان در زمان قرب و مشاهده و پیدا کردن ادواق، به مرحله «حلول و اتحاد و وصول» نائل می‌گردند ولیکن تمام این‌ها بنظر غزالی خطاست.

حاصل آنکه غزالی پس از این درگیری‌ها و کشمکش‌های فکری و روحی، به تصوف می‌رسد؛ ولیکن به تصوف معتدل و آرام؛ تصوفی که مایه آن تنها ایمان و اعتقاد به نبوت است، زیرا بارزترین مبادی فلسفی مذهب تصوف را انکار می‌کند و حلول و اتحاد، و فناء و وصول را رد می‌نماید؛ و همچنین نظریه وحدت وجودی را که امثال ابن عربی بدان رفته‌اند نفی می‌کند. (۵۲)

طبقات عالم. — در نظر غزالی این عالم سه طبقه دارد:

الف: عالم ملکوت یا امر: و آن همچون عالم مثالی است نزد افلاطون؛ که در آن فرونی و کاهشی راه ندارد، و هر چه در عالم محسوس ما هست، برای غزالی، صورت و انعکاس و یا سایه‌ای است از آن عالم. همین عالم است که مرکز «لوح و قلم» است و هرگاه آن معرفت مدون در «لوح» به قلب آدمی انطباق یابد، یقین او تمام است؛ اما باید بدانیم که حصول این یقین جز به معرفت صوفیانه ممکن نیست.

در این عالم ملکوت گهرهای تابناکی وجود دارند، و آنها فرشتگانند؛ و این فرشتگان در نورانیت و مرتبت متفاوتند، و وظایفشان جداگانه است و در هر امری که مربوط به انسان باشد ایشان را تأثیری پس بزرگ هست.

ب — عالم جبروت: و آن شبیه به کشتی است که میان خشکی و دریاست و یا همچون برزخی است میان ملکوت و عالم ملک که اگر انسان از عالم ملک محسوس مارتقاء یابد از این عالم به عالم ملکوت انتقال می‌یابد، و بنابراین، این عالم مرحله‌ی بینابین است نسبت به عالم زمینی و عالم آسمانی.

ج — عالم ملک یا محسوسات: که آنرا عالم «شهادت» هم می‌نامند، که همین عالم است که مادر آن هستیم.

— این مثلث در تقسیم خود مقابل سه ناحیه از جسد انسانی است: ملکوت، مقابل عقل است، و جبروت، مقابل نفس است و عالم ملک یا شهادت مقابل جسد.

و هر چه در عالم هست از پریان و

فرشتگان نابود می‌شوند، و عالم ملکوت و جبروت و عالم حس همه فانی می‌شوند و جز روی کریمش چیزی نمی‌ماند که:

«کل شیء هالک الا وجهه!»

نفس انسان. — راجع به آنچه غزالی در باره نفس و قوای آن گفته، زیاد سخن نمی‌گوییم چه اغلب و بلکه تمام آن‌ها را از فلاسفه پیشین گرفته است: نفس نباتی، نفس حیوانی، نفس ناطقه؛ و حواس پنجگانه و حس مشترک و حافظه و مفکره و ذاکره؛ و حس ششم که عقل است، و نفس فلکی و دیگر مطالب را همچنان که آنان بحث کرده‌اند غزالی هم درباره آنها مطالبی نوشته است و چندان فرقی ندارد و ما فقط در مورد «نفس ناطقه» مختصر توقفی می‌کنیم و چند جمله می‌نویسیم:

«نفس ناطقه» در تصوف غزالی و ایمان او اهمیت شایان دارد، زیرا غزالی «نفس ناطقه» را مبداء معرفت و شناسایی و اخلاق و خلاص از بندهای جهان مادی می‌داند. غزالی بیشتر از فلاسفه میان «نفس» و «روح» تمیز قائل می‌شود.

بنابر رأی غزالی، نفس مرکز شهواتی است که موجب «هلاکت» آدمی است، و همچنین مکان ترفع و بزرگ شدن است که سبب «سعادت ابدی» است؛ بمنزله آینه‌ای است زنگار گرفته که باید صیقلی بیابد، چون صیقلی گرفت صورت عالم بالا در آن منعکس می‌شود:

آینه‌ات دانی چرا غماز نیست:
ز آنکه زنگار از رخسار ممتاز نیست!

.....

پس نفس حجاب است میان انسان و خدا، و اگر ارتقا یابد به آخری از پرتو ذات حق خوبگردد و بدان همه عالم را ضمیمه خود کند، و در تمام آنها انعکاس یابد.

لیکن با این وضع جایگاه «عقل» کجاست؟ غزالی، عقل را «بصیرت» و «نور الهی» و «ضیاء الایمان» و «محیط یقین» نام می‌دهد. و می‌گوید که: عقل در نزاع خویش با «نفس اماره»، نظیر پادشاهی است که دشمن می‌خواهد به جایگاه او دستبرد زند!

غزالی درباره دل آدمی اشارتهای لطیف و کنایه‌های زیبا و نفراورده و کتابی جداگانه در آن پرداخته چنانکه یکجای می‌گوید: «اگر کسی زیادت شرحی بخواند، در کتاب عجایب القلب گفته‌ایم؛ و بدان هم آدمی، خویشتر شناس تمام نگردد، که اینهمه شرح بعضی از صفات دل است!» (۵۳)

سرانجام انسان. — بنظر غزالی «حقیقت آخرت هیچ کس نشناسد» ولیکن این سؤال پیش می‌آید که آیا پس از این زندگی ما را زندگی دیگر هست؟ یا باز نمی‌آییم و چون رقتیم، دیگر بر نمی‌گردیم؟ می‌دانید که برخی از حکما و صاحب نظران منکر اعاده معدوم شدند و جماعتی آنرا بدون قید و شرط ممکن شمرند و برخی هم بدو معاد جسمانی و روحانی معتقد شدند، اکثر حکمای اسلام گفتند: معاد جسمانی از راه عقل قابل اثبات نیست لذا فهم آنرا موکول بشریعت دانستند مثل ابن سینا، و جماعتی هم براهی دیگری رفتند که فعلاً مجال بحث در آنها نیست.

غزالی در این راه، فکری دیگر دارد، او می‌گوید: چون وجود آدمی به تن یا جسد بسته نیست، از این رو، با متلاشی شدن آن، روح را هیچ آسیب نیست و معدوم هم نمی‌شود؛ «و معنی مرگ نه آنست که جان آدمی هم نیست شود، بلکه معنی آن انقطاع تصرف و است از قالب، و معنی حشر و نشر و بخت و اعاده، نه آنست که ویرا پس از نیستی به وجود آورند، بلکه آنست که ویرا قالب دهند، بدان معنی که قالبی را مهبای قبول تصرف وی کنند...

«و شرط عبادت، آن نیست که هم،

آن قالب که داشته است باوی دهند، که قالب مرکب است، و اگر چه اسب بدل افتد، سوار همان باشد...» (۵۴)

وانگهی «مرگ» جفت «خواب» است، زیرا در هر دو آنها حجابها بکنار می‌روند، پس مرگ، بیداری است! از این رو همچون «زایش دوباره» یا «ولادت ثانیه» است، که غزالی آنرا «حشر اصغر» نیز می‌گوید، که با آن مؤمن به مرحله‌ی از کمال روحی می‌رسد که هیچ وقت در عالم اجسام بدان نرسیده بود، و از همین جاست که گور در چشم مؤمن «حدیقه» یا بستانی است از باغ‌های بهشت، که در آن با محبوب ازلی بهم می‌رسند «باقی این گفته آید بی‌زبان:

در دل آنکس که دارد نور جان!

(۱) — وفي هذه السنة (یعنی خمس و خسمانه) فی جمادی الآخرة، توفي الامام ابو حامد محمد بن محمد النزاری، الامام المشهور (الكامل فی التاريخ ج ۱ ص ۴۹۱ چاپ بیروت).

(۲) — تاریخ ایران از اسلام تا دوره مغول، مرحوم عباس اقبال ص ۳۰ — ۳۱۹.

(۳) — سیاستنامه، چاپ مرحوم اقبال مقدمه ص ۵.

(۴) و (۵) — تجارب السلف، هندو شاه نصجوی، ص ۲۷۹ — ۲۸۰، چاپ مرحوم اقبال.

(*) — تجارب السلف ص ۲۶۷، چاپ مرحوم اقبال آشتیانی.

(۶) — تاریخ ایران، مرحوم عباس اقبال ص ۳۴۱ و ۳۴۲ و غزالی نامه، تألیف آقای استاد جلال همایی ص ۱۵، چاپ اول.

(۷) — غزالی نامه، ص ۱۷.

(۸) — المنقذ من الضلال، غزالی، چاپ و تعلیق و تحقیق محمد محمدجابر ص ۴ و ۵، چاپ مصر.

(۹) — رجوع کنید به (طبقات الشافیه سبکی ج ۳ ص ۹۲ و ۹۳) و غزالی نامه استاد همایی ص ۲۰ — ۱۹.

(۱۰) — غزالی نامه ص. راجع به شرح حال ابواسحق شیرازی به وفیات الاعیان ج ۱ ص ۴۳ و ترجمه ۵ چاپ تهران رجوع کنید.

(۱۱) — تاریخ بیهقی، ص ۹۷ چاپ آقای دکتر فیاض و مرحوم دکتر غنی.

(۱۲) — غزالی را گروهی بشدید زاء و گروهی به تخفیف آن درست می‌دانند (رجوع کنید به وفیات ترجمه ۵، شرح حال احمد غزالی و غزالی نامه ص ۲۰۳ — ۲۰۲).

بعضی معتقدند که غزالی را بدان سبب حجة اسلام گفته‌اند که با فلاسفه و مخالفان شریعت با برهین خودشان مجادله کرد: و کان یجاد لهم ببرهینهم فسمی لذلك حجة الاسلام (جرجی زیدان، آداب اللغة ج ۳ ص ۶۳).

(۱۳) — (رجوع کنید به وفیات الاعیان ج ۱ ص ۲۹، ترجمه ۳۷، چاپ تهران).

(۱۴) — (طلینا العلم لنبیر الله فابی ان یلون الالهد). مقدمه احیاء علوم الدین ص ۸ بقلم دکتر بدوی طباطبائی، چاپ مصر.

(۱۵) — قول ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابی نصر میهنی از علمای فقه و خلاف (وفات ۵۲۰).

(۱۶) — طبقات الشافیه ج ۴ ص ۱۰۳ و مقدمه «معیار العلم» چاپ بیروت ص ۸.

(۱۷) — وفیات الاعیان ج ۲ ص ۳۷.

(۱۸) — غزالی نامه ص ۱۱۷.

(۱۸) — وفیات الاعیان، ج ۲ ص ۳۷.

(۱۹) — غزالی نامه، ص ۱۱۸.

(**) — حدیث منسوب به حضرت رسول است که گفت: «الناس نیام و اذا ماتوا انتبهوا» (احادیث مشنوی، ص ۸۱، چاپ دوم).

(۲۰) — النجافی عن دار الفرو و الانابه الی دار الخلود (شرح تصرف کلابادی ج ۱ ص ۶۳).

(۲۱) — ترجمه از «المنقذ من الضلال» ص ۴ تا ۱۲، چاپ محمد محمدجابر، طبع مصر.

(۲۲) — غزالی نامه ص ۱۵۴ بنقل از مرآة الجنان یافعی در وقایع سال ۵۲۰.

(۲۲) — احیاء العلوم ج ۱ ص ۹۲ — ۹۳.

(۲۳) — فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (مکاتیب فارسی غزالی) چاپ مرحوم عباس اقبال ص ۴ — ۵.

(۲۴) — غزالی نامه، ص ۱۴۱ — ۲.

(۲۵) — وفیات ج ۲ ص ۳۸.

(۲۶) — المنقذ، ص ۵.

(۲۷) — وفیات ج ۲، ص ۳۸.

(۲۸) — غزالی نامه، ص ۱۷۰ — در متن غزالی نامه آمده: (آمدش از طوس به نیشابور) و بنظر می‌رسد که اشتباه چاپی باشد بجای (از نیشابور به طوس) (۲).

(۲۹) — مکاتیب فارسی غزالی، چاپ مرحوم اقبال ص ۴.

(۳۰) — «و خلف ما یزید علی سبعین مولفا اکثرها فی الجدل و المناظرة (آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۶۳).

(۳۱) — کشف الظنون، ج ۱ ص ۵۸، حاجی خلیفه.

(۳۲) — قد جمعت اغلاط الکتاب و سمیته اعلام الاحیاء باغلاط الاحیاء اثر تالی بعضی ذلک فی کتاب تلخیص ابلیس (کشف الظنون ج ۲ ص ۵۹).

(۳۳) — کشف الظنون ج ۱ ص ۵۸ — و غزالی نامه ص ۴ — ۲۲۱، چاپ اول.

(۳۳) — در کشف الظنون از این کتاب چنین نام برد: «المنقذ من الضلال و المصحح عن الاحوال» و هو مختصر بث فیة غایة العلوم و اسرارها و المذاهب و اغوارها (کشف الظنون ج ۲ ص ۵۴۸ و آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۹۸).

(۳۴) — تهافت الفلاسفه، ص ۱۶۲، چاپ مصر، به تحقیق دکتر سلیمان دلیا.

(۳۴) — آداب اللغة العربیه، ج ۳ ص ۹۸.

(۳۵) — المنقذ من الضلال، ص ۲۸ — ۲۷، چاپ مصر، به تحقیق محمد محمدجابر و تهافت الفلاسفه ص ۸۴، چاپ مصر، به تحقیق دکتر سلیمان دلیا.

(۳۶) — تهافت الفلاسفه، ص ۵ — ۸۴، چاپ مصر.

(۳۷) — تهافت الفلاسفه، ص ۷ — ۳۰۶، چاپ مصر و کشف الظنون ج ۱ ص ۹ — ۳۴۸.

(۳۸) — کنز الحکمه، ترجمه فارسی ضیاء الدین دری ج ۲ ص ۹۷.

(۳۹) — کشف الظنون، ج ۱ ص ۳۴۹.

(۴۱) — کشف الظنون، ج ۱ ص ۴۱۰.

(۴۲) — آداب اللغة العربیه، ج ۳ ص ۹۹ — ۹۸.

(۴۳) — آداب اللغة العربیه، ج ۳ ص ۹۸، ولی استاد همایی با دلایل اثبات می‌کنند که این کتاب از غزالی نیست و بنام او پرستانده (غزالی نامه ص ۲۳۷ تا ۳۳۹).

(۴۴) — آداب اللغة العربیه، ج ۳ ص ۹۹.

(۴۵) — غزالی نامه ص ۲۲۹، چاپ اول.

(۴۶) — کشف الظنون، ج ۲ ص ۶۴۶.

(۴۶) — المنقذ من الضلال ص ۱۲.

(۴۷) — المنقذ من الضلال، ص ۴۷ چاپ مصر.

(۴۸) — راجع به باطنیه رجوع کنید به سیاست نامه چاپ مرحوم عباس اقبال ص ۲۲۶ — ۲۶۰.

(۴۹) — المنقذ ص ۴۲.

(۵۰) — تهافت الفلاسفه ص ۱۴ دکتر سلیمان دنیا، چاپ مصر. و المنقذ من الضلال ص ۸۶.

(۵۰) — تهافت الفلاسفه، ص ۱۹۹، در این بحث غزالی در واقع «مبدأ سببیت» را انکار می‌نماید و تمام مظاهر طبیعی را به مشیت الهی بازمی‌بندد، (۵۱) — و کان ما کان مبالست اذکره: فظن خیر او لاسأل عن الخبر» و یا:

بود آنچه بود ز آنچه نیارم بگفت من:

بگذر از این حدیث و بما ظن بد میرا!

(۵۲) — اعلام الفلاسفه العربیه، ص ۴۸۳.

(۵۳) — کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۳۳، چاپ احمد آرام.

(۵۴) — کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۸۰.

از: علی اصغر حلبی

صفحه چهل و نهم

محرم^۳

((ملاحسین کاشفی)) واعظ و نویسنده معروف کتاب « روضه الشهداء » را نوشت و نام « روضه » و « روضه خوانی » در ایران با این کتاب پدید آمد که شامل ذکر مصائب شهدای کربلا و امامان شیعه است .

مراسم خاص محرم را روضه خوانی ، دسته گردانی ، پرده داری و تعزیه خوانی تشکیل می دهد .

هر دسته از قمه زن ، زنجیر زن و سینه زن تشکیل می شود که در دو ردیف یکستونی مقابل هم قرار می گیرند . فاصله بین این دو دسته را اصطلاحاً « کوچه » می نامند که این راهرو محلی است برای گردانندگان دسته و نحوه خوانان .

تکیه دولت در اواخر سده نوزده در تهران بنا گردید و بنا به روایت مولف کتاب « المآثر والاثار » یکصد و پنجاه هزار تومان خرج بنای آن گردید و گنجایش بیش از ۲۰ هزار تماشاچی را داشت .

تمام جهانگردان خارجی که از تکیه دولت دیدن کرده اند عظمت و زیبایی آن را نظیر آمفی تاتر شهر « ورونا » دانسته اند .

سال هاست که در ماه محرم مراسم عزای و سوگواری امام حسین برگزار می گردد و نخستین بار به دستور شاهان آل بویه ، گنبدها و ضریح های باشکوهی بر مرقد امام حسین و یاران شهید او ساختند و مجالس سوگواری ماه محرم را در تمام مناطق برپا نمودند و بخصوص هنگامی بر عظمت این مجالس افزوده گشت که شاه اسماعیل صفوی آیین شیعه جعفری را مذهب رسمی ایرانیان نمود و پس از او عنایات خاص شاهان صفوی به تشیع و برگزاری مراسم عزای روضه خوانی

ودسته گردانی سبب گردید تا جمع کثیری از سخنوران ، ادبا و شعرا بمناسبت واقعه روز عاشورا مرثیه و نوحه های پر شوری تهیه نمایند که از آن میان مرثیه شاعر عهد صفوی « محتشم کاشانی » و اشعار « یغمای جندقی » که معمولاً با آهنگ سینه زنی مناسب است می توان نام برد و هر چه بر عظمت و شوکت سلطنت خاندان صفوی افزوده می شد اهمیت مراسم عاشورا و عزای حسینی نیز به همان نسبت افزون می گردید ، به طوری که در بعضی اوقات شاهان صفوی خود شخصا



در این مراسم شرکت می‌کردند . چنان که شاه اسمعیل خود به گروه عزاداران می‌پیوست و در عزای امام ندبه و زاری می‌کرد ، شاه طهماسب داخل صفوف دسته می‌شد و نوحه دسته را می‌خواند. شاه عباس نیز در روزهای عاشورا كشكول به دست می‌گرفت و با مشك آبی که همراه داشت تشنه لبان را سیراب می‌نمود و در محبت امام حسین تا آنجا پای می‌فشرد که پیاده به زیارت آرامگاه آن حضرت می‌رفت. کم‌کم برگزاری مراسم عاشورا جزو یکی از آداب و سنن خاص ایرانیان مسلمان محسوب شد.

به محض این که ایرانیان قدرت یافتند که بغداد را به تصرف در آورند و خلیفه عباسی را خلع و کسی دیگری را به جای او بنشانند، آزادی ایرانیان شیعه در عزاداری و اجرای مراسم سوگواری برای خاندان علی آشکار گردید. تا آنجا که «ملاحسین کاشفی» واعظ و نویسنده معروف کتاب «روضه الشهداء» را نوشت و نام «روضه»

و «روضه خوانی» در ایران با این کتاب پدید آمد که شامل ذکر مصائب شهدای کربلا و امامان شیعه است .

چنان که «ابن کثیر شامی» در «احسن القصص» می‌نویسد : **معزالدوله احمد بن بویه دیلمی** در سال ۳۵۲ هجری در بغداد امر کرد که در دهه اول محرم دکانین را ببندند و مردم ، لباس سیاه بپوشند و به عزای امام شهید پردازند (تاریخ ادبیات ایران ادوارد برون)

مراسم خاص محرم را روضه خوانی ، دسته گردانی ، پرده داری و تعزیه خوانی تشکیل می‌دهد .

روضه خوانی : ذکر مصیبت

و شرح واقعه کربلا برای عده‌ای از مردم از اواسط قرن چهارم هجری به تشویق سلاطین بویه آشکارا در محل های عمومی و مساجد نقل می‌گردید. بدین ترتیب کسی که دارای صدای خوش و حزن انگیز و رسایی بود در ایام محرم در منازل و مساجد به ذکر مصیبت و نقل مصائب امام شهید (ص) می‌پرداخت ولی اینان را

مناقب خوان می‌گفتند و هنوز کلمه «مداح» یا «روضه خوان» متداول نشده بود.

دسته گردانی: هیچگونه ملاک و سند مشخصی در دست نیست که دال بر وجود دسته گردانی قبل از صفویه باشد و چنان که از مطالعه سفر نامه های سفیران و سیاحان خارجی که از بدو تشکیل سلسله صفویه به ایران رفت و آمد داشتند برمی‌آید ، دسته گردانی از زمان صفویه در ایران معمول و متداول شد و غالب سفرا از دسته های بزرگ و باشکوهی که در ایام محرم در اصفهان تشکیل



می‌گردید ، نام برده‌اند.

هر دسته از قمه زن ، زنجیر زن و سینه زن تشکیل می‌شود که در دو ردیف يك ستونی مقابل هم قرار می‌گیرند. فاصله بین این دو دسته را اصطلاحاً «کوچه» می‌نامند که این راهرو محلی است برای گردانندگان دسته و نوحه خوانان.

در جلوی دسته، علم ، کتل، تیغه ، بیرق و نشان خاص که نشان دهنده محل و منطقه دسته است وسیله افراد خاصی که معمولاً هر سال این کار را انجام می‌دهند ، حمل می‌شود و سپس به ترتیب از صف جلو به عقب افراد قمه زن با لباس های سفید (کفن) زنجیر زن و سینه زن قرار می‌گیرند.

نوحه خوانان با خواندن نوحه های مهیج و پرشور که مناسب با آهنگ سینه زنی و زنجیر زنی است دسته را تحريك و تهيج می‌کنند. دسته معمولاً صبح زود آرایش می‌یابد و ساعتی پس از طلوع آفتاب براه می‌افتد ، قمه زنان قبل از این که دسته آماده شود،



حدود يك ساعت با قمه یا شمشیر های آخته ، صف منحنی شکلی تشکیل می‌دهند. و ضمن خواندن نوحه های مقطع و جملات مهیج و محرك با قسمت پهنای شمشیر یا قمه بقسمت جلوی سر خود - محل مسح سر - آرام آرام می‌کوبند و یا بدین گونه وانمود می‌کنند. پس از مدتی تمرین باهمان شمشیر یا قمه شکاف عمیق و یا سطحی در سر خود ایجاد می‌کنند - در صفحات جنوبی ایران پس از تمرین سلمانی محل با تیغ سلمانی چندین شیار روی سر قمه زنان ایجاد می‌کند - و سپس قمه زنان در حالی که خون از سرشان جاری است در صدر دسته و با زدن کف دست به محل زخم قمه حرکت می‌کنند.

پس از افراد قمه زن زنجر زنان با زنجر های مخصوصی همگی هم‌آهنگ و باهم زنجر را به پشت خود (کف) و سینه خود می‌زنند. و بالاخره آخرین قسمت هر دسته را سینه زنان تشکیل می‌دهند.

پرده‌داری : پرده پارچه‌یی است که در آن يك یا چند مجلس از زندگی و مصائب خاندان پیغمبر بارنگ های مختلف ولی غلیظ تصویر گردیده است . مجالس تصویر شده در پرده مربوط به واقعه کربلا و یا ضمائم آن - خروج مختار و یا شکنجه بارگاه یزید - و یا مربوط به معجزات و کرامات ائمه می‌باشد و وقایع مختلف و نامربوط ممکن است در نقاط مختلف يك پرده نشان داده شود. در تصویر های پرده معمولاً بواسطه موانع مذهبی صورت مصومین دین نشان داده نمی‌شود و تنها هاله‌یی نور آن‌ها را در متن پرده مشخص می‌کند.

پرده دار یا شمایل گردان معمولاً پرده خود را در گوشه میدان می‌آویزد و فقط گوشه‌ای از آن را که با آغاز داستان مناسب است باز می‌کند و روی بقیه پرده را با دستمال یا کافد می‌پوشاند و بتدریج که داستان را نقل می‌کند قسمتهای مختلف پرده را می‌گشاید.

بعضی از پرده داران همراه خود طوماری دارند که از روی آن طومار داستان مربوط را با صدای

گیرا و آب و تاب می‌خوانند. پرده‌داری چون جنبه‌نمایشی دارد بهمین دلیل بیشتر در ذهن بیننده موثر است.

تعزیه یا شبیه سازی : در اواسط دوره اسلامی اساس پیدا شدن يك نوع تئاتر مذهبی در ایران بنام تعزیه یا شبیه سازی فراهم آمد و با وجود مخالفتی که با آن شد هنوز کم و بیش در شهرها و قصبات مختلف ایران در ماه محرم با تشریفات مفصلی اجرا می‌شود. تعزیه داری در ایران قدیم نیز مرسوم بوده است و این مطلب را تصویری از يك مجلس سوگواری برای سیاوش که بردیوار شهر «پنج کندیروز» واقع در دره «ذرافشان» در ۶۰ کیلومتری سمرقند نشان می‌دهد. اما تعزیه بر مبنای مصائب شهدای کربلا از زمان آل‌بویه مرسوم گردیده است. چنان که «ابن کثیر شامی» می‌نویسد از اواسط سلطنت آل‌بویه در ایران به منظور حسن تاثیر و یا تشدید تاثیر در مستمع عده‌یی در صدد برآمدند که وقایع و اشخاص واقعه کربلا را عیناً در جلوی چشم تماشاگران مجسم سازند.

بطور کلی آنچه از مفاد کتب مختلف مستفاد می‌شود این است که تعزیه ابتدا به صورت ثابت اجرا می‌شد بدین ترتیب که در مجالس نوحه و روضه خوانی در پای کرسی (منبر) وعظ، جمعی خود را به لباس شهدای کربلا در می‌آوردند تا حضار ضمن شنیدن واقعه کربلا از دهان روضه خوان بادیدن صورت هایی از واقعه کربلا آن روز را بهتر مجسم نمایند. پس از مدتی تعزیه متحرك بوجود آمد بدین صورت که عده‌یی در صف مقدم دسته با پوشیدن لباس های شبیه لباسهای شهیدان کربلا مجلس یا مجالسی از روز عاشورا را اجرا می‌کردند ، اما اجرای این نوع تعزیه چنان نبود که فرم و شکل دسته را دگرگون سازد این شکل تعزیه هنوز هم در بعضی از نقاط جنوبی ایران معمول است . در حقیقت باید گفت که این شکل تعزیه بهمین شکل ادامه داشت تا این که از اواسط دوره صفوی اجرای مراسم تعزیه به صورت گفت و شنود و اجرای تمام واقعه کربلا درآمد.

طور و تکامل تعزیه را می‌توان از یادداشت های سیاحان و سفرای خارجی که از زمان صفویه وبعد از آن به ایران آمده‌اند ، به خوبی استنباط کرد. چنان که شاردن ، تاورنیه ، اولیاریوس و دیگر نمایندگان کشور های خارجی و جهانگردان خارجی در سفرنامه های خود از اجرای تعزیه به شکل های مختلفی یاد کرده‌اند.

پس از صفویه تعزیه اندکی دچار فتور و سستی شد ، بطوری که در زمان سلطنت نادر شاه افشار بر اثر عدم عنایت و ممانعت من غیر مستقیم او از اجرای مراسم عزاداری و سوگواری تعزیه و یاشبیه سازی نیز از رونق افتاد. بعضی از مورخان ، مخالفت نادر شاه را از اجرای مراسم تعزیه و سوگواری به دلیل سنی بودن او می‌دانند (۱). اما باروی کار آمدن سلسله زندیه و توجه خاص کریم خان به شعائر مذهبی ایران اجرای تعزیه و مراسم عزاداری در تمام نقاط ایران معمول و متداول گشت و خاصه در زمان قاجاریه به‌ویژه ناصرالدین شاه قاجار اجرای مراسم تعزیه داری به حد اعلای شکوه و اعتبار خود رسید.

تعزیه در دوره قاجاریه : در زمان قاجاریه تعزیه ابتدا در مساجد و منازل اعیان و اشراف اجرا می‌شد. اما پس از این که به دستور ناصرالدین شاه تکایای متعدد در ایران به‌ویژه تکیه معروف شاهی (تکیه دولت) در تهران فراهم شد، اجرای تعزیه در تکایا صورت گرفت.

تکیه دولت در اواخر سده نوزده در تهران بنا گردید و بنابه روایت مولف کتاب «المآثر والاثار» یکصد و پنجاه هزار تومان خرج بنای آن گردید و گنجایش بیش از ۲۰ هزار تماشاچی را داشت .

چگونگی اجرای تعزیه در تکیه دولت: تمام جهانگردان خارجی که از تکیه دولت دیدن کرده‌اند عظمت و زیبایی آن را نظیر آمفی تاتر شهر «ورونا» دانسته‌اند. این تکیه در ضلع شرقی صحن «کاخ گلستان» قرار داشت. محوطه وسیع و دایره شکلی بود که بنای سه اشکوبه زیبایی به ارتفاع ۲۰ متر آن را احاطه نموده بود. این بنا مسقف نبود. اما دارای داربست‌ها و چوب بست هایی بود که در مواقع لزوم

برای جلوگیری از ریزش باران و تابش آفتاب پرده روی چوب بستها می‌انداختند.

این تکیه دارای چندین چلچراغ ، لاله و شمعدان بود که هنگام اجرای تعزیه تمام صحن تکیه را روشن می‌کرد. در وسط تکیه سکویی به ارتفاع تقریبی نیم متر وجود داشت که صحنه نمایش محسوب میشد و شبیه گردان‌ها می‌توانستند از پله‌هایی که در چهار سمت آن تعبیه شده بود ، روی آن بروند.

در يك سمت تکیه منبر سنگی عظیمی قرار داشت که غالباً قبل از شروع تعزیه واعظی روی آن می‌رفت و بلذکر مصیبت شهدای کربلا می‌پرداخت. اطراف میدان دارای سکوهایی متعددی بود و در بالای سکوها حجره ها و طاق نما های متعددی وجود داشت . زنان غالباً روی سکوهایی اطراف میدان تعزیه و مردان در حجره ها و طاق نماها می‌نشستند . طاق نمای شاهی در محلی قرار داشت که کاملاً مشرف و مسلط به میدان بود. قبل از شروع تعزیه دسته‌یی مرکب از دویست نفر از خدمت گزاران دربار که همه ملبس به لباس عزا بودند در يك صف دو نفری داخل میدان می‌شدند. و این عده پس از چند دقیقه سینه زدن صحنه را ترك می‌گفتند ، سپس دسته‌ای مرکب از تعداد زیادی سینه زن که به لباس عربی ملبس بودند، داخل می‌شدند و بعد دسته تعزیه خوان با خواندن نوحه های موزون و هماهنگ با سینه زنی وارد تکیه می‌گردید.

در این هنگام دسته موزیک نظامی با نواختن يك قطعه محزون و دور زدن اطراف میدان در محل مخصوصی قرار می‌گرفت تا در هنگام اجرای تعزیه به اشاره کارگردان تعزیه قطعات مناسبی بنوازد. سپس گروهی از کودکان خردسال که همه لباس سبز رنگ

به تن داشتند و به دنبال آنان مردانی در لباس زره و کلاه خود - لباس تعزیه - داخل میدان می‌شدند . کودکان در این هنگام با لحن حزن آلودی به خواندن نوحه می‌پرداختند و مردان در همان لحن پاسخ آنان را می‌دادند و سپس اجراکنندگان تعزیه دوباره باوقار و متانت، یکبار بدور میدان تعزیه می‌گشتند و بعد

مضامین تعزیه غالباً متفاوت است اما اکثر تعزیه‌ها مربوط به واقعه کربلا و یا شرح حال و شهادت امامان می‌باشد ولی تعزیه‌هایی نیز اجرا شده و متن‌های آن‌ها باقی مانده که ابتدای این قبیل تعزیه‌ها هیچ گونه جنبه مذهبی و دینی ندارد اما همه آن‌ها بفاجعه کربلا ختم می‌شود مانند تعزیه امیر تیمور یا تعزیه یوسف و زلیخا که از متن داستان یوسف (سوره یوسف) قرآن اقتباس شده است. منابع: تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون - ایرانشهر، تاریخ صفویه، نمایش در ایران، بهرام بیضایی. تاریخ ایران، سرجان ملک. تاریخ عالم‌آرای عباسی. عباس رهبری

بالای سکوی تعزیه می‌رفتند و در این هنگام کودکان در محل دورتری جای می‌گرفتند و پس از رد و بدل کردن چند نوحه سوال و جوابی کارگردان تعزیه با صدای بلند موضوع تعزیه را برای حضار شرح می‌داد و سپس تعزیه شروع می‌گردید.

دگورو موزیک: لباس افرادی

که در نقش امام حسین و یاران و انصارش ظاهر می‌شدند معمولاً سیاه یا شال سبز و عمامه و رو سری خود را به صورت کفی و عقال و فینه و یا بصورت تحت الحنک بسر می‌بستند. آلات و ادوات جنگ نیز به همراه داشتند. افرادی که نقش دشمنان را ایفا می‌کردند معمولاً با لباس‌های جنگی مرتب کلاه خود، کمر و چکمه بودند. شمر معمولاً لباس قرمز رنگ بتن می‌کرد. در تعزیه معمولاً یک نفر با شکل و لباس کاملاً متفاوت بنام فرنگی که بهیچ یک از طرفین وابستگی نداشت ظاهر می‌شد که دارای لباس اروپایی بود.

نقش زنان در تعزیه به مردانی محول می‌شد که دارای بدنی ظریف و صدای زنانه بودند.

موزیک تعزیه ؟

موسیقی تعزیه شایسته کمال توجه می‌باشد. آوازهایی که هر یک از اجرا کنندگان تعزیه می‌خواندند به اقتضای مقام و مرتبه و در طی پیشرفت داستان تعزیه تفاوت می‌کرد. امام خوان‌ها معمولاً دارای لحن مطبوع و دلنوازی بودند که غالب اشعار یا گفتار خود را در دستگاه‌های «پنجگاه» یا «نوا» موسیقی ایرانی می‌خواندند. در حالیکه دسته مخالف یعنی اشقیا یا بقول اهل تعزیه شمر خوان‌ها علاوه بر آن که دارای صدای خشن و زنك‌داری بودند مطالب و گفتار خود را با لحن عصبانی و ناخوشایندی بیان می‌کردند آلات موسیقی تعزیه معمولاً از چندین ضرب، طبل، نی، فرنی و انواع شیپورها و سنج تشکیل می‌شد.

اصالت تعزیه: تاکنون هیچگونه دلیل و مدرکی که دال بر نفوذ ملل و جوامع خارجی در ایجاد تعزیه باشد سراغ نداریم بلکه باید قبول کرد که تمام آداب و سنن اختصاصی تعزیه مشعر بر این است که این هنر از ابتکارات و نتیجه ذوق و سلیقه مردم همین سرزمین است.





سرزمین طلای سفید و دشت

قدیمی است که ده واز اوستا که بآن نام هرکانایا
طلاق نهاده است. در این دیار
از ۳۰۰۰ سال پیش که در
تخت آریایی و حرفها در میان
آویجها، از
بلوران، ارکشیهای داریوش که آن
وشمگها، ازاینان
بنام (پرتو) اسم برده، از هرودوت که آنرا
مقابل اسب ایستادگی، داستانها



می‌سراید. تاریخ گرگان و دشت در لابلای کتابها و یادگارهای بدیع ساختمانی آن مستقر است. در بررسی گذشته این منطقه از زمان هخامنشی یاد می‌کنیم که ویشاسب پدرداریوش مدتی در استرآباد فرمانروا بود و به عقیده بعضی از تاریخ نویسان پایتخت اولیه سلسله اشکانی قبل از هگاتم‌پلیس بوده است و بعدها به‌هنگام آل‌بویه مرکز تجمع علماء، فضلاء و شعرا گردید و بزرگانی چون ابوعلی سینا - بیرونی - خوارزمی در این شهر به تحقیقات علمی و فلسفی پرداخته‌اند.

گرگان و دشت به ۳ ناحیه طبیعی مشخص تقسیم می‌گردد:

الف - دشت گرگان که بین رود اترک و قره سو واقع شده و شامل استپ و جلگه مسطحی است که حاصل ته نشست آب دریا می‌باشد.

ب - دامنه - که بین رودخانه قره سو و کوهستان واقع شده و مرکب از تپه‌ها و ارتفاعات مختلف است.

ج - کوهستان - قسمت جنوب و شرق گرگان و دشت را کوهستان تشکیل می‌دهد که به حدود دامغان و شاهرود منتهی می‌شود و جنگلهای سرسبز آنرا پوشانیده است.

اهمیت زراعتی گرگان و دشت وابسته بوجود رودهای آن می‌باشد و باتوجهی که امروزه در امر زراعت این نواحی می‌شود اهمیت رودها بیشتر هویدا می‌گردد. اترک و گرگان اهم رودخانه‌های گرگان و دشت را تشکیل می‌دهد. اترک رودخانه‌ایست که در انتهای شمال دشت بسوی غرب می‌رود و به خزر می‌ریزد، سرچشمه آن کوههای هزار مسجد است. این رود در چند نقطه خط‌مرزی ایران و شوروی است، بررسیهایی برای ایجاد سد بر روی آن انجام گرفته است.

رودخانه گرگان از کوههای شمال شرقی البرز که گلیداغ (الاداغ) نامیده می‌شود سرچشمه می‌گیرد و از آن کوه و دره‌ها می‌گذرد و به دشت می‌رسد و سرتاسر دشت را به‌موازات کوههای البرز طی می‌کند و به خزر می‌ریزد. این رودخانه در سالیهای دراز عمرش و به مرور بستر رسوبی و سست خود را رویده است و اینک در سطحی کم و بیش (۶-۵ متر) پایین‌تر از سطح دشت جریان دارد و ناچار آبش را فقط با پمپ‌های موتوری می‌توانند بالا بکشند و بردشت و کشت سوار کنند.

شهر گرگان یا استرآباد سابق در دامنه کوههای شاهکوه بنا شده از یک طرف به جنگل و از جانب دیگر به دشت منتهی می‌شود.

جمعیت شهر برابر آمارگیری سال ۵۰- ۵۱۱۸۱ نفر است (۲۸۰۹۹ نفر مرد و ۲۳۰۸۲ زن) که ۲۳۱۰ خانوار را تشکیل می‌دهند. درصد جمعیت باسواد شهر ۴۱٫۴ درصد است. هم‌اکنون ۵۹۷۲ نفر در دبیرستان‌ها و ۱۰۳۵۱ نفر در دبستان‌ها و کودکستان‌ها مشغول تحصیلند. تعداد دانشجویان آموزشگاه عالی

جنگل و مرتع ۳۴۰ نفر و دانشسرایعالی دختران ۷۰ نفر می‌باشد.

زبان محلی شهر گویشی اصیل است که ریشه پارسی قدیم دارد. در روستاها بالهجه‌ای شبیه مازندرانی صحبت می‌شود در «رامیان» زبان ترکی مخصوص دارند که از طایفه «گریلی» آذربایجان بجا مانده است.

اقلیت‌های مذهبی شهرستان رافق ۱۴۵۵ نفر تشکیل می‌دهند.

از ابنیه تاریخی می‌توان از مسجد جامع نام برد که بنا باستناد مرآت‌البلدان تاریخ‌بنای آن ۸۰۴ هجری است. قسمتی از آن در اثر زلزله سال ۱۳۲۳ که گرگان را در هم کوبید خراب و تعمیر گردیده است دیگر مسجد گلشن است که تاریخ ساختمان آن به شعر در سردر آن نوشته شده و بنابه حروف ابجد در این مصراع گنجانیده شده که:

مسجد گلشن بود، گلشن هر مسجدی
گرگان به عهد باستان بروز گاران دراز
گذشته وابستگی‌ها دارد.

از مدارس قدیمی می‌توان از مدرسه دارالشفاء واقع در محله نعلبندان متعلق بسال ۹۳۵ هجری و مدرسه سردار که محل تجمع طلاب دینی است یاد کرد.

مدرسه سادات که بزرگانی چون مفید استرآبادی و میرزا مهدی خان صاحب کتاب دره نادری، منشی و وزیر نادرشاه را شاهد بوده قابل اهمیت است. گرگان شهر کوجه‌ها و محله‌هاست.

محله‌های آن عبارتند از: دربند - دوشنبه‌ای - میرکیریم - نعلبندان - پاسرو - میخچه‌گران - سبز مشهد - اباغان - سرپیر - بلیش محله - گروهبان محله - سیستان محله - گرگان پارس.

کوهستانهای گرگان، علاوه بر سرسبزی و خرمی جنگل‌ها، دارای آبشارهای بلند و استخرهای وسیع و زیبایی است که بیننده را مجذوب می‌سازد؛ چه اینکه وقتی در دل کوه و جنگل راه «گرگان به زیارت» را طی می‌کنی از دریائی گذر می‌نمایی که هر دو سرش را درختان جنگلی پوشانیده بر فراز ارتفاعات دور دست ابرها پیکر لطیف خود را بر آن می‌سایند و در کنار راه رودخانه کف‌آلود بر سنگهای بزرگ و کوچک می‌غلطد و سرازیر می‌شود.

دیگر نقاط دیدنی آبشارلو (LU) که در ۴ کیلومتری استرآباد فندرک پای کوه قلعه ماران واقع است می‌باشد آب‌استخر آن پس از طی مسافتی بزمین فرو می‌رود. در غار طبیعی شیرآباد که دهانه‌اش ۹ متر و ارتفاعی ۲۰ متر دارد به آثار استلا گمیت و استلا گیت در طول غار برخورد می‌نمائیم.

دشت گرگان
ترکمن صحرا در جنوب رودخانه اترک قرار دارد از جنوب و جنوب شرقی به کوهپایه‌های البرز محدود است. وسعت آن ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع (طول ۱۸۰ و عرض ۹۰ کیلو

متر) می‌باشد که افراد ترکمن در آن سکنی دارند اینان با وجود شباهت از جهاتی از نژاد مغول نبوده بلکه یکی از قبایل بزرگ ترک از نژاد هند و اروپایی هستند که ابتدا در سواحل جیحون می‌زیسته‌اند و سپس به خوارزم و از آنجا به ناحیه گرگان وارد گردیده‌اند.

ترکمانان اصلی را (ایک) و ترکمانانی که بانژاد دیگر ازدواج کرده باشند (قول) می‌نامند.

طوایف بزرگ ترکمن را طوایف جعفری - آتابای - یموت و گوکلان تشکیل می‌دهند که هر کدام ملحقاتی دارند.

طوایف ترکمن در دشت گرگان در فواصل مختلف در محل‌هایی که بنام «ابه» نامیده می‌شود سکونت اختیار کرده و در زیرچادرهای مخصوصی که بنام آلاچیق معروف است زندگی می‌نمودند بنابراین هر فرد ترکمن به خانواده‌یی تعلق داشت که در یک ای (الاجیق) بسر می‌برد و کوچکترین اجتماع ایشان مجموع بهمین چند الاجیق یا به بوده است.

سقف الاجیق گروی و محیط چادر ۲۰ متر و قطر آن ۶۵ متر است ارتفاع را معمولاً به قسمت‌هایی بنام (توی‌نک - دوع و کارم) قسمت کرده و هر قسمت را با نمذ مخصوص می‌پوشانند.

در آن خلاف جهت باد قرار دارد و برای مقاومت بیشتر باطنی‌هایی مخصوص آنرا بر زمین محکم می‌کنند. برپاداشتن الاجیق از کارهای زنان است و ابداً مردها در این امر شرکت نمی‌کنند.

مردم این سرزمین از مدت‌ها قبل تقریباً چادرنشینی را رها کرده و شهرنشین شده‌اند و امروز در اغلب «ابه‌ها» و نقاط ترکمن نشین ساختمانهای آجری دیده می‌شود که روز بروز افزایش می‌یابد.

از مجموع ۵۱۳۷۴ واحد مسکونی در نقاط روستائی، ۴۰٫۹ درصد آنها در ۵ سال اخیر بنا گردیده و ۲۸٫۸ درصد در فاصله ۵ تا ۹ سال و ۳۰٫۳ درصد متجاوز از ده سال پیش ساخته شده است.

اکنون چهره زندگی در میان ترکمن‌های دشت و مناسبات مربوط در نحوه معیشت تغییر یافته، چرا که ماشین، این سلاح جدید و پرتوان تولید، در دشت بکار گرفته می‌شود. در دهکده‌های کوهستانی که بیشتر طوایف گوکلان در آن به کشت و کار مشغولند صاحبان قطعات کوچک زمین‌هایی که در دره یا در دامن کوه اینجا و آنجا افتاده است هنوز با گاو آهن شخم می‌کنند و خرمن را با لگد کوبی چهاربایان می‌کوبند ولی در دشت صاحبان اراضی وسیع تراکتورها و کمباین‌ها را

در نصف روز چند هکتار شخم می‌زند. اکنون مراتع و بیشه‌زارها و هر گوشه قابل کشت و کار در دشت به شخم کشیده شده است.

دیگر از آن گله‌ها و طایفه و کوچیدن‌ها کمتر سخنی است و یانشانه‌ئی، چرا که ابه‌ها جای خود را به روستاها سپرده‌اند و شهرها



را پدید آورده اند .
مردم ترکمن ساده خوش باور و مهمان-
نواز هستند در دوستی صادق و نا واپسین دم
طرف را فراموش نمی کنند .

تجمل و زیور زنان گردنبندهایی است که
از زیر و سری هاشان پیداست و زیورهایی که
به گیسوانشان آویخته است در خانواده ترکمن
بیشتر کارها بعهده زنان می باشد : بافتن قالی-
نمدبافی - حصیربافی - نانوائی - پرستاری
گاو و گوسفند ، خانه داری و حتی هیئزم
شکستن بازن است و باتمام اینها بردبار و از
زندگی راضی است .

ترکمنان جای زیاد می خورند و هر فرد
یک قوری نسبتاً بزرگ بایک کاسه چایخوری
دارد . اگر مهمانی هم وارد شود فوراً یک
قوری چای با کاسه و نان و قند برایش می آورند .
رقص ها و ترانه های محلی درین قبایل
ترکمن ، مانند سایر ایلات ایران ، رواج دارد
و در مراسم جشن و سرور نوازندگانی که به
«بخشی» معروف هستند برای رونق بخشیدن
به جشن دعوت می شوند . سازهای محلی
عبارتند از : چنگور - دوتار - کمانچه
(قچاق) نی لبک (قاووز) و زنبورک که وسیله
دختران نواخته می شود .

محبوب ترین ورزش جوانان ترکمن
رقص خنجر است ؛ این رقص جنبه مذهبی و
صوفیانه دارد و بی شباهت برقص دراویش
سندجی نیست جوانان ملبس به لباس محلی
بدورهم حلقه می زنند و دست بگردن یکدیگر
می اندازند شمشیردار در میان قرار گرفته و
اشعاری می خواند و سایرین ترجیع بند آنرا
تکرار می کنند . این رقص زیبا که سراسر
هیجان و حرکت و فریاد است آنقدر ادامه
پیدا می کند تا یکی از افراد از شدت التهاب
غش می کند و می افتد در این وقت شمشیردار
بگوش او غزلیاتی می خواند تا بهوش آید .

ترکمنان در اسب سواری و تربیت اسب
مهارت دارند . در هر قریه ترکمنی یک میدان
مخصوص اسب دوانی است که بنام طوی (Toy)
نامیده می شود که در موقع عروسی و جشن ها
در آن با اسب های چابک اسب سواری می کنند .
ترکمن ها از طفولیت به فرزندان خود اسب
سواری می آموزند و ایشان را سوارکارانی
پر طاقت و چابک بارمی آورند .

مهمترین مرکز جمعیت ترکمن های دشت
گرگان ، شهر گنبد کاووس است با ۴۰۸۰۷۰ نفر
جمعیت که کمتر ترکمن هستند و بیشتر
آذربایجانی و خراسانی و سیستانی - سمنانی
و اصفهانی می باشند که بعد از رونق کشاورزی
و ایجاد صنایع و شغل های مربوط بآن به قصد
کشت و کار یا کسب و کار از هر سوی کشور
بآنجا آمده اند و برآستی شهر را بیک موزه
مردم شناسی واقعی بدل کرده و ترکمن متحیر
از این چهره های نا آشنا که می بیند .

جمعیت شهرنشین گنبد قابوس ۱۴۲ درصد
است و بقیه ۸۵ درصد روستائین می باشند .
اکثریت جمعیت ۸۸ درصد مسلمان هستند .
درصد باسواد دشت گرگان به ۱۶۳ می رسد .
بالاترین درصد اشتغال مربوط به کشاورزی
است که ۷۳۶ درصد را تشکیل می دهد و بقیه
۳۸ درصد در بخش خدمات عمومی و ۸۵
درصد در بخش تولیدات صنعتی و ۳۹ درصد
در بخش ساختمان فعالیت دارند .

گنبد قابوس در ۹۶ کیلومتری گرگان
واقع است خیابانهای منظم و تقریباً بدون
کوچه آن جلب نظر هر تازه واردی رامی کند .
گنبد امروز ، در کنار شهری بزرگ و تاریخی
بنام جرجان بنا شده است که از آن شهر دیرین
نشانی نمانده است .

افزایش تعداد کارخانه ها . مکانیزه شدن
اراضی زیر کشت ، راه در دست ساختمان شاه
پسند گنبد و اسفالت جاده قوچان - شاه پسند

که ادامه راه ترانزیتی است باعث شده که بیش
از پیش به موقعیت تجاری و کشاورزی آن
افزوده شود .

حفاری چاه نفت شماره ۲ گنبد کاووس در
قریه قرل تپه به عمق ۱۸ هزار پائی رسیده است .
نصب دکل و تاسیسات در قرل تپه از چندماه
قبل وسیله ۷۰ نفر از مهندسين و کارکنان
شرکت ملی نفت ایران آغاز شده است .

گنبد قابوس
بنای عظیم گنبد قابوس از قدیمی ترین
آثار موجود اسلامی و متعلق به آرامگاه
شمس المعالی قابوس و شمشگیر آل زیار است
(۳۶۶-۴۰۳ هجری قمری) که در زمهره
بزرگترین آثار صنعتی و معماری ایران بشمار
می رود .

این ساختمان باشکوه در شمال شهر کنونی
گنبد قابوس بر فراز تپه بزرگ دستی که قریب
۱۵ متر از زمین های اطراف بلندتر است در
سال ۳۹۷ قمری (۳۷۵ شمسی) به امر شمس
المعالی ساخته و پرداخته شده است .

گنبد قابوس شامل برج استوانه ای شکل
بلند آجری می باشد که در روی بدنه های
دهگانه آن دورشته مکرر کتیبه آجری به
خط کوفی برجسته نوشته شده و به لحاظ پختگی
آجر قرمز و استحکام آن هنوز پس از هزار
سال که از تاریخ ساختمان و نصب این کتیبه
می گذرد خرابی و خدشهای بآن وارد نشده
است .

متن کتیبه کوفی دهگانه که در بدنه
گنبد مکرر می باشد، بند به بند چنین است .
۱- بسم الله الرحمن الرحيم ۲- هذا القصر
العالی ۳- الامیر شمس المعالی ۴- الامیر
ابن الامیر ۵- امر به بنانه فی حیات ۶- قابوس
بن و شمشگیر ۷- سنه سبع و تسعین ۸- و ثلثمائه
قمریه ۹- و سنه خمس و سبعین ۱۰- و ثلثمائه
صفحه پنجم و یکم

ترجمه کتیبه : بنام خداوند بخشنده بخشایگر ، این است کاخ عالی ، امیرشمس - المعالی ، امیر فرزند امیر ، قابوس فرزند وشمگیر ، فرمان داد به بناء آن در زندگی خویش ، سال سیصد ونود و هفت قمری و سال سیصد و هفتاد و پنج شمسی .

آجر های قرمز و سخت این بنا که در نهایت پختگی و استحکام می باشد بعلت تابش آفتاب سوزان دشت و بارانهای فراوان بمرور زمان برنك زرد طلایی زیبایی درآمده اند . کهنسالی این بنا و رطوبت هوا و موقعیت طبیعی مکان آن موجب شده که گذشته از تغییرات که در ظاهر بنا پدیدار است خزه و سبزی طبیعی شفاف طلایی رنگی بر روی آجرهای بدنه آن بوجود آید و بیک نوع تزیین طبیعی که نماینده کهولت بناست مزین شود .

اعجاز صنعتی و معماری این شاهکار قرن چهارم هجری در ساختمان سقف مخروطی حیرت آور آن می باشد مخروط آن باندازه ای صاف و هموار ساخته شده که پرندگان جرأت نشست و برخاست بر روی آن را ندارند و هنوز نتوانسته اند پنجه ای بر آن افکنند و جای پائی برای خود بیابند تنها گلوله بارانهایی که برپیکر این بنا شده موجب گردیده است که بر چند نقطه بدنه هموار مخروط که روی آجرهای آنرا سائیده و صیقلی نموده اند پستی و بلندیهایی ایجاد گردد . این خرابی های بیشتر متوجه سمت غربی مخروط و مشرف به جاده و شهر گنبد بوده است . بلندی بدنه برج از کف زمین تا زیر قاعده مخروط ۳۷ متر تمام است . بلندی کتیبه مخروط از کف قاعده تا راس آن هجده متر تمام است که رویهم رفته بلندی کلیه برج ۵۵ متر و اگر ۱۵ متر بلندی تپه دستی که گنبد بر روی آن ساخته شده است را بر ارتفاع گنبد بیفزائیم مجموع بلندی گنبد قابوس به ۷۰ متر می رسد ؛ از این جهت می توانیم بنای گنبد قابوس را از بلندترین آثار تاریخی دنیا بشمار آوریم .

آشوراده و بندر شاه

جزیره آشوراده که انتهای شرقی شبه جزیره « میانکاله » است قدمت تاریخی دارد ، این جزیره که جنوبی ترین نقطه آسیاست از سالیهای گذشته پایگاه کشتی های تجارتي و جنگی روسیه تزاری بوده است و روسها از این جزیره کنترل حمل و نقل دریائی را عهده دار بودند . جزیره آشوراده امتداد و نقطه پایان جزیره طویلی است که از فرح آباد ساری شروع شده و تقریباً دریای اصلی را از آبهای ساحلی جدا نموده است و در سابق محل داد و ستد تر کمن ها بود که کشتی ها و قایق ها در آن پهلوی می گرفتند .

در زمان توسعه بندر شاه آشوراده دارای اهمیت خاصی بوده است ولی متأسفانه در سالیهای اخیر تبخیر آب دریا و رسوبات ساحلی از عمق آبهای ساحلی کاسته و کشتی رانی را دچار اشکال ساخته است و

صفحه پنجاه و دوم

اکنون فقط برای حمل « بارکاسهای » (قایق) پر از ماهی های صید شده کانالی حفر گردیده است . آشوراده اکنون قرارگاه شیلات و دارای سردخانه و صیدگاه می باشد . اکثر ساکنان آشوراده را کارمندان و کارگران شیلات تشکیل می دهند . آشوراده از نقاط دیدنی و محل تفریح مردم بندر شاه بشمار می آید و رفت و آمد با بارکاسها (قایق) صورت میگیرد .

در دو کیلو متری شرق آشوراده ، بندر شاه برپا گردیده که دارای اسکله چوبی است که باقی مانده اسکله سابق می باشد . بندر شاه متأسفانه اهمیت قبلی خود را از دست داده است ، هر چند که با ورود راه آهن سرتاسری مدتی این شهر مبدا قرار گرفت و برونسخت و اعتبار آن افزوده گردید ولی اکنون با ادامه راه آهن سرتاسری ایران به گرگان تنها دیووی (توقفگاه) لکوموتیو سازی آن در بندر شاه باقی مانده است . بندر شاه با جمعیتی که به ۱۳۱۰۸ نفر می رسد نمی تواند یک شهر قدیمی باشد . تاریخ بنای آن به قبل از ۱۳۲۰ می رسد .

اکثر ساکنان بندر شاه ایلات و عشایر تر کمن های یموث هستند و بقیه از نقاط دیگر مانند مازندران ، گیلان ، آذربایجان ، زابل ، و غیره باین محل کوچیده اند . اقتصاد گرگان و دشت

کشاورزی - گرگان و دشت از لحاظ تولیدات کشاورزی و بازرگانی خارجی وضع ممتازی در اقتصاد داراست . اصلاحات ارضی ، ورود ماشین آلات کشاورزی و نیز استعداد طبیعی باعث شده که در ظرف چند سال هزاران هکتار زمین زیر کشت قرار بگیرد ، هزاران حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق حفر گردد و بر آنها هزاران موتور پمپ سنگین و سبک نصب شود و به موازات این سرمایه گذاریها دهها هزار خانوار در جستجوی کار از سایر نقاط کشور باین دیار راه سپارند . در گرگان و دشت اینک جنبش و حرکتی ایجاد شده که هر کس در هر شرایط اجتماعی کوشش می نماید از این رونق طرفی ببرند .

پنبه محصول عمده این منطقه را تشکیل می دهد و در درجه اول اهمیت قرار دارد . سطح زیر کشت پنبه گرگان و دشت در سال ۴۸ بالغ بر ۴۰۰۰۰۰ هکتار بوده است .

ریال رسیده اهمیت بیش از پیش تولید طلای سفید : این محصول ارزنده که رقم مهم صادرات ایران را تشکیل می دهد در گرگان و دشت روشن می گردد . چه اینکه در سال ۴۷ از ۱۶۵۰۰۰ تن پنبه کشور ، گرگان قریب سه پنجم یعنی متجاوز ۹۰۰۰۰ تن تولید داشته است .

برای تصفیه پنبه کارخانه های عظیم پنبه پاک کنی در گرگان و دشت وجود دارد تعداد آن ها اکنون به ۹۳ کارخانه رسیده که شامل ۲۸۳ جین و ۲۲۷۸۸ اره می باشد . لازم بتوضیح است که در سال ۱۳۲۰ فقط ۱۹ کارخانه داشتیم که در سال ۳۵ به ۵۱ کارخانه افزایش یافته است از ۱۱۷۳۴۶ تن محصول کل پنبه در سال ۴۶ حدود ۵۳۷۷۶ تن بمصرف داخلی رسید و ۶۳۵۷۰ تن آن به خارج صادر شد .

مبارزه با آفات معمولی پنبه در سال ۴۷ بالغ بر ۱۳۱۰۲۲۵ هکتار انجام پذیرفت و با مراقبت هایی که در زمینه کرم خاردار می شود در ۷۳۵۲۲ هکتار سمپاشی و مبارزه هوایی با کرم خاردار بعمل آمده است .

غله : گرگان با سطح زیر کشت ۳۵۰۰۰۰ هکتار در سال ۴۷ - ۵۷۵۰۰۰ تن غله محصول عاید داده است که دو برابر محصول سال ۴۰ بوده است .

در منطقه گرگان و دشت در صورت استفاده از کود شیمیائی و داشتن آب کافی برای کشت برنج در هر هکتار ۵۵۰۰۰ کیلو (۵۰ تن) شالی بدست می آید که پس از تبدیل در کارخانه ۲۵۵۰ کیلو برنج عاید می شود .

در هاشم آباد و شاه مزرعه دو ایستگاه کشاورزی برای اصلاح بذر و تهیه نهال تاسیس شد و نیز لابراتوار تجزیه بذر در « عراقی محله » احداث گردیده کوششهایی انجام گرفته و کشت و برداشت ۴ نوع گندم مکزیکی در سطح ۳۵ هکتار اراضی ایستگاه کشاورزی هاشم آباد و انجام آزمایشات « به زارعی » و « به نژادی » گندم و پنبه ، حبوبات ، دانه های روغنی ، سبزی و علوفه در سطح ۳۰ هکتار در عراقی محله را حاصل داده است .

در ایستگاه کشاورزی گرگان ۸۵۰۰ اصله نهال با ثمر و بی ثمر پرورش داده و بین

هیزان محصول پنبه در سالیهای مختلف عبارتست از :

سال	سطح زیر کشت	محصول
۴۰	۱۴۰۰۰۰ هکتار	۴۹۰۱۳ تن
۴۴	۱۷۰۰۰۰ هکتار	۷۸۵۲۳ تن (بعلت بدی هوا مقداری محصول نابود شد)
۴۷	۱۵۰۰۰۰ هکتار	۹۰۰۰۰ تن

باتوجه با افزایش ارزش ریالی صادرات پنبه ایران که در سال ۳۸ برابر ۱۷۲ میلیارد ریال بوده و در سال ۴۶ به ۲۵۰ میلیارد است .

عقد پیمان و توزیع ۶۰۰۰۰ کیلو بذر
پنبه ساحل (مقاوم به بوته میری) در منطقه
کردکوی و توزیع ۲۴۷۰ تن بذر پنبه
گواهی شده بین کشاورزان پنبه کار در
محدوده گنبد کاوس از جمله فعالیت های
کشاورزی می باشد .

ماشین آلات کشاورزی آماده بکار در
منطقه گرگان و دشت عبارتند از :
تراکتور ۳۶۸۰ دستگاه، کمباین ۱۰۶۰
دستگاه، تیلر ۸۷ دستگاه .

طرحهای در دست اجرا

۱ - طرح افزایش تولید گندم و
تکثیر بذر - به منظور افزایش عملکرد گندم
در واحد سطح و تکثیر بذر گندم پنجابو
(نوع مکزیکی) طرح افزایش تولید گندم
و تکثیر بذر در مناطق گرگان و دشت در
سطح ۱۰۰۳۳ هکتار اجراء گردیده که
شامل توزیع ۸۹۴۹۵۰ کیلو گرم بذر
گندم « اکوا » و ۹۵۴۸۰ کیلو گرم
کود شیمیائی بوده که امید می رود بر اثر
اجرای طرح مورد بحث در هر هکتار تا یک
تن افزایش عملکرد بوجود آید .

۲ - طرح افزایش تولید و بهبود کیفیت
پنبه - به منظور افزایش تولید پنبه در واحد
سطح و بالا بردن کیفیت پنبه در مناطق
گرگان و دشت ، با راهنمایی مامورین فنی
کشتکاران پنبه به مصرف کود شیمیائی (در
هر هکتار به نسبت ۴۰ کیلو بذر پنبه ۵۰

نمودار سطح زیر کشت برنج و میزان محصول سالیانه

سال ۴۰	۳۰۰۰ هکتار	۷۵۰۰۰ تن
سال ۴۴	۳۲۵۰ هکتار	۱۲۵۰۰۰ تن
سال ۴۷	۴۲۵۰ هکتار	۱۴۱۲۵۰ تن



زنان ترکمن در گنبد

صفحه پنجاه و دوم

کیلو کوداوره و ۷۵ کیلو فسفات عمل شده)
از طریق بانک کشاورزی مساعدتهائی می
شود.

۳- به منظور کشت دانه های روغنی
از طریق شرکت سهامی توسعه کشت دانه های
روغنی در سطح ۱۸۵۰۰ هکتار عمل شده
است.



بانک کشاورزی ایران شعبه گرگان در
سال ۴۷ تعداد ۴۲۷۸ فقره وام کشاورزی
به مبلغ ۱۲۴۰۶۷۹۶۸ ریال پرداخت نموده
است.

بانک کشاورزی گنبد کاووس در همین
سال ۸۳۴۲۹۶۶۴ ریال وام به تعداد ۲۲۱۹
فقره کشاورز پرداخت نموده است که مبلغ
۴۲۶۹۶۵۸۸ ریال از کل وام ها برای
مصارف جاری از قبیل تهیه بذر - کود -
سموم دفع آفات نباتی و مخارج برداشت
محصول پرداخت گردیده و مبلغ
۱۴۸۶۲۰۰۰ ریال برای حفر چاه عمیق و
نیمه عمیق و کانال کشی و لایروبی قنوات
و خرید موتور پمپ و ۱۲۰۷۰۶۰۰ ریال
به منظور احداث ۱۴۰۱ متر مربع تاسیسات
مدرن دامداری و خرید ۳۰۰۰ رأس گوسفند
گوشتی و یکصد رأس گاو شیرده پرداخت
شده است.

آمار دامی گرگان و دشت
گوسفند ۹۱۸۸۰۰ رأس بزرگ ۱۴۱۱۶۰
رأس گاو ۱۴۸۶۳۸ رأس گاو میش ۶۳۸۰
رأس شتر ۸۵۷۰ فقره اسب ۲۴۹۹۱ رأس
الاغ ۲۶۵۸۳ رأس
که جمعا ۱۲۷۵۱۲۲ سر دام (طبق



آخرین آمار دامی در آبان ۴۸ (می باشد .
جمع گشتار سال ۴۷ بالغ بر ۱۳۲۹۵۴
راس دام بوده است .
آب و برق

ساختمان و بهره برداری از نیروگاه
جدید گرگان به ظرفیت ۹۰۰۰ کیلووات
از مرداد ۴۸ شروع و شبکه توزیع در شهر
ها و اتصال به خط انتقال نیروی سراسری
انجام گرفته است .

در تکمیل ساختمان و بهره برداری از
خط انتقال نیروی گرگان و گنبد که ادامه
خط انتقال شاهی نوشهر به وئناژ ۶۳۰۰۰
ولت است بهره برداری از پست های بزرگ
ترانسفورماتور ۲۳۰ هزار ولت بعمل آمده
و بهره برداری از خطوط ۲۰ هزار ولت
و ۶۳ هزار ولتی شروع گردیده است .

جمع کل برق انتقالی از تهران و تولیدی
به ۸۴ میلیون کیلووات ساعت می رسد که
نسبت به سال ۴۶ در حدود ۴۳ میلیون
کیلووات ساعت افزایش نشان می دهد حداکثر
مصرف در ساعت به بیش از ۲۵۰۰۰ کیلووات
رسیده است که نسبت به سال قبل ۷۰۰۰
کیلووات افزایش داشته است .

عملیات شناسایی سفره های آبی زیر
زمینی منطقه گرگان و دشت و بررسی چاه
های عمیق و نیمه عمیق که تعداد آن روز بروز
افزایش یافته و اکنون به ۵۳۶۰ حلقه می
رسد و نیز توجه به تهیه طرح و پروژه برای
ایجاد سد و چگونگی استفاده از زمین های
شور کناره اترک و کنترل بستر سازی وسیله
سازمان کل آبیاری بعمل آمده است .

سد و شمشگیر

سد و شمشگیر بر روی « گرگان رود »
در شمال شرقی گرگان در دست ساختمان
است . فاصله محل سد تا گرگان از طریق
پهلوی ۶۲ کیلو متر و از طریق گنبد
۱۳۰ کیلو متر می باشد این سد در ۷۰ کیلو

متری دریای مازندران و ۲۴ کیلو متری مرز
ایران و شوروی قرار گرفته است .
حداکثر ارتفاع از روی پی ۱۲۰ متر
و جمع طول در راس ۴۳۰ متر می باشد
سد از جنس لوس Loess کوبیده شده
باماسک ، پی از نوع سولتانش ساخته شده
است . طول در راس سد در خاور تخلیه
کننده ۳۰۰ متر و حداکثر ضخامت در قاعده
۳۱۵ متر است .

میزان آهن برای بتن مسلح ۱۴۰۰ تن
و گابیون مصرفی ۶۵۰۰ متر مکعب خواهد
بود .

بر آورد هزینه طبق ارقام پیش بینی شده
بالغ به ۴۳۰ میلیون ریال است . آب انداختن
کانال تخلیه در ۳۰ مهر ماه ۴۷ شروع گردیده
و تکمیل آن به فنی در تیر ماه ۴۹ به پایان
خواهد رسید .

هدف از اجرای طرح سد و شمشگیر .
توسعه کشاورزی در دشت حاصلخیز ، آبیاری
و آبرسانی بافتار تلمبه ، قابل کشت نمودن
تدریجی شوره زار ها ، افزایش محصولات
کشاورزی و توسعه کشاورزی در منطقه ای
بوسعت ۳۰۰۰۰ هکتار و جایگزین نمودن سد
بجای پلی که در صورت احداث در روی
رودخانه گرگان هزینه ای معادل ۲۵ میلیون
در بر داشت ، بوده است .

کار و امور اجتماعی

در این منطقه مبلغ ۱۲۱۷۲۰۰۰ ریال
سود ویژه ۴۸ کارگاه ها بین ۹۵۲۱ نفر
کارگر تقسیم شده و ۹۴۶۲۵ نفر کارگر
و خانواده بلا فصل آنان در ۲۵۱۶ کارگاه
بیمه شده و ۸۸۴۰۱۰۰۰ ریال هزینه درمانی
ایشان وسیله سازمان بیمه اجتماعی کارگران
پرداخت شده است . متقاضیان شغل توسط
اداره کار به کارگاهها معرفی شده ۲۵ شرکت
تعاونی با ۴۵۹۵ نفر عضو و سرمایه ۳۲۷۱۲۹۰
ریال تاسیس شد و چندین سندیکای کارگری
تشکیل گردید .

ریشه فنی مالاریا

گرگان در سابق از مناطق مالاریا خیز
کشور بوده است . پشه آنوفل در اینجا نیز
بیداد کرده و امان از مردم بریده بود در
سال ۴۰ تعداد کل آبادیها سمپاشی شده ۳۰۸
قریه بوده و ۵۰۱ آبادی تعداد کل روستاهای
مراقبت شده را تشکیل می داد که جمعیت
کل مراقبت شده ۲۰۱۳۷۷ نفر و یا ۴۱۱۰۳
خانوار بوده است .

خوشبختانه در طی چندین سال با کوشش
های پیگیر ، آبادیهای مراقبت شده به ۸۲۱
افزایش یافت در صورتیکه کل تعداد آبادی
های سمپاشی شده در سال ۴۰ فقط به ۴۳
روستا می رسید .

سپاه دانش

در طی ۱۲ دوره ۵۶۰ سپاهی ، ۲۲۲۸۸
نفر دختر و پسر و ۷۰۰۲ مرد وزن راباسواد
کرده اند . در سطح روستاها ۱۲۰ دبستان
۱۴ مسجد و ۴ غسالخانه جدید احداث نموده
و ۱۷۳ دبستان ۱۸۱ مسجد و ۱۰ غسالخانه
مخروبه را مرمت نمودند بین قراء و قضات
۶۳۸ کیلومتر جاده فرعی کشیدند و ۲۲۷
پل ساختند ۷۱ قنات لایروبی گردید و ۱۸۳۰
مزرعه نمونه احداث شد ۱۳ حمام ساخته شد
و ۹۶۳ حلقه چاه بهداشتی حفر گردید و به
۲۴۴۷ نفر تعلیمات پیش آهنگی آموخته اند
و ۳۶۹ صندوق پستی در قراء نصب گردیده
است هم اکنون ۴۶ سپاهی پسر دوره چهاردهم
و ۱۶ دختر سپاهی دوره اول و ۵ افسر سپاهی
در گرگان مشغول فعالیت و انجام وظیفه
هستند که کارهای پرثمر دیگری را بمنصه
ظهور در آورند .

در زمینه تعلیمات عشایری در شاه مزرعه
گرگان و علی آباد اقدام به ایجاد دانشسرای
مقدمانی پسران و هنرستان فنی شده که از
آبان ۴۸ تعداد ۹۰ نفر در آن مشغول تحصیلند
تا دوره ۲ ساله خود را طی نمایند .

آموزشگاه عالی جنگل و مرتع

سابقه تاسیس آموزشگاه به ۱۲ سال می-
رسد . این آموزشگاه در سال ۱۳۳۶ بر اساس
تأمین کادر فنی مورد نیاز جنگل ها و مراتع
کشور بوجود آمد و تا کنون طی ۶ دوره
۱۴۴ نفر لیسانس و ۴ دوره ۱۴۸ نفر کمک
مهندس فارغ التحصیل داشته است .

دانشجویان فارغ التحصیل پس از طی
دوره ۲ ساله موفق می شوند به فوق دیپلم عالی
برابر کمک مهندس نایل شوند و در زمینه
های بهره برداری - جنگلکاری - جنگلداری
نقشه برداری و راه و ساختمان جنگل ها حفاظت
خاک و تثبیت شن و مرتع داری در وزارت
منابع طبیعی بکار مشغول می شوند .

در مهر ماه ۴۷ بر اساس انقلاب آموزشی
کشور رقم ۳۰ دانشجوی آن به ۲۰۰ نفر
افزایش یافت و بر اثر این جهش باین ترتیب
کادر فنی مورد نیاز کشور در مدت زمان
کمتری تأمین خواهد شد .



دریای مازندران

هم اکنون ۳۴۰ نفر دانشجو در دو رشته جنگل و مرتع مشغول تحصیل هستند. کارخانه‌ها

گرگان و دشت به جهت استعداد کشاورزی منطقه و کشت نباتات زراعی و تاسیس کارخانه های پنبه پاک کنی - برنجکوبی - روغن کشی چوببری و غیره در راه صنعتی شدن همگام با اقتصاد کشاورزی پیش می رود.

کارخانه های پنبه بیش از هر واحد تولیدی در اقتصاد گرگان نقش اساسی دارند تعداد آنها هم اکنون به ۹۳ - کارخانه می رسد که شامل ۲۸۳ جین و ۲۲۷۸۸ اره می باشد که سالانه ۳۰۰۰۰ تن وش را به پنبه تجارتی تبدیل می کنند.

کارخانه های روغن گیری و صابوی پزی همزمان با تاسیس کارخانجات پنبه دایر گردید که از دانه های تخم پنبه در آنها استفاده می شود و بترتیب درجه اهمیت ، روغن ، صابون ، و کنجاله تهیه می نمایند.

کارخانه نئوپان بعلت اهمیت وجودی جنگل های شمال برای تهیه تخته فشرده با سرمایه ۹۰ میلیون ریال در سال ۴۷ شروع به بهره برداری نمود. کارخانه تمام اتوماتیک نئوپان گرگان تنها کارخانه ایست که در ایران از ساقه های پنبه ، تخته فشرده تهیه می کند که خود از نظر اقتصاد صنعتی و کشاورزی رل مهمی دارد بطور متوسط روزانه ۴۰۰ تخته فشرده بابعاد ۱۰۲۲×۲۵۰ بضخامت ۴۰-۳ میلیمتر تولید می کند. تعداد کارخانه های چوببری به ۱۵ کارخانه می رسد.

عمران و آبادانی

آبادانی شهری - لوله کشی آب آشامیدنی کردکوی به اعتبار ۷۰۶۷۴۵۵ ریال لوله کشی رامیان به هزینه ۳۳۱۸۵۵۲ ریال . ایجاد ایستگاه کشاورزی «شاه مزرعه» با هزینه ۲۰۰۰۰۰ ریال و ساختمان آزمایشگاه کشاورزی عراقی محله باعتبار ۵۰۰۰۰۰ ریال لوله کشی آب آشامیدنی بندرگز با هزینه ۲۷۰۰۰۰۰ ریال از جمله اقدامات انجام شده در زمینه آبادانی شهری در گرگان و دشت می باشد همچنین سیل بند «رامیان» و ساختمان سد «خورخور» که برای تامین آب آشامیدنی گنبد قابوس احداث شده و ایجاد موتورخانه و چاه آن که هزینه های آن به ۴۳۱۸۰۰۰۰ ریال می رسد از فعالیت های اجرا شده منطقه می باشد .

برنامه های در دست اجرا عبارتند از ایستگاه کشاورزی «هاشم آباد» باعتبار اجرائی ۴۹۰۰۰۰ ریال - لوله کشی آب وفاضل آب ، خانه های شیلات آشوراده به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال و سیل بند کردکوی به هزینه ۱۰۳۰۰۰۰۰۰ ریال.

ضمنا اسفالت شاه پسند با هزینه ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال و لوله کشی سرخس بندرشاه ، خواجه نفس گمیشان باعتبار ۱۰۳۰۰۰۰۰۰ ریال در دست مطالعه می باشد.

مسکن

ساختمان کارگری ایستگاه کشاورزی

صفحه پنجم

بهداشت

عراقی باعتبار ۱۶۰۰۰۰۰ ریال ، ساختمان مسکونی کارمندان دفع آفات نباتی به هزینه ۵۵۰۰۰۰۰ ریال و خوابگاه دانشجویان آموزشگاه عالی جنگل و مرتع که هزینه اجرائی آن به ۱۲۰۰۰۰۰۰ ریال می رسد از جمله برنامه های اجراء شده گرگان و دشت بوده است. در این مورد ساختمان سازمانی انستیتو بررسی آفات نباتی باعتبار ۲۳۸۶۵۹۲۸ ریال در دست اجراء است . و بزودی ساختمان ۴ خوابگاه مجهز - سالن غذاخوری - سلف سرویس مدرن و خوابگاه استادان و آمفی تاتر در آموزشگاه عالی جنگل و مرتع بمرحله اجرا در می آید .

آبادانی روستائی در منطقه گرگان و دشت - ساختمان ۵۰ دستگاه حمام دوش در روستا های مختلف انجام یافته است . تامین آب آشامیدنی و لوله کشی روستا های در ۵ ده عمل شده و ۱۰ ده در دست عمل است .

راهها

در زمینه راه های مواصلاتی و راه آهن گرگان و دشت ، به پیشرفت های زیر نائل آمده .

۱- راه اسفالت از تهران به شاه پسند که ۱۲۹ کیلومتر آن در حوزه استحفاظی گرگان و دشت واقع شده ۲ - ساختمان راه آهن گرگان و ارتباط و ادامه راه آهن بندرشاه به گرگان بطول ۴۵ کیلومتر ۳ - راه سازی کالاه به مراره تپه بطول ۳۰ کیلومتر ۴ - راه ناهار خوران پارک جنگلی گرگان بطول ۱۰ کیلومتر ۵ - ساختمان راه دهکده جذامیان بطول ۴۰ کیلومتر ۶ - شن ریزی و نگهداری ۹۰۰ کیلومتر راه های گرگان بنجورد. گنبد ۷ - ساختمان و اتمام پل فلزی ۴۶ متری کوسه در کالاه ۸ - دیوار سازی راه خوش ییلاق در حدود ۲۵۰ متر با یک دهانه پل ۶ متری ۹ - ساختمان راه های فرعی پارک وحش بطول ۷۰ کیلومتر .

بهمت سپاهیان انقلاب و کمک مردم روستاها کلیه دهات گرگان و گنبد بجز بعضی از مناطق کوهستانی دارای جاده ماشین رومی باشند .

انجمن بهداری گرگان از بهمن ۴۳ تاکنون ساختمان درمانگاه های بندرشاه - علی آباد و بیمارستان بندرگز درمانگاه کردکوی و اداره بهداری گرگان را باتمام رسانیده است و نیز شیر و خورشید سرخ بیمارستان ۴۰ تختخوابی دزیانی و بنای ساختمان جمعیت و بیمارستان و اندرزگاه در بندرگز و بنای آموزشگاه بهیاری باتمام رسانده و مقدمات بنای خانه جوانان و بانک خون گرگان را بعمل آورده است .

واحدهای پیشگیری بابرنامه های اپیدمیولوژی و مصون سازی و مبارزه با بیماری های آمیزشی با کادر فنی در راه توسعه بهداشت عمومی گام هایی بر می دارد .

منابع طبیعی

سرسبزی جنگلهای پرونوق شمال گرگان تا «گلیداغی» پیش می رود و در اینجا ارتفاعات پوشیده از درخت است و انواع «راش» «ممرز» «افرا» «آزاد» «انجیلی» در آن بفرآوری بچشم می خورد .

نواحی که در آن طرح های جنگلداری به مرحله اجراء در آمده عبارتند از : باغو ، کردکوی قرن آباد ، جعفر آباد ، اقراتخته ، دلند ، مبارک آباد نوده ، بن قلعه که طرح ۳۰ ساله بطریق دانه و «شاخه زار» و جنگلهای وطن استان آباد و کرنک کفتر و کندس کوه طرح ۱۰۰ ساله دانه زار و در زمستان یورت و بالا جاده بطریق تک گزینی طرح ۲ ساله . کل مساحت زیر طرح ۳۳۰۰۰ هکتار می باشد که سالیانه ۱۷۴۰۰۰ متر مکعب چوب صنعتی از آن برداشت می شود .

همگام با بهره برداری از جنگلهای نسبت به جنگلکاری توجه خاص شده و در این مورد نهالستان های رامیان علی آباد کنول و پاسنه سالانه بالغ بر یک میلیون اصله نهال تولید می کند که در سطحی برابر ۸۰۰ هکتار جنگل کاری می شود .

هم اکنون ایجاد نهالستان ۱۰۰ هکتاری قرق در دست اجراء است که در سال ۴۸ در مرحله اول اجرائی ۲۵ هکتار آن زیر کشت می رود .



روستای فارسیان شاه پسند

در راه گرگان





www.KetabFarsi.com









مجلس پذیرائی شاه عباس کبیر در قرح آباد مازندران

مازندران قدیم

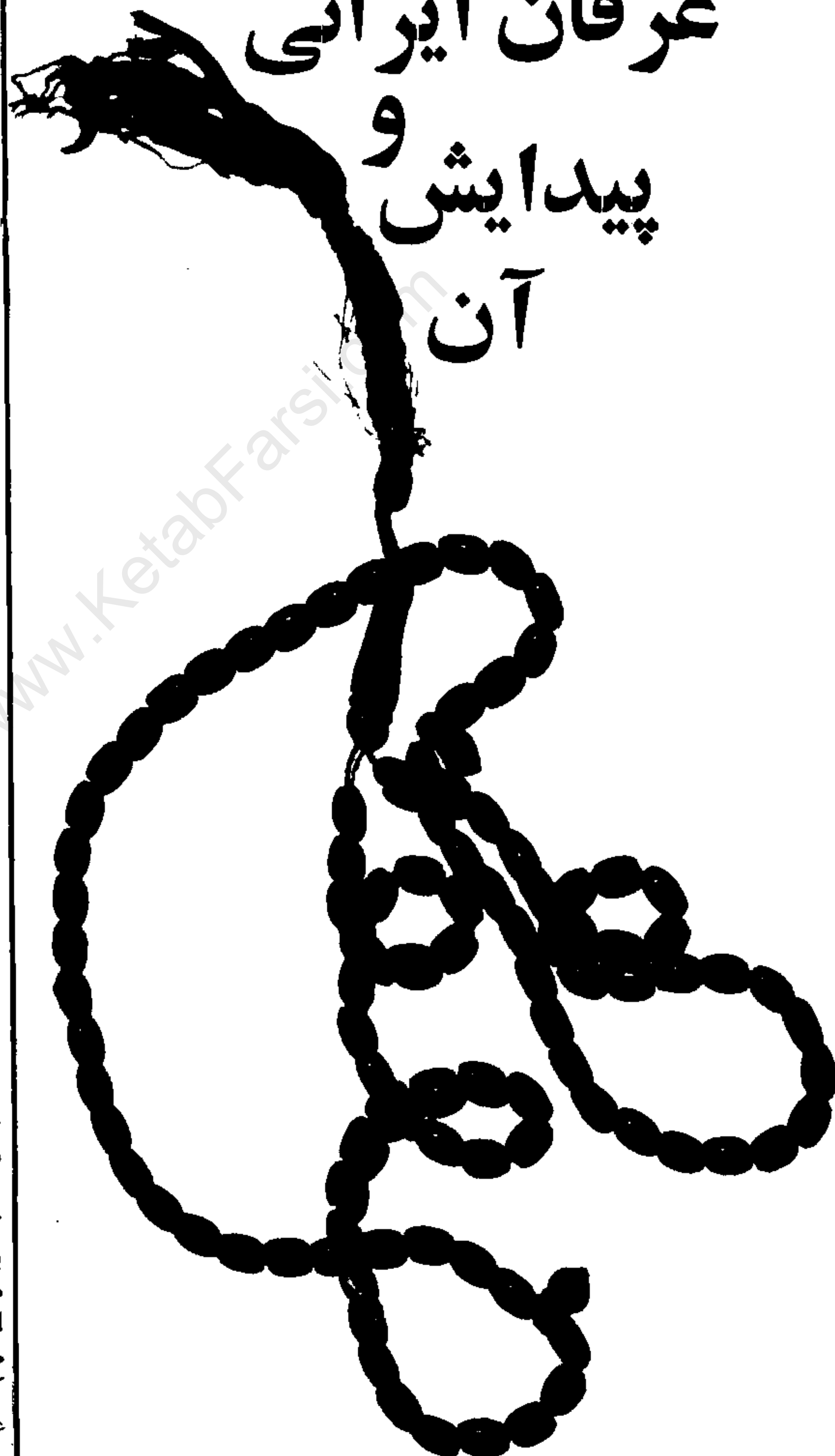


یاک ده مازندران

An Hircanyan



عرفان ایرانی پیدایش و آن



نوشته حبیب‌الله شریفی
* ریشه تصوف را در تمدن قبل از اسلام
باید جستجو کرد یا در هند؟
* خلافت عرب از کثرت پیروان حلاج
به وحشت افتاد و حکم به اعدام او داد.
* فلوطین آهنگ ایران کرد تا راز
تصوف را فرا گیرد.
* فیلسوفان مکتب نو افلاطونی به علت
تعصب و سخت‌گیری ژوستینیان مهاجرت کرده
بایران پناه آوردند.

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
تصوف یا عرفان طریقه ادغام یافته‌یی
است از فلسفه و مذهب که به عقیده عرفا تنها
راه وصول به حق یا گرایش بدین طریق و
پیروی از این اصول میسر است.
در باره کلمه تصوف نظریات متفاوتی
وجود دارد. عده‌یی تصوف را منتسب به اهل
صفه، جمعی آن را مشتق از «صفا» و برخی
آن را به «بنی صوفی» نسبت داده‌اند عده‌یی
از مستشرقان به علت شباهت کلمه صوفی
و لغت سوفیا و مشابهت تئوسافیا و
تصوف آن را متخذ از لغات یونانی دانسته و
بالاخره عده کثیری از محققین برآنند که
صوفی به لحاظ پشمینه‌پوشی و استفاده از ردای
پشمی موصوف به صوفی شده و این قول به
حقیقت وصحت نزدیک‌تر است. دلیل قبول این
عقیده این است که زهاد و عرفای قرون اول
اسلامی لباس پشمی خشنی می‌پوشیدند و همه
عرفا را بدان جهت که لباس پشمینه در برمی
داشتند صوفی می‌گفته‌اند.

در مورد پیدایش تصوف یا عرفان و
عواملی که در ظهور و نشر این طریقه موثر
بوده است عقاید مختلفی اظهار و ارائه گردیده
که به شرح و توضیح آن می‌پردازیم. عده‌یی
از محققین تصوف را عکس‌العمل طبیعی و
غریزی ناشی از شکست ایرانیان در برابر
اعراب دانسته و استدلال نموده‌اند که گرایش
به سوی یک نوع تسکین و تشفی روحی و
فرار از عقده شکست و حقارت که پس از یک
دوران پرشکوه قدرت و عظمت دامنگیر
ایرانیان شد یکی از عوامل مهم پیدایش
تصوف بوده است و رواج چنین شیوه‌یی را
به عنوان مقاومتی منفی در برابر اعراب تلقی
می‌نمایند و به خصوص در تاویل و تفسیر
این رویداد توجه می‌دهند که در بروز چنین
طرز فکری که جنبه مقاومت دارد قبل از آن
که عامل ارادی در آن دخالت داشته باشد
عکس‌العمل طبیعی و روحی و غیرقابل اجتناب

بوده است.

عده‌یی تصوف را ناشی از فلسفه افلاطونی یونان دانسته، می‌گویند باتوجه به این که نخستین بار مکتب افلاطونی تصوف را در قالب فلسفه ریخته فلسفه اشراق نیز مرتبط و متأثر از فلسفه عرفانی یونان است.

بعضی از محققین به واسطه شباهت تامی که در غالب مسایل بین تصوف اسلامی و بعضی از فرق هندی وجود دارد تصوف را زائیده افکار هندی دانسته‌اند و گروهی تصوف را مولود افکار بودا می‌دانند. پاره‌یی از مصنفین علی‌الاصول تصوف را متخذ از مسیحیت و رهبانیت می‌شمارند و به‌خصوص افکار بعضی از مؤلفین اسلامی که عرفان و تصوف را شکلی از اشکال رهبانیت دانسته‌اند در کتب و رسالات منتشره در این مورد به حد وفور مندرج است.

نظر آنان که تصوف را عامل خود به خود و پدیده منحصر اسلامی و مستقل از هر گونه تأثیر یونانی، مسیحی، رهبانی و هندی دانسته‌اند مربوط به احادیث و بعضی آیات قرآن است و در رد نظریات فوق گفته‌اند که شباهت صوری و ظاهری بین مفاهیم عرفانی طریقه‌های مذکور (یعنی تصوف یونانی، مسیحی، رهبانی و هندی) دلیل قطعی نیست براین که تصوف اسلامی متخذ از فلاسفه عرفانی غیر اسلامی باشد.

در زمینه تصوف ایرانی یعنی تصوفی که بدون تأثیر و مجرد از نفوذ عرفان و تصوف اسلامی، یونانی و مسیحیت بوده و به‌منظور نشان دادن درخشندگی تفکرات فلاسفه و عرفای ایرانی، تحقیق و تتبعی بس ارزنده و شایان توجه توسط محققین و فلاسفه ایرانی و خارجی به عمل آمده است که اکنون قسمتی از آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم: بعضی از محققین نماینده اصیل و بزرگ تصوف ایرانی قبل از اسلام را مانی دانسته‌اند. آن‌ها دین یا آیین مانوی را شاهد آورده و استدلال نموده‌اند که این آیین براساس مکاشفه و اشراق و معرفت اشراقی و عقاید خاص تکوین یافته است.

در باب تصوف ایرانی معتقدین این نوع عرفان و تصوف آن را از عرفان اسلامی به کلی متمایز شمرده و مطالعه تطبیقی آن را جز از لحاظ تحقیق مجاز نشموده‌اند.

آن‌ها قدمت و اصالت تصوف ایرانی بعد از اسلام را در تاریخ تحولات فکری و فلسفی ایران در عهد باستان جستجو کرده و اضافه کرده‌اند که تصوف ایران با سابقه سه هزار

ساله خود پیش کسوتی و تقدم واقعی نسبت به کلیه انواع عرفان و تصوف در جهان اسلام و غیر اسلام دارد. صفات ممتاز و ضمنا فاخر و متشخص تصوف ایرانی که موجب برتری معنوی و حقیقی آن بر مکتب های هندی، اسلامی و یونانی است در تعمق علمی آن است چنان که حسین بن منصور حلاج نماینده برجسته تصوف ایرانی بعد از اسلام صاحب پنجاه تصنیف علمی بوده و شیخ ابوسعید را ملك الملوك صوفیان ایرانی دانسته‌اند.

کتاب حکمت اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی و اصطلاحات عرفانی کتاب «اوستا» استناد دیگری است که روح حاکم و درخشان تصوف ایرانی و قدمت و سابقه بلاشک آن را به اثبات میرساند.

اگر در تاریخ تصوف ایران مطالعه شود اثر قطعی تصوف ایران، در مکتب‌های صوفیه معروف جهان از جمله افلاطونیان قدیم، افلاطونیان جدید، تصوف هندی و تصوف اسلامی به‌خوبی مشهود است. شاهد این مدعا شرح حال فلوطین پیشوای افلاطونیان جدید است. در شرحی که از احوال این عارف یونانی نوشته‌اند چنین آمده که باندازه‌یی ذوق فلسفی او زیاد بوده که دامن همت برکمر زده، با خود گفت به ایران و هندوستان روم هرچه در آن جا بیاموزند فراگیرم. همینکه امپراطور «گوردین» آماده لشکر کشی به ایران گردید فلوطین که در آن تاریخ سی و نه سال بیش از سنین عمر او نمی‌گذشت دنبال سپاه امپراطور را گرفت و آهنگ ایران کرد. ده تا یازده سال تمام نزد آمونیوس بماند. گوردین در بین‌النهرین ایران کشته شد و فلوطین به زحمت در انطاکیه جان به‌در برد فروریوس مصنف شرح حال فلوطین تصریح می‌کند که فلوطین مخصوصا بدان قصد، به ایران رفت که روش‌های فلسفی را که در آن جا تعلیم می‌دادند مورد مطالعه قرار دهد.

باتمام این براهین و دلایلی که طرفداران تصوف قدیم و پیش‌کسوت ایرانی آورده‌اند نمی‌توان نسبت به تأثیرات تصوف غیر ایرانی در تصوف ایران که از افلاطونیان جدید ناشی بوده است بی‌اعتنا بود.

مورخ معروف، کیبون، مصنف تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری روم می‌گوید «فلسوفان مکتب نو افلاطونی بسبب تعصب و عدم تحمل ژوستینیان از زاد و بوم خود مهاجرت اختیار کرده، در دوره سلطنت انوشیروان به ایران پناه آوردند.» این جمله

نشانه‌یی است از حضور عرفا و متصوفین یونانی در ایران که لامحاله تصوف ایران از اثر افکار و سنخ فکر فیلسوفان و عرفای مکتب افلاطونی متأثر گردیده و اثراتی از مشرب و طریقه آنان در تصوف عرفان ایرانی به‌جا مانده است. در باب اثر متقابل تصوف هندی در عرفان ایرانی نیز نمی‌توان منکر بود که بهر صورت تأثیرات غیر قابل اجتنابی به لحاظ نزدیکی ادبی و روابط معنوی بین ایران و هند، بین دو طریقه تصوف وجود داشته است.

بهترین نمونه این تأثیر داستان معروفی است از ابراهیم ادب که تقریبا شرح حال حسین بن منصور بوده است.

درخشنده ترین چهره‌های عرفان ایران که افکار او غوغای عجیبی برپا کرد حسین بن منصور حلاج بود که خلافت عرب از کثرت پیروان او به وحشت افتاد و حکم اعدام منادی «انا الحق» را صادر و اجرا کرد:

منصور دار عشقم و دانم که عاقبت
بر پای دار می‌رود این پایداریم
پس از منصور بایزید بسطامی و شبلی و مولانا جلال‌الدین بلخی رومی افکار عارفانه و درخشانی را ارائه دادند که تا بامروز محفل صاحب‌دلان و عاشقان حق و طریقت را بشور و حال روشن می‌گرداند. تجلی افکار مولانا و ندای او در سلوک عشق و محبت و وصول به حق، عالم معنی را مشحون از شور و جذب نموده که هنوز این نوا به گوش می‌رسد که گفت:

شاد باش ای عشق خوش سودای‌ما
ای طیب جمله علت‌های ما
ای دوازده نخوت و ناموس ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما
جسم خاک از عشق بر افلاک شد
کوه در رقص آمد و چالاک شد

آن چه در مورد تصوف ایرانی می‌توان گفت این است که تصوف ایرانی را مظهر صفای قلب، کمال عقل و پهنای دانش و بینش خاص ایرانی دانسته و مبین خصوصیات ملی و عظمت ایران زمین شناخته‌اند. ابومسلم بابک خرم‌دین و مازیار اگر مظهر احیای ایران به قدرت شمشیر بوده‌اند حلاج و سنائی و عطار و مولانا جلال‌الدین بلخی و شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز به نیروی عرفان، تفوق معنوی، روح بلند و اصالت فلسفه ایرانی را به اثبات رساندند.

از دکتر پرویز اعتماد مقدم

قطب‌های کشت و صنعت

قسمت اول

از دیاد سریع جمعیت جهان که در سی سال آتیه بیش از یک میلیون سال گذشته خواهد بود، بمسئله کم بود مواد غذایی در سراسر جهان پایان داده و بارفع نگرانی‌های بشر از این لحاظ کمک موثری بدخل بسیاری از مسائل جهانی نموده و راه را برای پیشرفت بیش از پیش اقتصادی و صنعتی او هموار نماید.

نتیجه بوجود آمدن تمدن و فرهنگ فراهم نمودند. امروز ده هزار سال پس از این کشف بزرگ امور تولید مواد غذایی در آستانه یک تحول عظیم و انقلابی دیگری است که به انسان قرن بیستم اجازه خواهد داد که برای نخستین بار در تاریخ با صنعتی کردن و استفاده از آخرین پیشرفتهای تکنولوژی در امور تهیه تولیدات کشاورزی و علی‌رغم

یکی از مهمترین و برجسته ترین وقایع تاریخ بدون شك کشف اصول کشاورزی توسط سومری‌های قدیم است که با تاسیس واحدهای کشاورزی تحولی بزرگ در امور تولید و تهیه مواد غذایی ایجاد کرده و از این راه وسایل لازم را برای تکثیر سریع بشر و تمرکز او در نقاط حاصلخیز و در

روشها و ابزار اصلی جدید مورد استفاده در صنایع جدید تولید کننده مواد غذایی که در حال حاضر باعث بوجود آمدن این تحول بزرگ و انقلابی شده است بشرح زیر میباشد :

۱ - مکانیزه شدن کامل مراحل مختلف تولید محصولات کشاورزی از قبیل : آماده کردن زمین برای کشت - کشت دانه و تخم - پخش کود های شیمیائی - امور توسعه شبکه های آبیاری و هواشناسی - مبارزه با آفات نباتی - درو و برداشت محصول - خشک کردن و انبار نمودن و حمل تولیدات کشاورزی به بازار و توزیع آنها و بالاخره مبارزه با شرایط جوی نامناسب از راه ایجاد گلخانه های عظیم با سقف پلاستیکی و یا مشعل های عظیم گاز طبیعی و غیره که در ازدیاد بهره وری نیروی انسانی در مزارع و واحد های کشاورزی نقش اساسی را بعهده دارد .

۲ - استفاده از مواد شیمیائی از قبیل کود های شیمیائی - سم های شیمیائی برای مبارزه با حشرات مضر و علفهای هرز - ورقه های پلاستیکی برای پوشش انبار ها و گلخانه های وسیع و یا کف نهر های آب و غیره که نقش مهم و اساسی را در بالا بردن میزان محصول و ازدیاد مرغوبیت آن بازی میکند .

۳ - استفاده از بذر مرغوب تر و یا بذر مناسب برای زمین و آب و هوای منطقه مورد نظر که باعث ازدیاد بازده زمین های زراعتی میشود .

۴ - استفاده از منابع جدید مواد اولیه فراوان و ارزان قیمت از قبیل تخم پنبه - لوبیای روغنی - استخوان ماهی و یا هیدروکربور های نفتی برای تهیه عصاره های پروتئین (۱) مشابه با پروتئین های حیوانی و با ارزش غذایی زیاد که نقش موثری را در ازدیاد ارزش غذایی تولیدات کشاورزی دارا بوده و منابع نامحدودی را برای جبران کمبود پروتئین حیوانی و تامین احتیاجات اضافی بشر از این لحاظ در دسترس او قرار داده است .

در واقع فرآورده های اصلی کشاورزی از قبیل غلات - ذرت - سیب زمینی و غیره که ماده اصلی آنها کربوهیدرات ها (۲) میباشد اگرچه دارای مواد پروتئین بمقدار کم و بیش قابل توجهی هستند ، معذالک پروتئین های موجود در آنها از لحاظ بعضی از انواع اسید های آمینه (۳) یعنی آمینو اسید هایی مانند لایزین (۴) که بدن انسان قادر به تهیه و سنتز آنها نمی باشد بسیار فقیر هستند و از این لحاظ نمیتوانند به تنهایی برای انسان غذای کاملی باشند . آمینو اسید های ضروری بمقدار کافی و به نسبت های مورد نیاز فقط در پروتئین های موجود در مواد غذایی حیوانی از قبیل گوشت - شیر - تخم مرغ و ماهی وجود دارند و از این جهت غذای روزانه انسان باید حتما مخلوطی به نسبت های مناسب از فرآورده های کشاورزی و مواد غذایی حیوانی باشد .

متاسفانه توسعه سریع و نامحدود میزان تولید مواد غذایی حیوانی باسانی ازدیاد تولیدات کشاورزی نبوده و اکثرا با اشکالات اقتصادی و فنی زیادی مواجه میشود و این امر باعث گردیده که میزان تولید جهانی پروتئین حیوانی متناسب با احتیاجات بشر نبوده و بمراتب کمتر از حداقل مورد نیاز باشد . در واقع در حالیکه طبق آمار سازمان ملل متحد F.A.O امروزه متجاوز از دو میلیارد از سه میلیارد و نیم جمعیت جهان کم و بیش از عدم دسترسی کافی بمواد پروتئین حیوانی رنج میبرند ، تامین احتیاجات اضافی این جمعیت کثیر مستلزم تهیه سالیانه سه میلیون و نیم تن پروتئین حیوانی و یا بعبارت دیگر ۱۷۵ میلیون تن گوشت اضافی است .

برای جبران کسر تولید روزافزون مواد پروتئین حیوانی بهترین راه استفاده از عصاره های پروتئین مشابه با پروتئین حیوانی است که امروزه بطور تجارتی از مواد اولیه غیر معمولی فراوان و ارزان قیمتی نظیر تخم پنبه - لوبیای روغنی - استخوان ماهی و یا هیدروکربور های نفتی تهیه میگردد . با افزودن این فرآورده های جدید به محصولات کشاورزی میتوان ارزش غذایی آنها را بمقدار قابل توجهی بالا برده و کمبود آنها را از لحاظ اسیدهای آمینه ضروری (۵) جبران نمود . صنایع سازنده این مواد افزودنی بخصوص در کشورهاییکه محصولات کشاورزی غذای اصلی مردم آنها را تشکیل میدهد سرعت در حال توسعه میباشد . بطور مثال امروزه در هندوستان - شیلی - اکوآتر مواد افزودنی پروتئین دار بدون طعم از پسته شامی - لوبیای روغنی و تخم گل آفتاب گردان تهیه و بمقدار زیاد به محصولات کشاورزی برای بالا بردن ارزش غذایی آنها اضافه میشود . در این کشورها بعلاوه بررسی های بمنظور تهیه نوشابه های غیر الکلی حاوی این مواد افزودنی و با طعم و عطری مطابق با ذوق و سلیقه محلی در جریان میباشد .

۵ - استفاده از روشهای نوین مدیریت و برنامه ریزی در اداره امور واحد های کشاورزی و شرکتهای تعاونی روستائی و هم چنین در تنظیم امور توزیع بذر - آب - کود شیمیائی - نیروی انسانی و تولیدات کشاورزی و بالاخره امور آموزش صنعتی .

۶ - تشکیل واحدهای مشترک «کشاورزی صنعتی» و یا بعبارت دیگر قطب های کشت و صنعت که در آنها فعالیتهای کشاورزی توأم با فعالیت های صنعتی و بمقیاس خیلی وسیع صورت میگیرد . تشکیل شرکتهای بزرگ کشت و صنعت که از مشخصات بارز کشاورزی جدید میباشد نقش موثری را در بالا بردن میزان تولید صنعتی و کشاورزی بازی میکند . در واقع در قطب های کشت و صنعت فعالیتهای صنعتی مکمل فعالیت های کشاورزی گردیده و از این راه نه تنها باعث تقلیل قابل ملاحظه بهای تمام شده محصولات میشود ، بلکه اجازه میدهد که در امور کشاورزی و کار های

وابسته بآن که بمقیاس وسیع صورت میگیرد با اختصاص مقدار قابل توجهی سرمایه بامور مدرنیزه کردن روشهای کشت و تولید محصول از آخرین پیشرفتهای علمی و تکنولوژی بطرز مؤثر و بمقدار روزافزون استفاده شود . یکی دیگر از امتیازات بزرگ قطب های کشت و صنعت آنست که کشاورزان میتوانند در مدتهای کم و بیش طولانی از سال که معمولا فعالیت های کشاورزی بعلت شرایط نامساعد جوی متوقف میشود در کارخانجات صنعتی وابسته به واحد کشاورزی و یا کارخانجات سازنده مواد غذایی با ارزش غذایی زیاد (مانند عصاره های پروتئین) و همچنین کمپوت سازی - کنسرو سازی و صنایع دام داری و کشت ماهی و غیره کار کرده و از این راه نه تنها کمک مؤثری به ازدیاد تولید کالاهای مصرفی اساسی و بالا بردن میزان ارزش غذایی تولیدات کشاورزی به نمایند بلکه میزان درآمد سالیانه خود را نیز بمقدار قابل توجهی افزایش داده و بزندگی خود بهبود بخشند .

نقش پیشرفت های تکنولوژی کشاورزی در ازدیاد محصول و بهره وری نیروی انسانی یکی از مشخصات بارز عصر ما انقلاب علمی بزرگی است که در آغاز قرن بیستم باآرامی شروع و در حال حاضر سرعت پیشرفت میکند . این انقلاب علمی که بدنبال انقلاب صنعتی قرن نوزدهم پدید آمده است اگرچه در حال حاضر هنوز در مراحل اولیه بوده و پیشرفت های علمی که تاکنون از آن نتیجه گردیده است بااحتمال قوی تنها جزء ناچیزی از پیشرفتهائی خواهد بود که در آتی حاصل خواهد شد . معذالک اثرات آن بطور کاملاً محسوسی در تمام شئون زندگی بشر هویدا گردیده است . نتایج این پیشرفت های صنعتی و علمی در امور مربوط بتولیدات کشاورزی و تهیه مواد غذایی بطور کاملاً محسوسی ظاهر شده است در واقع در حالیکه بدنبال انقلاب صنعتی قرن نوزدهم استفاده از ماشین های صنعتی در امور کشاورزی متداول گردید و یا بعبارت دیگر باعث مکانیزه شدن کشاورزی و در نتیجه ازدیاد خارق العاده بهره وری نیروی انسانی در مزارع کشاورزی شد . انقلاب علمی قرن بیستم ، مواد شیمیائی از قبیل کودهای شیمیائی - سم های حشره کش - پلیموهای آلی (۶) و غیره را برای این صنعت بارمغان آورد و باعث استفاده بیش از پیش از مواد شیمیائی در امور کشاورزی و یا بعبارت دیگر «شیمیائی شدن کشاورزی» (۷) گردید و از این راه وسایل لازم را برای ازدیاد سریع میزان تولیدات کشاورزی و سایر محصولات غذایی حیوانی و هم چنین بالا بردن ارزش غذایی این محصولات فراهم کرد .

برای روشن شدن نقش مؤثر پیشرفتهای تکنولوژی کشاورزی در ازدیاد میزان محصول و بهره وری نیروی انسانی میتوان آمار رسمی زیر را متذکر گردید : در حالیکه

امروز هفت میلیون کشاورز امریکائی چندین برابر سی و یک میلیون کشاورز امریکائی در یکصد سال پیش مواد غذایی تولید میکنند، در سال دوهزار میلادی تنها ۲ میلیون نفر از سیصد میلیون نفر جمعیت آنروز امریکا بامور کشاورزی اشتغال خواهند داشت. در واقع بطوریکه پیش‌بینی میشود تا پایان قرن بیستم قدرت تولیدی واحدهای کشاورزی در امریکا به چهار برابر میزان فعلی خواهد رسید و در این سال یک کشاورز متوسط امریکائی قادر خواهد بود که غذای کافی برای صد و شصت نفر تولید کند. در زمینه ازدیاد تولید محصول کشاورزی یک بررسی انجام شده در دانشگاه میشیگان پیش‌بینی میکند که درسی سال آتی تحولاتی بشرح زیر در امور کشاورزی ایجاد خواهد شد:

۱- در حالیکه میزان برداشت محصول جو از هر هکتار زمین به ده برابر میزان فعلی افزایش خواهد یافت میزان محصول ذرت هر هکتار زمین به شش برابر میزان فعلی خواهد رسید. از طرف دیگر با تزریق هورمونهای مخصوص، گاوهای ماده قادر خواهند بود در دوران حیات خود متجاوز از یک هزار گوساله بدنیا آورند. در حالیکه امروزه تعداد گوساله‌هایی که یک گاو در دوران حیات خود بدنیا می‌آورد از ده رأس تجاوز نمیکند. بعلاوه میزان تولید شیر هر گاو نیز به چهار برابر میزان فعلی آن خواهد رسید و شیرهای مصنوعی که از میوه و یا هویج ساخته خواهند شد جبران کم بود شیرهای طبیعی را خواهد کرد.

۲- کشاورزی بصورت کاملاً مکانیزه و اتوماتیک در خواهد آمد و در تنظیم امور آن از ماشینهای حساب الکترونیکی و مغزهای الکترونیکی استفاده خواهد شد و ماشینهای کشاورزی توسط مغزهای الکترونیکی دستورات خود را از مرکز هدایت الکترونیکی دریافت خواهند کرد. ماشینهای اتوماتیک برداشت محصول نه تنها تولیدات کشاورزی را درو کرده و یا خواهند چید بلکه آنها را جمع‌آوری - درجه بندی و بسته بندی کرده و در صورت لزوم بصورت یخ زده در آورده و بانبارهای مخصوص منتقل خواهند کرد.

۳- اقمار مصنوعی اطلاعات صحیح و کافی درباره وضع هوا - شرایط زمین - حمله حشرات مضر و غیره سریعاً بزمین مخابره کرده و در اختیار کشاورزان قرار خواهد داد تا با پیش‌بینی‌های لازم از خسارات احتمالی جلوگیری نمایند.

۴- از نظر نیروی انسانی نیز مهندسین کشاورزی کم‌کم جای نشین کارگران کشاورز در اکثر موارد خواهند شد و با نهادانشمندان و تکنیسین‌های متعددی از کارشناسان الکترونیک گرفته تا متخصصین هواشناسی و تهویه کمک خواهند کرد.

در اینجا لازم بتذکر است که در حال حاضر در اغلب کشورهای جهان تحقیقات

وسعی بمنظور بهبود جنبه‌های مختلف امور تولید فرآورده‌های کشاورزی در جریان میباشد و تنها در کشورهای متحده امریکای شمالی امروزه متجاوز از سی هزار پروژه تحقیقات کشاورزی در دست اجرا است که هزینه سالیانه آنها بالغ بر هشتصد و پنجاه میلیون دلار میشود. این فعالیت‌های تحقیقاتی باعث شده است که تکنولوژی کشاورزی بسرعت غیرقابل تصویری پیشرفت نماید، و بطوریکه پیش‌بینی میگردد در ۱۰ سال آتی مجموع اطلاعات بشر در این باره بدو برابر مقدار فعلی افزایش خواهد یافت.

استفاده از ماشین‌های صنعتی در امور کشاورزی

مکانیزاسیون و یا بعبارت دیگر استفاده از ماشین‌درامور تولیدات محصولات کشاورزی یکی از عوامل اصلی و بسیار مؤثر ازدیاد بهره‌وری نیروی انسانی در مزارع و واحدهای کشاورزی است. برای روشن شدن نقش مکانیزاسیون در ازدیاد بهره‌وری نیروی انسانی میتوان تحول صنایع کشاورزی را طی دو قرن اخیر در امریکا مثال زد: در حالیکه در سال ۱۷۹۰ میلادی نود درصد مردم امریکا اشتغال بامور کشاورزی داشتند نیم قرن بعد این رقم به هفتاد درصد کاهش یافت و در سال ۱۸۹۰ کشاورزان فقط چهل و سه درصد از جمعیت امریکا را تشکیل میدادند. از این تاریخ به بعد ماشین با سرعت بیشتری جای نشین نیروی انسانی در امور کشاورزی گردید و تعداد نسبی کشاورزان در امریکا به ترتیب به سی درصد در سال ۱۹۱۵ و هیجده درصد در سال ۱۹۴۰ تقلیل یافت. در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم تعداد نسبی کشاورزان در امریکا با سرعت بیشتری روبه کاهش گذاشت بطوریکه امروز تنها پنج درصد از مردم امریکا بامر تولید فرآورده‌های کشاورزی اشتغال دارند.

علت این ازدیاد خارق‌العاده میزان بهره‌وری نیروی انسانی در امریکا بخصوص در سالهای اخیر مکانیزاسیون بیش از پیش امور قطع - کوبیدن - پوست کندن و جمع‌آوری محصولات کشاورزی اعم از غلات - میوه‌ها و سبزیها میباشد. در واقع اگرچه در حال حاضر در تمام مراحل کشاورزی از ماشین بمقدار زیاد استفاده میشود، معذالک در هیچ مورد مکانیزه نمودن امور کشاورزی باندازه مرحله درو و برداشت محصول حائز اهمیت نیست، زیرا در اغلب اوقات نیروی انسانی لازم و هزینه برداشت محصول متجاوز از نصف کل هزینه تولید را تشکیل میدهد. اگرچه استفاده از ماشین در مرحله برداشت محصول کاری مشکل و پیچیده است، معذالک پیشرفتهای قابل توجهی در این زمینه حاصل شده است، در حال حاضر نه تنها درو و برداشت محصول غلات کاملاً مکانیزه گردیده است - بلکه در اغلب موارد چینیدن میوه و سبزیها نیز بکمک ماشین انجام می‌شود. برای روشن شدن اهمیت ماشینهای مخصوص

برداشت محصول کافیت متذکر شویم که بعنوان مثال در مورد برداشت محصول برنج که شامل درو کردن، کوبیدن و از پوست درآوردن محصول برنج میشود در ژاپن که قسمت اعظم این کارها بادست انجام میشود برای برداشت محصول هر هکتار زمین ششصد و پنجاه ساعت کار لازم است، در حالیکه برداشت همین مقدار محصول در کالیفرنیا (امریکا) با استفاده از ماشین‌های کامباین احتیاج به بیش از دو و نیم ساعت کار ندارد. در اینجا لازم بتذکر است که از نقطه نظر اقتصادی البته استفاده از ماشین بستگی باین دارد که برداشت محصول در محل مورد نظر بادست ارزاتر تمام میشود یا با ماشین؟ ولی در واحدهای بزرگ کشت و صنعت در اکثر موارد استفاده از ماشین بمراتب با صرفه‌تر میباشد، زیرا بعلت وجود کارخانجات صنعتی در این واحدها ارزش نیروی انسانی بمقدار زیاد افزایش یافته است.

صنعتی کردن سریع و بیش از پیش و استفاده سریع از نتایج پیشرفتهای تکنولوژی در امور کشاورزی بخصوص برای کشورهای درحال صنعتی شدن سریع، حائز اهمیت زیاد و حیاتی بوده و نقش بسیار مؤثری را در پیشرفت اقتصادی این کشورها بازی میکند. زیرا این امر با بالا بردن میزان محصول و ازدیاد بهره‌وری نیروی انسانی نه تنها باعث میشود که غذای کافی برای جمعیت روزافزون آنها فراهم شود، بلکه کاهش قابل توجه تعداد کارگران کشاورز مورد نیاز نیز موجب میشود که نیروی انسانی اضافی و عظیمی در اختیار صنایع قرار گرفته و از این راه کمک مؤثری بصنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی کشور بشود.

استفاده از مواد شیمیائی در امور کشاورزی استفاده بیش از پیش از مواد شیمیائی در امور کشاورزی و با بعبارت دیگر «شیمیائی شدن کشاورزی» (۸) که امروزه بتدریج وبه مقدار روز افزون در سراسر جهان متداول گردیده است، یکی از عوامل مهم و مؤثر ازدیاد سریع میزان تولیدات کشاورزی و سایر محصولات غذایی و هم چنین بالا رفتن ارزش غذایی این محصولات بشمار میرود. شیمی کشاورزی امروزه بدون شك یکی از مهمترین رشته‌های صنایع شیمیائی است. که بخصوص در بیست سال اخیر مورد توجه بسیاری از دانشمندان و محققین قرار گرفته و بسرعت غیرقابل تصویری خاصه در زمینه تولید کودهای شیمیائی - حشره کشها و مواد دیگر مورد مصرف برای تنظیم رشد گیاهان (پلی مرها - امولسیونهای (۹) قیری برای تثبیت شن‌های روان و غیره) درحال توسعه میباشد. استفاده از بعضی مواد طبیعی برای بهبود شرایط زمین از قدیم‌الایام مرسوم بوده است و حتی کاشفین امریکا متوجه گردیدند که سرخ‌پوستان در نزدیکی هر یک از ساقه‌های ذرت یک سرمایه قرار میدهند و شکی نیست که اجداد ما از مواد آلی اضافی و زائد و

بدون مصرف بعنوان کود شیمیائی استفاده میکردند. معذالك كشف مخازن عظیم نیترات در شیلی - نمکهای پتاسیم در غرب اروپا و معادن فسفات در فلوریدا و شمال آفریقا و بعضی نقاط دیگر تولید کودهای شیمیائی را بصورت تجارتی در آورده و بدین طریق منابع کافی از سه عنصر اصلی مورد نیاز برای تولید کودهای شیمیائی یعنی ازت - پتاسیم و فسفر در دسترس شیمی دانها قرار گرفت. امروزه تولید کودهای ازت دار از مواد اولیه دیگری مانند گاز طبیعی و مواد نفتی صورت می گیرد که منابع عظیم آن برخلاف نیترات طبیعی در سراسر جهان بمقدار زیاد وجود دارد. کودهای شیمیائی که از گاز طبیعی ساخته میشود عبارتند از آمونیاك و مشتقات دیگر آن که به ترتیب از ترکیب آمونیاك یا بی اکسید کربن - اسید نیتريك - اسید سولفوریک و اسید فسفريك حاصل میشود.

میزان محصولات کشاورزی تنهابستگی بشرايط زمین ندارد، بلکه بمقدار زیاد نیز وابسته بامكانات موجود برای جلوگیری از

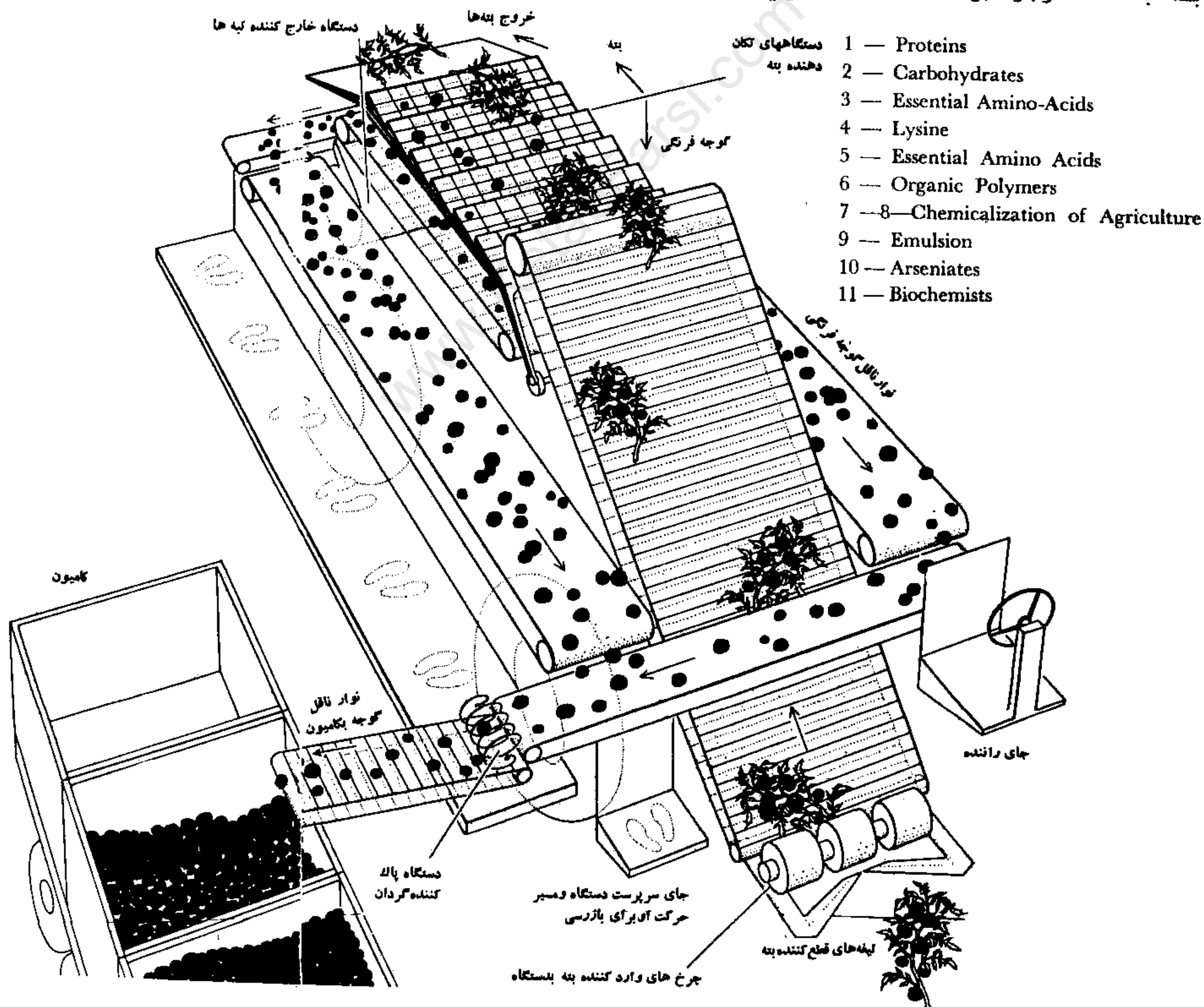
خسارات ناشیه از حشرات مضر - قارچها و علفهای هرز و سایر آفات نباتی میباشد. بعلاوه مبارزه بعدی با حیواناتی از قبیل موش که محصولات تولید شده را می خورند نیز حائز اهمیت زیاد است

برای مدت های زیاد سمهای ضد حشره عبارت از سمهای معدنی مانند آرسنات ها (۱۰) سولفات مس - گوگرد و غیره بود. معذالك در سالهای اخیر انواع مختلفی از سمهای آلی ساخته شده است که بكمك آنها می توان با حشرات و حیوانات مضر و هم چنین علفهای هرز و قارچها و غیره بطرز بسیار موثر و سریع مبارزه نمود. این سمها طوری ساخته میشوند که در حالیکه باعث از بین رفتن آفات نباتی میشوند در اغلب موارد در صورتیکه بطور صحیح و بادقت مصرف شوند برای انسان ضرری نداشته و باعث از بین رفتن حشرات مفید نیز نمیشوند.

امروزه شیمی کشاورزی رشته مهمی از علوم را تشکیل میدهد که در آن بخصوص در زمینه استفاده از کودهای شیمیائی - حشره

کشها و سایر موادی که بر شد گیاهان و مرغوبیت نوع و ارزش غذائی محصولات کشاورزی کمک میکنند تحقیقات وسیعی در جریان میباشد. بدین منظور شیمی دانها - بیوشیمیست ها (۱۱) - متخصصین خاک شناسی - کارشناسان کشاورزی - حشره شناسها - فیزیك دانها و بسیاری از کارشناسان مشاغل دیگر برای كشف اسرار رشد گیاهها بایکدیگر همکاری نزدیک دارند.

یکی از نتایج مستقیم مکانیزاسیون و شیمیائی شدن امور کشاورزی آنست که امروزه مایشاهد تشکیل قطبهای بیش از پیش بزرگ و متمرکز کشاورزی هستیم که در آنها کارهای کشاورزی بصورت يك صنعت تخصصی اداره شده و در امور تولید مواد غذائی از کلیه امکانات صنعتی مانند ماشین آلات کشاورزی و حمل و نقل محصولات و یا فرآورده های شیمیائی و هم چنین امکانات علمی و تکنولوژی نوین حداکثر استفاده میشود.



طرز کار يك ماشین مخصوص چیدن گوجه فرنگی



من در این دو اقامتگاه احساس خویشاوندی دارم

پرفسور هانری کرین یکی از بزرگترین دانشمندان شرق‌شناس جهان است. امروز او مدیر مطالعات در بخش علوم مذهبی دانشکده ادبیات پاریس است. این همان کاری است که پیرش از او پروفسور «لویی ماسینین» مشهور عهده‌دار بوده است و نیز مدیر مؤسسه ایران‌شناسی در انجمن ایران و فرانسه تهران است چهارده کتابی که درباره سنت فرهنگی ایران به همت و تحقیق او در سلسله انتشارات این انجمن بنام «کتابخانه ایرانی» بچاپ رسیده است مربوط به شخصیت‌های زیر می‌شود: ناصر خسرو، سهروردی، ابن‌سینا، ملاصدرا شیرازی، شاه‌نعمت‌الله ولی، روزبهان بقلی و گروهی دیگر. او بزبان‌های یونانی، لاتین، آلمانی، انگلیسی، عربی و فارسی احاطه کامل دارد. او پیش از آنکه به بررسی درباره فیلسوفان ایرانی بپردازد، نخستین کسی بود که در فرانسه کتاب «مابعدالطبیعه چیست؟» اثر مشهور هایدگر فیلسوف نامی آلمانی را بزبان فرانسه ترجمه کرد. سیمون دوبووار در جلد دوم کتاب خود بنام «قدرت سن» به اهمیت این معرفی اشاره کرده و نوشته است: سارتر نخستین بار از راه ترجمه و معرفی کرین با هایدگر آشنا شد. لازم به توضیح نیست که این آشنائی در سرنوشت فکری سارتر چه تأثیر مهمی داشته است. تسلط هانری کرین بر فلسفه غرب به کارهایش اهمیت مخصوصی می‌بخشد، حتی جدا از آن جنبه کارش که مرفاً مربوط به شرق‌شناسی است. او فقط بچشم یک متخصص زبان یا تاریخ به پدیده‌های شرق نمی‌نگرد. بلکه در راه جست و جوی فکری خود برای پیدا کردن یک راه حل فلسفی امروزی از فلسفه‌های شرق و بخصوص از سنت‌های فرهنگی ایران یاری می‌جوید. در ضمن لازم است به این موضوع نیز اشاره شود که او از نخستین کسانی است که پیوند سنت‌های فکری ایران پیش از اسلام با تشیع و بخصوص با فلسفه‌های عرفانی را نشان داده است. آخرین اثر پروفسور هانری کرین «تاریخ اندیشه اسلامی» است که جلد اول آن رابنگاه نشر «گالیمار» پاریس بچاپ رسانده است و ما امیدواریم بزودی ترجمه فارسی آن منتشر گردد.

- اما آنچه به شگفتی می‌آورد آنست که پس از يك نسل در ایران جوانان ۳۰ تا ۳۵ سال می‌بینم که شیفته این موضوع‌ها هستند.
- يك اشتراك معنوی وجود دارد میان جهان معنوی ایرانی و جهان معنوی ما مغرب زمینیان
- هم‌اکنون یکی از هدف‌های بسیار بایسته آنست که از راه انتشار و ترجمه و غیره، مصالحی فراهم آوریم تا اهل این خانواده به يك پاسخ بزرگ بپیوندند. پاسخ به يك پرسشی چون و چرا که هیچ کشف فنی و نامنتظر نمی‌تواند آنرا از میان ببرد.
- ما مغرب زمینیان نیز چیزهای بسیار از دست داده‌ایم به‌شما هم‌اکنون می‌گفتم که از گنجینه‌ها تان نگهداری نکردید. اما ما نیز فراوان از دست داده‌ایم. چیزی که برای مابعدالطبیعیان زنده مانده است آن جهانی است که اصطلاح فلسفی آن عالم مثال است

این گفت و شنود در تلویزیون ملی ایران انجام گرفته است .

— پرفسور کرین ، دیرزمانی است که شما را می‌شناسیم . مقصودم از آنکه می‌گویم ما ، آنهایی هستند که به فرهنگ و تمدن ایران دلبستگی دارند . بخصوص بیشتر آن کسان که با زبان فرانسه آشنایی دارند چون بدبختانه همه کتاب های شما به زبان فارسی برگردانده نشده است و این خود شگفت‌انگیز است زیرا همه کتاب هایتان مربوط است به فیلسوفان و مؤلفان ایران .

— شما در اینجا به یکی از بزرگ‌ترین دشواری‌های کار ما اشاره می‌کنید . مقصودتان ۲۵ سال یا حتی ۳۰ سال کار است ، در باره فلسفه ایرانی . ما همه آنچه من در باره فیلسوفان سرزمین شما نوشته‌ام به ناچار به زبان فلسفه مغرب زمین بوده است . غرضم این نیست که ناگزیر بوم یک زبان مصنوعی بیافرینم . زبان فلسفه ما زبانی است که از دوران سده های میانه تاکنون داشته‌ایم . از زمانی که آثار ابن سینا به زبان لاتین برگردانده شد اما ببینید سیر بازگشت — یعنی ترجمه دوباره دست کم ترجمه دوباره از فرانسه به عربی یا فارسی با اصطلاح های ویژه ، همان اندازه دشوار است که نخستین انتقال .

برای توفیق در این کار لازم است که دو دیگرگونی انجام پذیرد . یعنی آنکه ترجمه کننده ، هم با جهان فکری مغرب زمین احساس خویشاوندی کند و هم با جهان فکری ایرانی . و از همین رو یک پرورش دوگانه فلسفی لازم است . یک نوع فیلسوف که شرق‌شناس نیز باشد . و این در مغرب زمین کمیاب است . خدا را شکر که در ایران از اینگونه شخصیت ، نمونه هایی داریم و همین است که اطمینان بخش تواند بود . هنگامی که بیست و پنج سال پیش من به ایران آمدم در آثار سهروردی غوطه‌ور بودم . در استانبول نخستین جلد آثار او را به پایان رسانده بودم . در آن زمان در اینجا ، هم صحبت های من اندک بودند .

اما آنچه به شگفتم می‌آورد آنست که پس از یک نسل در ایران جوانان ۳۰ تا ۳۵ سال می‌بینم که شیفته این موضوع ها هستند و از این پرورش دوگانه که گفتم برخوردار هستند . همین است که مرا به خوشبینی می‌کشد . نه تنها در باره سرنوشت فلسفه در ایران بلکه حتی در باره سرنوشت فلسفه بطور کلی . با وجود آنکه ، از سوی دیگر ، انگیزه های فراوان نگرانی وجود دارد . اما به گمان من چنین مسئولیت ها را فقط شمار اندکی از مردمان یعنی برجستگان بعهدہ توانند گرفت . برجستگان اندیشه یعنی آنان که اهل معنویت هستند و مسئولیت آدمیزاد و تاریخ برعهده آنها است .

— گمان نمی‌کنید که این براستی یک حادثه است که شرق شناسی چون شما ، بیشتر

به فلسفه توجه داشته باشد تا مطالعه زبان . حادثه‌یی ، هم برای شرق شناسان و هم برای ایرانیان . زیرا که بسیار کمیاب است که کسی از راه فلسفه به شرق شناسی برسد . شما در جست و جوی مسأله های فلسفی بودید — و زمانی به فلسفه اگزیستانسیالیسم توجه پیدا کردید — اما سرانجام عرفان ایرانی بیشتر از همه جلبتان کرد . به گفته سیمن دوبووار ، از راه ترجمه شما از کتاب هاییدگر بنام «مابعدالطبیعه چیست ؟» بود که ژان پل سارتر با این فیلسوف آشنا شد .

— در اینجا ، دوست عزیز ، شما به موضوعی اشاره می‌کنید که بسیار دردناک است . همیشه کمی فلسفه در میان نوشته های شرق‌شناسان به چشم می‌خورده است و عکس این موضوع هم بدبختانه درست است . بهر — حال کمتر اتفاق افتاده است که شرق‌شناسی ، فیلسوف باشد . در فرانسه یک جوان که می‌خواهد تحصیل خود را در رشته فلسفه دنبال کند زبان آلمانی فراخواهد گرفت یا یونانی و گاه نیز به ندرت زبان سانسکریت آنهم چون یک قرن است از فلسفه هند سخن به میان آمده است . اما اندیشه فراگرفتن زبان عربی یا فارسی براستی ماجرای دیگری است . من چند سالی است که به دانشجویانم در فرانسه از زبان فارسی و عربی سخن می‌گویم و به گمانم موفق شده‌ام و از همین روست که هم‌اکنون خوشبینی‌ام را به شما می‌گفتم . در آنچه می‌گفتید کلمه اگزیستانسیالیسم را بکار بردید . بی‌گمان اشاره شما به همه بررسی‌هایی است که من کرده‌ام . اما باید بی‌درنگ به شما بگویم که این کلمه را نمی‌پسندم به دلیل بسیار ساده . من نخستین ترجمه کننده فرانسوی هاییدگر هستم . و این موضوع ۳۰ سال است که می‌گذرد . در همین ترجمه هاییدگر بود که به این نتیجه رسیدم که این کلمه را به هیچ عنوان نباید بکار برد . او می‌خواسته است درباره یک «مابعدالطبیعه وجود» بررسی کند . فلسفه او یک فلسفه اگزیستانسیالیست بلکه یک مابعدالطبیعه وجود است . و ما باید این را از هم تفکیک کنیم . این تفکیک ، سنتی بسیار دیرین است که زبان لاتین برای ما بجای نهاده است . یعنی تفاوت میان وجود داشتن Essere و زیستن یا Existere شمادر باره جهت بررسی های من به موضوعی اشاره کردید که بار ها با آن روبرو بوده‌ام و بارها ذهن خوانندگان آشفته شده است از این امر که من هم ترجمه کننده هاییدگر هستم و هم شرق شناس . بخوبی در نمی‌یابند چه روی داده است . و حتی قصه‌یی را شایع ساخته‌اند که من چون از فلسفه هاییدگر سرخوردم به عرفان ایرانی پناه آوردم . همه اینها سخت نادرست است چون از نظر تاریخی من به هر دو این جهت های فکری در یک زمان دلبسته بوده‌ام . یعنی هم ژرمن شناس و هم شرق شناس بوده‌ام . هم فلسفه آلمانی و هم فلسفه ایرانی . و من در این دو

اقامتگاه احساسی از خویشاوندی دارم . مردی هست که من به او بسیار مدیونم . او کسی است که در فرانسه به بررسی درباره سده های میانه نضج تازمینی بخشید : اتیین ژیلسن . او از سازنده ترین اندیشندگانی است که دیده‌ام و من به شاگردی او افتخار می‌کنم . درس او در زندگی من نقش قاطعی داشت . همیشه بیاد خواهم داشت که چگونه چهل سال پیش او در مدرسه مطالعه های عالی (ات — ز — تود) آغاز به تدریس کرد . من خود هم اکنون در این مدرسه درس می‌دهم . سال ها ما پیوسته می‌خواندیم و تفسیر می‌کردیم . بیشتر متن های لاتین را که از عربی در سده دوازدهم ترجمه شده بود . نخستین تماس من با آثار ابن سینا از همان هنگام آغاز شد . براستی سخت شیفته کننده بود . در آن هنگام یک موضوع مهم مطرح بود و آن این بود که آیا می‌بایست پیشه فیلسوفی را به همان شکل که راه آن زمان بود دنبال کرد یا خود را به ماجرا های شرق شناسی رها کرد . آنگاه بود که نقش ابن سینا از راه همین ژیلسن در زندگی من قاطع شد . البته من فقط یک کتاب در باره ابن سینا نوشته‌ام . بهر حال همین تماس بود که راه زبان های شرقی را به روی من گشود . مرا به جاهای دور برد مثلاً به همین گفت و شنود امشب .

موضوع دیگری هم هست که می‌خواهم به شما گوشزد کنم . البته رابطه من با ژان پل سارتر خصوصی نبود اما دست کم به یک دلیل سپاسگزار او هستم . آنگاه که ترجمه هاییدگر را گالیمار منتشر ساخت بهترین و دقیق‌ترین بررسی از این ترجمه به نوشته ژان پل سارتر بود . اینگونه است که نام من در یادبودهای او به چشم می‌خورد . سیمون دوبووار به ترجمه من موقعی اشاره کرده است که ما در یک مرحله دردناکی از تاریخ خود بودیم . او و سارتر به فلسفه روی آورده بودند و هاییدگر را از راه ترجمه من مطالعه می‌کردند . فکر می‌کنم بیهوده خواهد بود بگویم که زندگی های ما از هم جدا شده است و کار های ما بکلی متفاوت است حتی نمی‌دانم آیا ممکن خواهد بود که امروز بتوانیم اندیشه های یکدیگر را دریابیم . اما زبان سارتر با زبان هاییدگر بسیار تفاوت دارد . بهر حال هاییدگر براستی مرحله‌یی بود در زندگی من ، که البته دیگر به آن باز نتوانم گشت . او آماده‌ام ساخت که چیزهای بسیاری دریابم و نیز مرا به کار ترجمه کشاند که برویهم سخت سودمند بود . بویژه که بعد ها می‌بایست با متن های عربی و ایرانی در گیر شوم . یک نکته مثبت تر نیز هست که باید بگویم . بار ها پیش آمده است که در ایران فیلسوفان جوان که کم یابد از فلسفه ملاصدرا شیرازی آگاه هستند و از این‌ور و آن‌ور دریافته‌اند که نکته برجسته فلسفه او نسبت به فلسفه پیش از او در آنست

که اولویت وجود را برجستگی خاص بخشیده است - اولویت هستی * بر ماهیت * - می گویند: «آیا همین یک جنبه اگزیستانسیل ندارد؟» به گمان من این اشتباهی بزرگ است. من خود به این موضوع توجه داشته‌ام و چندین سال برای نوشتن کتابی در باره ملاصدرا بنام کتاب المشاعر * که آنرا ترجمه نیز کرده‌ام کار کردم مابعدالطبیعه وجود در اندیشه ملاصدرا اهمیت های بسیار برای مابعدالطبیعه و زندگی معنوی دارد اما از این روی نمی‌توان او را یک اگزیستانسیالیست نامید. فلسفه مرگ او کاملاً با فلسفه مرگ اگزیستانسیالیست ها تفاوت دارد البته همه آنچه گفتم بسیار تخصصی است و بیش از این سخن را به درازا نمی‌کشم. اگر کمی به جزئیات امر پرداختم برای آنست که برخی از تماشاگران شاید به این موضوع دل بسته باشند. بهرحال باید آگاه بود تا این اشتباه هرگز روی ندهد.

- بسیار خوب. اما در این میان چرا عرفان یا تصوف ایرانی و نه عرفان یا تصوف سرزمین دیگر؟ چرا سیر اندیشه ایرانی که در ضمن شما را به جریان های فلسفی پیش از اسلام در ایران نیز کشانده است؟ و نه - مثلاً - جریان های اندیشه هندی یا چینی یا حتی جریان های تصوف مسیحی از اکهارت تا کرگارد؟

- شما در اینجا به یک موضوع بسیار پیچیده اشاره می‌کنید. پاسخ گفتن در طول چند دقیقه به این موضوع کاری است امکان ناپذیر. یک اشتراک معنوی وجود دارد میان جهان معنوی ایرانی و جهان معنوی مامغرب زمینیان. اما چه اشتراکی؟ من در اینجا نمی‌خواهم به شما آسان گویی هایی درباره تفکر دکارتی و غیره بگویم.

قضیه از این ژرف تر است. می‌خواهم به شما این را بگویم که به عنوان یک جوینده در فلسفه مذهبی و متخصص در تاریخ مذهب ها باید بگویم به علت آنکه ایران به اسلام پیوسته و آنرا پذیرفته است ایران اسلامی البته به خانواده بزرگ ابراهیمی (مربوط به ابراهیم) تعلق دارد. و ما عادت داریم این خانواده را به شاخه های یهودی، مسیحی، و اسلامی بخش کنیم. درباره ویژگی تشیع در اسلام حرف های بسیار هست که بعد به میان خواهیم آورد. بخصوص اهمیت تشیع برای یک فیلسوف و برای فلسفه اسلامی. ارزش این اهمیت کم کم دارد روشن می‌شود. اما باز می‌خواهم نکته‌یی دیگر را بیافزایم. ایران پیش از اسلام هرگز در یک زمان نامعلوم و تاریک گم نشده است. بخوبی حضور دارد و زنده است. هر نوجوان ایرانی می‌داند که در ایران پیامبری بوده است. زرتشت یا زراتشت یا زراتشتر. این یک واقعیت است. بیرون از خانواده بزرگ ابراهیمی، ایران تنها کشوری است که یک پیامبر و یک مذهب مستقل داشته است. در این امر یک واقعیت قاطع وجود دارد. امروز عادت می‌کنیم به آنکه مذهب پیامبری را از مذهب عرفانی

متفاوت بدانیم. من اعتقاد دارم یکی از ویژگی های عرفانی ایرانی - به تاثیر از ابن عربی و فراموش مکنیم که ابن عربی با آنکه خود به صراحت نگفته است از اندیشه های ایرانی متأثر است - در آنست که تجربه پیامبری را تکرار و در خود جذب کرده است. دین پیامبری در دین عرفانی شگفته شده است. و هیچ تناقضی با آن ندارد. و دیگر موردی در کار نتواند بود که این دو را در برابر هم قرار دهند. همین بخودی خود نتیجه های بسیار مهم دارد. بخصوص در نظریه‌یی که درباره انسان داریم. می‌توانیم این موضوع را بیشتر بکاویم اما فرصت نخواهد بود. می‌خواهم یک نکته دیگر را نیز به میان آورم. بجز شخصیت زرتشت، حماسه قهرمانی ایران باستان هست. که در شاهنامه باز می‌یابیم و در اوستا نیز هست. من و چند جوینده در یک کتاب بزرگ در باره نزدیکی های حماسه ایرانی و تبدیل آن به حماسه عرفانی - که یکی از رویداد های اساسی فرهنگ ایرانی است - با حماسه سده میانه ما مغرب زمینیان اروپا بررسی کرده‌ایم. این موضوعی است که برای فیلسوف بیش از یک متخصص ادبیات تطبیقی اهمیت دارد. ارتباط میان حماسه ایرانی مربوط به کیخسرو با سلسله حماسه گر آآل در مغرب زمین. شما هم اکنون گفتید چرا من مثلاً به عرفان مسیحی دل بستگی نداشته‌ام. حال آنکه براستی داشته‌ام. به شخصیت هایی چون اکهارت، یعقوب بسومه و غیره. اما اندیشه من - اندیشه‌یی که می‌خواهم اشاعه دهم - آنست که هیچ چیز از هیچ چیز دیگر جدا نیست. در این باره یک کار تطبیقی لازم است. یک بررسی در باره مقایسه ریشه های الهام که بدبختانه انجام نگرفته است. یک خانواده بزرگ نو افلاطونی هست. که از افلاطونیان کمبریج در سده هفدهم میلادی تا افلاطونیان اصفهان و اشراقیون و مکتب ملاصدرا کشیده می‌شود. این خانواده اینجا و آنجا است و گسیخته است. هم اکنون یکی از هدف های بسیار بایسته آنست که از راه انتشار و ترجمه و غیره، مصالحی فراهم آوریم تا اهل این خانواده به یک پاسخ بزرگ پیوندند. پاسخ به یک پرسش بی‌چون و چرا که هیچ کشف فنی و نا منتظر نمی‌تواند آنرا از میان ببرد. بهر حال شما موضوع هایی را برای یک فیلسوف به میان می‌آورید که بسیار سنگین است. شاید بار اولی است که بشکل عمومی مطرح می‌شود. و از این روی سودمند تواند بود.

- در میان فیلسوفان ایرانی چرا بویژه به سهروردی توجه خاص داشته‌اید؟ آیا این به دلیل جوانی این فیلسوف است؟ به دلیل پایان فجیع زندگی اوست؟ - و اگر این مقایسه را جایز می‌دانید - به دلیل آنکه او رمبو فلسفه بود؟

- ما از دامنه عینی دور می‌شویم و به یک نکته خصوصی می‌رسیم. بی‌گمان تلاقی

من با سهروردی، شیخ الاشراق، در زندگی من بسیار قاطع بود. و تا پایان عمرم این تاثیر را در خود خواهم داشت. هنوز هم در ذهن من زنده است. دوران ژیلسن بود. مایک استاد دیگر داشتیم بنام امیل بره هیه که به تاثیر از اوپانیشاده‌ها و فلسفه افلوپین، کشف های فوق العاده می‌کرد. آنگاه با فراموش کردن برنامه های درسی، به ابن سینا کشیده شدم و نیز به هند. در آن زمان از کشش مشرق زمین بسیار می‌گفتند. آیا می‌بایست سانسکریت خواند یا عربی؟ وقتی آدم در چنین موقعی هست تنها پاسخ آن است که هر دو را باید فرا گرفت. دو سال سانسکریت خواندم همزمان با زبان عربی. جهان ایرانی میان این دو مرا پذیرا شد. جهان ایرانی نه جهان عرب است نه جهان اسلام. نیز نه جهان هند. این یک جهان میانه و فاصل است که بسیار به ما مغرب زمینیان نزدیک است. برای همین است که برای چند تن از ما - و من نخستین نبودم - که جهان معنوی ایرانی بدل شد به میهن برگزیده روح. این نکته‌یی است که ماسینیون شاید چشم انداز آنرا در نیافت. او بود که چاپ سنگی کتاب حکمت الاشراق را بدستم داد. آنرا از ایران آورده بود با چند فتوکی از دست نوشت های حکایات عرفانی * شیخ الاشراق * باور کنید که این چون یک افسون بزرگ بود و از برنامه درسی سخت جدا. تاثیر آن قاطع بود. من از آنکه فیلسوفی توانسته بود، در کمابیش ده کتاب، تمثیل های خود را بیافریند سخت به شگفت آمدم. برای این کار اندیشه باید بسیار پخته باشد. شیخ جوانی که در ۳۶ سالگی در گذشته بود، شهید راه خود و پدید آورنده داستان های عرفانی. و امروز خوشبختانه فهم این حکایات چندان دشوار نیست بخصوص که دکتر نصر رئیس دانشکده ادبیات تا یکی دو هفته دیگر آنرا با یک بخش به زبان فرانسه در دست انتشار دارد. یک نکته بسیار شگفت انگیز در آثار این فیلسوف جوان اراده اوست در ادامه اندیشه گذشتگان. ادامه اندیشه ایرانیان باستان و اندیشه جنک میان روشنی و تاریکی او گفت «این خردمندی گذشتگان است که می‌خواهم احیا کنم...» درست کلمه احیا * را بکار برده است. احیاء و رستاخیز. و می‌گوید که پیش از من کسی این کار را نکرد. البته او در آن هنگام کلمه تاریخ یا تاریخی را که امروز بسیار باب شده است بکار نبرد اما چیز های فوق العاده احساس کرد. در کار او چهره های قهرمانی اوستا و شاهنامه احیا شد همراه با عبارت ها و تفسیر های عرفانی. در همین کار است که

سهروردی بشکل فوق العاده امر تاویل * را انجام داده است. او همانگونه که بخوبی شاهنامه را می‌خواند قرآن را نیز می‌خواند. جمله‌یی در قرآن هست که انگار برای مورد او بیان شده است و در یکی از کتاب های

اوست «رتل القرآن ترتیلا» قرآن را چنان بخوان که گویی برای خود تست. همین معنای فلسفه اشراق است. کلمه‌یی که به سختی می‌توان ترجمه کرد. شرق، طلوع، فروزندگی، اینست فلسفه فروزنده شرق. مشرق به معنای مابعدالطبیعه آن نه جغرافیائی. چیز عجیب آن بود که آدم ناگهان احساس کند در برابر یک فلسفه نو افلاطونی حدس ناپذیر قرار گرفته است. یک تفسیر و دریافت از اندیشه‌های تمثیلی افلاطونی با عبارت‌هایی به شیوه آیینی زرتشتی. نتیجه آنست که اشراق — که در ایران قرن به قرن ادامه داشته است — همیشه این تفسیر را که قانون‌های تغییر ناپذیر بر جهان فرمان می‌راند رد می‌کند. دیگر فقط سکونت جغرافیایی یک قوم یا تحول اجتماعی و سیاسی آن نیست که بتواند توضیحی کافی در باره این قوم باشد بلکه نیز اصل معنوی آن. برای این قوم و برای هر یک از ما. پس ما بایک شیوه فکری سر و کار داریم که در جهت معکوس آسان‌گویی‌های فلسفی است که امروز به نظرمان کافی می‌آید. از نظر عملی، فلسفه سهروردی همین را نشان می‌دهد — و رد پای او در همه فلسفه‌های این سرزمین نمایان است. این که شناسایی فلسفی را نباید از تجربه معنوی و عرفانی جدا دانست. این‌ها همه یکی است. گفتن به فیلسوف که وقتت را تلف می‌کنی اگر کارت به یک تجربه معنوی نیانجامد، یا به یک ساختمان درونی. و به عارف، مواظب باش! به مالیخولیا کشیده خواهی شد اگر یک پرورش جدی فلسفی نداشته باشی، به گمان من این است بزرگترین درس فلسفه اشراق که بیان‌کننده اندیشه ایرانی نیز هست. من می‌خواهم نظر دوستان ایرانی‌ام را به آنچه در کتاب‌های سهروردی شگفت‌انگیز است جلب کنم. این یک نقطه آغاز و انتها است. یک دعوت به شناسایی خویشتن است. شناختن خدا میسر نمی‌شود مگر از راه شناختن خویشتن. همه آثار سهروردی نشان‌دهنده این جمله است: «آنکس که روح خود را بشناسد جهان آفرین را می‌شناسد...» جمله اسلامی: من عرف نفسه فقد عرف ربه. پرورش معنوی اشراق به همین می‌انجامد. و این تلاقی را او به شکل فوق‌العاده در حکایات عرفانی خود ترکیب کرده است. دیدار سروش هنگامی که از چیزهای بیهوده زندگی رها شده است. شاید تفاوت اشراق با تصوف همین باشد. شیخ ظاهر در کار نیست. فقط شیخ باطن* وجود دارد. استاد عینی. این را در مکتب نجم‌الدین کبری می‌بینیم و معنویت اشراق به همین می‌انجامد. اما چرا سهروردی استاد باطن* من است؟ من فکر می‌کنم برای همه کسان پرورش معنوی اشراق یک معنای امروزی دارد. این جزئی است از پیام معنوی ایران. هنگامی که از شیخ باطن* برای شما می‌گویم به یک امر مهم برمی‌خورم و آن سلسله بزرگ اشراقیون است

صفحه شصت و ششم

که همه شیعه هستند. میان اشراق و تشیع یک پیوستگی ژرف وجود دارد و این یک اتفاق نیست. اندیشه اسلام در آثار استادان بزرگ ما چون ملاصدرا شیرازی و قاضی سعید قمی باید به یک افام باطن* منتهی شود. در این نکته یک گونه پرورش، یک گونه تعلیم و تربیت هست. یک گونه رشد ضمیر، یک گونه مردم‌شناسی و یک گونه اخلاق. نیز یک نظریه درباره گیتی. از این روست که من اعتقاد دارم ایرانیان از فیلسوفان جدید و امروزی چندان دور نبوده‌اند. آنان در وجود خود مصالح کافی دارند تا به این سؤال‌هایی که ماهمه از خود می‌کنیم پاسخ گویند. ببینید من در اینجا به شما جیتی را در موضوعی که مطرح کرده‌اید نشان دادم. می‌دانم که می‌توانیم در این باره مدت‌ها گفت و شنود کنیم و کتاب‌های بسیار می‌توان نوشت. — شما کلمه امروزی را بکار می‌برید. می‌خواهیم بدانیم درباره فیلسوفان هم زمان ما چه می‌اندیشید؟ و این ما را به یک پرسش بنیادی می‌کشاند: این جست و جوهای بزرگ، این شکل فرورفتن در وجود انسان — یا برعکس بالارفتن — که از ویژگی‌های جریان‌های فلسفی است که شما می‌پسندید، پاسخگوی توقع‌ها و نیازمندی‌های فنی و تکنولوژی کنونی تواند بود؟

— این پرسشی است بجا. حرف‌های ما از یکدیگر پیشی می‌گیرد. فکر می‌کنم باید با درایت پاسخ داد. و من سنگینی بار این پرسش را احساس می‌کنم. اما شکل آنی به شما می‌گویم که چه فقر و چه فاجعه‌یی می‌بینیم در فلسفه آن کسان که فکر می‌کنند

فیلسوف هستند با این اعتقاد که اینان هنگام پرداختن به فیزیک، دارند کار متافیزیک یا مابعدالطبیعه انجام می‌دهند و هنگام پرداختن به جامعه‌شناسی، کار فلسفه انجام می‌دهند... من نمی‌گویم که نباید به جامعه‌شناسی یا فیزیک پرداخت. اینها همه کارهای سودمند و لازم است اما خطر آنست که فکر کنیم فیزیک — که در ابتدا موضوع‌های مابعدالطبیعه را از آن جدا ساخته‌اند — می‌تواند پاسخگوی موضوع‌های فلسفی بشود. این اشتباه خطرناک را من فاش می‌کنم و جوانان جوینده را از آن برحذر می‌دارم. ما مغرب زمینیان نیز چیزهای بسیار از دست داده‌ایم. به شما هم اکنون می‌گویم که از گنجینه‌ها تان نگهداری نکردید. اما مانیز فراوان از دست داده‌ایم. چیزی که برای مابعدالطبیعیان زنده مانده است آن جهانی است که اصطلاح فلسفی آن، عالم مثال* است. در لاتین مندرس ایماژ-ینالیس. این عالمی است فاصل میان عالم هوش پذیری، عالم تجربیدهای ضمیر، و عالم احساس یا عالم حواس. اگر اهمیت فلسفی این عالم مثال را از نظر دور داشته باشید — و من این را می‌گویم چون شیخ اشراق نخستین کسی بود که برای این عالم اهمیتی مابعدالطبیعی قائل شد — در یک معما

گرفتار می‌شوید. یا حواس تجربی یا آنکه قانون‌های تجربیدی ضمیر. هرچه تخیل یا احساس درونی است ناواقعی می‌نماید و مربوط می‌شود به خیال‌پروری. علاوه بر این، اگر عالم مثال را از دست بدهید — و یک جسم مثلی یک جسم تخیلی نیست — راه دریافت دیدگاه عارفان و پیامبران را نیز از دست می‌دهید. یعنی توجیه این دیدگاه را از نظر فلسفی از دست می‌دهید. پس شما بناچار باید به ماده، به ضمیر تاریخی مثبت، یا اسطوره، یا تاریخ — با سندهای موجود و گواهی‌ها — پناه بیاورید. اما حکایات عرفانی* سهروردی نه اسطوره است نه تاریخ. در انجمن فرانسه چندی پیش درباره عرفان و طنز سخنرانی کردم. و برای بسیاری این ارتباط شگفتی‌انگیز بود زیرا عادت ندارند میان این دوتردیکی بیابند. اما در آثار شیخ اشراق این نزدیکی هست. در داستان‌های او عرفان و طنز درهم می‌آمیزد بویژه در لغت مرغان*. وقتی هدهد، پرنده سلیمان یا پرنده هوشیاری می‌خواهد بگریزد زندانبانانش به او می‌گویند «به هنگام روز آدم به درستی نمی‌بیند بلکه در شب می‌بیند...»

او می‌خواهد در این باره استدلال کند اما زندانبانان بروی او می‌افتند تا او را بکشند و او به پیروی از امر کتمان* گفته‌هاشان را می‌پذیرد و می‌گوید من نیز چون شما هستم کسی به هنگام روز نمی‌بیند. سرانجام موفق می‌شود از دست آنان بگریزد.

ببینید: روز چیست؟ شب چیست؟ من بیم دارم که در زمان ما این دورا اشتباه کنند. و بیشتر کشف‌ها شب باشد و ما گمان کنیم که روز است. یا برعکس روز به چشم برخی از گواهان و آنان که به بدیهیات حواس دلبستگی دارند — یانیز به بدیهیات تاریخی و اجتماعی — شب بنماید. این تمثیل سهروردی که در لغت مرغان هست شامل همه‌شان می‌شود. و این مرا به یک جمله از سلزنیستین می‌آورد که به همه مردان امروز خطاب می‌کند: «هنگام آن رسیده است که شبیه ساعت‌ها تان را پاک کنید زیرا که دیگر حتی متوجه نیستید بیرون روز است.» ما می‌توانیم گفت و شنودمان را به همین پایان دهیم.

* به زبان اصلی.



مصاحبه با يك نوازنده آسان نیست زیرا درك و بیان مجدد گفته‌های او ، که پراز احساسات اوست کار بس مشکلی می‌باشد .

مصاحبه با استاد ارشد ساز

- ساز اصیل انسان را از حالت خودش خارج می‌کند .
- اگر چشم بروشنائی نباشد حالت نوازنده بهتر می‌شود .
- روشنائی زیاد برای نوازنده خوب نیست .
- درمیان سازهائی که ما داریم به‌ترتیب می‌توان از سنتور صدای خوب درآورد ، بعد سه‌تار ، بعد تار ، بدترین ساز که نوازندگی آن مشکل است کمانچه است .



تلاش - آقای بهاری اولین سؤال ما
در باره موسیقی اصیل ایرانی است و اینکه چگونه شما به هنر موسیقی علاقه مند شدید؟
استاد بهاری - چون پدر بزرگ من یکی از استادان معروف موسیقی بود. پسر های خودش را هم در قسمت موسیقی تعلیم داده بود که همه مشهور بودند.
تلاش - آیا ممکن است اسامی آنها را بفرمایید.

استاد بهاری - اسم پدر بزرگ مامیرزا علی خان بهاری بود. چون آن موقع هنوز شناسنامه مرسوم نبود واجداد ما که همه از بهار همدان بوده اند، به اسم بهاری معروف بود. پسرهای هم که در نواختن کمانچه خیلی معروف بودند عبارتند از: رضاخان و اکبرخان. در پنجاه سال قبل سالن کنسرتی در اول لاله زار وجود داشت به اسم کازینو پدر مرحوم مرتضی خان محجوبی و رضاخان محجوبی، يك ارکستر و تشکیلاتی درست کرده بود که به اسم کافه کازینو معروف بود. اینجا ارکستری وجود داشت از اساتید آن زمان مانند: مرحوم درویش خان، مرحوم طاهر زاده، مرحوم شکری، از خواننده ها: مرحوم علی خان نایب السلطنه، حسن خان اصفهانی، حسن خان لحنی و عده ای دیگر از اساتید آن زمان که در حدود شاید ۲۴ نفر بودند. چندی تا هم نوازنده کمانچه داشت: مرحوم استاد حسین خان اسماعیل زاده و دو نفر دیگر یکی رضاخان و یکی اکبرخان که دایمی های بنده بودند. این دو نفر هم در رشته کمانچه از استادان زمان بودند. این ارکستر شاید اولین ارکستری بود که در ایران تاسیس شده بود. در این ارکستر لباس های مخصوص برای نوازندگان تعیین کرده بودند که کت و شلوار یقه دار بود يك لبه ای مغزی سفید هم به آن زده بودند، يك فرم تازه برای ارکستر. شاید آن لباس ها از روی ارکسترهای خارج که دیده بودند درست کردند. همین ارکستر هم چهار سال در آنجا، شبها، هفته ای دو مرتبه یا ماهی دو مرتبه نوازندگی میکرد (شرح این مقدمه مقصود معرفی استادان بنده بود) چون این استادان موسیقی مثل مرحوم درویش خان و مرحوم شکری با دایمی من همکار بودند منزل ما رفت و آمد داشتند من آنها را می دیدم و سازشان را می شنیدم. تعلیمات کمانچه هم، که از دوازده سالگی وسیله پدر بزرگم شروع شد بعد از فوتش، به وسیله دایمی ها دنبال شد. بعدها هم که ویولون پیدا شد یکی از دایمی های من که رفته بود و در شیراز زندگی میکرد آمده بود تهران و از مرحوم رضاخان محجوبی که شاگرد دایمی من بود خواست که چیزهای جدیدی که به اسم پیش درآمد معروف شده بود به من یاد بدهد من

پیش رضاخان هم پیش درآمدها و هم ویولون را بطریقی که رضاخان محجوبی می دانست یاد گرفتم. مدت چندسالی، تقریباً شاید ۲۵ سال، ویولون می زدم. نواختن کمانچه خیلی کم شده بود. یعنی از ۳۰ سال پیش نوازنده کمانچه دیگر خیلی کم بود؛ استادان پیر شدند و قدرت نواختن نداشتند و جوانها هم این ساز را دست نگرفتند، بنده هم بیشتر ویولون زدم. در هزار و سیصد و سی و دو که عده ای از آقایان متمایل به کمانچه شدند در ضمن هم میدانستند که من به این ساز آشنا هستم باین دلیل مرا به نواختن این ساز تشویق کردند. من در رادیو ایران مدت ۵ یا ۶ سال تک نوازی کردم. برنامه ای هم بود که در آن مرحوم صبا، مرحوم محجوبی، مرحوم یاحقی شرکت داشتند من هم کمانچه می نواختم و بدین طریق مجدداً کمانچه مورد توجه واقع شد.

تلاش - استاد حالا مثل اینکه شما فقط در تلویزیون ساز می زنید و در رادیو نیستید؟
استاد بهاری - چرا، بنده جزو نوازندگان رادیو هم هستم. اما چون کار تلویزیون زیاد است مدت هفت هشت ماه می شود که بنده نتوانستم در رادیو شرکت کنم و چون نوار هم در رادیو زیاد دارم نوارهای مرا می گذارند. اگر هم باز احتیاج بیشتری پیدا شود دوبرتبه یکمقدار نوار پر می کنم.
تلاش - در ارکستر سازهای ایرانی گویا قصد این است که سازهای ایرانی را ارکستر کنند و آنها را با هم هارمونی بدهند. آیا با توجه به اینکه اصالت هر يك از سازهای ایران بستگی به بداهه نوازی آن ساز دارد می توان این کار را عملی کرد و آیا می شود این سازها را یکصدا کرد؟

استاد بهاری - این موضوع خیلی اهمیت دارد. در حال حاضر خواسته اند که سازها را از تک نوازی بیرون بیاورند و دوتاسه تایی با هم بزنند. البته این بهتر می شود که سه تا ساز با هم بزنند اگر با هم تمرین داشته باشند، می شود. همانطور که در تلویزیون می بینید. ولیکن آنچه یزی که شما می گوئید که اینها همه یکی بشود، این کار وقت می خواهد. نوازندگان اقلاً هفته ای يك یا دو مرتبه با هم تمرین کنند، در مدت شاید دو سال سه سال، تا آن بداهه نوازی و یکصدایی که شما می خواهید به دست بیاید. باید این تمرین ها باشد تا هم آهنگی بوجود آید ارکستر ۱۰ یا ۱۵ نفره یکسان ساز بزنند، چون از حال و روحیه، رموز کار و از دقیقه و ثانیه هم، که هر کدام سازشان را اجرا کنند باخبر می شوند و از قلب هم باید باخبر باشند. مثل اینکه این کار را کرده اند و در جاهای دیگر هم شده است. حالا هم مادو سه نغری که زیاد معاشر هستیم و با هم کار

می کنیم همین حالت را داریم. الان آقایان در شرف انجام این کار هستند و بنده هم با آنها شرکت دارم. شاید بتوان کاری کرد که سازها صورت واقعی خودشان را نشان بدهد.
تلاش - در تلویزیون جلسه ای تشکیل می شود که در آن استادان موسیقی درباره موسیقی ایرانی از نظر علمی و تئوری صحبت می کنند، که خود شما هم در آن شرکت دارید. آیا به نظر شما این جلسات می تواند برای مردم عادی، که از نظر علمی موسیقی را نمی شناسند، مثمر تر باشد و آیا شما فکر نمی کنید به جای این جلسات بهتر باشد هر کدام از استادان به ضبط گوشه های اصیل ایرانی که آرام آرام در شرف از یاد رفتن است اقدام کنند... و اصولاً آیا آهنگ هایی که مثلاً خود شما می نوازید نوشته شده است یا سینه به سینه به شمارسیده؟

استاد بهاری - این جلسه ها بنام «شناسائی موسیقی» است. راجع به شناسایی موسیقی، ما الان حدود پنجاه سال است که شروع به نواختن همراه ارکستر کرده ایم تشکیل این ارکسترها همه اش از راه عمل بوده است. اشخاصی که علاقه مند بودند فقط آنها شنیده اند هیچوقت صحبتی راجع به موسیقی در بین نبوده، چون نبوده خیلی گنگ به نظر می آید و حالا یکعده اشخاصی که به موسیقی واردند و اطلاع دارند خودشان می دانند، برای آنها هم که اصلاً اطلاعی ندارند از طریق این بحث ها تا اندازه ای می توانند زیر و بم نکات و اسامی موسیقی را بفهمند. این کار مقدمه و ابتدایی بوده و ممکن است این کار به مرور زمان جلو برود و فکر مردم راجع به موسیقی روشن تر شود و هم اینکه در ضمن این کار مردم تاحدی اسم آوازا و گوشه ها و شعبات مختلف دستگاهها را بفهمند. این جلسه ها خوب است، البته اگر قدمت موسیقی مثلاً هزار سال باشد این دستگاهها و گوشه ها به همین صورت وجود داشته و اسامی آنها هم معین و مشخص باشد ممکن نیست کسی آوازی بسازد که تازه باشد و به این دستگاهها اضافه کنند یعنی دیگر محلی نیست. ممکن نیست يك اثر را یک نفر بسازد و بگوید این را من ساختم ممکن نیست که درجایی و گوشه ای مثل آن را نتوان یافت. بالاخره به يك مایه ای بر می خورد. و از آن گذشته این موسیقی ما، در حال حاضر بر سه قسم است: یکی همین موسیقی کلاسیک و یا دستگاهی است که البته ممکن است يك وقت کسانی این دستگاهها را برای شما بگویند، حالا يك وقت است که شما موسیقیدان هستید حتی از جزئیات این دستگاهها هم در شنیدن يك قطعه استفاده می کنید، اگر کسی موسیقیدان نباشد دیگر این دستگاهها زیاد برایش مهم نیست. یکی ممکن است دستگاهی

را بزند خیلی برایش جلوه کند و یکی دیگر بزند اصلا جلوه نکند این بستگی به نوازنده دارد. یکی هم موسیقی محلی ما است که به حال خودش باقی مانده و تاریخ بسیار محکم و معظمی دارد، شاید از هزار سال پیش مثلا، در شهرستانها به اسم آوازهای محلی وجود دارد. بصورت ظاهر شاید هم دارای اشعار بسیار با معنایی باشد، اگرچه خیلی کوچک هستند. اینها بسیار اصیل هستند. شاید از زمان ساسانیان بمانده اند. يك قسمت هم موسیقی ترکیبی داریم که ساخته خود اهل موسیقی زمان است. البته این را دیگر نمی‌شود گفت خالص خالص، شاید همان قسمت موسیقی دستگاهی است، یا اینکه همان محلی و یا همان چیزهایی که خودشان از روی دستگاههای موسیقی و از روی آهنگهای قدیم و یا آهنگهایی که به نظرشان آمده، می‌سازند و البته بی‌شبهت به دستگاههایی که داریم هم نیست. این موسیقی ترکیبی است و در حال حاضر بیشتر این نوع موسیقی اجرا می‌شود. و ارکسترهای ما بیشتر روی این قسمت اداره می‌شود. يك آهنگ فعلی ممکن است آهنگ قدیمی باشد و تغییراتی در آن داده باشند و یا آهنگی را خودشان اصلا ساخته باشند. خوب می‌شود گفت این ترکیبی است.

ممکن است در بعضی آهنگهای همین نوع موسیقی چیزهایی از خارج در آن وارد شود. مثل موسیقی عربی و هندی ... این را دیگر اشخاص وارد به موسیقی نمی‌پسندند و رد می‌کنند. می‌گویند نه این خوب نیست. برای اینکه ما که حالا می‌خواهیم چیزی بسازیم باید سعی کنیم از گوشه‌های کشور خودمان استفاده کنیم. و اما در مورد «آهنگ» هایی که می‌نوازیم. مقداری از این آهنگها سینه به سینه منتقل شده و ما می‌نوازیم.

تلاش - دیده می‌شود که بعضی‌ها سعی می‌کنند از سازهای ایرانی صداهایی جز صدای خود آن سازها به وجود بیاورند. مثلا دیده شده که برای به وجود آوردن صدایی مثل صدای پیانو حوله روی سنتور می‌اندازند. آیا این درست است؟

استاد بهاری - اگر نیت تقلید از صدای پیانو باشد که خیلی بد ورشت است. اگر هم بخواهند از موسیقی خارجی قاطی بکنند همانطور که گفتیم رد می‌کنند و نمی‌پسندند. ممکن هم هست که اجرا بشود. ولی در جا می‌زند و پیشرفت نخواهد داشت. اگر از گوشه‌های خود موسیقی ایرانی استفاده بکنند بهتر پیشرفت می‌کند و بهتر طرف توجه واقع می‌شود.

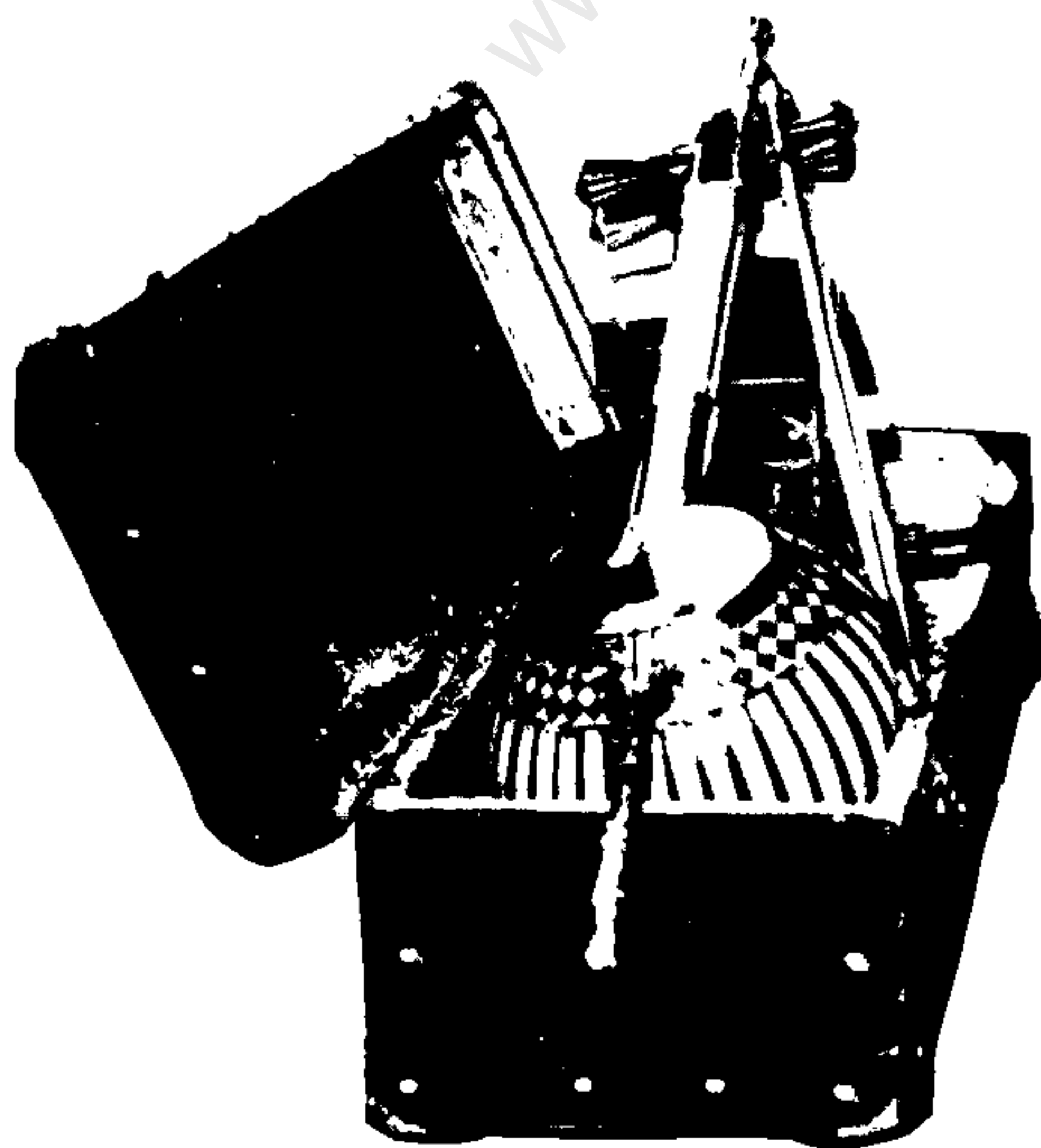
تلاش - می‌دانیم که دستگاههای موسیقی ایرانی شگفتی و زیبایی به وزنهای شعر ایرانی دارد. آیا به عقیده شما دلیل عقب

ماندگی موسیقی ایرانی این نیست که همیشه محتاج به شعر و متکی به آن بوده است. همچنین چرا در اغلب برنامه‌های موسیقی ایرانی سعی می‌شود شعری هم به آواز وسط آن گنجانده شود؟ در حالیکه ساز تنها و ارکستر موسیقی به تنهایی خود کامل و با ارزش است.

استاد بهاری - این دو مطلب است: یکی اینکه از آن وقتی که ما سازهای دسته جمعی زدیم، به اسم ارکستر، از همان جا کاریکخورده ناجور شد. تصور کردند حتما باید در آن آواز بود. حالا آواز مرکب شعر شده است ارکستر يك حالت دیگر دارد و بیشتر ارکسترهای خارجی بدون آواز هم خیلی جالب هستند. حالا در ایران ارکسترهایی که خواننده نداشته باشد در نظر مردم ناقص است. عادت این شده است و البته عادت خوبی هم نیست. از آن گذشته آنچه که درباره شعر گفتید باید بگویم حالا این طور شده، شعر به آواز تسلط دارد اما سابق اینطور نبود. سابق آواز به شعر سوار بود. شعر مرکب آواز بود. حالا آواز مرکب شعر شده است به عکس سابق که روی اشعار استادان بزرگ مانند حافظ و سعدی و نظامی آهنگ می‌ساختند، حالا این آهنگهاست، می‌گویند روی آن شعر بسازید.

بنده که زیاد موافق نیستم و هر آهنگی برای آواز زده شود، موسیقی بدون شعر و آواز به تنهایی هم جالب است. ولیکن چون گوش مردم عادت نکرده زیاد مورد پسند نیست. گاهی در رادیو و تلویزیون البته بدون خواننده موسیقی هست، ولیکن مثل

اینکه آن آهنگی که خواننده دارد بیشتر مورد قبول مردم است. آنهایی که اهل موسیقی هستند، حالا خواه نوازنده باشند خواه نباشند، به خود سازها بیشتر مایل هستند تا به آواز. در این مطلب دو صورت میتوان دید. يك وقت هست که خواننده همپایه با نوازندگان است همه باهم به يك وضع و در يك ردیف جلو می‌روند و این خوب هست. يك وقت هم هست که خواننده مطابق ارکستر نیست. در این صورت نامتوازن و ناهم آهنگ و بد است. عده‌ای از جوانان که هنوز مایه نگرفته‌اند آنها را جور می‌کنند. تا اشخاص قدیمی آواز بخوانند. حالا اگر او بخواهد ساز خودش را بزند آوازخوان چکار می‌کند؟ زیرا چیزیکه او می‌خواند درست نیست. چیزی که نوازنده در عرض چهل پنجاه سال می‌داند، آن تازه کار که نمی‌تواند در عرض ششماه بلد شده باشد، این است که اگر بخواهد جواب او را بدهد ساز هم خراب می‌شود، اگر بخواهد جواب او را بدهد، هر که گوش بدهد می‌گوید اینها که باهم جور نیستند، او دارد يك چیز می‌خواند، نوازنده دارد چیز دیگری می‌زند، این هم يك عیبش. اگر خواننده‌یی که تصنیف و یا آواز می‌خواند بانوازنده در يك سطح باشد و به يك ورزیدگی باشد، خوب است بد نیست، شاید هم خیلی بهتر باشد از این که فقط ساز تنها باشد. و لیکن آن عیبی که شما می‌گویید به دلیل این است که اکثر خواننده‌های ما هنوز مبتدی هستند (البته غیر از قدیمی‌ها) قدیمی‌ها را که کمتر می‌پسندند. شنونده امروزی اگر يك استاد قدیمی بخواند می‌گوید او که آوازش



را خوانده و حالا دیگر چرا می خواند؟ در حالیکه موقع خواندن او حالا است. او حالا خوب شده، حالا یاد گرفته، حالا موقعی است که بتواند آواز بخواند و هنرش را نشان بدهد ولیکن نمی پسندد. باید کی بخواند، آن کسی که ناشی است، ناشی هم که می خواند بانوازنده های قدیمی در یک سطح نیست؟

تلاش - خوب این يك توهين به شما و ساز شما است. اینطور نیست؟

استاد بهاری - بنده بارها به آقایان عرض کردم که اگر آدمهای هم سطح را با هم بگذارید کار کنند بهتر می شود. اگر چهار نوازنده جوان برای آواز خوانان جوان جور بکنید بهتر از این است که دو نفر از استادان را با آنها قاطی بکنید چون نه جوان ها به استادان می خورند و نه استادان به جوانان می خورد. اگر آن جوانها با خواننده های جوان بزنند خیلی بهتر می شود. ما دیده ایم در کنسرتهايي که داده اند، کارشان بهتر می شود. عیش آقا، ناجور بودن است. اگر چهار نفر که با هم چهل، پنجاه سال سابقه ساز زدن و آواز خواندن دارند با هم کار کنند نتیجه چیز دیگری خواهد بود. آن کسی که پنجاه سال کار کرده به هر حال چیز دیگری غیر از آنکسی که ۵ سال است ساز می زند، می نوازد. ممکن است که ساز آن نوازنده ۵ سال کار کرده خیلی هم شیرین و خوب باشد اما باز مدت نواختن و کارچیز دیگری است. اینها با هم جور نمی شوند، و اگر هم با هم بزنند هر دو ناقص خواهد بود.

تلاش - یکی از دلایل اندوهگین و غم انگیز بودن موسیقی ایرانی و اصولاً موسیقی شرق را روحیه اندوهگین و مصیبتهاي بسیاری که بر سر ملل شرق وارد آمده است دانسته اند. به نظر شما آیا این دلیل درسی است و آیا اصولاً موسیقی ایرانی را يك موسیقی غم انگیز می دانید؟

استاد بهاری - خوب این یکی از دلایل است ولی همه دلایل نیست. البته فجایع و جنایت مثلاً مغولها که در تاریخ به آن وحشتناکی شرح داده شده بی تأثیر نمی تواند باشد و لیکن نمی تواند فقط این باشد. باید قبول کرد که اصولاً هر چیزی را که واقعی تر و راست تر باشد حتماً جنبه غم آن بیشتر از شادی آن است. ولی اینکه درست موسیقی ایران را غم انگیز بدانیم، اینطور نیست. مگر آنکه يك حالت حزن و اندوه به آن بدهند مثلاً اگر يك آهنگی را روضه خوان طوری بخواند که همه اندوهگین بشوند و طوری آن گوشه ها را سوزناك می کند که همه گریه می کنند. همین آواز را ممکن است يك خواننده دیگر خیلی شاد بخواند، مثلاً آواز شوشتری منصورى و یا ابوعطا را که به اصطلاح بیشتر حزن انگیز است و یادشنى را يك خواننده ممکن است خیلی شاد بخواند و دیگری برعکس. اگر خواننده افسرده دل است و ناراحتی دارد در آوازش ناله و حزن خواهد

داشت و این روی موسیقی تأثیر می گذارد. تلاش - ولى مقصود ما، استاد بیشتر روی سازهای ایرانی بود و نه آواز، مخصوصاً ساز شما که يك صدای عجیب درد آلود و غم انگیزی دارد و اصلاً اجرا شدن آن در کنار و همراه مثلاً تنك و یاسنور صحیح و عادلانه نیست.

استاد بهاری - خوب در مورد کمانچه باید بگویم که این بیشتر خاصیت ساز های آرشه يي است که بیشتر حالت حزن دارد تا سازهایی مثل تنك و سنتور که ضربی و مضرابی هستند. و واقعاً هم چیزی که اثر داشته باشد حتماً يك سوزی دارد. اگر سازی اصیل باشد انسان را طبیعتاً از حالت خودش خارج می کند. در ضمن به شنونده هم بستگی دارد. شنونده اگر خودش شاد باشد آهنگ ساز من او را زیاد دچار نحس نمی کند ولی اگر خودش آدم غمگینی باشد فوری به گرفتاری او اضافه می شود.

تلاش - خود شما چطور فکر می کنید. سازتان غم انگیز است یا شاد؟

استاد بهاری - فکر می کنم هم می تواند شاد باشد و هم غم انگیز. البته در حالتی که واقعاً ساز خود مرا هم از حال عادى خارج کند و روی من تأثیر داشته باشد، نمی تواند شاد باشد، این حالت من را هم نمی شود گفت غم و اندوه آن يك حالتی است که واقعاً من دیگر هیچ چیزی را دور و بر خودم حس نمی کنم.

تلاش - آیا شما وقتی در تلویزیون و یا در مجلسی ساز می زنید، در آن مجلس حضور دارید و مردم را می بینید و یا اینکه واقعاً از همه چیز آن مجلس فارغ هستید و واقعاً دردنیای خود سیر می کنید؟

استاد بهاری - در کنسرتها، اگر توجه به مردم باشد ساز خوب اجرا نمی شود. باید از توى مردم بیرون آمد باید واقعاً به فکر خودم باشم. نگاهم باید به خودم باشد. اگر نگاه هم می کنم باید به مردم نگاه کنم. اگر بخوام به آنها توجه داشته باشم نمی توانم ساز بزنم. در تلویزیون هم من در عالم خودم هستم بیشتر نوازنده ها که می خواهند واقعاً در خودشان باشند چشمشان را می بندند، ولیکن اگر حالا چشم را بیندیم می گویند و فکر می کنند در خواب هستیم، در حالیکه در آن وقت که چشم بسته است موسیقی بهتر اجرا می شود، بهمین دلیل که گفتم مجبوریم چشممان را باز بگذاریم و زلزل نگاه کنیم. اما اگر چشم به روشنایی نباشد حالت نوازنده بهتر می شود. اساتید قدیم هم چشمشان را می بستند حالا در ارکسترها که هیچ نمی شود اینکار را کرد. بعضی جاها چراغها را خاموش می کنند که حال نوازنده بهتر بشود، البته بهتر می شود ولی حتماً لازم نیست، روشنایی زیاد هم برای نوازنده خوب نیست. در تلویزیون هم دلیل اینکه نمی شود زیاد خوب ساز زد برای نور زیادی است که در چشم

نوازنده می افتد.

تلاش - آیا به نظر شما ترکیبی که الان در ساز کمانچه و سنتور و تار و تنك درست کرده اند ترکیب درستی است و فکر می کنید که این سازها در يك هوا و حال هستند؟ اصولاً برای ساز کمانچه دستگاهها و گوشه هایی انتخاب شده و مشخص شده که در آن گوشه ها ساز شما بهتر و جالبتر و صحیح تر است یا اینکه همه دستگاهها را با کمانچه می توان نواخت؟

استاد بهاری - البته اگر ترکیب نکنند خیلی بهتر است. اما ببینید، در ارکستر طوری صدای سازها را تنظیم می کنند که میزان صدای همه سازها در يك ردیف و سطح شنیده شود. سازی مثل قره نى بسیار پر صداست در حالیکه سه تار کم صداست، در تنظیم ارکستری طوری آنها را میزان می کنند که صدای قره نى را کم می کنند و آنرا از میکروفون دور می گذارند و یا صدای میکروفون را می بندند در حالیکه برای سه تار بعکس عمل می کنند تا صداها در يك سطح قرار بگیرند در این صورت قره نى و سه تار هر دو به يك صورت شنیده می شود. ولیکن اگر بخواند صدای سنتور روی عمل واقعی خودش ضبط شود و بگوش برسد دیگر صدای ساز های دیگر ارکستر شنیده نمی شود. پس صدای سنتور را کم می کنند. در مورد انتخاب آهنگ برای سازهای مختلف هم باید بگویم وقتی آهنگ تنظیم شد هر قسمت را که به يك ساز بخورد و بایك ساز جور باشد جدای می کنند. قبلاً یکدفعه می زنند و بعد تصمیم می گیرند که مثلاً این قسمت برای فلان ساز و آن قسمت برای فلان ساز مناسب است اینها همه از اول تعیین می شود.

تلاش - استاد شما از کدام يك از سازها بیشتر خوشتان می آید؟

استاد بهاری - منظورتان ساز های ملی خودمان است؟

تلاش - بله.

استاد بهاری - من از همه ساز های ملی خودمان خوشم می آید برای بنده تفاوت ندارد، هر کدام را که خوب بزنند دوست دارم.

تلاش - ولى مثل اینکه کمانچه يك ساز بسیار صمیمی و دوست داشتنی است اینطور نیست.

استاد بهاری - همه ساز های ایرانی دوست داشتنی هستند. من منظور شما را می فهمم. منظورتان این است که کدام سازها صدایشان خوب در می آید و کدام بد؟ يك سازی هست که طبیعتاً صدا دارد، مثل سنتور که خودش صدا دارد. يك آدم مبتدی هم وقتی مضراب را روی سیم سنتور بزند می تواند صدا از آن در بیاورد، البته مبتدی صدای خوب بعمل نمی آورد، و لیکن رویهمرفته سنتور صدا دارد. اکوردئون مثلاً صدا دارد، پیانو صدا دارد، اما کمانچه و

که خود آن در حال اصلی و طبیعی بود نخواهند شد. خوب مثل اینکه ما يك سكه قدیمی را بیاوریم و كناره های آن مروارید نصب كنیم، دیگر این چیز همان سكه اول نخواهد بود، يك سینه بندی، گوشواره یی شده ... ولی سكه قدیمی همان بود که اول بود.

تلاش - استاد خاطرات سفر خودتان را به اروپا برای ما بگویید و اینکه آیا اروپاییان موسیقی ایرانی را در آن سفرها فهمیدند و استقبال کردند یا خیر، و اصلا

شود ولی اگر بخواهند به جای آن چیزی درست کنند امکان ندارد. تلاش - ما شنیده ایم که يك موسیقیدان ایرانی مدتهاست شروع کرده به هارمونیزه کردن و جمع آوری موسیقی محلی ایرانی. شما مثل اینکه زیاد با این کار موافقتی ندارید؟

استاد بهاری - خوب می شود آنرا جمع آوری کرد و این کار خیلی خوبی هم هست. برای ارکستر هم می شود آنرا درست کرد و شنیدنی هم خواهد شد و لیکن آن چیزی

ویلون خود به خود صدا ندارند خیلی مشکل است که از این آلات صدای خوب بیرون کشید. در میان ساز هایی که ما داریم به ترتیب می توان از سنتور، سه تار بعد تار، بعد ویولون صدای خوب در آورد. ویولون یکی از ساز های خارجی است که به سختی می توان از آن صدا در آورد. از آن بدتر کمانچه است که خیلی خروخرو دارد و اگر نتوان خوب آنرا عمل آورد صدای خیلی بدی دارد. بدترین سازی که نوازندگی آن مشکل است همین کمانچه است. یکنفر که پنجسال است سنتور می زند با آنکه پنجسال است کمانچه می زند قابل مقایسه نیست. اما آنهایی که اهل موسیقی هستند حساب کار دستشان است و می دانند که صدا در آوردن از این ساز خیلی سخت است و روی همین اصل ساز او را می پسندند اما اگر حقیقتش را بخواهید صدای يك ساله سنتور از صدای ده ساله کمانچه بهتر بگوش می رسد؛ چون سنتور هفتاد سیم دارد و روی هر کدام که بزنند صدای خوب دارد غیر از چهارتا سیم کمانچه است که اگر به اندازه يك مو كم و زیاد کشیده شود صدای بد دارد و كوكش هم باید كاملا میزان باشد. تازه اگر كوك هم باشد و آرشه کمی شل و سفت کشیده شود بد صدا می شود. هزار مكافات دارد. حالا بنده نمی خواهم از ساز خودم بد بگویم و یا تعریف كنم ولی اگر کسی کمانچه زد و شما همین قدر توانستید تحمل كنید و گوش بدهید حتما خوب می زند.

تلاش - آیا واقعا موسیقی آن موقع ارزش دارد که بتواند حال عادی انسان را تغییر بدهد؟

استاد بهاری - بله، از اساتید فن بوده اند کسانی که سازشان واقعا انسان را از حال عادی خارج می کرده. استادانی مثل، استاد درویش خان و استاد حسین خان اسماعیل زاده و رضا خان محجوبی واقعا انسان را دگرگون می کردند.

تلاش - استاد آیا خود شما علاقه یی به موسیقی محلی ایران دارید و آیا خود شما در این زمینه کوششی و کاری کرده اید؟

استاد بهاری - بنده کاری نکرده ام احتیاجی هم نیست. من خیلی به این موسیقی مایل هستم چون اصل است. موسیقی محلی ما اگر ساخته نشده و کسانی در آن دستکاری نکنند بسیار با ارزش است، من آنرا خیلی دوست دارم چون حقیقت دارد، چیزی است که جاویدان است و هیچوقت از بین نمی رود. یعنی اگر می خواست از بین برود هیچوقت تا به حال نمانده بود و از بین رفته بود. موسیقی محلی در قسمت کردها زیاد داریم، در فارس و در بنادر و بلوچستان هست. اینها تمام آهنگهایی است که اصالت و حقیقت خودش را دارد، شاید باقی مانده از دوره ساسانیان و از زمان پارت و نکیسا باشند در این آهنگها دو یا سه تکه بیشتر عوض نمی



شما در کدام کشور ها و شهر ها برنامه اجرا کردید ؟

استاد بهاری - در دو سال قبل از طرف فرانسه و آلمان دعوتی شد تا آلمان هم شاید خود خارجی ها موسیقیدانان ایرانی را دعوت نکرده بودند، شاید این دفعه اول بود، قبلا هروقت موسیقیدانان ایرانی به اروپا رفته بودند از طرف دانشجویان ایرانی و یا ایرانیان مقیم دعوت شده بودند. این بار از طرف خود فرانسویان و آلمانی ها دعوت شدیم ما اول به پاریس رفتیم، ارکستر ما پنج نفر بود. آقای حسین قوامی خواننده آقای حسین تهرانی نوازنده ضرب، آقای فرهنگ شریف نوازنده تار و آقای منوچهر جهاننگلو نوازنده سنتور و خود من هم نوازنده کمانچه. در پاریس يك دو سه شب استراحت کردیم. بعد چون هنوز کنسرت ساز های ایرانی در آنجا سابقه نداشت و نمی دانستند استقبال خواهد شد یا خیر قرار شد در سالونی که کنار سالون معروف ادئون است ما برنامه های اول خودمان را اجرا کنیم و اگر استقبال شد برای اجرای کنسرت شبهای بعد به تالار ادئون برویم و آنجا برنامه اجرا کنیم. دو شب که ما کنسرت دادیم شورش دانشجویان فرانسه شروع شد که خیلی طول کشید و تمام قسمتهای فرانسه تعطیل شد. ما آنجا مانده بودیم این ماندن مارا از برنامه های دیگری که داشتیم عقب انداخت، هنوز سه شب دیگر هم در فرانسه کنسرت داشتیم. بعد یکجای دیگر را از طرف یونسکو درست کردند که ما سه شب هم در آنجا کنسرت دادیم که پنج شب تکمیل شد. بعد دیگر وقت آن رسیده بود که هر چه زودتر و مستقیم به برلن در آلمان برویم، چون وقت برنامه ما در آنجا رسیده بود و هیچ وسیله ای هم نبود که ما مسافرت کنیم. نه قطار بود و نه قطار. چند اتوبوسی از پاریس به بلژیک می رفت که یکی از آنها برای ارکستر ۵ نفری ما کرایه شد و ما با آن اتوبوس رفتیم بسوی بلژیک در بروکسل وسیله وجود داشت. از آنجا با قطار رفتیم به فرانکفورت آلمان و از آنجا با قطار رفتیم به برلن. ساعت ۹ شب رسیدیم برلن. در آن قسمتهای جنگل که از شهر دور است يك هتل خیلی خوب و مناسب برای ما حاضر کرده بودند. پانزده شب هم آنجا بودیم. پنج کنسرت هم در سالونهای مختلف برلن اجرا کردیم. هم در پاریس در تلویزیون و رادیو شرکت کردیم و هم در برلن. وضع ما به کل عوض شد به طوری که اصلا آن دیدی که راجع به موسیقی ما داشتند دیدند اصلا چیز دیگری است. جمعیت شب اول که ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بود یکدفعه به هزار نفر رسید. سال بعد هم دو مرتبه به فرانسه دعوت شدیم این دفعه از اینجا دو نفر رفتیم و بعد هم یک نفر از تهران آمد و یک نفر هم در آنجا با ما همکاری کرد. یکی من بودم و یکی آقای فرهنگ شریف.

صفحه چهارم

آنجا هم آقای جمشید شبانی که از شاگردان آقای تهرانی است و خوب می نوازد با ما همکاری کرد. آقای حاج علی خان شهنازی هم آمد و چهار نفری در فستیوالی که در ۸۰۰ کیلومتری جنوب پاریس در فرانسه بود شرکت کردیم. در این فستیوال ما دو برنامه اجرا کردیم که خیلی مورد توجه قرار گرفت کار ما تمام شده بود ولی مقامات فرانسوی گفتند ما برای شما در پاریس کنسرت گذاشته ایم به هر حال ما یکماه در پاریس ماندیم که یازده شب هم در پاریس در سالونهای مختلف کنسرت داشتیم اول بار دویست و سیصد نفر بودند که کم کم به هزار نفر رسید، بقدری این دفعه از ما استقبال کردند که یکساعت و نیم قرار کنسرت يك شب ما به سه ساعت و نیم رسید و باز هم جمعیت از صندلی ها بلند نمی شدند و می گفتند تا ما نشسته ایم شما برای ما ساز بزنید. از ما خیلی استقبال شد. و گفتند که از این بعد کنسرتهای شما را خیلی بزرگ درست می کنیم. این دفعه مقداری هم از فروش بلیط به ما سهم دادند، به هر کدام ما پنج شش هزار فرانک سهم کنسرت دادند.

تلاش - استاد خواهش می کنم حالا از خاطرات خودتان در مورد نوازندگی با خوانندگان معروف قدیمی که با آواز آنها صدای گدامیک آنها بیشتر خوششان می آید؟ استاد بهاری - عرض کنم در زمان بچگی فقط چند خواننده بودند که نمیدانم چه بگویم آنقدر آنها شهرت داشتند که دیگر هر چه من بگویم کم است. مثل همان مرحوم علی خان نایب السلطنه که خواننده یی بود که شاید در این زمان مثل اوبان وضع و قدرت اصلا نباشد و یا اگر هم باشد به آن معلومات نباشد. حالا هم هستند آقایانی که استاد هستند. اما اثر صدای آنها در ما طوری بوده که دیگر فکر می کنم مثل آن نیست، شاید هم بهتر از آن باشد به هر حال خواننده ای مثل علی خان نایب السلطنه واقعا شوکتی بود. خواننده دیگری به اسم آقای سید حسین طاهر زاده که واقعا اول خواننده درست بخوان بود و کاملا هر قسمت آواز او يك تابلویی بود که فکر نمی کنم نظیرش آمده باشد. در ضمن چند خواننده خوب هم در اصفهان بودند که من آنها را ندیدم اما اسمهاشان را شنیدم. جز یکی از آنها را که بنده دیدم به اسم مرحوم شهاب که خیلی خوب بود و آقای تاج که بسیار عالی هستند و آقای ادیب خوانساری که همه اینها در زمان خودشان عالی بودند. برای ما واقعا صدای آنها بهتر از امروزی ها است. آنوقت ها هم جوری بود که آنها تا استاد نمی شدند در محافل آواز نمی خواندند. تا خواننده تکمیل نمی شد نمی خواند. نوازنده هم تا تکمیل نمی شد نمی زد. قدرت نداشت که بزند حالا اینطور نیست. در ارکستر ها قاطی

می شوند و به آنها ترانه ای می دهند و آنها هم آنرا می خوانند. چون آن ترانه يك چیز ساخته و پرداخته است او هم می تواند آنرا بخواند. فقط همین يك ترانه را می تواند بخواند دیگر چیزی پشت آن نیست، اگر بخواهد چیز دیگری را بخواند باید دو مرتبه آنرا یاد بگیرد. ولی در سابق ده سال حداقل کار می کردند و تعلیم می گرفتند تا آواز بخوانند خواننده همه چیز بلد بود. حالا عده ای از خواننده ها در ضمن خواندن یاد می گیرند. خانم قمرالملوک وزیری مثلا استاد بود خانم روح انگیز و ملوک ضرابی هم تعلیم گرفته بودند. اینها از بچگی در راه تعلیمات موسیقی بودند و از اساتید موسیقی مشق می گرفتند و وقتی به میدان آواز آمدند دیگر تکمیل بودند. سابقا هم خانم های خواننده دیگر بودند اما در جمعیت مردم ظاهر نمی شدند. خانم هایی بودند که توی اندرون ها می خواندند یعنی در مجلس های زنانه می خواندند.

تلاش - استاد شما در مورد صدای مرحوم ظلی چطور فکر می کنید؟

استاد بهاری - صدای ظلی که کم نظیر بود. اولاً مدتهای خیلی زیادی زیر نظر استادان موسیقی تمرین موسیقی می کرد و بعد از آنها همیشه با استادان و نوازندگان معروف معاشر و دم خور بود، آنها می زدند و او گوش می کرد، تمرین خیلی مهم است.

تلاش - شما با کدام يك از این خوانندگان قدیمی که اسم بردید نوازندگی کرده اید؟

استاد بهاری - والله با اکثرشان، با آقای ادیب خوانساری که باهم سالها معاشر بوده ایم. با آقای تاج هم که از اساتید واقعی هستند بنده مدتی همکاری داشتم. از جدید تر ها آقای بنان، که خودشان استاد شده اند و خیلی خوب می خوانند و موسیقیدان واقعی هم هستند، با مرحوم حسن خان اصفهانی که فامیلش غضنفری بود ساز زده ام با حسن خان لحنی که خواننده بنام بود کار کرده ام.

تلاش - از میان کسانی که قبل از شما کمانچه می نواختند، ساز کدام را دوست دارید؟

استاد بهاری - در قسمت کمانچه که از چهل سال به اینطرف کسی نبوده و اگر کسی بوده از چهل سال به آنطرف بوده. آنموقع استادان ما بودند که اکثرشان خوب بودند. همان دائی های من که استاد بودند و دو نفر دیگر به اسم علی رضا خان چنگی که کمانچه می زد و تا ۴، ۵ سال پیش هم زنده بود و یکی هم که تا سال پیش حیات داشت به اسم آقا رضا خان باربد که خیلی خوب کمانچه می نواخت از همه اینها بالاتر همان حسین خان اسماعیل زاده بود که استاد مسلم بود و تمام آقایانی که الان هستند شاگرد او بودند. این استاد با ما نسبت فامیلی هم داشت با استاد های من هم رفت و آمد زیاد داشت

او از ساز من خیلی تعریف می کرد و هر وقت این اشخاص با هم بودند باینکه آنها سالمند و من بچه بودم حسین خان بمن می گفت ساز را بردار و بزن و بعد به دایمی ها می گفت خوب شده . ساز اسماعیل زاده یکی از خاطرات بسیار خوش بنده هست که تکه های واقعا شاهکاری در کمانچه داشت اسماعیل زاده هر جا که بود اساتید موسیقی از دست او در می رفتند آنها می گفتند حسین خان که هست ما جلوه نداریم زیرا خیلی قوی بود .

تلاش - حالا بفرمایید در کجا فعالیت های موسیقی و نوازندگی شما متمرکز می باشد ؟ شنیده ایم که در دانشگاه تهران ، دانشکده موسیقی ، هم درس می دهید آیا در آنجا شاگردان خوبی دارید و محیط فعالیت های شما برایتان زنده و دوست داشتنی است ؟

استاد بهاری - همانطور که اول هم عرض کردم از سال ۱۳۳۲ برای نواختن کمانچه به رادیو ایران دعوت شدم . و چند سال کمانچه زدم ، بعد مرحوم روح الله خالقی ارکستری تشکیل داد و من را در آن ارکستر شرکت داد ، این ارکستر در هنرستان موسیقی تشکیل شده بود و بایستی در آن ساز های ملی ایرانی شرکت می کرد ، بغیر از قره نی که مرحوم وزیر تبار می زد . در ضمن در همین هنرستان موسیقی مرحوم خالق مرا خواسته بود که کمانچه تدریس کنم . بعد ها یک ارکستر هم برای هنرهای زیبا درست شد که من هم در آن هفت هشت سال ساز می زدم . در سال های اول که تلویزیون ثابت شروع بکار کرد هر ۱۵ شب یک دفعه ارکستر ما در آنجا می نواخت (البته آنوقت زنده پخش می شد) .

بعدا طوری شد که دیگر نخواستم بروم هنرستان چون یک عده از شاگردان خودم از هنرستان به دانشگاه آمده بودند دانشگاه از من دعوت کرد که باشاگردانی که کمانچه زده بودند و لازم بود ادامه دهند کار کنم این بود که مرا به دانشگاه دعوت کردند ، در اینجا چند نفری بامن کار کردند که سه یا چهار نفر دستشان راه افتاده و خودشان کمانچه می زنند و چند تائی هم در شرف زدن هستند .

دو سال پیش ما در جشن هنر شیراز شرکت کردیم . بعد قرار شد همان ارکستر در تلویزیون شرکت کند از طرف تلویزیون دعوت شدیم حالا سال سوم است که در تلویزیون ملی جزو ارکستر ساز های ملی هستم و با آقایان نوازندگان دیگر ، سه نفر یا چهار نفر ، برنامه دارم و چند نوبت در ماه هم تکنوازی می کنم .

تلاش - آیا شما به طور کلی ویولون را کنار گذاشته اید و دیگر آنرا نمی نوازید و اگر می نوازید آیا استیل نواختن شما از نظر آرشه کشی از استیل های امروزی است یا به همان استیل قدیمی استادانی مثل رضاخان محجوبی آرشه به دست می گیرید ؟ استاد بهاری - خوب اول به طرز قدیم

بود . بعد هم زحمت کشیدم که بطرز امروزی دست بگیرم . البته از آن زمان بعد ویولون هم زده ام اما کمتر زده ام چون هر جا بنده را خواسته اند با کمانچه خواسته اند . گاهی در منزل و یا بارفقا که هستم و از من بخواهند ویولون می زنم .

تلاش - از شاگردان شما کسی هست که در مجالس و تلویزیون و رادیو بنوازد ؟ استاد بهاری - الان سه نفر را بنده می دانم که دیگر می توانند تان نوازی بکنند و دستشان خیلی خوب است ، یک چند نفر هم در دانشگاه است که امسال بگذرد می توانند در ارکسترها ساز بزنند . و در ارکسترهای فرهنگ و هنر هم از شاگردان من هستند .

تلاش - قبلا شما گفتید در تلویزیون کلاس آوازی تشکیل شده آیا کلاس ساز های ملی هم تشکیل شده یا خیر ؟

استاد بهاری - در تلویزیون تا آنجا که من اطلاع دارم یک کلاس سولفژ هست که در آنجا باید نت ها را بشناسند و نت بخواهند . یک رشته هم که تعلیم آواز اصیل خودمان است ، مثل اینکه فعلا کلاس نوازندگی نیست . کلاسی هم برای موسیقی غربی به اسم ارکستر مجلسی هست که تعلیم میدهد بیشتر از این برای تلویزیون احتیاجی هم نیست . خوب اگر کسی بخواهد می تواند در هنرستان های موسیقی ملی ساز یاد بگیرد . تلویزیون فقط باید نوازنده های حاضر و آماده را بخواهد که برنامه اجرا کنند . راجع به خواننده ها هم که تلویزیون کلاس گذاشته چون فعلا خواننده کم هست لازم است نه از خودش خواننده داشته باشد . و البته از این عده صد نفری که الان شاگرد کلاس آواز هستند همه اینها را که نکه نمی دارد . البته شاید از این عده ای چهل نفر خوب باشند و خواننده بشوند ، کمان نمی کنم به بقیه احتیاجی داشته باشند .

تلاش - استاد شما اهل کجا هستید ؟

استاد بهاری - زمان قدیم جدمان ، تاجر بوده و به تهران آمد . آنوقت تهران یک جای خیلی کوچکی بود و فقط چند کوچه خیلی دراز بود که بهم وصل می شد و دیگر خیابانها و میدانها در دار نبود . بنده خودم یادم است که در جوانی یک نفر از رفقا یک خانه ای درست کرده بود در این جایی که الان مریضخانه اشپخ هادی است نزدیک خیابان سپه . اینجاها همه بیابان بود . او یک منزلی درست کرده بود وسط این بیابان و یک بشکه بزرگ داشت که در آن آب می ریخت و هر سه چهار روز یکبار از قنات آب فرمانفرما آب می آورد و توی آن می ریخت و یک چند روزی راحت بود بعد فرار بود که یک سوری بدهد ، یک مهمانی بدهد . همه یکشب منزل عباس خان دعوت شدیم . گفتیم خونه را که بلد نیستیم وسط بیابان است و کم می کنیم . قرار شد ساعت ۷ شب جلوی یک فصای ده در روبروی مسجد مجدد در چهارراه حسن آباد بود و همه می شناختند جمع بشویم و از آنجا همگی با درشکه برویم ساعت هفت شب که آمدند اینجا همین چهارراه حسن آباد اول یک بیابان بود .

یک چراغ بادی روشن کردند و افتادند جلو و از توی سنگلاخها و بیابانی راه افتادیم که برویم برسیم به منزل عباس خان . وقتی رسیدیم اینجا دیگر هیچ خانه ای نبود . فقط همون یک خونه بود و یک باغی هم انطرفها بود که بعدها شد مریضخانه اشپخ هادی . دیکه باقی همه اش بیابان بود . از چهارراه حسن آباد به بالا تاجایی که حالا آتش نشانی است مزار بود . از اینجا به بالا دیگر بیابان بود . بر کشن باهمان فانوس آمدیم نابریم خیابان مسجد مجدد ، اینجا تازه درشکه پیدا کردیم . بله ، تهران از این سرچشمه که نمی دانم پامانر اینجاها می آمد سواره امین حضور و خیابان ری و می آمد بازارچه نایب السلطنه و اسماعیل پراز و می آمد تا خیابان خیام و می آمد توی میدان سپه و خیابان چراغ برق . این تهران بود . این که می گویم تازه زمان بچگی و جوانی خودم هست که مثلاً ۴۵ سال پیش است . حالا ببینید وقتی جد من به تهران آمد حتماً یک ده کوچک بوده است . تا پدر و مادرم هم کسی ساز نمی زد و پدر مادر من وقتی کوچک بود به سن پنج شش سالگی پدرش فوت می کند و مادرش هم خیلی جوان بود آنوقت یک کسی بوده به اسم مرشد ابراهیم نامی که پهلوان ناصرالدین شاه بوده و به مرشد معروف شده بود . کسی بوده که تمام فنون ورزشکاری را بلد بوده . او با پهلوان یزدی کشتی می گرفته و پهلوان یزدی نمی توانسته او را زمین بزند ، چون کوچک بود و از دست پهلوان در می رفت و شاه از او خوشش می آمد ، این مرشد در ضمن اهل طرب و موسیقی دربار ناصرالدین شاه هم بوده و به اصطلاح رئیس بوده . این مرشد که مادر بزرگ ما را گرفته ، پسر او هم می شود پسرش ، دیگر او را می برد پیش اسماعیل خانی که استاد کمانچه بوده به او کمانچه یاد بدهد . سپس او را از تجارت می آورد بیرون کمانچه را یاد این علی خان می دهد و کم کم او بزرگ می شود و نوازنده همان دربار می شود . خیلی معروف می شود و بقدری قوی می شود که دیگر خیلی مورد پسند قرار می گیرد (حسین خان اسماعیل زاده که گفتم شاگرد همین علی خان که جدما است بوده) بعد هم ظل السلطان به او تمایل پیدا می کند و وقتی حاکم اصفهان می شود ساعت ۳،۲ از شب رفته یک کالسکه می فرستند به جایی که ما بودیم (بوذرجمهری می گفتند . خیابان نبوده کوچه سقاخانه نوروز خان معروف بود) و او را به کهریزک بردند . دوشب دیگر آنوقت اردو می رود به کهریزک و بدهم او را به اصفهان برد . این قضیه البته مال زمان بچگی ما است یا اصلاً شاید ما نبودیم قضیه شاید مال ۶۰ سال پیش است بعداً من تا وقتی ۱۲ سالم بود پدر مادری ما رنده بود و من پیش او سه یا چهار دستگاه یاد گرفتم . ماهور و سه گاه و شور را نزد او یاد گرفتم . بعد که او فوت کرد پسرهایش که دایمی های من بودند مرا تعلیم دادند .

تلاش - خیلی متشکر هستیم استاد خداوند به شما سلامتی و عمر دراز بدهد . صمیمانه و محبت آمیز



سرور دریا

کاغذ

منابع اولیه عظیم و گرانبها جهت تاسیس کارخانه کاغذ سازی در ایران

عبدالله عبدالمهی

دبیرستانها ، دانشکده ها و سازمانهای علمی و اداری ، وزارتخانه ها و شرکت های صنعتی و بازرگانی و فنی و سرانجام کتابخانه ها و مغازه های مختلف به صورت های کتاب ، روزنامه ، مجله ، نقشه ها و کاغذ های بسته بندی ، کاغذ های سیمانی و لفاف و انواع خاص کاغذ خشک کن و غیره می بینیم ، هرروز به مصرف آن بطور تصاعدی افزوده شده است .

اگر منحنی نمایش مصرف کاغذ را ترسیم کنیم در زمان کوتاهی از صفر بسوی بی نهایت گراییده است . با آنکه میزان مصرف کاغذ در هر کشور بامیزان درصد باسوادان و پیشرفت های علمی و صنعتی آن نسبت مستقیم دارد ، بدلیل نیاز مبرم کشور به کاغذ و با توجه به مواد اولیه فراوان در ایران در صورت تاسیس کارخانه کاغذ سازی مبالغ هنگفتی ارز در داخل کشور ذخیره شده ، عده زیادی نیز اعم از مهندس و کارمند

تشکیل می داد .

اولین سازندگان کاغذ ، چینی ها بوده اند و از آنجا به دیگر نقاط عالم برده شده است . پاپیروس ابتدا در مصر استعمال شد و از آن پس در سرزمین های دیگر نیز بکارش گرفتند . کاغذ چین از طریق ایران بوسیله سوداگران مسلمان به فرنگ حمل می شد . در گذشته کاغذ سمرقندی شهرتی خاص داشت و عربها پس از فتح این شهر با این صنعت آشنا شدند . وراقی و صحافی در دوره اسلامی در ایران و دیگر کشورها که به اسلام روی آوردند شغل پراراجی محسوب میشد و بازار های خاصی بنام « بازار وراقان و صحافان » وجود داشت . از وقتی که کاغذ ابتدایی ترین شکل مصرف خود را بعنوان وسیله نشر افکار و اندیشه ها و تجارب علمی بصورت نوشته بکار گرفت ، تا امروز که اشکال مختلف آنرا هر روز در کودکانستان ها ، دبستانها ،

قرون متمادی بر عمر بشر می گذشت و قادر به پرداخت وسیله ای که نیاز هایش را در آن ثبت و منعکس کند نبود . افسانه ها ، گذشته های خوش و ناخوش ، خواست ها آرزو ها و تجاربش را تنها بر لوح سینه مینگاشت و به آیندگان منتقل می کرد . تنها در پلهای از مرحله رشد توانست بر روی سنگ ، چوب ، گل پخته و خام ، برگ درختان ، فلزات و پارچه و پوست مکنونات خود را بنگارد . هندیان بر نوعی پهن برگان نبشه هایشان را می نوشتند و هنوز هم معدودی از هندوان بخصوص « تامیل » زبانان این برگ ها را بکار می گیرند . در ایران قبل از اسلام نیز بر روی سنگ و گل پخته می نوشتند .

آمده است که اوستا را روی ۱۲۰۰۰ پوست گاو نوشته اند . چند سال پیش باستان شناسان بر کتابخانه ای مربوط به عهد باستان دست یافته اند که کتابهای آنرا تنها آجر

و کارگر بکار گمارده می شوند . گویانکه اخیراً دولت ایران با دولت رومانی قراردادی بسته که کارخانه کاغذ سازی تأسیس گردد و اینک مراحل اولیه این طرح در جریان است ، آمار زیر که توسط مشاور عالی وزارت اقتصاد در سمینار جنگل ۱۳۴۷ داده شده گویای این واقعیت و نیاز است . کل واردات کاغذ و مقوا در سال ۱۳۴۵ ، ۱۷۶ میلیارد ریال بشرح زیر بود

کاغذ روزنامه	۴۱۳۳۶	تن
کاغذ لفاف	۲۹۳۷۹	تن
کاغذ سیمانی	۸۲۸۱	تن
کاغذ های خاص	۴۵۶۸	تن
خمیر کاغذ	۳۷۱۸	تن
کاغذ مقوا	۲۷۵۲	تن

درختان سوزنی برگ است که دارای الیاف طویل بوده ، مناسب این کار هستند . ولی با توجه به ارقام واردات ما علاوه بر کاغذ های مرغوب ، کاغذ های روزنامه و لفاف و کاغذ کرافت و غیره که امکان تولید آنها با پهن برگان موجود در ایران نیز وجود دارد مبلغ گزافی به عنوان ارز خارج می کنیم طبق مطالعاتی که کارشناسان ژاپنی و فرانسوی در ایران انجام داده اند از درختان

در داخل کشور گرفته می شود این است : برای احداث کارخانه کاغذ سازی که مواد اولیه آن از جنگل های شمال به خصوص راشتانه های ایران تامین گردد لازم است سطح وسیعی از جنگل ها به مساحت ۲۰۰۰۰۰ هکتار افتتاح گردد یعنی با احداث شبکه جاده های جنگلی و اجرای طرح های جنگل داری و تعیین امکان برداشت مقدار زیادی از جنگل بطوریکه به موجودیت آن آسیبی نرساند . با اجرای این طرحها علاوه بر تامین مصرف چوبهای مورد نیاز کارخانه سالیانه بالغ بر ۴۰۰ هزار متر مکعب الوار تولید خواهد شد . در حالیکه مصرف فعلی ایران در سال از ۸۰ هزار متر مکعب تجاوز نمی کند .

برای پاسخ به این ایراد متذکر می شویم که باستانهای جنگل های نزدیک بجاده که به منظور سودجویی پیمانکاران اکنون تبدیل به جنگل های مخروب گردیده و علت آن قطع بی نظم و شدید بوده است ، اکثر جنگل های خوب ایران هنوز بکر و دست نخورده باقی مانده اند و مقدار آن یک سوم جنگلهای شمال البرز یعنی در حدود یک میلیون هکتار است که اگر بحال خود رها کنیم سالیانه

مقدار قابل توجهی از چوبهای با ارزش مادر جنگلهای دور دست می پوسند و از بین می روند و این امر گزیر ناپذیر است جز اینکه کلیه جنگل های کشور را روزی تحت رژیم جنگل داری نوین اداره و بهره برداری کنیم . برای تحقق این امر احداث شبکه جاده ها حتمی و ضروری است . مقدار مخارجی را که بابت احداث جاده ها مصرف می کنیم با آسانی از محصولات تولیدی جنگل می توان جبران نمود و در مورد اضافه تولید الوار در هر سال می توان میز و صندلی و میل و کمد و تخت خواب و جالبارسی چوبی تولید و یا حتی مقداری صادر کنیم تا ناچار نشویم پروفیل از خارج خریداری کرده کالا های فوق را تولید کنیم . این امر دوامتیاژ مهم جهت اقتصاد ملی دربر دارد یکی اینکه ارز از کشور خارج نشده بلکه حتی مقداری به کشور پول وارد می شود ، دیگر اینکه مقادیر زیادی نیروی کار در داخل کشور بکار گرفته می شود . می توان چوبهای اضافی را بصورت تراورس درآورد که مورد احتیاج فوری کشور با توجه به تأسیسات فعلی در امر ایجاد شبکه راه آهن است . بنابراین افتتاح جنگل ها نه تنها باعث اضافه تولیدی که مورد احتیاج نباشد نخواهد بود بلکه می توان با آن صنایع چوب داخلی را توسعه داد یعنی با وارد کردن کارخانه تخته سه لا سازی و شوپان سازی ، تخته بشکه و غیره ساخت . باین ترتیب تامین مواد اولیه کارخانه کاغذ سازی از چوب های جنگلی ایران امکان پذیر است . با توجه باینکه سرشاخه ها و چوبهای افت کارخانه های آره کشی که

همچنین نامبرده مصرف کاغذ در سال ۴۵ و برآورد مصرف سال ۵۱ و درصد رشد سالیانه آنها را بدین شرح اعلام کرده است :

شرح	واحد	سال ۴۵	سال ۵۱	درصد رشد سالیانه
کاغذ روزنامه	تن	۱۳۰۰۰	۱۹۵۰۰	۷
کاغذ بسته بندی	»	۲۵۰۰۰	۴۰۰۰۰	۸
کاغذ تحریر و چاپ	»	۲۶۰۰۰	۵۲۰۰۰	۱۲
کاغذ مقوا	»	۲۶۰۰۰	۳۹۰۰۰	۱۰
کیسه سیمانی	»	۸۰۰۰	۱۲۰۰۰	۷
کاغذ های خاص	»	۸۰۰۰	۱۴۰۰۰	۱۰
جمع کل	»	۱۰۲۰۰۰	۱۷۶۵۰۰	۹

جنگلی ، راش و ممرزوزیرفون (نمدر) و از درختان جلگه ای توسکا و تبریزی و بید می توان بدین منظور استفاده کرد . نتیجه آزمایشهای آقای پرفسور استاد دانشکده مهندسی دانشگاه ژاپن و همچنین مقایسه راش ایرانی باراش ژاپنی برای کاغذ سازی به شرح زیر اعلام گردید :

نتیجه در مقایسه با راش ژاپنی بسیار رضایتبخش و در بعضی از موارد عالی تر از آن بود . با توجه باینکه از درخت های راش در ژاپن به عنوان مواد اولیه کاغذ سازی هم اکنون استفاده می نمایند . بعلاوه از متد های مختلف آزمایش ایشان که با مواد شیمیایی مختلف انجام گرفته است (تهیه خمیر نیمه شیمیایی از راش ایرانی با روش سولفیت خنثای سدیم ۶۱٫۶ درصد محصول خمیر بوده است) . اشکال دیگری که در تهیه مواد اولیه

با توجه به ارقام جدول مذکور ایجاد کارخانه کاغذ سازی در ایران اجتناب ناپذیر مینماید و صنایع کاغذ سازی از نظر اینکه جزو صنایع مادر است اگرچه در سالیان نخستین تأسیس ، سود چندانی در بر ندارد و حتی ضرر هم می دهد ولی در مجموع به حال اقتصاد کشور مفید است . برای بنای کارخانه این عوامل باید مورد مطالعه دقیق قرار گیرد :

۱ - وجود مواد سلولزی
۲ - موقعیت (کارخانه باید در محلی قرار گیرد که فاضل آب آن که سمی است پس از استفاده داخل آبهای مشروب و رودخانه ها نگرده)

۳ - فراوانی آب .
۴ - بازار مصرف .
اول - مواد اولیه کارخانه : بزرگترین ایرادی که متخصصین فن جهت احداث کارخانه کاغذ سازی در ایران می گیرند عدم

جزو چوبهای صنعتی به حساب نمی آیند ، بعنوان مواد اصلی اولیه هستند . با اجرای طرحهای جنگلداری و افتتاح مساحت وسیعی از جنگل ، کارخانه های زیادی افتتاح می شود که دارای ضایعات فراوانی است و تغذیه کارخانه خمیر کاغذ را تضمین می کند . بعلاوه از عملیات مختلف که در طی مراحل مختلف نظیر عمل روشن کردن و تنک کردن از جنگل بدست می آید مستقیماً به مصرف خوراك کارخانه خمیر کاغذ می رسد .

۲ - در مورد یافتن مجرای که پس آب سمی کارخانه خمیر کاغذ در آن بریزد با توجه به رودخانه های پر آب جاری شمال که راه به دریا دارد این امر چندان مشکلی ایجاد نمی کند . در حال حاضر محل مناسب جهت تأسیس کارخانه را در نکاء در نظر گرفته اند . احداث شبکه راه آهن سرتاسری کرانه بحر خزر از نظر اقتصادی فوق العاده با صرفه خواهد بود . زیرا امکان استفاده از ضایعات کارخانه اسالم و کارخانه ویسر و سایر نقاط شمال که از آن بهره برداری بعمل می آورند وجود دارد . دیگر اینکه پس آب کارخانه را با آسانی می توان بوسیله لوله های چند متری به رودخانه ریخت که ضرر چندان و آلودگی ندارد . باتوجه به موارد ذکر شده و نیاز مبرم کشور به کاغذ می توان از منبع فناناپذیر جنگلهای شمال ایران احتیاجات داخلی را تامین کرد .

از چوب های پهن برگان در مناطق اروپایی نیز بعنوان کاغذ سازی استفاده می کنند . پیشرفت برق آسای مصرف چوب پهن برگان موجب پیدایش جمعیت فرانسوی طرفدار چوب پهن برگان برای کاغذ سازی شد این انجمن پس از بررسی های کافی و پیگیری علاقه مندان ای اقداماتی نیز انجام داده است و امیدواری زیادی دارد که در آینده اینگونه درختان ، بازار سیاه بسیار خوب و گرمی برای صاحبان کارخانه های کاغذ سازی پیدا کند .

از درختان پهن برگ که هم اکنون در کشور های مختلف مورد استفاده قرار می دهند ، می توان این درختان را نام برد :
۱ - از راش در ژاپن که به وفور در کشور ما وجود دارد به عنوان مواد اولیه کارخانه کاغذ سازی .

۲ - ممرز گونه دیگری که به وفور در کشور ماست و مصرف چندان ندارد .
۳ - بلوط در آمریکا در صنعت کاغذ سازی .

۴ - توسکا در چند کارخانه در فرانسه بطور مخلوط باراش .

۵ - غان که از آن يك خمیر خوب شیمیایی می توان باروش بی سولفیت و يك خمیر نیمه شیمیایی ساخت .

۶ - نمدار که طبق آزمایش هایی که بعمل آورده شد امکان استفاده از آن هست ولی فعلاً کارخانه ای از آن در جهان استفاده

نمی کند و یالاقل ما از آن بی خبریم . ناگفته پیداست چه اهمیت فوق العاده مهمی تأسیس این صنعت مادر در اقتصاد کشور ایفا خواهد کرد .

تعداد زیادی از کارگران و تکنیسین ها مشغول بکار می شوند ، صنایع داخلی تقویت می شود و هم مورد استعمالی برای چوبهای زائد و سرشاخه ها که بعنوان سوخت بکار می رود پیدا خواهد شد . اهمیت مسائل بالا وقتی آشکار می شود که علاوه بر چوبهای جنگلی ایران ، تبریزی های دست کاشت باغ های شمال و سایر نقاط نزدیک بدان ، کبود های اصفهان و بالاخره فرآورده های دست دوم کشاورزی را در نظر بیاوریم که بنظر بسیاری کم اهمیت و بی ارزش مینماید . حتی از چوب ذرت ، قوزه پنبه ، تفاله و ساقه پنبه پوشال ساقه های نی معمولی و خیزران ، تفاله نیشکر ، تفاله کارخانه های قند نیز می توان کاغذ ساخت همچنین کاه و پوشال شالی (برنج) کاغذ سفید و مورد پسندی بدست می دهد . کاه جو که از آن کاغذ سفید بدست می آورند و همچنین از کاه گندم نیز کاغذ سفید پرارزش می توان ساخت .

موارد دیگری نیز وجود دارد که این واقعیت را بیشتر تصریح می کند از جمله : کاغذ سازی از سبوس یا پوشال برنج و کاه غلات - در استانهای گیلان و مازندران سالیانه نزدیک به ۳ میلیون تن سبوس ، برنج بدست می آید که مقدار بسیار جزئی از آن به مصرف دام رسیده و بقیه یا سوزانده می شود و یا می پوسد . بهره برداری از کاه غلات و سبوس برنج در ساختن کاغذ موجب می شود تا هم فشار زیادی در برداشت به جنگل های کشور وارد نیاید و هم مصرف مواد اولیه کارخانه های کاغذ سازی بخوبی از این مواد که هزینه چندان در بر ندارند تامین شود . تا زمانیکه پروژه وسیع و جالبی در مورد صنوبر کاری و کاشت درختان سوزنی برگ در شمال صورت نگیرد همین پوشال برنج و کاه غلات و الیاف ساقه پنبه و نیشکر که بظاهر مقدار آن ناچیز بنظر می رسد قادر بتأمین تغذیه کارخانه خواهد بود . آمار زیر از برداشت محصول سال ۱۳۳۹ است که نسبت به سالهای قبل سالی خشک و میزان بارندگی کم بود میزان گندم و جو و کاه آنها در آن سال به قرار زیر بود :

محصول به تن	کاه به تن
۲۰۰۰۰	۶۰۰۰۰۰
۷۵۰۰۰	۲۲۵۰۰۰
۲۵۰۰۰	۷۵۰۰۰
جمع	۹۰۰۰۰۰

باتوجه به اینکه در استان مازندران زمین زیر کشت گندم و جوگاهی توأماً صورت می گیرد در شهر های این استان آمار زیر بدست آمده است .

نام شهر	گندم به تن		جو به تن		برنج به تن	
	دانه	کاه	دانه	کاه	دانه	کاه
آمل	۴۰۰۰	۱۲۰۰۰	۳۴۰۰	۱۰۲۰۰	۳۰۵۸۰	۹۱۷۴۰
بابل	۲۵۰۰	۷۵۰۰	۲۱۰۰	۶۳۰۰	۲۲۹۰۰	۶۸۷۰۰
شاهی	۱۰۸۰۰	۳۱۴۰۰	۵۱۰۰	۱۵۳۰۰	۷۸۰۰	۲۳۴۰۰
ساری	۷۸۰۰	۲۳۴۰۰	۳۰۰۰	۹۰۰۰	۶۵۰۰	۱۹۵۰۰
بهشهر	۱۱۰۰۰	۳۳۰۰۰	۷۰۰۰	۲۱۰۰۰	۲۷۰۰	۲۰۹۴۰۰
جمع	۹۷۷۴۰۰	۶۹۸۰۰				۳۰۹۴۰۰

بنابراین میزان برداشت کلی کاه گندم وجود برنج در سال مزبور در استان مازندران و گرگان و دشت بدینقرار است .

کاه گندم	۶۹۷۳۰۰ تن
کاه جو	۲۸۴۲۴۴۰ تن
کاه برنج	۲۸۶۸۰۰ تن
جمع	۱۲۶۸۰۵۴۰ تن

تردیدی نیست که با افزایش زمین های تحت کشت در مازندران و همچنین با بکار گرفتن ابزار جدیدتر جهت کشت و بذر اصلاح شده رقم فوق تا امروز چندین برابر فزونی یافته است .

در هلند در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کارخانه های مقوا سازی چندی از کاه غلات بعنوان مواد اولیه استفاده می نمودند که اکنون ۱۹ کارخانه از این قبیل دایر و در حال کار کردن است . در ایتالیا يك کارخانه مقوا سازی از کاه در ناحیه توسکانی هم اکنون دایر است . در فرانسه چندین کارخانه مقوا سازی وجود دارد که برخی از آنها كوچك و قدیمی هستند . همچنین در آلمان در ناحیه راین يك کارخانه و در جنوب غربی آلمان دو کارخانه که بوسیله شرکت تعاونی کشت کاران اداره می شود وجود دارد بی مناسبت نیست اگر ذکری از کارخانه های مقوا سازی و تبدیل کاغذ در ایران نامی به میان آید :

* نخستین کارخانه مقوا سازی در کرج بنیان گذاری شده ، این کارخانه بطور متوسط ماهیانه ۱۵ تن مقوا می سازد . و ظرفیت آن تا ۷ تن می رسد محصول سالیانه آن به ۲۰۰۰ تن هم رسیده است . خوراك کارخانه از خرده کاغذ است .

* کارخانه مقواسازی کهریزك ، این کارخانه خمیر کاغذ را از اروپا وارد می کند و با آن کاغذ بسته بندی (کرافت) می سازد .

* کارخانه کاغذ سازی میموزا با ظرفیت ماهیانه ۳۰۰۰ تن در راه تهران - قم .

* مقوا سازی تهران ۱۸۰ تن - مقوا سازی تپه سفید ۹۰۰ تن مقوای سفید و ۹۰۰ تن رنگی در سال .

مقوا سازی شرق ، مقوا سازی غرب تهران ، کارخانه کارتن سازی ایران ، کارخانه مقوا سازی گل و مقواسازی میهن . نوعی دیگر کارخانه هایی در ایران وجود دارد که کاغذ از خارج وارد کرده آنرا به انواع مختلف کاغذ تبدیل می کنند . نظیر کارخانه های کلین استار ، شرکت تولیدی و صنعتی ایران کپی و کاغذ سازی ایران رول که البته سرمایه های این کارخانه ها همگی ملی نبوده و عده ای از آن ها مختلط است و چند واحد آنها از آن سرمایه داران خارجی است .

۳ - آب : سومین عامل جهت ایجاد کارخانه خمیر کاغذ آب است . چون این کارخانه به آب فراوان احتیاج دارد . همان طور که اشاره شد خوشبختانه در منطقه جنگلی کشور ما رودخانه پر آب فراوان وجود دارد که می توان سموم کارخانه را در آن وارد کرد تا بدریا ریخته شود .

نتیجه گیری نهایی :

با استفاده از گزارش سازمان برنامه مستند به گزارش شرکت فرانسوی مصرف

سالیانه انواع کاغذ در ایران :

۱ - کاغذ روزنامه سالیانه ۱۲ هزار تن (روزانه ۴۰ تن)

۲ - کاغذ بسته بندی که بتوان آنرا طوری پیش بینی کرد که بهنگام نیازمندی بساختن کاغذ کرافت و یا مقوا كمك کند در سال ۱۲ تا ۱۵ هزار تن .

۳ - کاغذ نوشتنی برای ادارات و دفترچه و کاغذ مورد نیاز دانش آموزان و مصارف همگانی ۲۲۰۰۰ تن .

۴ - کاغذ افست که نوع کاغذ مجله است ، برای کتب مدارس و مجلات و آگهی های چاپی ۱۲۰۰۰ تن رویهم ۳۳ هزار تن یا روزانه ۱۱۰ تا ۱۲۰ تن .

۵ - کاغذ کرافت برای بسته بندی کیسه های سیمانی (مصرف فعلی کارخانه های سیمان) فعلا ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تن برای بسته بندی قند ، کود شیمیایی سالیانه ۳ هزار تن و برای بسته بندی گچ و سایر چیزها سالیانه ۳ هزار تن رویهم رفته ۱۵ هزار تن و روزانه ۵۰ تن .

باتوجه به آنچه گذشت مواد اولیه مورد نیاز را که در اختیار ماست بشرح زیر دسته بندی می کنیم :

۱ - مواد ابتدایی مورد نیاز با روش شیمیایی و یا نیمه شیمیایی که از آنها کاغذ های نوشتنی ، بسته بندی و کرافت بدست می آید از کاه ، پوشال برنج ، چوب جنگلی ، نی معمولی ، بامبو و تفاله نیشکر .

الف : کاه برنج - در نواحی شمالی همانطور که گذشت سالیانه نزدیک به يك میلیون تن شالی برنج بدست می آید و برای يك کارخانه ۱۵۰ تنی سالیانه فقط ۶ درصد این مقدار کافیت .

ب - چوب جنگلی - از آستارا تا گلیداغی خراسان ۳۵ میلیون هکتار جنگل وجود دارد و ما برای يك کارخانه ۱۵۰ تنی روزانه به ۹۰ تن چوب خشك یا ۲۰۰ متر مکعب چوب تر پوست نکنده و یا سالیانه ۶۰۰۰ متر مکعب جنگل نیازمندیم که این مقدار با اجرای طرحهای جنگل داری و احداث کارخانه های اره کشی قسمتی از پس مانده کارخانه ها و قسمتی دیگر از عملیات مختلف جنگلداری بدست می آید .

ج - نی و تفاله نیشکر :

بین اهواز و آبادان ۳۵۰۰۰۰ هکتار نی معمولی و بین بستان آباد و سوسنگرد ۳۵۰۰۰۰ هکتار بامبو وجود دارد که می توان از ۴۰۰۰۰۰ هکتار آن استفاده و بهره برداری نمود ، و چون از هر هکتار نزدیک به ۲۰ تن نی بدست می آید موجودی نی جنوب را به ۸ میلیون تن برآورد کرده اند و برای يك کارخانه یکصد تنی در روز سالیانه ۱۰۰۰۰۰ تن یعنی يك هشتادم نی موجود در جنوب لازم است .

همچنین با استفاده از تفاله نیشکر بجای

نی می توان این مقدار را کاهش داد تازمانی که مواد اولیه (سوزنی برگان وپهن برگانی نظیر تبریزی) تحت اجرای جنگلداری مدرن بعنوان ماده اولیه آماده گردد .

در خاتمه لازم بنظر می رسد نکات چندی را برای اجرای این پروژه عظیم تذکر دهیم که جهت آینده تغذیه کارخانه بسیار مهم است :

* کاشت گونه های سوزنی برگ و مخلوط نمودن با درختان پهن برگ در جنگل های شمال .

* توسعه و ترویج صنوبر کاری و تبریزی کاری ، در عین حال محدود نمودن قطع فعلی صنوبر و کبوده و تبریزی و ذخیره کردن تامین خوراك کارخانه بعلاوه احداث باغ های صنوبر و تبریزی با دوره بهره برداری ۱۵ - ۱۰ ساله و ایجاد سرك و توسکا شاخه زاده ۱۵ - ۱۰ ساله .

* بهره برداری و استفاده معقول از کاه و برنج و جو .

هدیه هایی چند از ایران

زیرسیگاری ۲۵ ریال تا ۱۲۰ ریال
پیپ ۸۰ تا ۱۴۰ ریال
جاسیگاری ۲۰۰ تا ۱۴۰ ریال

مین

سینی کنده کاری ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال
بشقاب برسی گلکاری شده ۳۰ تا ۵۰ ریال

خاتم کاری

قاب خاتم اصفهان ۴۵۰ تا ۱۶۰۰ ریال
جای کلید ۷۰ تا ۱۵۰ ریال
جعبه سیگار ۱۲۰ تا ۲۶۰۰ ریال
شکلات خوری ۴۰۰ تا ۲۶۰۰ ریال

اشیاء پارچه ای

کراوات ابریشمی بافت ایران ۱۷۵ ریال
قواره ۳ متری پیراهن ابریشم طبیعی بافت ایران ۱۰۵۰ ریال
شال گردن ابریشم طبیعی بافت ایران ۱۰۰ تا ۳۵۰ ریال
پارچه های پولک دوزی دیواری ۳۰۰ تا ۳۵۰۰ ریال
سرویس رومیزی قلابدوزی ۶۹۰ ریال
روسری ۲۰۰ تا ۲۵۰ ریال
جلیقه مشهد ۱۲۰ تا ۳۴۰ ریال
قلمکار اصفهان رومیزی ۶۰ تا ۸۲۰ ریال

شیشه و کریستال ایران

لیوان آب گر ۴۰ تا ۶۰ ریال
گلدان آب گر ۱۸۰ ریال

قالی

ساک قالیچه ای ترکمن ۴۵۰۰ ریال
خورجین ترکمن ۲۵۰ ریال
قالیچه ترکمن ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال
تابلو نقاشی بافت کاشان و تبریز ۳۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال
قالیچه مخلوط ابریشم و پنبه اندازه ۱۸۰ در ۱۲۰ ۴۶۰۰۰ ریال

استیل

سرویس شیرینی خوری استیل ۱۶۵۰ ریال
سرویس چایخوری استیل ۳۳۰۰ ریال

پوستی

پوستین ۵۰۰ تا ۲۶۰۰ ریال
کفش پوستین ۱۵۰ تا ۲۵۰ ریال
بوت پوستین ۴۵۰ ریال
کفش کار کرمانشاه ۱۲۰ تا ۱۵۰ ریال

ملیله کاری اصفهان

یک سری لوازم زینتی ملیله ۴۵۰ تا ۸۰۰ ریال
دستبند تکی ملیله ۶۰ تا ۷۰۰ ریال
سنگاق سینه ملیله ۴۰ تا ۳۰۰ ریال
کار روی صدف و استخوان از ۱۵۰ تا ۱۶۰۰ ریال
یک سری عقیق کار اصفهان ۴۲۰ ریال
یک سری فیروزه کوکب ۴۰۰ ریال
عروسک ها و لباس های محلی ۱۲۰ ریال
یک سرویس لوازم چایخوری برای بچه ۵۰۰ تا ۶۰۰ ریال
تابلو نقاشی از ۳۵۰ تا ۱۶۰۰۰ ریال
تابلو نقاشی مدرن و کوبیسم ۶۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ریال
نقاشی روی شیشه ۲۰۰ تا ۱۶۰۰۰ ریال
سرویس چایخوری کاش ۴۰۰ ریال
کارهای لعابی نطنز از ۲۰ تا ۱۰۰ ریال
کتاب از ۲۵ تا ۵۰۰۰ ریال
خودکار و خودنویس از ۲۵ تا ۵۰۰۰ ریال

کالا های فوق را می توانید در دکان های خیابان زادری ، لاله زار ، شاهرضا در تهران و بیشتر فروشگاه های بزرگ در تهران و ولایات پیدا کنید .

همراه با سبزه و گل ها از سرزمینی دوربهار می آید .
تا در آسایش جاودانه طبیعت زندگی را بیاره ای نو متولد سازد .

آن سفیدترین سرب برف را دیدی که چگونه با شلاق باد برگها را به دور دستها سپرده و به غریانی و اندام عربان فرتوت درختان پیر خندید ؟

اکنون بهار باز آمد و در جلوه های رنگین کمانش زندگی هزار رنگ گرفت . و با پرتو پرتویش عیسی صفت روحی نو در کالبد بی جان طبیعت بیمار دمید . و در هیجان بهار مردم شهر ما با عطر گل های سرخ وزرد و بنفش همراهند . و زندگی دوباره طبیعت را جشن می گیرند .

و در این لحظات مقدس که همه جا شور و نشاط است بیاد گرامی ترین کسان خویش به تکیه می افتند ؛ مردمی که آغاز بهار را سر فصل جدید سال نو می دانند و می گویند بوسیله هدایای حتی خیلی کوچک و کم قیمت مهر خویش را صفای باطن و ارادت خود را به کسانی که از صمیم قلب دوست دارند ابراز کنند . آنها که سکه های یک ریالی صاحب الزمان را بعنوان مایه جیب به عزیزان خود هدیه می کنند تا در سال نو و آغاز زندگی بهار یافته جیبی پر مایه داشته باشند و در پناه شخصی بزرگ همیشه موفق شوند .

و آنها که بیشتر و بیشتر دارند و برای ابراز عشق با چندین هزار تومن هدیه تهیه می کنند . آنچه باعث خوشحالی همه است میزان قیمت کادوها نیست بلکه ارزش معنوی آنهاست . چرا که در این آستانه نو همه چشم انتظار هستند و نگاه همه بسوی دست عزیزانشان می باشد . تا از عشق و مهرشان مطمئن شوند .

و این خواسته آنچنان قوت گرفته که مردم شهر بانگ های مشتاقان اشیاء پشت و پیرین ها را می بلند تا آنچه را که مورد پسند عزیزانشان است تهیه کنند . و در این میان چیزهای بیشتر مورد توجه خریداران و تهیه کنندگان هدیه قرار می گیرد که جنبه وطنی داشته باشد . و باتوجهی که در سال های اخیر به اجناسی که در خود ایران تهیه می شود و بیشتر جنبه تزئینی و هدیه دارد باعث رونق کالاهای ایرانی شده اند کم کم بدست فراموشی سپرده شده بود . و این صورت اندکی از همه چیزهایی است که مردم به رسم یادبود به یکدیگر پیشکش می کنند .

طلا

سنگاق کراوات از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال
تکمه سر دست از ۱۶۰۰۰ تا ۳۶۰۰۰ ریال
جای سوییچی ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰۰ ریال
انگشتر از ۲۶۰۰۰ تا ۱۵۶۰۰۰ ریال
دستبند طلا و فیروزه ۱۶۰۰۰ تا ۵۶۰۰۰ ریال
سری فیروزه از ۸۶۰۰۰ تا ۱۵۶۰۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰۰۰ ریال
ساعت از ۱۵۰ تا ۸۶۰۰۰ ریال
۵ پهلوی ۴۸۰۰ ریال
۲۵ پهلوی ۲۶۰۰۰ ریال
پهلوی ۹۰۰ ریال
نیم پهلوی ۴۶۰ ریال
ربع پهلوی ۲۵۰ ریال
سکه تمیزی مطلا ۱۰۶۰۰۰ ریال
سکه تاجگذاری ۱۱۶۰۰۰ ریال
بزرگ ۱۱۶۰۰۰ ریال
کوچک ۵۶۰۰۰ ریال

نقره

سکه نقره تاجگذاری ۲۰۰ ریال
آئینه نقره ای گلکار از ۱۱۰ تا ۱۴۲۰ ریال
سرویس چایخوری آب نقره ۷۰۰ ریال

مینا کاری

مینا کاری
آلبوم عکس مینا کاری از ۱۶۰۰ تا ۲۶۰۰۰ ریال
اجناس مینا کاری از ۱۰۰ تا ۳۶۰۰۰ ریال
شامل شیرخوری . چایخوری . گلدان . شکلات خوری

فهرست رویدادها

عنوان	صفحه
هدیه هایی چند از ایران	۸۱
مراجعت شاهنشاه آریامهر	۸۲
روابط خارجی	۸۲
توضیح نخست وزیر درباره بودجه سال ۱۳۴۹	۸۳
رویدادهای هنری :	
کتاب ، تلویزیون ، سینما ، فیلم	۸۵
باله ، در مجامع هنری ، مطبوعات	۸۶
تاتر	۸۷
جشن ها :	
نمایشگاه گل	۸۸
استخدام	۸۹
دادگستری	۸۹
دفاع غیر نظامی	۸۹
زنان	۸۹
نفث	۸۹
پیک تلاش	۹۰
اقتصاد	۹۲
پست	۹۲
تحقیقات	۹۲
کشاورزی	۹۲
گاز	۹۳
آبادانی	۹۳
ارتباطات	۹۳
بازار	۹۳
سفر حج	۹۴
ایران و عراق	۹۴
ایران و بحرین	۹۵
تعاون	۹۶
آموزش	۹۶
حقوق بشر	۹۷
آینده ها و برنامه ها	۹۸
سرمایه گذاری های سال ۱۳۴۹	۹۹
کودکان	۹۹
پیشاهنگی	۱۰۰
دانشجو و دانشگاه	۱۰۰
قیمت بعضی کالا	۱۰۰



● عصر روز سیزدهم اسفندماه شاهنشاه آریامهر به ایران بازگشتند. چون سفر شاهنشاه آریامهر به اروپا بطور غیررسمی انجام شده بود در فرودگاه مهرآباد مراسم استقبال رسمی بعمل نیامد.

در فرودگاه آقای نخست وزیر، وزیر امور خارجه رئیس کل تشریفات سلطنتی و عده ای از شخصیت های کشوری و امرای ارتش از معظم له استقبال کردند.

شاهنشاه آریامهر ساعت ۱۰:۵۰ دقیقه بامداد روز چهاردهم اسفند در حالیکه بطور رسمی بدرقه میشدند برای انجام سفر رسمی خود به پاکستان خاک ایران را ترک فرمودند.

معظم له در مدت اقامت در پاکستان مذاکراتی در زمینه مناسبات دو کشور با حضرت رئیس جمهوری پاکستان انجام دادند.

همکاری دانشگاه وانستیتو عالی بیمه

● موافقت نامه همکاری های آموزشی، تحقیقاتی و فرهنگی دانشگاه تهران با انستیتو عالی بیمه به امضاء و امضای دانشگاه تهران صورت رسیده.

به موجب این موافقت نامه، دانشگاه تهران کمک های لازم در زمینه برنامه ریزی آموزشی به انستیتو عالی بیمه خواهد کرد و برنامه های تحصیلی این انستیتو و هرگونه تغییر در این برنامه ها با موافقت و امضای دانشگاه تهران صورت خواهد گرفت.



بازگشت والاحضرتها از اروپا

صنعت

بهره برداری از يك طرح صنعتی

● طرح اجرایی منابع مجتمع چوب نكاء وارد مرحله عمل گردید. هدف از اجرای این طرح بهره برداری از منابع چوب منطقه نكاء و ظالم رود است و بدین ترتیب پیش بینی میشود که سالانه در حدود ۲۵۰ هزار متر مکعب چوب از جنگلهای این منطقه آماده استفاده شود.

کارگران

آموزش کارگری

● با شرکت نخستین گروه جوانان تحصیل کرده سازمان نگهبانان انقلاب مراسمی برپا شد. این افراد داوطلب آموزش کارگران شده اند. وزیر کار و امور اجتماعی در این اجتماع گفت:

گروه داوطلب سازمان نگهبانان انقلاب میتواند در سه زمینه باسواد کردن کارگران، کمک به اجرای اصل سهیم کردن کارگران در سود ویژه کارخانه ها و اجرای اصول حفاظت و بهداشت صنعتی با وزارت کار و امور اجتماعی همکاری کند.

قالی

تشکیل سمپوزیوم درباره فرش ایرانی

● موزه هنر های عالی بوستون سمپوزیومی در باره یکی از اصیل ترین قالی های ایران که در زمان صفویه بافته شده است تشکیل داد. از نوع قالی مذکور که در دنیا بی نظیر است فقط يك تخته دیگر در موزه شهر وین موجود است.

تسهیل فروش فرش

● شرکت سهامی فرش ایران تسهیلات جدیدی برای خریداران فرش قائل شد. بر اساس تسهیلات جدید فرشهایی که هر متر مربع آن از ۴۰۰ تا ۶۵۰ تومان ارزیابی شده با يك چهارم کل قیمت پیش قسط و اقساط چهار ساله فرشهایی که هر متر مربع آن از ۶۵۰ تا یک هزار تومان ارزش دارند با يك سوم قیمت پیش قسط و اقساط چهار ساله و نیز فرشهایی که هر متر مربع آن بیش از یک هزار تومان ارزیابی شده با يك دوم قیمت پیش قسط و اقساط سه ساله فروخته خواهند شد.

قالی ایرانی

● هفته نامه «الایروینجا» چاپ ایتالیا در یکی از شماره های خود مقاله مفصلی در باره هنر قالی بافی ایران و ارزش جهانی آن درج کرده است. این روزنامه در مقاله خود به بحث در باره نمایشگاه قالی ایران که اخیراً در شهر جنی ایتالیا تشکیل شده بود پرداخته و ضمن آن نوشته است که ایران با تشکیل این نمایشگاه توفیق فراوانی کسب کرده است.

روابط خارجی

ایران از بمباران مناطق غیر نظامی مصر اظهار تأسف کرد

● دولت شاهنشاهی ایران مراتب تأسف خود را از اقدامات نظامی اسرائیل علیه تاسیسات غیر نظامی کشور های عرب از جمله کارخانه فلزکاری «ابوزعل» در خاک مصر اعلام داشت.

سختگویی وزارت امور خارجه اظهار داشت که بمباران این کارخانه بوسیله هواپیماهای نظامی اسرائیل که موجب کشته شدن هفتاد کارگر و زخمی شدن عده ای افراد غیر نظامی شده است موجب تأسف و تأثر دولت شاهنشاهی است.

سختگویی وزارت امور خارجه یادآور شد که با اعتقاد دولت شاهنشاهی ایران این گونه عملیات جز وخیم تر شدن موقع حساس فعلی نتیجه ای ندارد و نه تنها بود

تشریح سیاست خارجی ایران

● وزیر امور خارجه ضمن تظنی برای گروهی از نمایندگان دو مجلس روزنامه نگاران تأکید کرد که عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و داشتن بهترین روابط دوستانه با همسایگان اساس سیاست خارجی دولت شاهنشاهی را تشکیل میدهد. وی ضمن تشریح بحران اخیر روابط ایران و عراق یادآور شد که این بحران را رهبران بعثی عراق مصنوعاً و عمدتاً در مناسبات دو کشور همسایه و مسلمان بوجود آورده اند «تا با سرگرم کردن مردم عراق، چند ساعت، چند روز، چند هفته و شاید هم چند ماه دیگر بر عمر حکومت ظالمانه خود بیفزایند».

دولت ایران کمال حسن نیت و نهایت خونسردی را در مقابل ادعاها و اتهامات زمامداران بعثی بغداد نشان داده و انعکاس جهانی روش متین و صلحجویانه دولت شاهنشاهی حتی در کشورهایی که غالباً در چنین مواردی سکوت میکنند یا تحسین و ستایش همراه بوده است.

سپس درباره آماده باش نیروهای مسلح شاهنشاهی توضیح داد و خاطر نشان ساخت که دولت شاهنشاهی هرگز و در هیچ مورد سیاست تهاجمی علیه هیچ کشوری نداشته است. اما ناچار است برای حفظ منافع و حقوق ایران آمادگی خویش را حفظ کند و در این مورد هرگاه جارتی دیده شود آتش با آتش پاسخ داده خواهد شد و من بنام وزیر امور خارجه بشما سناتورها و نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و روزنامه نگاران اطمینان میدهم که دولت شاهنشاهی برای حفظ حقوق کشور تدابیر لازم را اتخاذ کرده و در آینده نیز اتخاذ خواهد کرد.

در عراق يك حکومت ظالم دیکتاتوری فارغ از هرگونه قید و بند وعهد و قرار و بی اعتنا به موازین بین المللی مسلط بر جان و مال و ناموس مردم است.

برای ما تردیدی نیست که مردم مسلمان عراق از یحرائی که در مناسبات آنها با برادران ایرانی آنان بوجود آمده است متأسفند اما در کشوری که بارزیم دیکتاتوری اداره میشود و هرگونه زمزمه مخالفتی با جوبه دار وجوخه آتش پاسخ داده میشود قهرای کسی را یارای سخن گفتن نیست. ایران هر جسارت و گستاخی را بتندیدترین طرز ممکن پاسخ میدهد و هرگاه آتشی بسوی خاک ایران گشوده شود نه فقط آن آتش آنا خاموش خواهد شد بلکه محلی که از آنجا آتش بجانب ایران گشوده شده است از میان خواهد رفت. باینهمه ایران به پیروی از سیاست مستقل ملی خود در اجرای منویات صلحجویانه شاهنشاه همچنان از سیاست همزیستی منالمت آمیز و روح منشور ملل متحد پیروی میکند.

☆ پیش از سه میلیون نفر از نسل جوان مملکت که امید های آینده این کشور اند فقط در دبستانها و دبیرستانها به تحصیل اشتغال دارند.

☆ با آنکه پیش بینی میکردیم تا پایان برنامه عمرانی چهارم ۶۰ هزار دانشجو در دانشگاهها مشغول تحصیل باشند امروز خوشبختانه عده طالبان علم از پیش بینی ها فرونی گرفته است.

☆ این آدمها هستند که مسیر تاریخ را معین می کنند. این اشتباه است که ما بخوایم از روی مسیر های تاریخی آینده را پیش بینی کنیم زیرا تاریخ به آن معنی که تعیین کننده سرنوشت ها باشد و جبر تاریخی که سازنده وقایع باشد وجود ندارد و بفرض وجود جبر تاریخ، کوشی بشرها جبران آن جبر را میکند.

توضیح آقای نخست وزیر درباره نظریات نمایندگان مجلس شورا و بودجه سال ۱۳۴۹

آقای نخست وزیر در جلسه علنی مجلس شورای ملی کداز ساعت ۹ بامداد هفتم اسفند ۱۳۴۸ بریاست آقای ریاضی برای ادامه بررسی لایحه بودجه سال آینده کل کشور تشکیل شده بود اعلام داشتند که نیروهای دفاعی کشور تا آنجا که ضروری باشد به خاطر حفظ موفقیت های بزرگ اقتصادی و اجتماعی انقلاب ایران تقویت خواهند شد.

در این جلسه ابتدا آقای سرتیپ پور عضو فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین بعنوان موافق لایحه بودجه سخن گفت و سپس آقای مرتضوی رئیس کمیسیون بودجه و آقای بهبهانی محبر کمیسیون مذکور در باره بودجه سال آینده یادآوریهایی کردند و به تشریح اصول رئوسی آن پرداختند.

آنگاه آقای هویدا نخست وزیر نطقی باین شرح ایراد کردند:

از نمایندگان حزب اکثریت که پیوسته بانظرات صائب خود دولت را در انجام وظایف محوله و در وصول به هدف های اجتماعی و اقتصادی یاری دادند تشکر میکنم. همچنین از نمایندگان اقلیت که با تذکرات مفید خود دولت را راهنمایی کردند و برای ترقی کشور خواستار کوششهای بیشتری از جانب دولت بودند متشکرم.

هنگام تقدیم لایحه بودجه درمورد سیاستها و خطوط مشی کلی دولت در سال ۱۳۴۹ توضیحات کافی و شروح را باستحضار مجلس شورای ملی رسانیدم و اینک با مشوشکافیهای بیشتری که نمایندگان محترم در اجراء برنامه ها و ارقام بودجه بعمل آورده اند فرصت دیگری به دست آمده که مطالب و توضیحات بیشتری درباره

پدرجهای رسیده است که با آنکه پیش بینی میکردیم تا پایان برنامه عمرانی چهارم ۶۰ هزار دانشجو در دانشگاهها مشغول تحصیل باشند امروز خوشبختانه عده طالبان علم از پیش بینی ها فرونی گرفته است. اکثر نمایندگان محترم قسمت عمده اظهارات خود را باین امر مهم اختصاص دادند و حق هم همین بود. حتی آقایان دکتر عاملی و دکتر سعید حکمت اساس مطالب خود را بر آموزش و پرورش نهاده بودند.

آقای عاملی مطالب شروخی در اصل انقلاب آموزشی و اهمیت تعلیمات حرفه ای و رشد دانشگاهی اظهار داشتند که باقستی از نظریات صائب ایشان کاملاً هم عقیده هستم.

نماینده محترم ضمن مطالب سودمند خود توضیحات شروخی هم در باره امور مربوط به فلسفه اجتماعی بیان داشتند که لازم میدانم درباره پاره ای از بحث های فلسفی ایشان توضیحات بیشتری بدهم. آقای عاملی چنین نتیجه گرفتند که بهر حال بسیاری از وقایع رخ میدهد که قبلاً تاریخ مسیر آنها را تعیین کرده است و ماخواه و ناخواه با آن مواجه هستیم و یکباره ما را در بر میگیرد. در این مورد من باصل دیگری اعتقاد دارم و آن این است که این آدمها هستند که مسیر تاریخ را معین میکنند. این اشتباه است که ما بخوایم از روی مسیرهای تاریخی آینده را پیش بینی کنیم زیرا تاریخ به این معنا که تعیین کننده سرنوشت ها باشد و جبر تاریخی که سازنده وقایع باشد وجود ندارد و بفرض وجود جبر تاریخی کوشی بشرها جبران آن جبر را میکند.

نخستین هدف افزایش رشد اجتماعی و اقتصادی کشور و حفظ و صیانت کلیه مظاهر است که بر اثر پیشرفت و تعالی کشور بدست آمده است و این هدف از طریق تقویت بنیه دفاعی کشور که حافظ و حامی همه چیز کشور است حاصل میشود.

آقای نخست وزیر سپس گفتند رشد اجتماعی یعنی بالا بردن سطح علم و دانش - تامین سلامت مردم و تهیه موجبات رفاه زندگی بهتر برای همه. امروزه در کشور ما که از روزگاران قدیم مهد علم و تمدن بوده است تعمیم و بسط آموزش و پرورش در شهرها و روستاها از خطیر ترین و مهمترین برنامه های مملکت است.

اصل انقلاب آموزشی و خدمات ارزنده سپاهیان دانش و پیکار بایسواد که از عالیتین مظاهر انقلاب ایران است و اختصاص بخشی عمده ای از بودجه کشور به آموزش و پرورش نشانه اهمیت خاصی است که امر آموزش و پرورش برای ما دارد.

امروز باکمال افتخار می گوئیم که بیش از سه میلیون نفر از نسل جوان مملکت که امیدهای آینده این کشور اند فقط در دبستانها و دبیرستانها به تحصیل اشتغال دارند و علاقه جوانان به تحصیل علم و دانش

توجه همه جانبه و وسیعی که دولت برای جوانان کشور

دارد مبتنی بر همین اصل اساسی است - ما امیدواریم در سایه انقلاب آموزشی پیش از پیش جوانانی تربیت کنیم که در آنها علم و ایمان ارزنده ترین میراثی باشد که از خود برای آنها بجای میگذاریم. امروز بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور را جوانان تا ۲۰ سال تشکیل میدهند و این خود کافی است تا اهمیت مطلب را بر همگان روشن سازد.

همانطور که نمایندگان در این ساحت مقدس بیان داشتند پرورش روح و تامین سلامت جسم جوانان از هدفهای عمده دولت درمورد طبقه جوان است.

ما میگوئیم و شما نیز با ما هم عقیده هستید که آموزش و پرورش دو اصل غیر قابل تفکیک اند و این حقیقتی است غیر قابل انکار - باید علاوه بر آنکه بجوانان خود علم و آموزش میدهیم آنها را بر مظاهر افتخارآمیز فرهنگ خود کاملاً آگاه سازیم.

امروزه جوانان ما مظهر عالیترین احساسات میهنی هستند و همه میبینند که مثلاً از خواندن مضامین عالی حماسی شاهنامه چه شوری در روح همه ما از پیرو جوان متجلی میشود و اشاره نمایندگان محترم به اهمیت ورزش و سجایای پهلوانی آنچنانکه آقای خواجه نوری متذکر شدند نیز اثری از آثار همین فلسفه انسانی است.

آقای نخست وزیر بدنبال سخنان خود گفتند جوانان ما پس از اینکه نخستین مدارج آموزشی را طی کردند باید بتدریج با مسائل روز و اداره امور مملکت آشنا شوند و علم و عمل را توأم سازند تا آنچه را که ضمن تحصیل میاموزند در دوران دانشجویی بکار بندند و به همین جهت بود که دولت از چند سال قبل ترتیبی داده است که از دانشجویان ضمن تحصیل برای آشنا ساختن آنها به گردش کارها استفاده شود بطوریکه امروزه در حدود نه هزار نفر از دانشجویان کشور در کارهاییکه مربوط به رشته تخصصی آنها است به گردش کارها کمک میکنند.

از برنامه های رشد اجتماعی دومین گام تامین درمان و بهداشت است.

در این قسمت نمایندگان محترم از اولویت و اهمیتی که دولت ضمن بودجه تقدیمی به این برنامه داده است کاملاً مستحضرند. تصور میکنم سیاست دولت در مورد برنامه های بهداشتی مورد قبول عموم نمایندگان محترم قرار گرفت ولی نسبت به امور درمانی از طرف نمایندگان محترم عقایدی بیان شد که مبتنی بر توجه دولت به این مسئله اجتماعی است و مخصوصاً نمایندگان محترم آقای عاملی و آقای منیر فرهنگ و آقای دکتر میرعلاء و آقای امیر ابراهیمی و آقای ابودر

مطالبی اظهار داشتند. لازم میدانم بطور خلاصه باستحضار برسانم که هر چند در اجرای اصل واگذاری کار مردم ب مردم دولت در نظر دارد که مشارکت بیشتر مردم را در این امر جلب سازد و آنها را به سرمایه گذاری در این امر تشویق کند اما بدیهی است که تعیین سیاست و نظارت بر امور درمانی کشور از وظایف خطیر و غیر قابل انکار دولت است. دولت مراقبت کامل دارد که مردم از خدمات درمانی در مقابل بیماریها بهره مند شوند و این سیاست را بطریق مختلفه ای اعمال می کند.

نخست نظارت بر فعالیتهایی است که مردم از طریق سرمایه گذاری در این امر میکنند و ثانیاً تامین بیمه های عمومی در مقابل بیماریها است سومین عامل رشد اجتماعی مسئله تامین رفاه عمومی است که دولت در سرفحه برنامه های خود قرار داده است و علاوه بر سازمان بیمه های اجتماعی که در مورد کارگران و وظایف مهمی برعهده دارد دولت تعمیم بیمه های اجتماعی را در مورد قاطبه طبقات مردم اعم از روستائیان و کلیه کارکنان دولت به عهده گرفته است و بتدریج به مرحله اجرا در میآورد.

آقای نخست وزیر اضافه کردند که دولت نسبت به کنترل مواد غذایی توسعه درمان افراد مبتلا مبارزه با قاچاق مواد مخدر، تکمیل ساختمان درمانگاههای مورد نیاز و مبارزه با بیماری مالاریا توجه کامل دارد و بزودی مراکز مجهز بهداشتی در چهل منطقه کشور ساخته خواهد شد. دولت رفاه اجتماعی، تامین حد اکثر اشتغال، و بیمه های همگانی در مقابل بیکاری - از کار افتادگی - ناتوانی را مد نظر اقدام قرارداده است. راجع به برنامه تنظیم خانواده ای آقای عاملی مطالب شروخی بیان کردند. شاید تنها بحثی که در این مورد پیش آید داشتن تعریف صحیح برنامه تنظیم خانواده باشد.

بنظر دولت تنظیم خانواده به معنای راهنمایی مردم برای حفظ سلامت روح و جسم آنان و فراهم کردن موجبات آموزش و پرورش و تامین شغل و کار برای نسل های آینده کشور بادر نظر گرفتن مقدمات مملکت است با این تعریف نباید از برنامه تنظیم خانواده فقط مفهوم محدودی در نظر گرفت زیرا محدود ساختن فقط وقتی وارد بحث میشود که مقدمات تکافوی تامین هدفهای مورد نظر را نکند والا تا آنجا که ما برای تامین مقدمات اهتمام می ورزیم محدودیت وجود نخواهد داشت.

آقای نخست وزیر بدنبال نطق خود در جلسه علنی مجلس شورای ملی گفتند

دومین هدف بودجه تقدیمی تامین رشد اقتصادی است و منظور از این رشد بهیچود وضع اقتصادی کشور در کلیه شئون است که منتهی به تامین زندگی بهتر برای عموم افراد میشود. اکنون ما به این افتخار نائل شده ایم که در کشور خود صنایع عظیم و مادر ایجاد کنیم.

امروز ملت ایران به صنایع سنگین کشور خود نظیر ذوب آهن - گاز - پتروشیمی - ماشین سازی و غیره افتخار میکند و بر اثراتی که در سال های آینده در اقتصاد کشور خواهد داشت آگاه است.

ایجاد هر یک از این صنایع مستلزم میلیونها تومان سرمایه گذاری بود که دولت را با حفظ مصالح عمومی اقدام به سرمایه گذاری کرد و در قسمت دیگر که امکان مشارکت مردم وجود داشت حداکثر تسهیلات را برای سرمایه گذاری بخش خصوصی فراهم آورد. و از طرفی به بيط و گسترش کشاورزی نوین توجه خاصی معطوف داشت.

نتیجه همه این کوششها این بود که ما به رشد اقتصادی افتخار آمیزی رسیده ایم.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند که ادامه رشد اقتصادی کشور همراه با حفظ ثبات نسبی قیمتها بخواست خداوند در سالهای آینده نیز پیوسته از هدفهای اساسی دولت اینجانب خواهد بود. همچنین دولت نسبت به برنامه های وسیع رفاه اجتماعی توجه خاص دارد و هرگاه در صد افزایش برنامه های اخیر اجتماعی ظرف سالهای اخیر بررسی شود ملاحظه میشود که موقعیت های قابل ملاحظه ای در این زمینه بدست آمده است و همچنان ادامه خواهد داشت.

در این مورد نمایندگان محترم آقای ابراهیمی و آقای فروهر مطالب شروخی بیان داشتند که در اجرای برنامه ها و وصول به هدف های اقتصادی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در قسمت کشاورزی آقای عاملی و آقای قهرمان و آقای مهذب مطالب شروخی در مورد مکانیزه کردن کشاورزی و تعلیمات حرفه ای در روستاها و دامپروری اظهار داشتند که در اجرای برنامه ها مورد توجه خواهد بود. همچنین آقای اسدی سمیع درباره اهمیت اصلاحات ارضی و اثرات درخشان آن توضیحات مفصلی دادند که برای همه ما بسیار آموزنده بود.

اظهارات نماینده محترم آقای خواجه نوری در مورد افزایش قابل ملاحظه اعتبارات عمرانی نسبت به سال گذشته و اهمیتی که آشنایی به فنون حرفه ای برای کشور دارد از مسائل بسیار مهمی است که مورد توجه خاص دولت قرار خواهد گرفت.

آقای نخست‌وزیر افزودند در مورد عمران شهری و روستایی که مورد توجه خاص نمایندگان محترم بود، آقای ابوتر مطالب مشروحی بیان داشتند و هرچند که از طرف نمایندگان محترم اکثریت به پاره‌ای از آنها پاسخ داده شد اینجانب به بعضی از نکات اشاره میکنم .

اظهارات ایشان در باره افزایش جمعیت در شهرها و تسهیلات مورد نیاز برای شهرها از قبیل فضای سبز - مبارزه با دود و ترافیک و امثال آن مورد توجه است در مورد امور ساختمانی آقای نخست‌وزیر گفتند : بعضی اشکالات که از این لحاظ در شهر تهران وجود داشت بحمداله مرتفع شده است .

در مورد مسائل ساختمانی دولت برای دو نوع ساختمان اولویت قائل است که یکی ساختمان برای کارگران و دیگری ساختمان برای فرهنگیان است و در سال جدید این موضوع دنبال خواهد شد . هم‌اکنون لایحه تامین زمین لازم برای ساختمان کوی مخصوص برادران کارگر ما در مجلس شورای ملی است و ترتیبی داده خواهد شد که ساختمان این کوی ظرف چند ماه آینده آغاز شود و نیز امیدواریم اولین کلنگ ساختمان آپارتمان های مخصوص فرهنگیان نیز پیش از پایان سال جاری به زمین زده شود . دولت معتقد است که فرهنگیان و کارگران حق بزرگی برگردن همه افراد مملکت دارند .

راجع به اصل و فرع دیون شهرداریها نیز بطوری که استحضار دارند در کشوره شهرداریان تسهیلات لازم پیش بینی شد .

در کلیات و اصول تنظیم بودجه نیز نمایندگان محترم آقای پزشکپور و آقای سعید وزیری و آقای دادفر و آقای فرهادپور مطالب مشروحی بیان کردند .

درباره اظهارات آقای پزشکپور و همچنین اظهارات آقای فرهادپور در مورد حدود نظارت بر بودجه کل کشور باید باستحضار برسانم که با تصویب لایحه محاسبات عمومی که در مجلس شورای ملی مطرح است (بطوریکه استحضار دارند) مقررات جامعی بمنظور اعمال نظارت بیشتر و بکار بردن روشهای جدید حسابرسی پیش بینی شده است و راجع به صرفه جویی در هزینه‌های اداری (هرچند آقای پزشکپور اظهار داشتند که نسبت به سال قبل کمتر شده است) باید باستحضار برسانم که این سیاست همواره مورد نظر بوده است که تا حدودی که به برنامه لایحه‌ای وارد نشود حداکثر صرفه‌جویی در مخارج مملکتی بعمل آید . در این خصوص برای یک جهش اجتماعی و اقتصادی میباید اولویتها را بیش از

هرچیز در نظر بگیریم و ضمن رعایت ضوابط و قواعد بطوری عمل بکنیم که گام برداری های آهسته و کلاسیک مخمل جهش‌های مورد نظر نباشد . لازم میدانم اشاره کنم که در نظر است کمیسیون خاصی با مشارکت عموم دستگاههای دولتی که مطالب مربوط به کار آنها است تشکیل شود تا از نظریاتی که در مجلس ابراز شده است استفاده شود . آقای نخست‌وزیر سپس گفتند اینک که کلیات بودجه مطرح است میخواهم در مورد یک نکته اساسی که نماینده محترم آقای فخر طباطبائی و همچنین آقای پزشکپور و آقای دادفر درباره آن مطالب اصولی بیان داشتند توضیحی بدهم . توسعه مراجع قضایی در سطح کشور همانطور که مورد علاقه نمایندگان محترم بود مورد توجه خاص دولت نیز هست و افزایش بودجه وزارت دادگستری به میزانی بیش از میزان افزایش معمولی سایر دستگاهها ناشی از اعتقاد دولت باین امر خطیر و تأمین موجبات کار و استقلال قوه قضائیه است .

آقای نخست‌وزیر در اینجا توجه مخصوص دولت به محترم شدن استقلال قوه قضائیه و مقررات استخدامی مخصوص قضات را مورد تأکید قرار دادند و ضمن تشریح گسترش فعالیتهای وزارت دادگستری یادآور شدند که ۵۰۰ خانه انصاف و ۴۰ شورای داور و افزایش قابل ملاحظه اعتبارات وزارت دادگستری نسبت به سازمانهای دیگر نمونه‌ای از موفقیت‌های دولت در این زمینه است .

آقای نخست‌وزیر ضمن اشاره به اظهارات بعضی نمایندگان مجلس که بودجه دفاعی مملکت را کافی نمیدانستند گفتند به این نکته توجه داشته باشید که وراء تجهیزات نظامی ما نزدیک به سی میلیون ایرانی با سلاح ایمان و میهن پرستی قرار دارند که اثرش بمراتب بیشتر است .

آقای نخست‌وزیر در نطق امروز خود اهمیت همکاریهای مردم در امر آموزش و پرورش را یادآور شدند و گفتند : باید در امر آموزش و پرورش مخصوصاً از نظر درآمدها و هزینه‌های مورد نیاز آن تحولی بوجود آید و با دید جدید و منطقی باین مسئله مهم نگرسته شود تا مردم باین امر بخاطر آینده فرزندان شان اهمیت بیشتری بدهند .

در این زمینه برنامه هایی مورد نظر است که بوسیله وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی بمرحله اجرا در خواهد آمد . من شخصا چنین میدانم که لایحه بودجه سال آینده کل کشور بما امکان خواهد داد که در سال ۱۳۴۹ موفق بیک جهش واقعی در امر آموزش و پرورش و تعلیمات

حرفه‌ای شویم .

آقای نخست‌وزیر اعلام داشتند که در مرحله دوم اجرای قانون جدید استخدام کشوری طرح طبقه‌بندی مشاغل چنان تنظیم خواهد شد که دبیران و آموزگاران بی‌آنکه مجبور شوند شغل خود را تغییر دهند بتوانند در صورت حسن انجام وظیفه از گروهی به گروه بالاتر ارتقاء یابند . آقای نخست‌وزیر اضافه کردند که ضوابط این ارتقاء نیز عبارت خواهد بود از تجربه در کار تدریس یا گرفتن مدرک تحصیلی بالاتر در رشته تخصصی و یا دیدن دوره‌های آموزشی خاص و یا انجام کارهای تحقیقاتی در زمینه های تخصصی .

آقای نخست‌وزیر آنگاه گفتند : سومین هدف دولت در این بودجه (بطوریکه استحضار دارند) حمایت کلیه مظاهر تمدن فرهنگ و هنر ارزنده باستانی است که بما به ارث رسیده و ما نیز در این دوره از تاریخ کشور مظاهر و تجلیات تمدن امروز جهانی یعنی صنعتی ساختن کشور - کشاورزی - ارتباطات و مخابرات و بهره برداری از منابع کشور و هزاران نمونه ترقی را بر آن افزودیم که مجموع آن مقدمات ملی ما را تشکیل میدهد و با این فلسفه انسانی است که برای دفاع آنچه داریم تقویت بنیه دفاعی کشور را ضمن صیانت خود قرار داده‌ایم در این خصوص عموم نمایندگان اعم از آنها یکدگر پشت تریبون صحبت کردند و یا کسانی که مکاتبات قلبی آنها توسط نمایندگان محترم ابراز شد با یک ایمان قلبی که بین ما و شما و عموم ملت ایران مشترك است فداکارانه آنرا نصب‌العین خود قرار داده‌ایم . با تشکر از نمایندگان محترم اکثریت که همواره با آرای صائب خود دولت را یاری داده‌اند و با خوشوقتی از اظهار نظر نمایندگان اقلیت که با بیان عقاید خود در واقع دولت را حمایت و تقویت کردند و نظریاتشان درباره‌ای از موارد نمودار دقت و موشکافی و ارائه طریق دیگری برای پیشرفت کار دولت بود اظهارات خود را پایان میدهم . بدیهی است ایمان بکار جمعی و شور و تبادل نظر با نمایندگان اکثریت که بر مبنای اصول حزبی قرار دارد بزرگترین عامل موفقیت دولت در ایفاء وظایف خود بوده است . در اینجا میخواهم از رئیس محترم کمیسیون بودجه و اعضای آن که ساعتها وقت خود را مصروف رسیدگی به بودجه کرده‌اند تشکر کنم .

از رئیس محترم مجلس شورای ملی نیز که با سنجایی خاص خود جلسات طولانی و مذاکرات ممتد و متوالی مربوط به بودجه را اداره فرمودند صمیمانه سپاسگزارم . در این موقع قلب همه

و عموم ملت ایران مشحون از یک دنیاشور و شغف است که در این جهان در سایه درایتها و مهربانیها و ارشادات رهبر عالیقدر خود از یک زندگانی سعادت‌مند و مرفه که شایسته آنیم برخورداریم و در این موقع که در آستانه نوروز باستانی هستیم و در قلوب خود با طلیعه بهاری این همه وجد و شادی احساس میکنیم از خداوند متعال به سبب این همه مواهبی که به ما بخشیده است سپاسگزاریم و سلامت وجود شاهنشاه خود را از درگاه احدیت مسئلت میکنیم .

پس از اظهارات آقای هویدا نخست‌وزیر به کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۴۹ رای گرفتند بتصویب رسید و بررسی ماده واحده و تبصره های بودجه آغاز شد . در تبصره های بودجه چند تن از نمایندگان پیشنهاد هایی تقدیم کردند و بررسی و مذاکره در اطراف این پیشنهاد ها تا ساعت یک بعد از ظهر بطول انجامید و در این ساعت رئیس مجلس اعلام کرد که دنباله رسیدگی به پیشنهاد های نمایندگان ساعت سه بعد از ظهر امروز موکول شود .

هوایمائی

نخستین پرواز جت بوئینگ ۷۰۷

نخستین پرواز جت بوئینگ ۷۰۷ هوایمائی ملی ایران انجام شد . این پرواز در مسیر تهران - مشهد بعمل آمد .

نهمین سال تاسیس «هما» هوایمائی ملی ایران «هما» وارد نهمین سال حیات خود شد . بهمن مناسبت مجلس جشنی برپا گردیده بود که آقای نخست‌وزیر نیز در آن شرکت داشتند .

بازگشت زائران ایرانی ● زائران ایرانی خانه خدا به ایران بازگشتند . امسال نیز تسهیلاتی در کار حجاج ایرانی بعمل آمده بود از جمله یک بیمارستان مجهز - محرابی و چند درمانگاه از طرف جمعیت شیر و خورشید در مدینه و مکه مشغول خدمت بود که حجاج دیگر کشور ها نیز از خدمات این بیمارستان صحرائی استفاده کردند . رفت و برگشت حجاج ایرانی وسیله هوایمائی های شرکت هوایمائی ملی ایران انجام گردید .

بزرگداشت روز علیحضرت رضا شاه کبیر ● روز سوم اسفندمراسمی در سراسر کشور برگزار گردید .

در این روز که بنام «روز علیحضرت رضا شاه کبیر» نامیده میشود آئین ویژه‌ای با شرکت امرای ارتش شاهنشاهی ژاندارمری، شهربانی و نیروی دریائی بعمل آمد .

این مراسم برای بزرگداشت اعلیحضرت رضاشاه کبیر انجام شد و طی آن آرامگاه و مجسمه های بانی ایران نوین در تهران و شهرستانها گلباران گردید .

خوراک

مشخصات محصولات غذایی ● تهیه کنندگان مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی موظف به ثبت مشخصات فرآورده های خود

● والا حضرت همایون ولایتعهد ضمن سفر و دیدار خود از فرانسه در یک مصاحبه تلویزیونی در پاریس شرکت کردند.

همچنین بمناسبت ورود ایشان و والا حضرت شاهدخت فرحناز پهلوی و والا حضرت شاهپور علیرضا پهلوی به پاریس رونامه های این شهر مطالب و عکسهایی از بازدید والا حضرتها منتشر کردند.



اولین پرواز جت بوئینگ

رفتار مأموران عراقی

خبرگزاری پارس اطلاع داد:

● یکی دیگر از کارمندان سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد که مورد شکنجه و ضرب و شتم مأموران حکومت بعثی عراقی قرار گرفته است در برابر انبوه خبرنگاران داخلی و خارجی چگونگی بازداشت و کتک خوردن خود را بازگو کرد .

آقای علی بلادی کارمند ۴۳ ساله محلی سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد در گفت و شنود خود با خبرنگاران داخلی و خارجی که در وزارت امور خارجه صورت گرفت تشریح کرد که چگونه از ساعت نه بامداد تا ده شب تحت غیرانسانی ترین شکنجه‌ها قرار داشته و سرانجام در زیر فشار وحشیانه شکنجه مأموران بعثی عراق ناگزیر از امضاء کردن سندی علیه کشور خود شده است .

در ابتدای جلسه سخنگوی وزارت خارجه ضمن معرفی آقای بلادی گفت که این کارمند دفتری سفارت شاهنشاهی در عین حال دانشجو بوده و پس از آزاد شدن بمسافرت آمده و مدت ده روز در سفارت بسر برده تا سرانجام موفق بگرفتن ویزا و بازگشت به ایران شده است .

آنگاه آقای بلادی به تشریح ماجرای خود پرداخت و گفت: ساعت نه صبح روز دوم بهمن هنگامی که در برابر سفارت ایران در بغداد ایستاده بودم چندتن افراد نظامی و غیر نظامی مسلح عراقی مرا بازداشت کردند . هويت خود را به آنها گفتم ولی توجه نکردند . آنان مرا کتک زدند و با قنداق مسلسل به شکم نواختند . بعد مرا داخل ماشین انداختند و در حالیکه همچنان مرا شکنجه میدادند بطرف بیرون شهر بردند .

در بیرون شهر وارد خانه‌ای شدید مرا به اطافقی بردند چند نفر دستهایم را گرفتند . دیگران موهایم را میکشیدند و در این حالت مرا بسختی کتک میزدند این شکنجه‌ها پنج تا شش ساعت ادامه داشت . پس از چند لحظه شکنجه‌ها دوباره آغاز شد و پس از مدتی کاغذی بمن دادند تا کتباً تعهد کنم که با آنها همکاری داشته باشم و با خیانت پناه و میهن عزیز خود برای عراق جاسوسی کنم . من خودداری کردم و شکنجه‌ها بدتر و سخت‌تر آغاز شد . آنها این بار به تهدید من پرداختند و باین حد قانع شدند که فعلاً اخبار سفارت را به آنها بدهم من یادآوری کردم که این کار میسر نیست زیرا در حال مرضی بسر میبرم بیان این مطلب موجب شد که شکنجه بدنی بهوضی وحشیانه‌تر و غیر قابل تحمل‌تر از سر گرفته شود و سرانجام تهدیدنامه‌ای برای همکاری با بعثی‌های عراق امضاء کردم تا حاضر شدند مرا آزا دسازند . من یکسره بمسافرت آمده و همه چیز را تعریف کردم مدت ده روز در سفارت بودم تا اینکه روز ۱۸ بهمن ماه در حالیکه کارمندان سفارت ایران مرا تا مرز همراهی و حفاظت میکردند بغداد را ترک گفتم و بوطنی بازگشتم .

روز و یادهاک آن



نقاشی

نمایشگاه مهنار آذربایجان
● نمایشگاهی از آثار نقاشی مهنار آذربایجان ترتیب یافت. در این نمایشگاه که در موزه ایران باستان ترتیب یافته بود تابلو هایی از این نقاش در شیوه های گوناگون عرضه شد.
آثار طراحان اطریشی در گالری نگار
● نمایشگاهی از آثار نقاشی و طراحی هنرمندان اطریشی در تهران برپا گردید. این نمایشگاه با همکاری اداره روابط فرهنگی سفارت اطریش در ایران بمنظور توسعه مبادلات هنری میان نمایشگاه «نگار» در تهران و نمایشگاه «پاتیز لیختن نلز» در وین ترتیب داده شده بود.

کتاب

نوآوران قصه

● مجموعه ای از داستان های کوتاه نویسندگان معاصر انتشار یافت. در این کتاب قصه هایی از ابراهیم گلستان، احمد محمود، بهمن فرسی، م. ا. به آذین، بهرام صادقی، جمال میرصادقی، حمید صدر، رضا مقدم، عباس پهلوان، عبدالرحیم احمدی، غلامحسین ساعدی، فریدون تنکابنی، محمد ایوبی، محمود طیار، مهین بهرامی و نادرا ابراهیمی گرد آمده است.
کتابی از «نوری»

● شاعر معاصر «نوری» که تاکنون آثاری در شعر کلاسیک از او منتشر شده است، بزودی مجموعه ای از اشعار خود را به چاپ خواهد رساند. اشعار این کتاب از تازه ترین سروده های این شاعر است.

تلویزیون

شهر بچه ها

● از جمله برنامه های جدید تلویزیون ملی ایران، مجموعه بی دربی «شهر بچه ها» می باشد.
در این برنامه مسعود شیرازی، مهنار شیرازی، شروین، توکلی، آرش عزیز صیرتی، نازی، علیرضا حکیمی و فیروزه قوانلو بازی دارند و سیروس افهمی

آنها کارگردانی میکند. مدت هر برنامه ۲۰ دقیقه می باشد.

● «شهر بچه ها» مجموعه فانتزی و سرگرم کننده ایست که داستان آن مربوط به بچه ها و شهری است که بچه ها بنا کرده اند و در این شهر باتفاق باندیها و زشتی های جهان روبرو شده و با آن مبارزه میکند.

نقد سینمایی

● برنامه نقد سینما راز این پس بابت ساسان برعهده خواهد داشت.
این برنامه که قبلا بهمن فرمان آرا اجرا میکرد، «فانوس خیال» نام دارد. اولین برنامه ای که بابت ساسان در تلویزیون اجرا کرد نقد فیلم قیصر بود که دکتر هوشنگ کاوسی نیز در آن شرکت داشت.

دیکنه

● نمایشنامه «دیکنه» که همراه بازایوه سال گذشته در تالار ۲۵ شهریور اجرا شد، آماده ضبط تلویزیون میگردد. این نمایشنامه را که دکتر غلامحسین ساعدی نوشته است، داود رشیدی کارگردانی میکند و منوچهر فرید و پرویز قنی زاده آنرا اجرا خواهند نمود.

برنامه های تئاتر

● این برنامه ها در بهمن و اسفند ماه از برنامه تئاتر تلویزیون ملی ایران پخش گردید:

گفتگو درباره مترجمین تآثر با شرکت تأییدی، ایرج زهری، وفا، دکتر صدریه، کامبیز فرخی و هوشنگ لطیف پور.
«نمایشنامه باجه» با هنر - نمائی داود رشیدی و منوچهر فرید.

گفتگو درباره بهمن فرسی و آثارش.
گفتگو با بازیگران تئاتر با شرکت فخری خوروش، جمیله شیخی، مشایخی، اسمعیل شکله، صادق بهرامی و اسمعیل خلج.
گفتگو درباره آموزش - تئاتر در ایران با شرکت دکتر ممنون، حمید سمندریان، داود رشیدی و ایرج زهری و رویدادهای تئاتر جهان باتدوین و اجرای ایرج زهری.

کلیه برنامه های تئاتر تلویزیون ملی ایران را خانم «شهنار مهدوی» تهیه میکند.
کانون گرم خانواده ● مجموعه بی در پی

تلویزیونی که بزودی نمایش آن در تلویزیون آغاز خواهد شد، «کانون گرم خانواده» نام دارد.

این برنامه را منوچهر محجوبی می نویسند و جعفر والی کارگردانی آنرا برعهده دارد.

در هر برنامه از کانون گرم خانواده که نیم ساعت می باشد، وقایع و ماجرا هایی که در زندگی و کانون خانواده یک روزنامه نگار اتفاق می افتد نمایش داده میشود.

بر فراز زمان

● «بر فراز زمان» نام مجموعه بی دربی تلویزیونی است که دکتر باستانی پاریزی آنرا نوشته است. در هر برنامه «بر فراز زمان» زندگی یکی از سرداران ایرانی نمایش داده میشود. در این مجموعه جمشید مشایخی محمود نوربخش، شهنار جابری زاده و سیروس افهمی بازی خواهند داشت.

از جمله داستانهایی که در برنامه «بر فراز زمان» نشان می دهند داستان زندگی بابت خرم دین، مازیار، یعقوب لیث و حشام می باشد.

هفته باخ

● در اسفند ماه هفته ای بنام «هفته باخ» از طرف تلویزیون ملی ایران برگزار شد.

در این هفته آثاری از یوهان سباستین باخ اجرا گردید.

سولیت های برنامه هفته باخ

سوپرانو: منصوره قصری
فلوت: توماس کریستیان داوید
کامبیز روشن روان
ویلن: ماریکو مانوکیان
ژرژ مارتیروسیان
هراج مانوکیان
ویلن سل: استفان پوپوف
پیانو: لوست مارتیروسیان
پری برکشتی
توماس کریستیان داوید
رهبر: توماس کریستیان داوید

فیلمهای نمایش داده شده در مورد فیلم خود توضیحاتی دادند.

برنامه ای از سیروس افهمی و صفی

● «سیروس افهمی» در حال حاضر سرگرم آماده ساختن یک مجموعه بی دربی یکساعته برای تلویزیون ملی ایران می باشد.
این مجموعه «ابرمرد» یا «مردی از گذشته» نام دارد.

داستان «ابرمرد» داستان پایداری و ماجراهایی که در گذشته اتفاق افتاده می باشد که هر بار گوشه ای از زندگی یکی از پهلوانان تاریخی ایران در این برنامه نمایش در می آید. صفی و سیروس افهمی این برنامه را نوشته اند و خود افهمی آنرا کارگردانی می کند.

بازیگران این مجموعه که از عید نوروز پخش آن آغاز میشود، عبارتند از: سیروس افهمی، محمود نوربخش، نوذر آزادی، شهنار جابری زاده، شروین، آرش، فتنه صفوی و بیژن زندی.

فیلمهای گاو

● نمایش فیلم گاو پس از حدود یکسالی که از اتمام فیلمبرداری آن میگذرد در یکی از سینماهای تهران آغاز شد.

فیلم گاو اقتباس از نوشته ای از دکتر ساعدی است که مهرداد مهرجی آنرا کارگردانی کرده است.

در این فیلم انتظامی، والی و مشایخی بازی می کنند. این فیلم از اواسط ماه بهمن تا اواخر اسفند ماه منظم در سینما کاپری نمایش داده شد. جشنواره فیلم در کاخ جوانان

● یک جشنواره فیلم فارسی بدست یک هفته ترتیب داده شد. این جشنواره فیلم بمنظور آشنائی بیشتر جوانان با صنایع ملی ایران در کاخ جوانان برپا گردید.

در هر یک از جلسات این جشنواره یکی از آثار سینمای فارسی که بوسیله هیئت مدیره سندیکای صنایع فیلمهای ملی انتخاب شده بود نمایش داده شد و طی آن کارگردانان فیلمهای نمایش داده شده در مورد فیلم خود توضیحاتی دادند.

ارفه سیاه ● فیلم فرانسوی «ارفه سیاه» اثر «مارسل کامو» نمایش داده شد. نمایش این فیلم در انجمن فرهنگی فرانسه در تهران انجام گردید.

نمایش فیلمهای خارجی در سینماهای تهران
● این فیلمها در سینماهای تهران بمعرض نمایش گذاشته شد.

دختر مسخره با شرکت عمر شریف، یارابارا استرایسند. گریز از گذشته با شرکت کارول وایت. تشریفات پنهانی با شرکت الیزابت تیلور. نمک و فلفل با شرکت سامی دیویس. این گروه خشن با شرکت ویلیام هولدن. چایککه عقابها سبزی میکنند با شرکت هنری سیلوا. تصویر یک گناه با شرکت هیل میلز. لشکر پنج نفره با شرکت پیتز کریوز و جمیز دبلو. دختری از جنگل با شرکت مارگارت بروکی.

دنیای پنهانی با شرکت ژاکلین بیسه. مارنی با شرکت شون کانری. شالاکو با شرکت شون کانری. عقاب کاستیل با شرکت جفری کاپ. لردجیم با شرکت پیتراوتول. برای پیروزی با شرکت رابرت شا. این گروه خشن (رنگی - ۷۰ میلتری) با شرکت ویلیام هولدن.

بدنبال روباه (رنگی) با شرکت پیتز سرلرز. دسیسه سیبیلیها با شرکت آلن دلون. دارلینک با شرکت جولی کریستی. شاهزاده و گدا (رنگی) با شرکت گای ویلیامز. سامورای با شرکت آلن دلون.

فیلمهای فارسی و سینماهای تهران
فیلمهای فارسی که در سینماهای تهران بروی پرده آمدند، عبارت بودند از:

بهشت دورنیت (رنگی) با شرکت فردین و فروزان گاو با شرکت انتظامی، نصیریان و مشایخی. نعره گرگها با شرکت امیرجعفری و سهیلا. سه جوانمرد با شرکت سپهرنیا، گرشا و متوسلانی. سالارمردان با شرکت ناصر ملک مطیعی. مالک دوزخ با شرکت فروزان و همایون. بهشت دورنیت با شرکت مظهری و فروزان. گربه کور با شرکت پروین غفاری. صدلی الکتریکی (رنگی) با شرکت بیک ایمانوردی.

باله

چهار برنامه از گروه باله ملی پارس
● گروه باله ملی پارس به رهبری عبدالله ناظمی برنامه‌ای در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بنمایش گذاشت.
این برنامه که از ۱۳ تا ۱۶ اسفند ماه اجرا شد عبارت بود از:

۱ - رقص محلی ایرانی توسط هنرجویان خردسال گروه.
۲ - باله مدرن (الزله)، موسیقی از «پل هیندمیت»، اجرای موسیقی از ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران - رقص نگار «عبدالله ناظمی» داستان این باله از وقایع زلزله های ایران الهام گرفته شده و اجرای آنرا این افراد بهنده داشتند:

بنفشه بهرامیان در نقش امید، ناصر کاظمی در نقش زندگی، عبدالله ناظمی در نقش زلزله، حبیب شبانی در نقش مددکار و مهدی انوشهر، گیتی عاقل منش، مهشید جمپور، هایده گنجینه محبوب دلاور، محمود افزدی.
۳ - باله ای پدر سخت گیر با موسیقی «فرانتس لیست» و طرح دکوراز «فریده توفیقی» سخت گیریهای پدری درباره دخترش و ماجراهائی که آنان با مردم ده دارند تم اصلی داستان این باله بود و بنفشه بهرامیان، عبدالله ناظمی، آتش تقی پور، مهشید جمپور، مهدی انوشهر، گیتی عاقل منش، حبیب شبانی و آناهیتا سلجوش در آن بازیگری داشتند.

۴ - باله ای شهرزاد با موسیقی «اریمسکی کراساکف»، رقص نگار «انجمن ادبی» و تنظیم عبدالله ناظمی - در این باله ناصر کاظمی، بنفشه بهرامیان، عبدالله ناظمی، گیتی عاقل منش، انوشهر، شبانی، افزدی، جمپور، گنجینه، محبوب دلاور و سلجوش بازیگری داشتند.

شب باله در تالار رودکی
● سازمان باله ملی ایران «آهنگازان مشهور» یک برنامه متنوع شامل چند قطعه باله در تالار رودکی روی صحنه آورد.
در این برنامه که زیر عنوان «شب باله» اجرا شد آناری از «سل دوکا» و «چایکوفسکی»، «ویبر» و «آوردی» آهنگازان مشهور جهان اجرا گردید.
این برنامه شامل باله «لاپری»، قسمتی از باله «زینای خفته» بنام اپرنده «آپ» باله «شیخ گلرخ» و باله «عشق و دلقاق» بود.

کسرت این گروه که به دعوت روابط عمومی تلویزیون ملی ایران، به تهران آمده بودند در تالار فردوسی دانشگاه تهران برگزار شد.
مرنامه کسرت این گروه بدین ترتیب بود:
(۱) پرلود شماره ۱۲
(۲) کسرتو ایتالین: مدراتو آنداته: فیناله.
(۳) آریا
(۴) توکاتا در رمینور
(۵) توکاتا شماره ۴
آلگرو آنداته فیناله
(۶) پرلود شماره ۲
(۷) کاتات شماره ۲۸
(۸) کسرتو در رمینور

در مجامع هنری و فرهنگی
مرحوم و صدیق
«انجمن قلم»
در این جلسه انجمن قلم که اختصاص به بزرگداشت دانشمند مرحوم وحید دستگردی داشت ارباب قلم و دوستداران ادب شرکت داشتند. زین العابدین رهنما، (دبیر کل انجمن قلم)، محمود وحیدزاده (فرزند مرحوم وحید و مدیر مجله ارمغان) از جمله سخنرانان این جلسه بودند.
درباره مرحوم وحید دستگردی گفته شد که: در مدت ۶۳ سال عمر خود ۴۰ اثر ادبی، بجای گذاشته است و نیز تاسیس مجله ارمغان و انجمن ادبی حکیم نظامی که ۲۷ سال پیش بنیان آن گذاشته شده از خدمات آن استاد فقید

● برای تجلیل از بنیان گذار مجله کهنسال «ارمغان» و انجمن ادبی حکیم نظامی مراسم در انجمن قلم برگزار

صفحه ۱۰ و ۱۱



صحنه ای از باله حقیقت



باله پدر سخت گیر



باله شیخ صنعان

مطبوعات خود گردید. پیغام امروز به مدیریت و صاحب امتیازی «عبدالرسول عظیمی» و سردبیری «رضا مرزبان» هر روز عصر در تهران انتشار می یابد.

به همین مناسبت گروهی از مطبوعات کشور ده سال خدمت پیغام امروز را به عظیمی و مرزبان تبریک گفتند.

هفته نامه اقتصادی تهران اکونومیست به مدیریت و صاحب امتیازی «دکتر باقر شریعت» نماینده مجلس شورای ملی در تهران انتشار می یابد و هر سال نسبت به سال قبل پیشرفت آن از جهت کیفیت مطالب و کمیت صفحات هجتم می خورد.

تهران اکونومیست بخشی نیز به زبان انگلیسی دارد که مورد علاقه گروهی از خوانندگان آشنا باین زبان است.

پیغام امروز ده ساله شد ● روزنامه پیغام امروز وارد دهمین سال حیات

در دربار شاهنشاهی مجلس جشنی بمناسبت انتشار ترجمه فارسی کتاب جهانگرد معروف ایتالیائی «پیترو دلاواله» ترتیب یافت.
در این کتاب که بوسیله آقای «شجاع الدین شفا» ترجمه شده است شرح اقامت جهانگرد ایتالیائی در ایران که با عصر درخشان شاه عباس کبیر هم زمان بوده بازگو شده است.

مطبوعات

تهران اکونومیست ۱۸ ساله شد

● «تهران اکونومیست» هیجدهمین سال خدمت مطبوعاتی خود را آغاز کرد.

در نخستین جلسات انجمن که در منزل شخصی مرحوم وحید برگزار میشده است، نائینی کرمانی، اشتری، ایرج میرزا، تقی نفیسی، احمد بهمنیار، صادق انصاری، ناهید همدانی، حسین سرور و رهی معیری شرکت داشته اند.
فکر ایجاد انجمن همزمان با برگزاری مجالسی که برای تصحیح آثار حکیم نظامی تشکیل میشده بوجود آمده است و نام آن نیز بهمن جهت انجمن حکیم نظامی انتخاب شده است.
ترتیب جشن بمناسبت ترجمه کتاب از طرف سفیر ایتالیا

از شعر تا قصه

● از شعر تا قصه نام تریه‌ایت که به‌همت گروه دانشجویی جوانان شیراز و زیر نظر بیمان جهان‌بین انتشار یافته است. بیشتر آثار مندرج در این نشریه اختصاص به شاعران و نویسندگان خوب دارد. در این نشریه آثاری از جلال آل‌احمد - نیما یوشیج - عبدالملکی دست‌غیب - منصور اوجی - ابوالقاسم قفیری - امین قفیری - صادق همایونی - رضا اولیاء - منصور برمکی - شاپور بنیاد - بیمان جهان‌بین - حسن حاتمی - مهردادخواجی - نوری - دکتر رضا شاپوریان - سیروس شیبسا - حسن معمیری - مهران موید و عبدالحسین موحد گردآوری شده است.

فصلنامه هنر

● به‌همت «ایرج زهری» منتقد و عضو شورای تئاتر تلویزیون فصلنامه‌ای منتشر گردید. این مجله که نام «هفت هنر» را دارد اختصاص به بحث و نقد و تفسیر پیرامون هنرهای هفت‌گانه: «ادبیات، موسیقی، پیکر سازی، تئاتر، رقص، نقاشی و سینما» دارد. آثاری از دکتر مهدی فروغ، دکتر محمدرضا الهی، دکتر ضیاءالدین سجادی، کارل فالنتین، دکتر محمدجعفر محبوب، ایرج زهری، ژان لونی بارو، امام محمدغزالی، ویکتور دراگونسکی، اصغر محمدی، محمود فرشچیان، محمود اولیاء عبدالله ناظمی و خسرو سینائی در اولین شماره «۷ هنر» درج شده بود. این نشریه را اداره کل آموزش هنری وزارت فرهنگ و هنر انتشار میدهد.

سخنرانی

● در دانشگاه بمبئی «پادماناوان» پیشرفت های اقتصادی و برنامه های پیکار بایسواد ایران را در دانشگاه بمبئی هندوستان مورد بحث قرار داد. وی که قبلاً سفیر هند در ایران بوده است ضمن سخنرانی خود راجع به جهش ایران در راه توسعه اقتصادی و خاطره شرکت در مراسم تاجگذاری اعلیحضرتین سخن گفت.

درباره سخن پارسی

● سرکنسول ایران در بمبئی سخنرانی شروحی در باره سخن پارسی و شاهکار منظوم شاهنامه فردوسی در موزه خاورشناسی «کاما» در شهر بمبئی ایراد کرد.

تجلیل از ذبیح‌اله منصورى ● دیدار ماهانه اعضای سندیکای نویسندگان مطبوعات اختصاص به بزرگداشت خدمت مطبوعاتی ۵۷ ساله «ذبیح‌اله منصورى» داشت.

در این مراسم ضمن تجلیل از ذبیح‌اله منصورى نویسنده و مترجم پرکار و پر سابقه مطبوعات هدایائی از طرف سندیکا و نیز برخی از نویسندگان به‌وی داده شد.

تشریح موقعیت ایران

● پیشرفت‌ها و تحولات ایران بوسیله یکی از پزشکان ایرانی مقیم نروژ برای جمعی از اطباء و تکنسین های نروژ مالزی، کره جنوبی، اکوادور، هند و بعضی از کشور های آفریقائی تشریح شد.

● دکتر سلیمی خلیفی در این سخنرانی ترقیات اقتصادی و اجتماعی ایران را برای مستمعین شرح داد و درباره سیاست مستقل ملی ایران به تفصیل سخن گفت.

این سخنرانی با همکاری سفارت شاهنشاهی ایران در نروژ در تالار کنفرانس بیمارستان بزرگ «ریکس» در اسلو تریب یافته بود. در پایان این سخنرانی یک فیلم از بنا های تاریخی اصفهان برای حاضران نمایش داده شد.

شعر و شبهای شعر

● شب شعر نیما و فردوسی

● دوشب شعر در کرمانشاه ترتیب یافت.

شبهای شعر کرمانشاه، با همکاری اداره فرهنگ و هنر کرمانشاه و به همت «عباس اسدی» شاعر کرمانشاهی برقرار شده بود.

شبهای شعر کرمانشاه بنام «نیما» و «فردوسی» نام گذاری شده بودند. در شب شعر نیما آثاری



عباس اسدی

چند از نیما یوشیج قرائت شد و در شب دیگر پیرامون زندگی فردوسی و شاهنامه اثر جاویدان او مطالبی بیان شد و نیز قسمتی از شاهنامه بصورت تقاللی اجرا گردید. در این شبها هم چنین اشعاری از احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث قرائت گردید. در شبهای شعر کرمانشاه احمد شاملو و نصرت رحمانی نیز حضور داشتند.

عکس

● نمایشگاه عکس مراسم مذهبی

● نمایشگاهی از مراسم مذهبی در خرم‌آباد افتتاح شد. این نمایشگاه بوسیله اداره اوقاف خرم‌آباد ترتیب داده شده بود.

تالار

نمایشنامه بختک

● محمدعلی کشاورز پس از کارگردانی دو نمایشنامه استریت‌تیر و کارول سرگرم کار روی یک نمایشنامه ایرانی شده است. این نمایشنامه که «بختک» نام دارد اثر دکتر محمد صنعتی است.

در تالار فردوسی

● از «پیراندلو» نمایشنامه نویس معروف و به کارگردانی خانم «پری صابری» نمایشنامه «امشب از خود می‌سازیم» اجرا شد.

نمایش این پیس که در تالار فردوسی دانشگاه تهران بروی صحنه آمد مدت ۱۵ شب ادامه داشت.

نودر آزادی، خسرو فرخزادی، پرویز صیاد پروین دولتشاهی، سوسن تسلیمی، شهناز جابری‌زاده، مرضیه برومند، پروین صوری، عباس یوسفیانی، فریدون ابوضیا، منوچهر

داود آبادی، فردوس کاویانی همایون هوشیار نژاد، هلن بختیاری، اسفندیار ناوندادی عبدالحسین فهیم، احمد سیلاخوری، مهدی صفاری، محمود شیانی، علیرضاهدائی ویرستو در این نمایشنامه ایفای نقش می‌نمودند.

فرشته برف

● دو نمایشنامه فرشته برف و همسایه که اولی از یک نویسنده آمریکائی و دومی اثری از یک نمایشنامه نویس انگلیسی بود در تالار موزه اجرا شد.

این دو پیس را اسمعیل شنگله کارگردانی کرد و محمدعلی کشاورز، فخری خوروش و خود شنگله در آن بازی داشتند.

● «سرآیدار» در تالار موزه نمایشنامه «سرآیدار» به کارگردانی پرویز صیاد بروی صحنه آمد.

صادق بهرامی و نودرآذری به‌مراه صیاد در این نمایشنامه



تربیا قاسمی

از چهره‌هایی که همواره در اجرای نمایشنامه‌ها با خسروی همکاری می‌کردند تنها جمیله شیخی در این پیس بازیگری داشت و بقیه که همگی تقریباً در کنار تاتر تازه کارند به جز تربیا قاسمی برعهده داشتند.

خانم شیخی در نقش خانم درخشان ایفای نقش می‌نمود و تربیا قاسمی در نقش مریم.



جمیله شیخی

کارگردان این نمایشنامه که در تالار ۴۵ شهرپور اجرا شد، «رکن‌الدین خسروی» بود. دو نقش اول زن این نمایشنامه را خانم «جمیله شیخی» و خانم «تربیا قاسمی» برعهده داشتند.

خانم شیخی در نقش خانم درخشان ایفای نقش می‌نمود و تربیا قاسمی در نقش مریم.



رکن‌الدین خسروی



گیتی جوادی



اجرای نمایشنامه «امشب از خود می‌سازیم»

در مرکز تحقیقات فسی
ایران و فرانسه

جوانان

خانه‌های پیش ساخته

در بهمن ماه جلدهای با حضور مهندسین فرانسوی و ایرانی در مرکز تحقیقات فنی ایران و فرانسه در خیابان فرست تشکیل شد. در این جلسه ابتدا یکی از اساتید دانشکده معماری استراژبورگ مطالبی در مورد معماری صنعتی ایراد کرد و گفت يك سیستم مدرن از چندین سال با نظرف در فرانسه معمول شده که به نحوه ایجاد ساختمان ها کوتاه کردن مدتی که باید ساختمان با تمام برسد کمک بزرگی می کند. چنانکه در گذشته

ساختمانهای که انجام آنها

۱۸ تا ۲۴ ماه طول می کشید با این روش حداکثر طرف نه ماه ساخته می شود. در این سیستم کار خانجات بازنده کلیه قطعات و وسایل ساختمانی را یکجا در محل تهیه کرده و تحویل می دهند که در اجرای آن از وسایل سنتی و قدیمی نیز استفاده می شود. در حال حاضر چهار کارخانه از این نوع در فرانسه موجود است و نیز از این نوع کارخانه ها بکتور های مختلف هم فروخته شده است مثلاً کشور ژاپن با در نظر گرفتن شرایط محیط منطقه ای توانسته است بتحو احسن از این کارخانه ها استفاده نماید.

سی آقای احسانی در همین زمینه مطالبی ایراد کردند

و عملی ساختن این سیستم را در ایران مورد بحث قرار داد و گفت که قرار است اسن چنین کارخانه ای در ایران هم مونتاژ شود بدین ترتیب ساختمان هایی که باین روش درست می شود در مدت کمتر و با خرج کمتر احداث خواهد شد و از این سیستم هم برای ساختن ساختمان های کارگری و هم احداث ساختمانهای لوکس استفاده می شود که برای ساختمان های لوکس به نسبت ساختمانهای معمولی ۲۰٪ قیمت اضافه می شود.

بطوریکه يك ساختمان به

اطاقه با تمام وسایل ۵۰۰۰ تومان تمام می شود که با اقساط سالیانه حدود ۸۰۰۰ تومان تمام می شود. و علاوه بر کرایه در ایران مشکل مسکن موضوع روز است و باید برای این مشکل فکری کرد. در این سیستم تهویه و شفاف هم در نظر گرفته شده است ساختمان هایی که بدین شکل ساخته خواهد شد با مناسب ترین اقساط ماهیانه یا سالیانه در اختیار مشتریان گذاشته خواهد شد.

سپس از طرف مهندسیسی

ایرانی سوالاتی مطرح شد که آقای احسانی و استاد دانشکده معماری استراژبورگ به آن پاسخ گفتند.

شست و سومین جلسه

ماهانه انجمن طرفداران پیشاهنگی در تهران تشکیل شد. این جلسه در حضور آقای نخست وزیر و وزیر آموزش و پرورش تشکیل گردید.

در این مراسم که بمناسبت «هفته کار پیشاهنگی» ترتیب یافته بود، لوحه عضویت افتخاری در انجمن طرفداران پیشاهنگی به آقای نخست وزیر اهداء شد.



نمایشگاه گل در کاخ جوانان

نمایشگاه گل

سومین نمایشگاههای گلهای زمینی خانگی در کاخ جوانان تهران گشایش یافت در این نمایشگاه که با شرکت سازمانهای خصوصی و دولتی و انجمن باغبانی ایران ترتیب یافته بیش از یکصد نوع گل بنمایش گذاشته شده بود. این نمایشگاه با حضور خانم لیلی هریدا همسر آقای نخست وزیر گشایش یافت و در سومین روز گشایش آن آقای نخست وزیر نیز از آن بازدید کردند.

باستانشناسی

ایران شناسی و

کشف يك تمدن پنج هزار ساله

آثار يك تمدن ۵ هزار ساله در حفاریات اخیر طاق بستان کشف شد.

ناکون طاق بستان بسبب وجود طاق حجاری شده و نقش های برجسته دوران ساسانی شهرت و معروفیت داشت ولی حفاریهای اخیر که بوسیله هیئت های اداره کل باستانشناسی انجام شده معلوم کرده است که پیش از پنج هزار سال پیش در اطراف این محل، تمدن درخشانی وجود داشته است. بشرار اطلاع اداره کل باستانشناسی کشور، حفاریهای انجام شده در اطراف طاق بستان از جهت تاریخی و هنری فوق العاده جالب است.

ارکستر ۱۱۷ نفری ورشو در تهران

یکصد و هفده نفر اعضای ارکستر فیلارمونیک ورشو به ایران آمدند و برنامه هائی اجرا کردند.

این ارکستر که از معتبر ترین ارکسترهای اروپائی میباشد دو برنامه در تالار رودکی اجرا کرد.

این دو برنامه شامل سمفونی شماره پنج بهوون، کسرتو ویلون از چایکوفسکی، کسرتو ویلون از وینیاوسکی، سمفونی دنیای جدید از دور ژاک و چند قطعه از آثار آهنگسازان بزرگ لهستانی بود.

ارکستر فیلارمونیک ورشو در سال ۱۹۰۱ تاسیس شده و طی ۷۰ سال اخیر کنسرتهای متعددی در مراکز هنری جهان ترتیب داده است.

رستال پیانو

يك رستال پیانو توسط انجمن فیلارمونیک تهران ترتیب یافت. در این برنامه خانم «هاله آلپ» هنرمند ایرانی مقیم آلمان فدرال شرکت داشت و آثاری از «بتهوون»، «برامس» «استراوینسکی» و «شوپن» اجرا کرد.

تریو «ژاک لوسیه»

گروه کنسرت «ژاک لوسیه» (پلی باخ) روزهای

گلدن کیت کورانت

گروه کنسرت گلدن کیت کورانت به دعوت تلویزیون ملی ایران به ایران آمد. این گروه ۴ نفری در روزهای ۳۰ بهمن و اول اسفند در تهران دو برنامه اجرا کرد.

درگذشت مشیرهمایون

شهردار

«مشیر همایون شهردار» موزیسین معروف ایرانی درگذشت. مرحوم مشیر همایون شهردار از اولین پیشگامان رواج هنر در ایران بود. وی بی از سالها کناره گیری سرپرستی شورای موسیقی وزارت اطلاعات را بعهده گرفت.

برای بزرگداشت مرحوم مشیر همایون شهردار از طرف وزارت اطلاعات، هنرمندان کشور و خانواده آن مرحوم مجالس ترحیمی تشکیل شد که کلیددوستان در فراوان این موسیقیدان در آن شرکت کردند.

جشنها

برنامه مشترک دانشگاه و تلویزیون نیویورک

دانشگاه نیویورک و بنگاه رادیو تلویزیون (بی.بی.سی) تصمیم گرفتند به مناسبت دو هزار و پانصدمین سالگرد تاسیس شاهنشاهی ایران برنامه مشترکی اجرا کنند.

بعنوان آغاز اجرای این برنامه دانشگاه نیویورک نشریه خاصی منتشر کرده که در آن پیشینه تاریخی و میراث تمدن و فرهنگ شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله ایران مورد بحث قرار گرفته و از دانشجویان دانشگاه نیویورک دعوت شده است که بعنوان ماده ای از مواددسی خود دوره تحقیق و بررسی در اطراف تاریخ شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران را بگذرانند.

نمات دانشجویانی که این دوره را با موفقیت طی کنند و از عهده آزماینهای آن بر آیند هنگام دریافت دانشنامه ها بحساب خواهد آمد.

دانشگاه نیویورک در نشریه خود یادآوری کرده است که قصد دارد يك سلسله انتشارات پژوهشی خاص در باره تمدن و فرهنگ ایران منتشر کند و همه جنبه های پرشکوه تمدن قدیمی ترین امپراطوری جهان را مورد بررسی علمی و تحقیقاتی قرار دهد.

نشریه مخصوص دانشگاه نیویورک شامل بررسی تمدناتی جشنهای دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران است. در نشریه نوشته شده است که «در دهه جاری جهانیان شاهد برگزاری مراسمی خواهند بود که در سراسر دنیا تنها يك ملت میتواند نظیر آنرا برپا دارد و از این رو هر کس که اهل تحقیق باشد بخوبی قادر است اهمیت تاریخی و مفهوم معنوی این مراسم را دریابد، این داستان پر شکوه تمدنی است که در طول يك تاریخ پر ماجرای چند هزار ساله پیوسته تمدن های اطراف خود را تحت الشعاع قرار داده، سیراب کرده، در خود فرو برده، کمال و جلال بخشیده و هرگز نابود نشده است و داستان تمدن ملتی است که امروز بزبان اسلاف خود سخن میگوید در حالیکه السنه اقوام دیگر آسیایی عموماً مخلوطی از زبانهای مختلف است.»

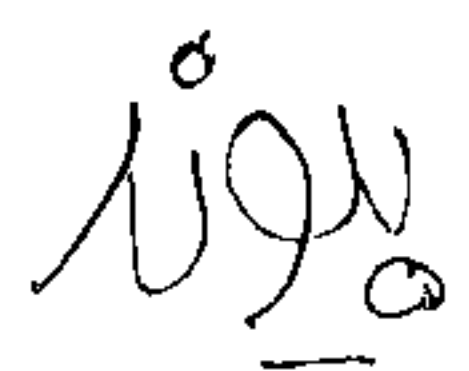
ایران
موسیقی

تریو «ژاک لوسیه»



استیلام

استخدام ۴۸ کار آموز
● وزارت فرهنگ و هنر ۴۸ نفر را برای کار آموزی در رشته های فیلم و سینما انتخاب کرد.
این افراد از میان ۳۵۰ نفر داوطلب برگزیده شدند در رشته های لاپراتوار فیلم و عکس، صدا، کمک کارگردانی و کمک فیلمبرداری برای مدت یکسال کارآموزی کرده و سپس به استخدام وزارت فرهنگ و هنر در می آیند.



صحنه ای از برنامه تلویزیونی پیوند

توزیع گواهینامه
● گواهینامه های فارغ التحصیلان دوره اول آموزشگاه بهیاری برزویه توزیع شد. این گواهینامه ها توسط والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی اعطا گردید.

تولیدات

افزایش میزان تولیدات
● وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی گزارش داد که طی پنج سال اخیر میزان تولید شرکت سهامی چای ایران بطور متوسط سالی ۲۱ درصد افزایش داشته است. در این مدت شصت هزار و ۳۹۹ تن چای بوسیله کارخانه های دولتی تهیه شد. بموجب این گزارش در آمد شرکت دخانیات نیز از آغاز سال ۱۳۴۸ تا پایان مهر ماه نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۳۸ میلیون ریال فزونی داشت.

سمپوزیوم پزشکی
● یک سمپوزیوم پزشکی در کاخ مرکزی جوانان ترتیب یافت. در این سمپوزیوم که از طرف گروه پزشکی کاخ ترتیب یافته بود چند تن از استادان دانشگاه و پزشکان شرکت داشتند.

غرفه ایران
● «غرفه ایران» در دهلی نو تشکیل گردید. این غرفه در محل کاخ جوانان دهلی نو ترتیب یافته است و دانشجویان ایرانی مقیم هند آنرا تشکیل داده اند.

جشن ها

جشن های اعیاد قربان و غدیر
● بمناسبت دو عید سعید قربان و غدیر خم جشن های باشکوهی در سراسر کشور برپا گردید. در این جشنها فاطمه اهالی مسلمان شرکت داشتند. از جمله جشنهایی که بدین مناسبت ترتیب یافت جشن های وزارت دربار شاهنشاهی بود. این جشنها که در محل کاخ شهری ترتیب یافت حسب الامر شاهنشاه آریامهر برپا شده بود و در آن ستاورها، نمایندگان مجلس شورای ملی، مقامات برجسته مملکت، روزنامه نگاران، استادان و دانشگاهیان شرکت داشتند.

پیوند کلیه

دهمین پیوند
● یک عمل پیوند کلیه دیگر در دانشگاه پهلوی انجام شد. این پیوند که در بیمارستان نمازی شیراز وابسته به دانشگاه پهلوی انجام شد دهمین پیوند کلیه ای بود که

توسط تیم جراحی کلیه دانشگاه مذکور انجام گرفت.

داد گستری

هیجدهمین سالگرد تاسیس قانون وکلا
● کانون وکلای دادگستری سالروز تاسیس خود را جشن گرفت. این جشن در سالن آمفی تئاتر دانشکده حقوق برپا شد. کانون وکلای دادگستری وارد هیجدهمین سال حیات خود گردید. در این مراسم ۲۸ تن وکیل جدید که سه نفر آنها زن بودند مراسم سوگند را انجام دادند.

دفاع غیر نظامی

پیام شاهنشاه آریامهر
● ضروری است تا با پیش بینی های لازم از هرگونه غافل گیری جلوگیری بعمل آید

● بمناسبت دوازدهمین سالروز تاسیس سازمان دفاع غیر نظامی کشور بار دیگر اهمیت حیاتی وظایف این سازمان را تذکر داده و توجه مخصوص کلیه مقامات مسئول کشور را از استاندارها و فرماندارهای کل تا فرماندارها و بخشدارها و شهرداریها و دهداران و انجمنهای شهر و نیز مسئولان مراکز حیاتی و صاحبان صنایع و واحدهای تولیدی و اماکن عمومی و تاسیسات بزرگ در اینمورد جلب میکنم، زیرا با در نظر گرفتن اوضاع جهان ضرورت هرگونه آمادگی ملی بسا استفاده از امکانات همه جانبه در برابر هرگونه تهدیدات روانی، اقتصادی، سیاسی و بالاخره نظامی از هر وقت دیگر بیشتر احساس میشود. میدانیم که با پیشرفت روز افزون تکنولوژی بهمان اندازه که رفاه و آسایش بشر بیشتر شده بر مخاطراتی که متوجه هرجاه اجتماعی است نیز افزوده شده است و باتوجه باتکه ایمنی یکی از عوامل اساسی مبانی قدرت و توانائی ملی است حقا بایستی به نسبت حساسیت در برابر مخاطرات سهمی از سرمایه گزاریهای برنامه اجرایی بامر تأمین حفاظت و ایمنی و بیج و آمادگی تخصیص یابد. توسعه و گسترش اصل ایمنی و حفاظت فیزیکی، از سطح اجتماع تا سطح خانواده یک مسئله ملی است و تا زمانی که اصل پیش بینی و پیشگیری جزء وظائف ذاتی خانواده ها و سازمانها و مدیران تاسیسات اماکن عمومی تلقی نگردد، تلاشهایی که در این مورد انجام میگردد اثر کافی نخواهد داشت جنبه های دفاع غیر نظامی در کلیه فعالیتها باید بعنوان یک اصل ضروری

تلقی گردد و تشکیل مدیریت و سرپرستی دفاع غیر نظامی بنظر حفظ نیروی انسانی و ادامه نظام اداری و تولیدی در زمان اضطرار و بحران در کلیه سازمانهای دولتی و وابسته بدولت و بخش خصوصی امری ضروری است تا با پیش بینی های لازم از هرگونه غافل گیری جلوگیری بعمل آید و پایه های سازمانی و اجتماعی امروز و فردای کشور بر اساس ایمنی قدرت و توانائی لازم و خلل ناپذیر داشته باشد.

زنان

پیام والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی بمناسبت هشتم اسفند

● درس نوشتن زن ایرانی روز هشتم اسفند از بزرگترین روزهای تاریخی واز خاطره های فراموش نشدنی است. در چنین روزی در سال ۱۳۴۱ به زنان کشور ما حقوق سیاسی اعطاء شد و با این عمل از یکسو نهضت مقدسی که در راه ترقی و پیشرفت بانوان شروع شده بود بعد کمال رسید و از سوی دیگر موجبات تحکیم مبانی دموکراسی در کشور فراهم شد زیرا چگونه ممکنست کشوری با اصول دموکراسی اداره شود ولی نیمی از جمعیت آن کشور

نتوانند در انتخابات که حق مسلم افراد آن کشور است شرکت جویند. پس از این جهش بزرگ زن و مرد در کشور ما در یک صف قرار گرفتند و میانشان اختلافی باقی نماند و راه پیشرفت و فعالیت های اجتماعی بروی زنان کشور نیز از هرسو گشوده شد. البته خواهران عزیز استحضار دارند که اخیرا از طرف سازمان زنان کمیته مخصوصی از دانشمندان و حقوقدانان کشور تشکیل شده است که قوانین گذشته کشور را بررسی و مطالعه کنند تا اگر در میان مقررات موجود و نافذ هنوز مواردی باشد که یادگار دوران اسارت زن ایرانی است و تعادل و تساوی کامل حقوق زن و مرد را در بر ندارد مشخص شود و طرحهای نو که هم حافظ حقوق زنان و هم با اصول مذهب مقدس اسلام منطبق باشد جایگزین آنها شود. البته بانجام این امر کوچک ترین آثار عقب ماندگی نیز از صفحه اجتماع ما محو خواهد شد و در آینده ای بسیار نزدیک خواهیم توانست خود را سربلند و سرافراز بدانیم و از پیشرفته ترین جوامع جهان بشناسیم. نباید فراموش کرد تحولاتی که در طی سالهای اخیر در

طریق بهبود و تکامل زندگانی اجتماعی زنان ایران پدید آمد بقدری سریع بود و در مدتی بسیار کوتاه صورت پذیرفت که نه تنها در دنیا با شکفتی و اعجاب تلقی شد بلکه بسیاری از بانوان کشور خود ما نیز آنطور که باید هنوز در مسیر این تحولات قرار نگرفته اند. شاید از جهاتی حق با آنان باشد زیرا این موهبت های بزرگ که بر اثر اندیشه های بلند و نظروشن بین برادر تاجدارم شاهنشاه آریامهر در اندک زمان نصیب زنان کشور ما شده است در سایر کشورهای پیشرفته جهان با کوشش و تلاش بسیار و بی گیر و در طی سالیان دراز بدست آمده است و هنوز هم کشورهای از ممالک پیشرفته جهان وجود دارند که زنان آن از حقوق سیاسی محرومند. یادآوری این نکات که شاید در گذشته نیز به آنها اشاره شده برای آنست که بانوان کشور ما بدانند در آینده چه وظیفه خطیری برعهده دارند و بیاس حق شناسی از نعماتی که بفضل خداوند متعال از آن برخوردار شده اند چگونه باید شایستگی نشان دهند و خود را برای خدمت بجامعه آماده سازند و با وحدت کلمه در پسر رسانیدن برنامه های مرفعی کشور بکوشند. اهم وظایف بانوان ایران کوشش فراوان برای از میان بردن جهل و بیسوادی و بالنتیجه بالا بردن درجه دانش و پیش عمومی است.

هر زن ایرانی که بتواند موجبات باسواد شدن هرچند نفر بیسواد را فراهم سازد بهمان نسبت حق دارد خود را در پیشبرد برنامه های کشور سهم و شریک بداند.

شرکت در اصلاحات اجتماعی و همگام بودن با کاروانی که بسوی کمال پیش میرود از این جا شروع می شود که هرکس در اصلاح و تکمیل شخص خود بکوشد و سپس این اصلاح و ترقی را در محیط خانواده خود توسعه دهد و تنها از این راه است که بانوان کشور میتوانند مهمترین اثر وجودی خود را در اصلاحات اجتماعی آشکارا نشان دهند. اکنون که برای شرکت در جلسات کمیته های حقوق بشر و سازمان ملل از کشور دور هستیم روز تاریخی هشتم اسفند را بسموم خواهران عزیز هموطن خود تبریک میکنیم و بسموم ملت ایران درود میفرستیم و سلامت و توفیق همه را در نیل به هدفهای مقدسی که موجب رفاه عامه و اعتلاء روزافزون ایران عزیز است از خداوند قادر متعال مسئلت میکنم.

تشکیل کمیته دانشجویی
● کمیته امور دانشجویی سازمان زنان ایران تشکیل گردید. هدف این کمیته ایجاد هماهنگی بین فعالیت های دختران دانشجو در دانشگاهها و موسسات عالی کشور است.

نفت

● تولید نفت خام در اولین ماه سال ۱۳۷۰ به ۱۴ میلیون و ۸۴۰ هزار تن سنگین بالغ گردید. این رقم نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۳ میلیون و ۲۴ هزار تن بیشتر است. رقم متوسط تولید نفت در ماه ژانویه سال جاری مسیحی که ۳ میلیون و ۵۵۹ هزار بشکه می باشد در میان کشور های منطقه خاور میانه به ارقام مذکور مربوط به تولید نفت در حوزه قرارداد باکسرسیوم می باشد.

ظرفیت پالایشگاه تهران
● شرکت ملی نفت اطلاع داد که از یازدهم دیماه تا دهم بهمن ماه سال جاری ۴۷۶ هزار و ۴۶۰ متر مکعب نفت خام در پالایشگاه تهران تصفیه شده و حد متوسط تصفیه نفت خام ۹۶ هزار و ۶۷۲ بشکه در روز بود که ۱۳ و هفت دهم درصد بیش از ظرفیت طرح شده در این پالایشگاه است.

دومین چاه نفت بختیاری
● دومین چاه نفت در مرکز عنابر نشین بختیاری شروع به کار کرد. این چاه در محلی بنام «پرسپناه» بین ایذه و لالی واقع شده است. متخصصین پیش بینی کرده اند که در مناطق بختیاری منابع عظیمی از نفت پیدا خواهد شد.

صدور و تصفیه نفت
● در ماه ژانویه ۱۲ میلیون و ۳۸۳ هزار تن سنگین نفت خام از بندر خارک به خارج صادر گردید. بزرگترین رقم بارگیری متعلق به کشتی «گولار» پارتیشیا» به ظرفیت ۲۱۳ هزار تن بود. در همین مدت تصفیه نفت در آبادان به یک میلیون و ۸۴۶ هزار تن سنگین رسید. که متوسط تولید روزانه آن ۴۴۶ هزار تن می باشد.

تولید در اولین ماه سال ۱۳۷۰

HABIB GOLBAN A. BIGLAR BEGI
1125 NO. MADISON #7
Des Moines, IOWA 50319
U.S.A.

205A RICHARDS
HARVARD GRADUATE CENT
CAMBRIDGE, MASS. 02138

شاه کوچه کم شماره ۲۷

شاه کوچه کم شماره ۲۷

Tehran - IRAN

AÉROGRAMME • PAR AVION

میک تلاش

خوانندگان عزیز هواره
تلاش و همکاران تلاش را
مورد مهر و عنایت خویش
قرار می دهند که مناسبت
محدود بودن صفحات تلاش
امکان انعکاس همه آن ها را
نمی دهد و تنها گهگاهی
که دستان خیلی اصرار می
ورزند ناگزیر می شویم که
این مراتب را به عرض
خوانندگان عزیز برسانیم .

زبان آشنا بود و طرحش
جالب ، راهی تازه و رنگی
دلپذیر...

تلاش عزیز
بسی در جواب
اندیشیدم ، بی طولانی ،
چون در این میان ۱۲ "تلاش"
در کنار هم انباشته و در میان
آنها پرشنامه بی چند از
چگونگی این همه تلاش .

اولین تلاش که بدستم
رسید شماره چهارم بود
زبان آشنا بود و طرحش
جالب .

جواب با اولین پرشنامه
بی دشوار بود چون راهها
فراوان است و اندیشه ها رنگ
رنگ ، چه آسان که در اولین
راه و در اولین رنگ آنچه
که دیده بودم خوب می نمود
چون راهی تازه بود و رنگی
دلپذیر .

در این میان ده شماره دیگر
(تا شماره ۱۴) دریافت
نمودم و تازه خو گرفتیم
بنالاش تبدیل به "در انتظار
تلاش بودن" می شد که شیفته
آشنایی به تلاش گشت و
رابطه من قطع شد و دیگر
تلاش بدستم نرسید ، حال
شماره شانزدهم مجله عزیز
تلاش را در حالتی جلد در
رفته و صفحه ۲ رنگ شده در

دست دارم این بار آنرا از
خانه یکی از دوستان که آنرا
دریافت می کند بلند کرده ام .
این طریق برانده می برای
بدست آوردن تلاش نبود ولی
تنها طریق بود .

حال تلاش که در دست
دارم حکایت از محبوبیتش
می کند چون بسادگی رو جلد
و صفحه های مجله بی این
حال نمی افتد . آسان تر این
بود که نطف پرشنامه تان را
بر نموده و بفرستم . آسان تر
بود ولی کافی نبود چون تلاش
فقط یک مجله نیست که باید
بسرک چاپی بتوان بهمه
خواستهایش جواب داد . اگر
فقط حاوی مسائل روز بود
بعد از گذشت "روز" گه نمی
شد در حالیکه اولین تلاش
هنوز جالب است و شایسته
نگهداری . (مناسبت اولین
تلاشی که دارم شماره چهارم
است) آنچه در تلاش
جالب است راهی است که
خودش برای خود گریه
است . طرح مسائل - گزارش
رویدادها و بالاتر از همه
انعکاس رویدادها در شرح
و شکل و عکس برای من جالب
تر است چون در گزارش و
شرح مقایسه در میان بود
در حالیکه عکس شاهد حالت
مطلق است و مقایسه بدست
بیننده و خواننده .
آنچه که مورد علاقه من
است :

هنرهای محلی (فولکلوریک)
وطن : گزارش ها و اگر ممکن
باشد عکس ها بی از گذشته ها .

تلاش وطن و پیشرفت در
جهان فعلی و مقایسه اش با
تمدن های دیگر .

زندگی و آداب مردم
مناطق مختلف ایران .
موفقیت تلاش عزیز را در
راهی که در پیش گرفته
آرزو مندم . امیدوارم پیوست
های وطن عزیز "یک تلاش"
محدود باشد برای گزارش کافی
در دوام .

خیلی خوشحال خواهیم شد
اگر دوباره سعادت دریافت
تلاش را داشته باشیم .
مهدی ثابت دانشجوی
دانشگاه فنی وین - اطریش

از نامه خانم فریده
اکبری کلهر
من شما را دوست خود
می نامم

مجله محترم تلاش
از اینکه چند دقیقه ای
وقت شما را می گیرم عذر
می خواهم . من شما را دوست
خود می نامم . در دهی دور
افتاده ، بدون وسیله آتیا
سرگرمی ما جز خواندن مجله
و گوش دادن به رادیو امکان
دارد چیزی دیگر باشد . و
شما این افتخار را بر من
دادید که هر دو ماه مجله
تلاش شما را مطالعه کنم .
خالی از تبلیغات و سایر
عکسهای زشت

از نامه آقای حسین نازان
(آلمان)
تلاش شریف ،
امیدوارم سلام گرم مرا
بپذیرید . مدتی است که
تشریف بی نظیر تلاش را از
یکی از دوستان گرفته و مطالعه
می کنم . نوشته های این ماهنامه
دلپذیر مرا شیفته خود کرد
بطوریکه بارها اتفاق افتاده
که مجله را چندین مرتبه
مطالعه کرده ام . از آنجائیکه
در خارج از کشور تحویل
می کنم (در مدرسه عالی
اقتصاد صنعتی شهر نورنبرگ)
مطالب این مجله که خالی
از تبلیغات و سایر عکسهای
زشت است برای من جالب
بخصوص خبرها و نوشته
های جالب نویسندگان محترم
آن مجله .

سلام گرم مرا به سایر
کارکنان آن تشریف گرامی
مبدول فرمایید از زحماتی که
در این باره میفرمایید قسلا
شکر کرده و بایبادی تلاش
شریف را از خداوند منال
خواهانم .
مطالب بقدری زیاد است
که اگر آدم بدقت مطالعه
کند درست یکماه وقت می
گیرد
تلاش عزیز دوست
مهربانم
نمی دانم با چه زبانی از
تو تشکر کنم نمی دانی فاصله
بین دو شماره را با چقدرنجی
می گذرانم تو را همچون بنی
می رستم مطالبات را بقول
معروف از الف ما جیم
می خوانم بخودم اجازه نمی
دهم که حتی یک کلمه از نظر

مخفی بماند . مطالب بقدری
زیاد است که اگر آدم در
مواقع فرصت بدقت مطالعه
کند درست یکماه وقت
می گیرد . بعضی از نوشته ها
را نه تنها یکبار بلکه دوالی
بدر می خوانم . البته مجله
را مخفی می کنم و با اینکه
دریافت آن را به اهالی اطلاع
نمی دهم زیرا اگر آنها باخبر
شوند به اجبار از من می گیرند
شاید خیلی عائق منطالاب
مخصوصا عکسهای زشت
هستند . لطفا به مسئولین بخش
بفرمایید که مجله را با پاکت
بسته بما تحویل دهند در غیر
این صورت عکسهای رو جلد
کیف می شود . شیفته ها
خیلی جالب و خواندنی است
اگر امکان دارد تشریف بفرماید
چاپ شده ها را از نظر
حجم مطالب افزایش دهید
در باره تهران بزرگ بیشتر
بنویسید . خیلی ممنون و
متشکر .
دوستدار تو : سیاهی دانش
دوره ۱۳ سلیمان بدنی
تاجال شیه تلاش را
ندیده ام

از نامه آقای حبیب گلپایان
از آمریکا
از نظر طرح و نوشته ها
تلاش محله است که تا بحال
من شیه آنرا ندیده ام مگر
است عکس آن باشد که
دسترس به مجله های دیگر
ندارم ولی تا آنجائی که بیا
دارم موقعی که در ایران
بودم تنها مجله ای که به آن
علاقه داشتم همین مجله تلاش
بود و با وجودیکه بخشی
آن را گیر می آوردم ولی
به آن خو گرفته بودم . فقط
انتظار دارم که مجله زودتر
بدستم برسد .

هروغ خبری باب عیل
هر جوان دور از وطن دارد
از نامه آقای نصرالله
خداداد

مجله محترم تلاش
اولا می خواهم که تغییر
آدرس را برایتان بنویسم که
در پایان نامه ملاحظه می کنید .
در نایب از این موقعیت
استفاده کنم و از انتشار مجله
تلاش شما تبریک بگویم که
واقعا مجله کاملی است ،
مجله ای است که سالها چشم
بانتظار آن بودم . تنها تشریف ای
است که چنان کامل و مفید
چاپ می شود و هروغ خبری
باب میل هر جوان دور از

مجله محترم تلاش
اولا می خواهم که تغییر
آدرس را برایتان بنویسم که
در پایان نامه ملاحظه می کنید .
در نایب از این موقعیت
استفاده کنم و از انتشار مجله
تلاش شما تبریک بگویم که
واقعا مجله کاملی است ،
مجله ای است که سالها چشم
بانتظار آن بودم . تنها تشریف ای
است که چنان کامل و مفید
چاپ می شود و هروغ خبری
باب میل هر جوان دور از

مجله محترم تلاش
اولا می خواهم که تغییر
آدرس را برایتان بنویسم که
در پایان نامه ملاحظه می کنید .
در نایب از این موقعیت
استفاده کنم و از انتشار مجله
تلاش شما تبریک بگویم که
واقعا مجله کاملی است ،
مجله ای است که سالها چشم
بانتظار آن بودم . تنها تشریف ای
است که چنان کامل و مفید
چاپ می شود و هروغ خبری
باب میل هر جوان دور از

وطن را دارد . فکر می کنم
هرچه بنویسم کم نوشته ام .
حتم دارم هرچقدر تعریف
بنویسم دیگران قبل از من
بیشتر از آن رانوشته اند .
مجددا باین وسیله به همه
شما که مجله تلاش را باین
تکمیلی به نشر می رسانید
تبریکات صمیمانه ام را می -
فرستم . موضوع سوم آنکه
در حدود سه ماه قبل یعنی
در ماه آگوست باخانم مهدی
کتابخانه دانشکده مان صحبت
کردم که نامه ای برای شما
بنویسند و تقاضا کنند که شما
مجله برای کتابخانه بفرستید
که شاگردان ایرانی در آنجا
بخوانند از تلاش استفاده کرده
و از اوضاع وطن با خبر
شوند .

موضوع چهارم آنکه در
سال گذشته من مجله فنی بنام
در دانشکده شروع کردم که
چند صفحه ای از شماره اول
مجله را برایتان می فرستم .
البته همانطور که ملاحظه می
کنید مرا در آنجا بنام "نیک"
صدا می زدند .

در خاتمه سعادت و موفقیت
همه شما را خواهانم .
ولی همیشه جوان و محبوب
است ...

گردانندگان عزیز
تلاش :
سلام گرم مرا بپذیرید
توفیق شما را در راه هرچه
بیشتر پیشرفت تلاش این
مجله پاک و واقعا بی نظیر
از خداوند خواستاریم . باید
عرض کنم تاکنون ، یعنی
تا زمانی که تلاش بدستم
نرسیده بود ، از خواندن
مجله های یکنواخت و شیه
بهم که خواندنش باعث
بیزاری می گردد خسته شده
بودم . ولی هم اکنون می بینم
محبوبم را که تلاش تمام
دارد بدست آورده ام هرچند
که دیر بدیر از راه می رسد .
ولی همیشه جوان و محبوب
است . فراموش کردم بگویم
از روز آغاز زندگی بنوین
من و همرم با تلاش آشنا
شدیم و تا روزی که تلاش
وجود دارد ما هر دو از تلاش
جدا نیستیم .

از نامه آقای احمدشاملو
سیاهی دانش
یک مرجع علمی
از نامه آقای سهراب
فروغی

احتراما معروض
می دارد اینجانب سهراب
فروغی دانشجوی
مقیم آلمان غربی بعضی اوقات
که توانستم و یا دسترسی به
مجله تلاش از دوستان خودم
پیدا کردم و مطالعه نموده ام
برایم ارزنده و جالب بوده
تلاش برای من واقعا یک
ماده و مرجع علمی و معلومات
ارزنده است و از آنجائیکه
علاقه فراوان به شناساندن
میهن عزیز خود ایران به
خارجیان دارم می خواهم
تلاش را بصورت مسلسل
دریافت دارم .

مشغول جمع آوری گفته ها
و داستانهای محلی روستایی
هستم

از نامه خانم پروانه
اخباری (ساهی دانش)
...ضمنا بعرض باید برسانم که
مشغول جمع آوری گفته ها و
داستانهای محلی روستایی محل
خدمت می باشم که امیدوارم
زودتر این مطالب ناقص را
چنانچه ارزشمند شما باشد
جهت درج در مجله خواندنی
تلاش ارسال دارم .

سیاهان دانش و تلاش
از نامه آقای احمد
باکراده

اداره محترم تلاش
امیدوارم که هر روز در
کار خود موفق و پیروز
باشید و از اینکه بوسیله مجله
های خود مردم را راهنمایی
می کنید تمام مردم مخصوصا
سیاهان دانش از خدمت شما
به جامعه بسیار متشکر هستند .
دوستان تلاش را ذکر
کرده اند
مجله گرامی تلاش
ضمن عرض سلام و تقدیم
ارادت اینجانب از خوانندگان
علاقه مند مجله اراده تلاش
هستم که همه ما به از مطالب
مفید و جامع آن که بیشک
راهنمای کاملی مورد نیاز
جوان در راه رسیدن به سعادت
و خوشبختی می باشد بهره مند
می گردیم و می توانم بگویم
که مجله تلاش ستاره ای است
در میان مطبوعات کشور که
با درخشیدن خود همگان را
متشعشع ساخته است . این جانب
با دوستان زیادی مکاتبه دارم
و در برابر پرسش بنده که
کدام نشریه مجله تلاش را ذکر
کرده اند و حق هم همین



۲۳۴۹

دفتر تلاش

خیابان شاه - کوچه جم شاه ۲۷

Iran

تهران - ایران

خیلی شیرین و از نقطه نظر
معلومات خیلی عالی بوده چون
از توقف بنده در آمریکا
بیشتر از ۱۷ سال گذشته
زبان فارسی تا یک اندازه
فراموش شده امید است
مطالعه بمجله تلاش مشکلات
زبان را از بین برده و در
معلومات بنده به افزایش
در جوف این نامه یک دلار
گذاشته شد تا بمحصول پست
هوایی که به جواب ناممن
می فرستید مصرف کنید.
از نامه آقای عبدالباقی
صدیقی - آمریکا

برای ما دانشجویان مقیم
خارج
از نامه آقای اسد منجمی
- آمریکا
کارکنان گرامی تلاش
امیدوارم که سلام و درود
گرم مرا بپذیرید. مجله تلاش
خصوصا برای ما دانشجویان
مقیم خارج بسیار جالب است
و بوسیله آن از رویدادها و
خیلی چیزهای دیگر با اطلاع
می شویم.

دفتر مجله تلاش
آقایان محترم:

بنده خواهش دارم بمجله
تلاش اشتراک و رزم لطفا
معلومات ببخشید که بهاء
سالانه این مجله توسط پست
هوایی چند دلار بوده.

آقای ميم. الف. ضمن اظهار
لطف و محبت نسبت به تلاش
سه کاریکاتور زیر را
فرستاده اند که ملاحظه می
کنید البته خوشحال تر می
شویم اگر نام و آدرس خود
را هم برای ما می نوشتند.

یک محصل از هزاران محصل
این آب و خاک هستم و اتفاقا
و خوشبختانه خواننده و طرف
دار پرو پا قرص «تلاش» و
«تلاش ها» می باشم قلم بدست
گرفته و بنویس خود عقاید مرا
(اگرچه مردود شناخته شده)
برایش می نویسم.

من محمدرابنیا از کودکی
به هنر و ادبیات و بطور کلی
بد «خواندن» و «نوشتن» و
«گفتن» علاقه وافر داشته و
دارم و چند سالی است که
قلمی می زنم و شعر می گویم.
این ذوق در خانواده ما ارثی
است چنانکه پدرم «تراب»
ترابنیا نیز زمانی در مجلات
روزنامه ها، مقالات و داستان
هایی می نوشت و گاهگاهی
نیز ترجمه می کرد.

البته این «معرفی نامه»
مفصل را بخاطر آن ذکر
نکردم که باصطلاح «خودی»
بنمایانم، بلکه بخاطر آن
نوشتن که فکر نکنید من
خواننده ای هستم که نظری
سطحی به «تلاش» بیاندازم و
درباره یک یک مطالب و
موضوعاتی تامل و تفکر کنم
و آنگاه نامه ای به این عرض
و طول بعنوان «نظریه» برایتان
ارسال دارم.

«تلاش» مجله ایست که تلاش
گردانندگان بخوبی در
لابلای صفحاتش متعهد و
معلوم است. چاپ قشنگ،
عکس هایی زیبا بیوگرافی
های نوآلبته کاریکاتورهای
خیلی جالب و گویا و تنوع
مطالب و عکس ها و طرح ها
واقعا باعث خوشوقتی و آنگاه
است.

ولی متأسفانه (به نظر من)
یک اصل مهم در این مجله
منظور نگردیده و آن ترتیب
مطالب و موضوعات است
چندین سال قبل، کیهان
«کتاب هفته» را منتشر می
کرد. این کتاب خصوصا در
شماره های اول واقعا دارای
ترتیب خاصی بود. یعنی هر
موضوع جای مشخص و معلومی
در مجله داشت.

من فکر می کنم که اگر
«تلاش» نیز صفحات خود را
بشمه ها و بخش های مختلف
متناوب کند یعنی هر مطلبی
را در صفحات مخصوصی
بخودش چاپ نماید، زیادت
و جامع تر خواهد بود.

با احترام و تشکر قلبی -
محمد ترابنیا

عجیب نظارت می کردید ؟
راستی از آقایان هیئت
گرامی تحریریه تلاش سؤال
می کنم که اگر اینجانب این
برنامه را دفتر تلاش اجرا
کرده بودم ، تا چه درنازاحت
می شدید ؟ آیا کاسه صبرتان
پریز شده و عصیان می شدید؟
آیا مرا با مشت و لگند
(جوانشیک پوش و ورزشکار)

را از دفتر تلاش به بیرون
پرتاب می کردید ؟ آیا پلیس
را جدا می زدید و یک ایرانی
مفید که به بشر در ایران
و آمریکا خدمت کرده است
بدست پاسبان می سپردید ؟ و
یا آنکه کارمندان دانشمند
تلاش به جنب و جوش افتاد
و «دیکشنری» بین المللی خود
را باز می کردید تا زبان مرا
درک کنید.

بهر حال بدانید که اینجانب
ورزشکار هستم و مشت و لگند
شما زیاد در من کارگزیست
و باین دلیل می خواستم بیا
هیئت تحریریه تلاش شوخی
کرده باشم و هدف داشتم که
باعزمی راسخ و قصیدی شجاعانه
این برنامه عجیب را رد فسر
تلاش اجرا کنم.

اما حالا که همه چیز را
برای شما نوشتم فکر می کنم
که لطف و نمکی ندارد که
این برنامه عجیب را در ایران
اجرا کنم و سرسر هیئت
محترم تحریریه تلاش بگذارم.
لذا در ایران با لبخند احترام
بهمه شما سلام عرض خواهم
کرد. البته با لبخند ظفر
با لبخند پیروزی، با لبخند
موفقیت در آمریکا، و سپس
در مقابل یکایک هیئت ارجمند
تحریریه تلاش سر تعظیم و
تکریم فرود آورده و بزبان
شیرین فارسی خود را بهمه
شما معرفی خواهم کرد.

تقدیم کننده عنایت الله

بیگاریکی دانشجوی ایرانی،
ساکن موقت در کالیفرنیا -
امریکا

پس از درود بی پایان
به نویسندگان، گردانندگان
و هنرمندان مجله «تلاش»
امیدوارم که آن مجله جالب
را روز بروز بهتر و جامعتر
و بی نقص تر ببینیم.

«تلاش» از خوانندگانش
خواسته تا برایش نامه بنویسند
و عقاید خود را درباره بهبود
ایراز دارند. بنابراین، من هم

اقدام بچاپ آن بفرمایید
بی اندازه ممنون می شوم.
تلاش عامه پسند است در
صورتی که مقالاتی در باره
گرفتاریهای نسل امسروز
بنویسند

از نامه آقای محمد

حسن عصری
به نظر من تلاش مجله ایست
عامه پسند مجله ایست که در
ایران نمی شود نمونه ای بر آن
یافت و در صورتی که بیشتر
ترقیات ایران عزیز را متعکس
سازد و خاطرات مستند
سپاهیان را که در دیار غربت
بار خطیر علم و دانش سر و
دستشان هست چاپ نمایند و
مقالات خوبی نیز درباره علم
و دانش فضا بنویسد مخصوصا
مقالاتی درباره گرفتاریهای
نسل امروز.

از «مرکز جهان»
اینجانب عنایت الله

بیگاریکی از شهر لوس -
آنجلس (بقول رادیو لوس -
آنجلس «مرکز جهان») از
کالیفرنیا سلام گرم و پر
حرارت خود را بدین وسیله
خدمت یکایک هیئت تحریریه
تلاش عرض می نمایم خیلی
شاد و خوشحال هستم که
می توانم مرده آمدن بایران
و زیارت هیئت ارجمند
تحریریه تلاش را اعلام دارم.
بنابراین اگر یک روزی یک
جوان رشید و بلند قد،
ورزشکار و مودب، تسم کتان
بخواهد به ده زبانهای مختلف
بشما سلام عرض کند و خود
را بحضورتان معرفی نماید
لطفا تعجب نکنید، ناراحت
نشوید. این شخص دوست
با وفای شما این مخلص و
ازادتمند شما و این یک فرد
سیاس گوی محبت شما یعنی
عنایت الله بیگاریکی است.

اگر در دفتر تلاش به
زبانهای معروف انگلیسی،
فرانسوی، آلمانی، روسی و
فارسی اصلا صحبت نمی کردم
بلکه بیکی از زبانهای مرده
و کهنه یعنی چینی، عبری،
ژاپونی، یونانی، یوگوسلاوی،
لهستانی، فیلیپینی لاتین،
هندی و تیلند (سیام قدیم)
سلام کرده و خود را بشما
معرفی می نمودم بنویسید که
تا چه اندازه مسر و شکیبائی
را پیشه خود می باخشد و تا
چه اندازه احترام مرا نگاه
می داشتید و باین نمایشنامه

است زیرا مجله تلاش و ضمائم
آن کمک موثری در افزایش
دانش جوانان خواهد کرد و
من آرزو می کنم که این نشریه
گرافیک روز بروز موفق شود
و گردانندگان آن توفیق
یابند که در بهبود مجله
تلاش با طرح مقالات مفید
کوشا باشند و موجب رضایت
دوستداران مجله شود درخنام
نامه آرزوی موفقیت برای
اولیاء تلاش نموده و امیدوارم
سالیان دراز شاهد انتشار
چنین نشریه ای باشیم و چند
پیشنهاد بر عرض می رسانم و
امیدوارم مورد توجه واقع
گردد.

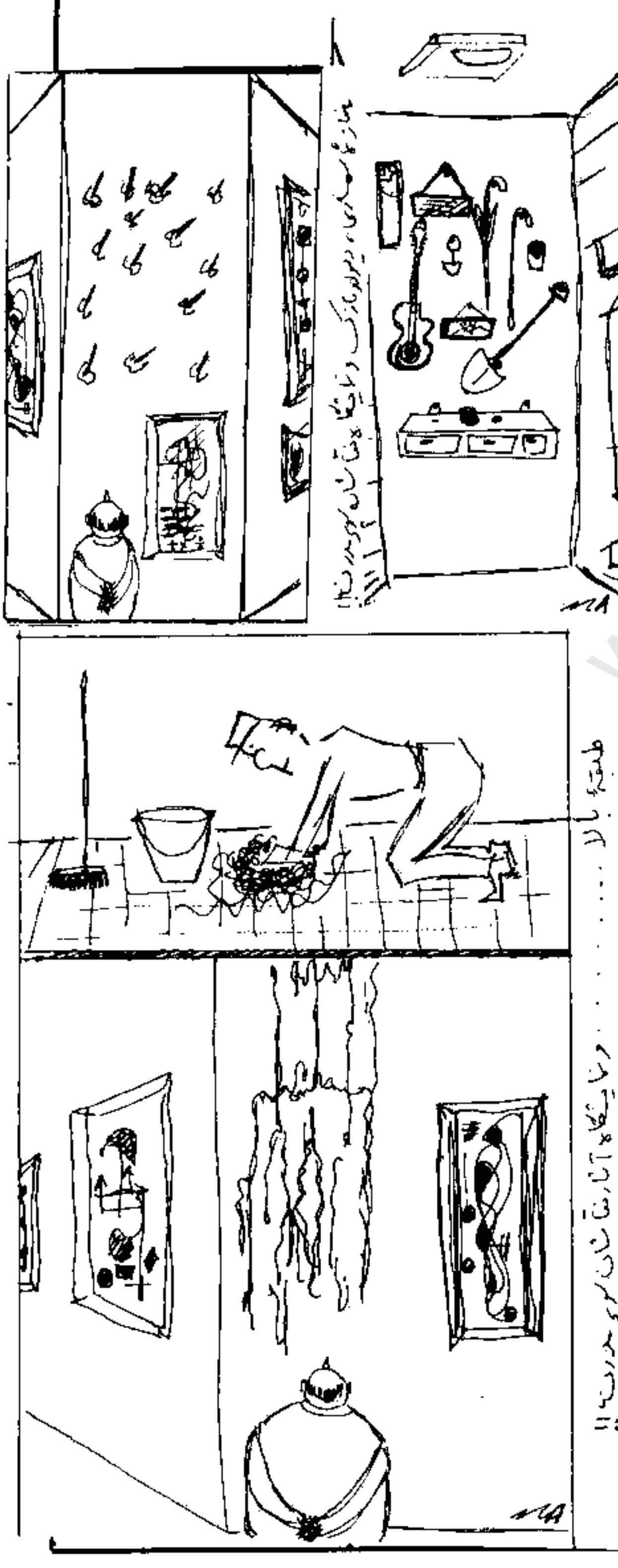
۱- صفحه های اختصاص به
آثار خوانندگان داده شود
۲- بخش های اجتماعی در
مجله مطرح گردد.
۳- به سوالات خوانندگان
صفحه ای منظور گردد

۴- دهر شماره بیوگرافی
از دانشمندان خارجی و ایرانی
منظور گردد و سرگذشت
آنان عبرتی شود
از نامه آقای غلامرضا قدرتی
خاطران شیرین سپاهی
خود را می نویسم و ارسال
خدمت می کنم

از نامه آقای پرویز
اسدی چپانه سپاهی دانش
قریه سده

مقام محترم سرپرست مجله
وزین تلاش

ضمن تشکر از زحمات
آن جناب و سایر کارکنان
مجله آموزنده تلاش موفقیت
هرچه بیشترتان را در ارشاد
و راهنمایی هم میهنان عزیز
ارزومندم باری عرض شود
بنده تنها از موقعی که ردای
پرافتخار سپاه دانش را بر تن
کرده ام با زحمات و نیز مجله
سودمندتان آشنا شده ام و باید
صادقانه بگویم که فعلا صمیمانه
به مجله تلاش عشق می ورزم
و اگر اندکی مجله دیرتر
از موقع مقرر بدستم برسد
خودم مجله تلاش را خریداری
و مطالعه می کنم زیرا تلاش را
مجله ای می یابم که تمام خواسته
های من در آن هست و همین
علاقه باعث شده که بنده
خاطرات شیرین سپاهی دانش
خود را به قلم خودم بنویسم
و ارسال خدمت کنم تا در
صورتی که لطفتان شامل
حال ما بوده و نیز سایر
دوستان و همکاران هم با
خواندن آن تشویق شوند



ملک

اقتصاد

اعضاء موافقت نامه جدید
● وزیر اقتصاد جهت شرکت در دومین دوره کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی و فنی ایران و هند به هندوستان رفت.

این کمیسیون بیندینار تصمیماتی که در جریان سفر شاهنشاه به هند در دیماه سال گذشته گرفته شد تشکیل گردید و هدف آن بررسی امکانات توسعه اقتصادی در رشته های گوناگون بین دو کشور بود.

مذاکرات دهلی نو پنجروز بطول انجامید و در پایان اسناد مربوط به توافق های تازه دو کشور به امضاء رسید. بر اساس موافقت نامه ای که بین طرفین امضا شد ازین پس سالیانه مقدار قابل توجهی از محصولات صنعتی و پتروشیمی ایران به هندوستان صادر خواهد شد.

کالا های صادراتی ایران ظرف ۷ سال آینده بالغ بر بیست میلیارد ریال خواهد بود و هندوستان در قبال آن واکن و تجهیزات راه آهن بایران صادر می نماید.

نصب دستگاه تلکسی

● يك دستگاه تلکس در وزارت اقتصاد نصب شد. بوسیله این دستگاه مسئولین مربوطه هر روزه از تغییراتی که در قیمت کالاها در سراسر جهان بعمل می آید مطلع خواهند شد.

نخستین استفاده از این دستگاه در تنظیم حقوق گمرکی و سود بازرگانی اجناس مختلف برای واردات سال ۱۳۴۹ بعمل آمد.

بانک و پول

سی امین سال تاسیس صندوق پس انداز

● بمناسبت سی امین سال تاسیس صندوق پس انداز ملی ایران جشنی ترتیب یافت. در مراسم جشن سکه مخصوصی که به همین مناسبت ضرب شده بود بین کسانی که در اولین سال تاسیس صندوق پس انداز حساب باز کرده بودند توزیع گردید.

صندوق پس انداز ملی در سال ۱۳۱۸ بفرمان رضا شاه کبیر تاسیس شد و اینک پس چهار دهی که از میان ۳۰۰ داوطلب شرکت در مسابقه جهانگردی ایران به پای فینال از سی سال پیش از سه میلیون رسیدند در این عکس در کنار هم دیده میشوند. نفر ایستاده از سمت راست سناز صحتی ملکه نفر در این صندوق حساب جهانگردی ایران است و در کنار او پروش رادی دانشجوی دانشگاه اصفهان قرار دارد. نفرات نشسته از راست به چپ پرنس سیروس کارمند و فرشته لیقوانی دانشجوی مدرسه عالی دماوند.

ایران

● ملکه جهانگردی ایران که دانشجوی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است برگزیده شد. وی برای شرکت در مسابقه انتخاب ملکه جهانگردی جهان که در اروگوئه برگزار میشود به آمریکا خواهد رفت. انتخاب ملکه جهانگردی ایران توسط سازمان جلب سیاحان بعمل آمد.

اهداء نشان

اهداء نشان «پاپ»

● نشان درجه اول «پاپ» به آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران داده شد. عالیجناب «پاپو» لیتو لیمونگسی سفیر واتیکان در دربار شاهنشاهی این نشان را به وزیر امور خارجه ایران اهداء کرد.

تحقیقات

بررسی مسائل خاکشناسی
● يك سمینار تحقیقاتی برای بررسی مسائل خاکشناسی و زه کشی خاک شالیزار ها تشکیل شد. در این سمینار که گروهی از کارشناسان

موسسه خاکشناسی و حاصل خیزی خاک در آن شرکت داشتند، مسائل خاک وزه کشی مزارع و شالیزار ها، ازدیاد محصول، آب و آبیاری، بالا بردن بازدهی و آماده کردن زمین مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. این سمینار در استان مازندران ترتیب یافته بود.

کشاورزی

پرداخت وام به کشاورزان

● در ۹ ماه اول امسال در استان کردستان ۱۲ هزار و ۷۲۸ وام به کشاورزان پرداخت شده است. جمع کل وام پرداختی به کشاورزان مذکور ۱۶۳ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال بوده است. در همین مدت ۱۴۱ میلیون ریال از وامهای پرداختی بانک کشاورزی از کشاورزان دریافت گردیده است.

● از آغاز مبارزه زمستانی تا اول اسفند ماه در سطح ۵۴ هزار و ۴۹۰ هکتار از مزارع پنبه کشور علیه آفت پنبه مبارزه شده است. این مبارزه در مزارع پنبه استانهای مازندران، مرکزی،

کرمانشاهان و فرمانداری کل سمنان بعمل آمده است. طی همین مدت در سطح ۹۰ درصد از مزارع پنبه استان فارس نیز با آفت مذکور مبارزه شده است.

دارو و درمان

يك درمانگاه تازه

● درمانگاه شماره سه بنیاد نیکوکاری والا حضرت شاهدخت شمس بهلولی گشایش یافت.

درمانگاه اختصاصی به درمان کودکان مبتلیند دارد و بوسیله یکی از نیکوکاران واگذار شده است.

● سمینار برای آموزش آمار
● سمیناری برای آشنائی یاسی تن از مسئولان آمار و گزارشهای واحدهای بهداشت و تنظیم خانواده سراسر کشور با مسائل مختلف آماری تشکیل شد.

این سمینار دو روز ادامه داشت و در آغاز و پایان آن برای ارزیابی نتایج آن آزمایشاتی از شرکت کنندگان در کلاس بعمل آمد.

بازدید

● سرکار علیہ خانم دیبا در پاکستان

این سمینار تالیف بررسیهای آقای هویدا نخست وزیر و اعضای هیئت دولت را در سفر اخیر به استان سیستان و بلوچستان مورد توجه قرار داد و امکانات اجرای دستوراتی که در این مورد صادر شده را نیز ارزیابی کرد. بررسی فعالیت های سپاه دانش

● سمینار راهنمایان تعلیماتی و مسئولان سپاه دانش و آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان در زاهدان تشکیل شد.

در جلسات این سمینار که چهار روز ادامه یافت فعالیت های سپاه دانش، مسائل آموزشی انقلاب اداری و برنامه های پیشاهنگی مورد بررسی قرار گرفت.

● اتخاذ تصمیم برای پیشرفت تعلیم و تربیت

● سمینار روسای آموزش و پرورش و راهنمایان تعلیماتی سپاه دانش لرستان برگزار شد. شرکت کنندگان در سمینار ضمن بررسی مسائل و مشکلات کار تصمیماتی نیز برای پیشرفت تعلیم و تربیت دانش آموزان روستاها تابعه فرمانداریکل لرستان اتخاذ نمودند.



مراجعت سرکار علیہ خانم دیبا از پاکستان

سمینار مشترک

● مروجان ترویج کشاورزی استان اصفهان و فرمانداریکل چهار محال بختیاری در يك سمینار مشترک شرکت کردند.

در این سمینار که در مرکز آموزش کشاورزی کبوترآباد اصفهان ترتیب یافته بود، چگونگی ترویج کشاورزی در روستاها و رفع مشکلات فصلی کشاورزان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

سمینار ها

سمینار فرمانداران

● فرمانداران و بخشداران استان سیستان و بلوچستان در يك سمینار منطقه ای که در زاهدان تشکیل شد شرکت کردند.

● آشنائی بایشرفتهای پزشکی

● با شرکت پزشکان سازمان بیمه های اجتماعی، پزشکان آزاد و دانشجویان دانشکده های پزشکی دانشگاه تهران کنفرانسی تشکیل گردید. این کنفرانس بمنظور آشنائی بیشتر پزشکان با پیشرفتهای گوناگون جهان پزشکی تشکیل شد و قرار است از این پس هر دو هفته یکبار تجدید گردد.



دیدار نایب رئیس پارلمان اندونزی

● نایب رئیس پارلمان اندونزی از ایران دیدن نمود. وی که بدعوت مجلس شورای ملی به تهران آمده بود مدت دو روز در ایران اقامت کرد و با عده‌ای از نمایندگان مجلسین مذاکره و گفتگو به عمل آورد.

نایب رئیس پارلمان اندونزی در مسیر سفر خود به مکه تهران را مورد بازدید قرار داد.

گاز

توزیع گاز در تهران
● شرکت ملی گاز ایران برای توزیع گاز در تهران تاسیساتی بوجود آورده است گاز مایمی که در تهران توسط این شرکت توزیع میشود از پالایشگاه تهران تامین میگردد.

این شرکت از چهارم آبان ماه گذشته راسا وارد بازار توزیع و فروش گاز مایمی گردیده است.

آبادانی

● ساختمان سه انبار غله در شهرستانهای سقز، بیجار، و سنندج در استان کردستان پایان یافت.

هزینه اجرای این ساختمان ها ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال گردیده است.

● طرح ساختمانی دانشگاه اجرای طرح توسعه

و تشکیل شبکه حرارت مرکزی دانشگاه تهران پایان یافت. هزینه اجرای این طرح ۲۹ میلیون ریال گردیده است.

● اجرای پروژه آبادانی در ۷ روستای کشور در استان مرکزی پایان پذیرفت.

این طرحها شامل ساختمان راه روستائی، دبیرستان، دهرا و نیز چهار طرح بهداشتی بود که هزینه اجرای آنها بالغ بر ۴ میلیون و ۸۷۷ هزار ریال گردیده است.

● قرارداد ساختمان سه سردخانه در شهرستان های اصفهان، مشهد و تبریز منعقد شد.

۲۵۷ میلیون و ۱۳۹ هزار ریال هزینه ساختمان این سردخانه‌ها از محل اعتبارات عمرانی چهارم کشور پرداخت خواهد شد.

● ظرفیت سردخانه تبریز ۱۲ هزار و ۳۰۰ متر مکعب و ظرفیت سردخانه‌های اصفهان و مشهد نیز هر یک ۷ هزار و ۲۰۰ متر مکعب خواهد بود.

● بهره برداری از پانزده طرح جدید

● عملیات اجرایی ۱۵ طرح عمرانی و بهداشتی در دهکده های شهرستانهای گرگان و گنبد کاووس پایان یافت.

● هزینه اجرای این طرحها که شامل لوله کشی آب آشامیدنی ساختمان دبستان و تاسیسات بهداشتی است، ۷ میلیون و ۴۰ هزار ریال گردیده است.

ارتباطات

● بهره برداری از جاده‌های نوساز

● ساختمان راههای «زیت - کهرباران» در استان مازندران و نیز راه بهار به همدان و توره به ملایر پایان شده است.

اعزام هندسان و تکنیسین های شرکت ملی گاز ایران به شوروی

● اعضای گروه هم چنین در مدت اقامت در شوروی از دستگاههای مشابه ایستگاههای کمپرسور خطوط لوله شرکت ملی گاز ایران نیز بازدید خواهند کرد.

● سی تن از مهندسان و تکنیسین های شرکت ملی گاز ایران تحت سرپرستی اسفندیار خزاعی بمنظور گذراندن دوره تخصصی اداره کردن کمپرسور های خطوط لوله گاز بشوروی اعزام گردیدند.

این گروه دوره های تخصصی تئوری عملیات توربین و نووگراد اقامت خواهند داشت

یافت و بهره برداری از آنها آغاز شد.

● گشایش يك خط هوایی نخستین خط پستی هوایی بین آبادان و استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان گشایش یافت.

● طول این خط هوایی ۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتر می باشد.

● راه وتونل انحرافی منجیل ساختمان راه و تونل انحرافی منجیل بطول ۱۸۶۰ متر پایان یافت و بهره برداری از آن آغاز شد.

● این راه در مسیر راه قزوین به رشت احداث شده و هزینه آن بالغ بر ۱۴۵ میلیون ریال گردیده است.

● با احداث این راه ضمن کوتاه تر شدن مسیر، خطراتی که قبلا برای وسایط نقلیه وجود داشت نیز از میان رفته است. تونلی که در این راه ایجاد شده ۹۲۳ متر طول دارد.

● لارویی پنج رودخانه قرارداد لارویی پنج رودخانه در استان آذربایجان شرقی بین وزارت راه و پیمانکاران امضاء شد.

● این رودخانه ها در شهرستانهای تبریز، مراغه، میانه، خلخال و اردبیل جاری است و هزینه لارویی آنها ۴ میلیون ریال تامین شده است.

● افزایش درآمد راه آهن امضاء موافقت نامه جدید

● درآمد راه آهن در بهمن ماه ۳۴۰ میلیون ریال بود.

● این رقم با توجه به مدت مشابه در سال ۱۳۴۷ - بیست و هشت میلیون ریال فزونی

داشت.

● درآمد راه آهن جمعا از بابت کرایه حمل مسافر و بار طی ۱۱ ماه اول سال ۱۳۴۸ بیش از ۳ میلیارد ریال بوده است که حدود ۲۶۲ میلیون ریال داشته است.

دارائی

● گرانترین و ارزانترین شهر شهرهای تهران، آبادان، رشت، اهواز، تبریز و شیراز بترتیب گرانترین شهر ایران برآورد شدند و در مقابل مشهد، ارزانترین شهر ایران براساس ارزیابی بانک مرکزی ایران هزینه زندگی در تهران ۲۵ درصد بیشتر از شهرهای دیگر می باشد.

● این بررسی با توجه به قیمت خرید ۳۶ قلم کالای خوراکی که برای يك خانواده متوسط لازم است و نیز ۵۴ قلم کالای غیر خوراکی انجام شده است.

● این کالاها در قسمت خوراکی لبنیات و تخم مرغ - نان - برنج و حبوبات - گوشت - روغن - قند و شکر و چای - میوه ها - سبزی ها - غذای خارج از خانه و ادویه و در قسمت کالاهای غیر خوراکی: نفت - کبریت - پودر رختشویی و اقلام دیگر بوده اند.

● در همین بررسی شهر متوسط ایران از نظر مخارج زندگی اصفهان معرفی شده است.

● نزدیک به ۱۳ میلیارد ریال اوراق قرضه فروش رفته است

● از آغاز انتشار اوراق قرضه تا اول ماه دوم زمستان سال ۱۳۴۸ یازده میلیارد و ۹۵۰ میلیون ریال اوراق قرضه یکساله و دوساله فروخته شده است.

● نرخ بهره اوراق قرضه یکساله هشت و يك چهارم و درصد و دو ساله نه درصد می باشد که هرشماه یکبار پرداخت میشود.

● افزایش حسابهای پس انداز بانک ملی ایران گزارش

● درباره موجودی حسابهای پس انداز خود منتشر کرد.

● گزارش نشان دهنده این بود که موجودی بانک در پایان بهمن ماه سال ۱۳۴۸ به ۲۰ میلیارد و ۴۲۴ میلیون ریال رسیده است. این مبلغ نسبت به ماه گذشته ۲۰۳ میلیون ریال و نسبت به ماه مشابه از سال گذشته ۱۲۴ میلیون ریال فزونی داشت.

بازار

● ورود میوه از خارج آزاد گردید.

● این تصمیم جهت مبارزه با احتکار و گرانی میوه در اولین روزهای اسفند ماه از طرف هیئت دولت اتخاذ شد.

● براساس تصویب نامه هیئت دولت وارد کنندگان مجاز به ورود موز، سیب و انواع

دولت

عیدی کارمندان

● به کارمندان دولت عیدی و پاداش داده شد.

● این پاداش معادل یکماه حقوق در قبال یکسال کار بود که دربرخی از موارد شامل یکماه حقوق و مزایا گردید.

● بدستور دولت حقوق اسفند ماه کارمندان و پاداش و عیدی آنان قبل از انقضای سال پرداخت شد.

● تصمیم به پرداخت حقوق و مزایای اسفند ماه کارمندان در نیمه اول ماه برای جلوگیری از صعود قیمت ها در روزهای آخر سال اتخاذ گردید.

● بیماری آیت الله حکیم

● حضرت آیت الله حکیم رهبر مذهبی شیعیان جهان در عراق بیمار و بستری شدند.

● شاهنشاه بمحض اطلاع از بیماری حضرت آیت الله حکیم دستور فرمودند که کلیه امکانات برای معالجه ایشان در خارج فراهم گردد.

● حضرت آیت الله حکیم در بیمارستان «سن پل» لندن بستری شدند. و پزشکان درمورد بیماری ایشان اظهار داشتند که دچار ناراحتی شدید کلیوی شده اند.

● درگذشت يك جراح ایرانی در مونیخ

● (دکتر مرتضی کیانوری) جراح مغز در مونیخ بعثت خونریزی مغزی درگذشت. وی پس از گذراندن دوره تخصصی جراحی در ایران برای تکمیل معلومات اختصاصی خود در رشته جراحی مغز و اعصاب به اروپا رفت و در مدت ۱۷ سال اقامت در مونیخ با گذراندن مدارج مختلف بعنوان سرجراح مستقل بیمارستان دولتی آلمان «نوروشیروژی کلینیک» مشغول خدمت شد.

● وی چندبار نیز از طرف دولت آلمان در کنفرانس های بین المللی شرکت کرده بود.

● درگذشت يك جراح ایرانی در مونیخ

● (دکتر مرتضی کیانوری) جراح مغز در مونیخ بعثت خونریزی مغزی درگذشت. وی پس از گذراندن دوره تخصصی جراحی در ایران برای تکمیل معلومات اختصاصی خود در رشته جراحی مغز و اعصاب به اروپا رفت و در مدت ۱۷ سال اقامت در مونیخ با گذراندن مدارج مختلف بعنوان سرجراح مستقل بیمارستان دولتی آلمان «نوروشیروژی کلینیک» مشغول خدمت شد.

● وی چندبار نیز از طرف دولت آلمان در کنفرانس های بین المللی شرکت کرده بود.



پانزده هزار و هفتصد و هشتاد ایرانی بجهج رفتند
 جمعیت هلال احمر عربستان سعودی ضمن اظهار قدردانی از همکاریهای هیئت پزشکی ایران کتباً فعالیتهای درمانی این هیئت را در تمام زائران خانه خدا ستود.
 وزارت بهداشتی گزارش داد که امسال چهارصد و شش هزار و دویست و نود و پنج نفر از ملیت ها و کشور های مختلف جهان برای انجام مناسک حج عربستان سعودی رفته بودند که از اینجمله پانزده هزار و هشتصد و هشتاد و هشت ایرانی بودند.



ایران در عربستان سعودی

علاقتمندی انجام میدهند و با روابط برادرانه ای که بین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت ملك فيصل برقرار است جز این هم انتظار نمی رود.
 والا حضرت امیر مشعل پس به همکاریهای جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و سازمان هلال احمر عربستان سعودی اشاره کردند و پس از تحسین مجدد و ابراز تشکر از هیئت پزشکی ایران محوطه بیمارستان یکمده تختخوابی ایران درام الدود را ترک گفتند.

بازدید امیر مشعل از بیمارستان صحرایی

هنگامی که والا حضرت امیر مشعل از درمانگاههای بیمارستان شیر و خورشید سرخ ایران دیدن میکردند در مانگاه ها مملو از زائران مسلمان بود. والا حضرت در پایان دیدار خود گفتند:
 «از شاهنشاه ایران سپاسگزاریم که بامر معظمه همه ساله چنین بیمارستان مدرن و مجهزی در مکه معظمه مستقر میشود و بخدمت برادران اسلامی میپردازد. پزشکان و پرستاران ایرانی وظیفه خود را با کمال صمیمیت و

سفر حج

شششوی خانه خدا با گلاب ایران

● اعلیحضرت ملك فيصل پادشاه عربستان سعودی طی آئین خاصی به مسجد الحرام در مکه مشرف شدند و خانه کعبه را با گلاب ایران شستشو دادند. در این مراسم شاهزادگان سعودی، سفیران کشور های اسلامی مقیم عربستان سعودی، نمایندگان کشور های مسلمان شرکت کننده در مراسم حج و هیئت های اعزامی ممالك مختلف شرکت داشتند.

اعلیحضرت ملك فيصل قبل از شششوی خانه کعبه، حج تمتع بجا آوردند و پس از گزاردن نماز این مراسم پایان یافت. بازدید والا حضرت امیر مشعل از بیمارستان صحرایی ایران

● والا حضرت امیر مشعل بن عبدالعزیز امیر منطقه مکه و جده از بیمارستان یکمده تختخوابی شیر و خورشید سرخ ایران در مکه معظمه دیدن کردند و ضمن نطقی اوامر شاهنشاه ایران در ایجاد این بیمارستان مجیز را مورد ستایش و قدردانی قرار دادند.

الا حضرت امیر مشعل به ترتیب از درمانگاههای داخلی، جراحی، زنان، دندان پزشکی، چشم پزشکی، گوش و حلق و بینی، کودکان، بیماری های گرمیری، اطاق عمل و سایر قسمتهای بیمارستان ایرانی بازدید کرده و ضمن عیادت از بیمارانی که بستری بودند فعالیت های پزشکان ایرانی را در مداوا و درمان زائران بیت الله الحرام مورد تحسین قرار دادند.
 بیمارانی که بوسیله امیر مکه و جده عیادت شدند اغلب از اتباع کشور های اسلامی دیگرند و در بین آنها کمتر ایرانی دیده میشد.

ایران و عراق

یکی از روزنامه ها دلایل محکمتری عرضه کنند ولی آقای سفیر به اتکای مقاله مورد بحث چنین نتیجه گرفته اند که ایران در توطئه بمنظور برانداختن حکومت عراق دست داشته است.

اگر چنین منطق مضحکی متضمن تهمت و افترا نسبت به ایران نبود و منجر به تیرگی روابط دو کشور همجوار نمیشد ممکن بود آنرا فقط سفسطه تلقی کرد و باتمسخر طرد کرد ولی چون تحت اوضاع و احوال حاضر ممکن است معکوس جلوه دادن حقایق موجب گمراهی افکار عامه شود سکوت را جایز ندانسته لازم میدانند خوانندگان آن روزنامه را با حقایق آشنا سازد.

آنچه امروز از اوضاع عراق در افکار مردم جهان مجسم است تصویری است از کشتارهای جمعی و ظلم و تعدی يك حکومت فاشیستی که اعدامهای اخیر گواه صادقی آن است در میان گروه اعدام شدگان کسانی بوده اند که بتازگی از زندان رهایی یافته بودند و بنابراین جای شگفتی نیست که سنی اصلی حکومت کنونی عراق طی مدت کوتاه زمامداری خود تکاپو برای حفظ بقا خود بوده باشد. در چنین موقعی که عدم آرامش و بی ثباتی بر عراق مستولی شده است برای حکومت آن کشور پدید آمدن حالت ناامیدی و ناکامی امری طبیعی است.

در عین حال فکر بوجود آوردن يك هیولای تصنعی خارجی به این امید که مردم وحشت زده از ناچاری در پشت سر حکومت قرار گیرند خنده و نیرنگ تازه ای نیست چون حکومت عراق بخوبی میدانند که ایجاد ترس و وحشت از ایران در دل برادران عراقی ما بسیار دشوار است به این امید که وضع را بعد اکثر وخیم جلوه دهد پای امریکا را نیز بمیان کشیده و سنی بیدار بنظر میرسد مردم عراق که طی سالهای اخیر از این نوع تبلیغات خسته شده اند تحت تاثیر چنین اتهامات ناروایی قرار گیرند.

سفیر دولت جمهوری عراق در عین حال که وجود روابط دوستانه و حسن همجواری را امری متقابل میدانند از وارد ساختن اتهامات بی اساس به ایران مانند توطئه و لفسو يك جانبه قرارداد های بین المللی و دخالت در امور داخلی عراق خود داری نکرده اند با وجود این حقیقت که ما در موارد متعدد از جمله ضمن نامه اخیر به روزنامه «تایمز» بی اساس بودن این اتهامات را به ثبوت رسانیده ایم باز دولت عراق از تصورات واهی خود دست بردار نیست.

در پایان نامه مذکور نوشته شده است که: اگر دولت عراق حقیقتا به اظهارات خود در مورد مناسبات حسن همجواری پای بند بود، به پیشنهاد های پی در پی ایران بمنظور تحکیم مناسبات دوستی و داشتن روابط حسن همجواری پاسخ مساعد میداد همانطوریکه دولت ایران در مورد سایر همسایگان به ثبوت رسانیده داشتن روابط دوستانه و حسن همجواری اصول سیاست خارجی ایران را تشکیل میدهد.

خود به سفارت جمهوری عراق احتراماً اشعار میدارد که آقای علی بلادی کارمند محلی سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد گزارش رفتار مخالف عرف و رویه متداول بین المللی مامورین دولت عراق نسبت بخود را به وزارت امور خارجه تسلیم داشته و طی آن اعلام نموده است که مامورین آن دولت در ساعت ۹ صبح روز ۱۱/۱۲/۴۸ وی را بازداشت و نزدیک مدت ۱۲ ساعت مشارالیه را مورد ضرب و شتم و بازجویی و تهدید قرار داده اند.

همچنین بموجب گزارشهای واصل از سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد مزاحمت های

رد اتهامات حکومت بغداد

نامه سفارت شاهنشاهی ایران و رد اتهامات حکومت بغداد روزنامه تایمز

● سفارت شاهنشاهی در انگلستان طی نامه ای در روزنامه معروف تایمز چاپ لندن بمقاله سفیر عراق در این روزنامه پاسخ داد و ضمن آن اتهامات حکومت بغداد را رد کرد و سیاست خارجی مستقل ایران را مورد بحث قرار داد.

سفیر ایران در لندن در این نامه مینویسد: چون سفیر دولت جمهوری عراق یکبار دیگر از صفحات آن روزنامه برای تکرار نظریات سابق خود در باره روابط عراق و ایران استفاده کرده است لازم میدانم بصورت پاسخ مبادرت ورزم و امیدوارم بدین وسیله به مکاتبات پی در پی در این مورد پایان داده شود.

آقای سفیر دولت جمهوری عراق در نامه خود با اقامه يك منطق عجیب نتیجه گیری عجیب تری کرده اند ایشان اولاً اظهار میدارند که اقتصاد ایران و امریکا چنان آشکار است که احتیاج به ثبوت ندارد.

اتفاقاً اظهار نظر ایشان در این مورد صحیح است زیرا اتحاد ایران و ایالات متحده امریکا حقیقتی است که هیچگاه کوششی برای کتمان آن نشده است.

ثانیاً با اقتباس چند سطر از مقاله مفرضانه یکی از جراید آقای سفیر دولت جمهوری عراق سنی کرده اند ثابت کنند که ایران و اسرائیل با یکدیگر متحد و دارای روابط خاص هستند اظهار چنین ادعایی نیاز به اقامه وادله فراوان دارد و بمنظور اثبات آن انتظار میرفت که سفیر دولت جمهوری عراق بجای استناد بمقاله مفرضانه

گردانند ولی دولت عراق از این اقدام خودداری کرده است.

علت این موضوع آن است که دولت عراق خوب میدانند که قوای آن دولت در مرز ایران در امن و امان است و بنابراین عراق ترجیح میدهد که قوای خود را در مرز ایران نگهدارد تا اینکه آنها را بمقابله با اسرائیل اعزام کند.

یادداشت اعتراض

● وزارت امور خارجه در باره رفتار مخالف عرف و رویه متداول بین المللی ماموران دولت عراق نسبت به یکی از کارکنان محلی سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد یادداشت اعتراضی به سفارت عراق در تهران تسلیم داشت.

متن این یادداشت باین شرح است.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات

دولت ایران مدت ها به عراق پیشنهاد کرده است که مشترکاً نیروهای خود را از نواحی مرزی به سر بازخانه ها برگردانند ولی دولت عراق از این اقدام خودداری کرده است.

● سفارت شاهنشاهی در لندن باتهاماتیکه وزیر امور خارجه سودان بایران وارد کرده بود پاسخ داد. آقای ابوبکر عوض الله وزیر امور خارجه سودان در خارطوم گفته بود که ایران و ایالات متحده امریکا دست اندر کار تحریمات نظامی در مرز های عراق هستند.

سفارت شاهنشاهی در لندن يك بیانیه مطبوعاتی در این مورد منتشر ساخت و در آن تاکید کرد که دولت ایران مدت ها است بدولت عراق پیشنهاد کرده است که مشترکاً نیرو های خود را از نواحی مرزی سر بازخانه ها برگردانند.

به موازات تحرك اجتماع باید تغییراتی نیز در محتوی و شکل برخی از صنایع داده شود .

برای نخستین بار در سال آینده ۳۵ میلیون دلار فرآورده های پتروشیمی و گاز به خارج صادر خواهد شد .

● آقای علی هزاره معاون نخست وزیر در يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی هدفهای عمده بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور را تشریح کرد. وی گفت:

یکی از هدفهای بودجه موضوع اشتغال است و عبارت دیگر یکی از خطوط مبنای بودجه آنست که باندازه کافی و لازم شغل ایجاد کند.

برای ایجاد يك شغل سرمایه گذاری بیشتری لازم است به همین سبب میزان سرمایه گذاری که در بخش دولتی در نظر گرفته شده قابل ملاحظه است.

هدفهای دیگری که در تهیه و تنظیم بودجه سال ۴۹ مورد نظر بود عبارتست از رشد سریع و مداوم که ثبات نسبی قیمتها و موازنه پرداختها را در برداشته باشد و به همین سبب در تهیه و تنظیم بودجه سال ۴۹ حداکثر تاکید روی بخشهایی است که جنبه تولیدی بیشتری دارند. بدیهی است افزایش تولید بدون در نظر گرفتن عوامل دیگر کافی نیست و برای اینکه اکثریت مردم از تولید بیشتر برخوردار شوند بامور اجتماعی نیز توجه خاصی شده است. رشدی که در بودجه آبادانی برای بخش امور اجتماعی در نظر گرفته شده دو برابر سال ۴۸ است. آخرین هدف عمده بودجه سال ۴۹ این است که در هزینه دستگاه هایی که به مردم سرویس میدهند صرفه جویی شود و کیفیت این سرویسها و خدمات بالاتر برود.

برای تحقق این هدف دو نکته اساسی در بودجه پیشنهادی سال ۴۹ مورد توجه دولت بوده که عبارتست از مدیریت و کارایی بیشتر و بهتر.

ایجاد تناسب و تعادل میان وظایف و اعتبارات دستگاه هایی که در این زمینه کار میکنند. اینها هدفهای عمده ای است که در بودجه کل کشور منظور شده است.

معاون نخست وزیر سپس گفت: برای حفظ نتایج کوششهایی که تاکنون در زمینه اقتصادی و اجتماعی حاصل شده تقویت بنیه دفاعی کشور یکی از اولویتهای بودجه پیشنهادی دولت در سال ۴۹ است.

بطور خلاصه در تهیه و تنظیم بودجه پیشنهادی به امور اقتصادی و اجتماعی بیشتر توجه شده و با اینکه به سایر کارها و خدمات دولت نیز توجه لازم شده است نظر دولت این بوده که باین دو رشته خاص بیشتر توجه شود.

معاون نخست وزیر در پاسخ این سؤال که آیا در بودجه سال ۴۹ اولویتهای و توجه بیشتری برای بخشهای خاصی در نظر گرفته شده است یا نه؟ گفت در امر آموزش و پرورش در سطوح ابتدائی، متوسطه و عالی توجه مخصوصی شده و در امور اقتصادی، روی توسعه صنایع سنگین و مادر بویژه صنایعی که امکانات بیشتری برای صادرات غیر نفتی کشور فراهم کند تاکید زیادی شده است.

در سال ۴۹ برای نخستین بار ایران معادل سی و پنج میلیون دلار فرآورده های پتروشیمی و گاز بخارج صادر خواهد کرد.

معاون نخست وزیر و معاون سازمان برنامه در پاسخ به سؤال دیگر که پرسیده شد (چه تغییرات عمده ای در جهت بهبود وضع تهیه و تنظیم و ارائه بودجه سال ۴۹ نسبت به سال ۴۸ داده شده است؟) گفت: بودجه سال های گذشته نقص و اشکالی نداشت ولی بموازات تحرك يك اجتماع، باید تغییراتی نیز در محتوی و شکل برخی از صنایع داده شود.

یکی از تغییراتی که در بوجه پیشنهادی ۴۹ منظور شده، جدول یا صورت تلفیقی بودجه های عادی عمرانی و موسسات وابسته بدولت است. در این مورد باید از این جدول تلفیقی بصورت کامل استفاده شود و تنها به يك طرف توجه نشود.

تغییر دوم در فرمهای بودجه این بود که اولاً هزینه دستگاهها در یکی از قسمتهای بودجه منعکس باشد و ثانیاً برنامه هایی که دستگاهها بطور مشخص انجام میدهند بدقت تعیین و روشن شود.

در مورد موسسات وابسته بدولت نیز جدولها طوری تغییر کرده است که خواننده میتواند نتیجه و برداشت بهتری از نحوه عمل این موسسات که نقش مهمی در کشور دارند بگیرد.

گزارش آقای هویدا نخست وزیر در مورد پیشرفت کارهای دولت یکی دیگر از تغییرات سال ۴۹ است گزارش پیوستی که در این مورد تهیه شده مسلماً در سال اول نمیتواند کامل و جامع باشد ولی این پیوست بصورتی تغییر کرده

که در آن بدون آنکه ب مطالب جزئی زیاد توجه شود به مسائل و خطوط مبنای و سیاستهای دولت برای تنظیم بودجه در کل اقتصاد توجه شده است. بدین معنی که در بودجه پیشنهادی سال ۴۹ نه تنها اوراق قرضه پرده فروخته میشود بلکه مقداری از اوراق قرضه منتشره باز خرید خواهد شد.

معاون نخست وزیر در پایان مصاحبه گفت با توجه به همه این نکات هدفهای بودجه پیشنهادی کل کشور در سال ۴۹ روشن است و نمیتوان به تحقق این هدفها در سال ۱۳۴۹ شك و تردید کرد.

ایران قادر به شناسائی فدراسیونی که بحرین یکی از اعضاء آن باشد نیست

● آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در مصاحبه ای با نماینده خبرگزاری فرانسه در تهران بار دیگر تمایل دولت شاهنشاهی را به حل و فصل اختلافات خویش با عراق از راه مذاکره تاکید کرد و اظهار داشت که ایران هیچ فرصتی را برای عادی کردن روابط دو کشور از دست نخواهد داد.

وزیر امور خارجه گفت: گناه بحرانی که در روابط دو کشور بوجود آمده متوجه ایران نیست و یادآوری کرد که رئیس جمهوری، نخست وزیر و معاون نخست وزیر عراق یکی پس از دیگری برای انجام دیدارهای دوستانه بایران آمدند. در هوریه ۱۹۶۹ يك هیئت ایرانی بیغداد رفت تا درباره مسائلی که هنوز بین دو کشور لاینحل مانده بود با مقامات عراقی مذاکره کند اما در ماه آوریل همان سال در حالیکه هنوز مذاکرات دو کشور به سرانجامی نرسیده بود عراق ناگهان تهدید کرد که اگر کشتی های ایرانی قبول نکنند که هنگام عبور از شط العرب پرچم هایشان را پائین آورند بوسیله عراق غرق خواهند شد. عراق در عین حال از آن تاریخ شروع به متمرکز کردن نیروهای خود در پشت مرزهای ایران کرد.

ایران پیش از اینکه بنوبه خود دست با اقدامات احتیاط آمیز نظامی بزند هشت هفته منتظر ماند از آن روز تاکنون ایران شاهد تحریکات خصمانه دیگری از طرف دولت عراق بوده است.

عراق بعد از پناه دادن بمرد فلسفی مانند بختیار که با اتهام خیانت محکوم بمړه شده است باو گذرنامه سیاسی داد و بختیار تحریکات و توطئه گرهای خود را علیه ایران با ارسال اسلحه قاچاق به پشت مرزهای ایران دنبال کرد. عراق علاوه بر این ماه گذشته اتهامات مسخره و غیر قابل قبولی علیه ایران عنوان کرد و حتی پیش از آنکه اینگونه تهمت ها را علناً اعلام کند آقای عبدالخالق بوشهری زاده دبیر دوم سفارت شاهنشاهی در بغداد را بازداشت کرد و او را تحت شکنجه قرار داد.

آقای زاهدی در پاسخ سؤالی پیرامون نتایج ماموریت «ارهان ارالپ» دبیر کل وزارت امور خارجه ترکیه که از ۱۶ تا بیست و یکم ماه در تهران بود گفت: ما آقای ارالپ را بطور کامل در جریان نظریات خویش قرار دادیم. بدیهی است اساس این نظریات بر احترام بحقوق بین المللی و اصول مندرج در منشور ملل متحد قرار دارد و قبول آن لزوماً بمعنای احترام باستقلال و حاکمیت دیگران است. وزیر امور خارجه اضافه کرد که بعقیده ما اقداماتی که دولت عراق نزد دولتهای ترکیه، پاکستان و یا سازمان ملل متحد جهت محکوم کردن ایران بعمل آورده هدفی جز منحرف کردن افکار عمومی جهانیان از اعدام های جمعی مخالفان رژیم بعثی عراق نداشته است.

دولت عراق بخوبی آگاه بود که این اعدامها چقدر جهانیان را تکان داده و خشم و نفرت آنها را برانگیخته است. علاوه بر این عراق با متهم کردن ایران در واقع کوشید تا بهانه ای بدست آورد که خودداری عراق را از قبول درگیریهایی عمیق و موثر در مبارزه با اسرائیل توجیه کند.

ایران حاضر است هر لحظه با عراق وارد مذاکره شود اما این مذاکرات باید بر اساس اصول معتبر و شناخته شده حقوق بین الملل صورت گیرد. این تصریح از نظر دولت ایران بدین معنی است که قرار داد ۱۹۳۷ نمیتواند مبنای مذاکرات ایران و عراق بشمار آید زیرا این قرارداد نه تنها از طرف امپریالیسم انگلستان تحمیل شده بلکه خود عراق نیز هرگونه اصول آن و مخصوصاً بند های چهار

و پنج آنرا که مربوط ب اداره مشترک کشتریانی در شط العرب است محترم نشمرده است.

اگر ایران تنها يك تردید در آغاز مذاکره با عراق داشته باشد این تردید بدان خاطر است که ایران حاضر نیست قبول کند که عراق در نقش جانشین و میراث خوار امپریالیسم انگلستان عرض اندام کند. ایران همانطور که بارها بیغداد تفهیم کرده حاضر است در صورت لزوم درباره يك قرارداد موقت که در آن مسائل مرزی کنار گذاشته شود اما در همان حال تمام مسائل عملی مربوط به کشتریانی در شط العرب حل و فصل شود با عراق مذاکره کند.

ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرده تا در زمینه نظامی نیز روابط خود را با عراق عادی کند. کشورهای متعددی نظیر اردن - کویت و ترکیه پیشنهاد کرده اند که برای حل اختلافات ایران و عراق در این زمینه میانجیگری کنند. ایران هیچیک از این پیشنهادها را رد نکرده و حتی بنوبه خود طرحی پیشنهاد کرده است که اجرای آن اجازه خواهد داد تا نیروهای ایران و عراق تدریجاً از پشت مرزهای دو کشور فراقوانده شوند. ولی دولت عراق تاکنون تمام این تلاشها را نادیده گرفته است.

درباره سیاست ایران در قبال بحرین و طرح تشکیل يك فدراسیون از شیخ نشینهای خلیج فارس آقای زاهدی گفت: ایران بدون چشم پوشی از این اعتقاد که بحرین از لحاظ تاریخی جزء لاینفک ایران است معیناً به پیروی از اصل احترام بحق حاکمیت ملتها پیشنهاد کرده است که برای تعیین سرنوشت بحرین و آینده سیاسی آن به آراء عمومی مردم این جزایر مراجعه شود و نتیجه این رفراندوم از طرف سازمان ملل متحد تعیین گردد. بهرحال ایران قادر به شناسائی فدراسیونی که بحرین یکی از اعضاء آن باشد نیست و برخی از شیخ نشین های خلیج فارس و مخصوصاً شارجه و راس الخیمه ظاهراً این نکته را درك کرده اند و با نظر ایران موافق هستند.

آقای زاهدی درباره خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس گفت: این طرح در سال آینده بمرحله اجرا درخواهد آمد و از آن پس پادگان های انگلیس درچنان موضعی قرار نخواهند داشت تا در امور کشور های دیگر مداخله کنند.

آقای زاهدی در باره این موضوع که ایران بودجه نظامی خود را افزایش داده است گفت: وقتی نماینده عراق در سازمان ملل متحد ادعا میکند که ایران در خلیج فارس بیگانه است ما چاره ای جز توسل به تدابیر دفاعی نداریم با اینحال همانطور که شاهنشاه بارها یادآوری کرده اند به اعتقاد ما بالاخره آن روز فرا خواهد رسید که دولت ها بجای صرف مبالغ گزاف برای تأمین هزینه های نظامی، این مبالغ را وقف ساختن مدارس و بیمارستانها و بالا بردن سطح زندگی مردم کنند.

در مورد مناقشات اعراب و اسرائیل آقای زاهدی یادآوری کرد که سیاست ایران بر اساس محکوم کردن توسل به زور قرار دارد و به همین دلیل است که از نظر ایران اشغال اراضی اعراب بوسیله اسرائیل قابل قبول نیست. از سال گذشته تاکنون وضع در منطقه عربی خاور میانه وخیمتر شده است معیناً دولت ایران کماکان عقیده دارد که راه حل مناقشات اعراب و اسرائیل باید از طریق سازمان ملل متحد جستجو شود.

ایران علی الاصول بامداخله قدرتهای بزرگ در امور کشور های دیگر مخالف است اما در این مورد بخصوص چون بیم آن می رود که صلح جهان مورد تهدید قرار گیرد از نظر ایران دولتهای بزرگ میتوانند نقش اساسی در یافتن يك راه حل برای بحران منطقه عربی خاورمیانه پیدا کنند.

تمام اقداماتی که در این زمینه از طرف ایران قابل اعمال باشد باتکاء این تلقی خواهد بود که منطقه خاورمیانه منطقه ای است که ایران نیز قسمتی از آن است.

آقای زاهدی اعلام کرد که در کنفرانس وزیران امور خارجه کشور های مسلمان که قرار است در جنده تشکیل شود شرکت خواهد کرد و امیدوار است که با وزیران خارجه سایر کشور های مسلمان همکاریهای سودمندی بعمل آورد.

وزیر امور خارجه ایران در پایان اظهار داشت: حقایقی مانند واقعیت وجود اسرائیل و واقعیت وجود ملت فلسطین باید درك شود و باید ملت فلسطین بتواند در خاک فلسطین زندگی کند به همین دلیل است که ایران چه در جلسات سازمان ملل متحد و چه در فرصت های دیگر مانند کنفرانس اسلامی رباط به همه قطعنامه هایی که بنفع ملت فلسطین است رای داده است.

تعاون

حمایت از حقوق مصرف کننده

● «حمایت از حقوق مصرف کننده» در میزگردی با شرکت وزیر کار و امور اجتماعی، مدیر عامل موسسه

استاندارد و تحقیقات صنعتی و دو نفر از مسئولین وزارت تولیدات کشاورزی مورد بحث قرار گرفت. در این جلسه که در دانشگاه تهران تشکیل یافته بود، برای حمایت از حقوق مصرف کننده از طریق ایجاد تعاونی های مصرف، آموزشهای تعاونی و استاندارد کردن کالا های مصرفی، پیشنهاد هائی داده شد.

تنها اولین شرکت تعاونی درمانی در ایران

● يك شرکت تعاونی که در زمینه درمان و بهداشت مردم فعالیت دارد مورد بازدید آقای نخست وزیر قرار گرفت.

این شرکت تعاونی که تنها اولین شرکت در نوع خود می باشد با مشارکت مردم، اطباء و صاحبان داروخانه ها مدتی است که در کشور فعالیت دارد. «امیر حسین ابری» مدیر عامل شرکت مذکور با اطلاع آقای نخست وزیر و هیئت مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که در معیت ایشان بودند سرانجام که «هرکس با خرید يك سهم مبلغ «ده تومان» میتواند عضویت این شرکت را احراز کند».

مزایائی که این شرکت برای اعضاء خود در نظر گرفته است، بجز تنبیه ویزیت پزشکان، کرایه تخت بیمارستانی، اجرت جراحی های مختلف و کلیه هزینه های مداوا - تخفیف ۱۲ درصد از قیمت دارو به اعضاء شرکت می باشد.

در تعرفه شرکت ویزیت پزشکان متخصص ۱۰۰ و عمومی ۵۰ ریال در تهران در نظر گرفته شده که در شهرستان و روستاها این رقم تا ۵۰ درصد دیگر نیز پائین آورده شده است.

بر اساس همین تعرفه هزینه بستری شدن در اطاق یک نفره در بیمارستانهای درجه يك نیز ۶۰ تومان برای هر شب تعیین شده است.

در پنجاه شهرستان تشکیل میشود. بار دیگر تهنیت های صمیمانه خود را تکرار میکنم و پیشرفت روزافزون ستون را بباری شما و همکاران آرزو مندم.

بمناسبت پانزدهمین سالروز تأسیس سازمان پیمان مرکزی آقای تورکوت منیمچی اوغلو دبیر کل این سازمان نیز پیامی فرستاد: وی در این پیام گفته است وقتی به پیشرفتهای پانزده سال عمر سازمان می نگریم احساس شرف و رضایت میکنیم و جای بسی امیدواری است که این سازمان بتواند در آینده با کوششهای بیشتر در راه تأمین وحدت همبستگی و توسعه در منطقه گام بردارد. دبیر کل سازمان پیمان مرکزی اعلام داشت پنج کشور هم پیمان (ایران - پاکستان - ترکیه - انگلستان - و آمریکا) در سایه هماهنگی - احترام متقابل و دوستی به جانبداری از هدفهای عالی که آنها را در این پیمان بیکدیگر می پیونداند ادامه خواهند داد. آقای منیمچی اوغلو در پیام خود اظهار داشت چنانچه این همکاریها بین کشور های عضو این سازمان ادامه یابد رشته هایی که امروز ما را بهم مرتبط میسازد در آینده سنگر عظیمی در برابر دشمن خواهد شد و دوستی ما ملت ها پیشرفت و خوشبختی متقابل را تشکیل میدهد.

دبیر کل سازمان پیمان مرکزی در پیام خود افزود پانزده سال پیش که صلح جهانی شدیداً بخطر افتاده بود سازمان ما تشکیل شد تا از این آزادی و تمامیت نگاهداری و در صورت لزوم دفاع کند و سالها است که این وضع ادامه دارد. ما با تلاشهای همگانی و قاطعیت فردی روزهای تاریک را پشت سر گذاشته ایم و مبانی صلح و ثبات در این منطقه حساس تاکنون بخوبی حفظ شده است و در نتیجه به بالاترین آرمان های خود یعنی حفظ صلح جهانی کمک واقعی و موثری کرده ایم.

انتصابات

● معاون تازه وزارت علوم آقای حمید زاهدی بسمت معاون پارلمانی وزارت علوم و آموزش عالی منصوب شد. ایشان قبلاً ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران را بر عهده داشتند.

پیمان مرکزی

● کنفرانس سه روزه کنفرانس سازمان پیمان مرکزی درباره تعلیمات عمومی و خدمات بهداشتی در تهران گشایش یافت. نمایندگان کشور های ایران، ترکیه، پاکستان و هیئتی از استادان علوم بهداشتی کشور های آمریکا و انگلستان در این کنفرانس شرکت داشتند. ریاست این کنفرانس سه روزه را دکتر شمس الدین مفیدی معاون تحقیقاتی دانشگاه تهران بر عهده داشت.

پانزدهمین سال تأسیس پیمان مرکزی سازمان پیمان مرکزی روز پنجم اسفند ماه وارد پانزدهمین سال زندگی خود گردید. به همین مناسبت پیام هائی از طرف وزرای خارجه کشور های عضو به دبیرخانه ستون فرستاده شد. متن پیام وزیر امور خارجه ایران بدین قرار بود: پانزدهمین سال تأسیس سازمان پیمان مرکزی را صمیمانه بچنای عالی و اعضاء دبیرخانه تبریک میگویم و امیدوارم همانطور که در سال های گذشته این سازمان مظهر همکاریهای ثمر بخشی در رشته های مختلف و عامل تأمین صلح و آرامش منطقه بوده در آینده نیز در این راه پیش برود.

اطمینان دارم در دیدار هایی که از کشور ما کرده اید ناظر علاقه ملت ایران و دولت شاهنشاهی به صلح دوستی و همکاری صمیمانه با دیگر دول جهان بر اساس احترام متقابل بوده اید.

این نوع همکاری یکی از پایه های سیاست مستقل ملی دولت شاهنشاهی ایران است زیرا معتقدیم تنها با همکاری صمیمانه و صلح جویانه بین المللی است که میتوان در راه رسیدن به صلح جهانی مفید و موثر واقع شد و به هدف نهایی دست یافت. به همین جهت است که عقیده دارم تشکیلاتی که در تحت ریاست جناب عالی انجام وظیفه میکند در تحکیم موقعیت منطقه و ایجاد حسن تفاهم کاملتر و نزدیک نمودن دول عضو بیکدیگر و بالنتیجه تأمین صلح جهانی اثر گویایی داشته و دارد.

دومین کلاس برای باغداران

● دومین کلاس آموزش باغداران استان خوزستان تشکیل شد. شرکت کنندگان در این کلاس طی پانزده روز با اصول صحیح باغداری و افزایش محصول آشنا گردیدند.

آموزش منطقه ای

● سمیناری برای توجیه قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش منطقه ای در تهران تشکیل شد. مسائل مربوط به از میان برداشتن تمرکز در امور آموزشی کشور که هدف اصلی قانون مذکور می باشد در سمینار مذکور مورد بررسی قرار گرفت. این سمینار در باشگاه معلمان تهران تشکیل شده بود.

ساختمان ۵۰۰ آپارتمان

● قرارداد ساختمان ۵۰۰ دستگاه آپارتمان برای معلمان پایتخت امضاء گردید.

تشکیل شورا های آموزشی

● بزودی در هر شهرستان يك شورای آموزشی تشکیل خواهد شد. این تصمیم در اجرای قانون آموزش و پرورش منطقه ای به مرحله اجرا در می آید.

در سال ۱۳۴۹ این شورا

آموزش

نخست وزیر:

هدف آماده کردن مغرها است نه بیرون ریختن

عده ای و استخدام عده ای دیگر

● اولین دوره يك ماهه آموزش مدیریت برای ۲۵ نفر از مدیران کل و روسای عالی رتبه وزارتخانه ها و موسسات دولتی تشکیل گردید.

آقای هویدا نخست وزیر در مراسم افتتاح این دوره از همه کارمندان دولت دعوت کردند که تعصبات خشک اداری را کنار گذاشته و مشکلات امور اداری ایران را با ارائه راه حل های ایرانی بر طرف کنند و نیز اظهار امیدواری کردند که سال جدید سال جهش بزرگ در کار حل مشکلات و موانع اداری باشد. ایشان هم چنین در این مراسم گفتند:

هدف از انقلاب اداری آماده کردن مغرها است نه بیرون ریختن عده ای و استخدام عده ای دیگر. از عنوان کردن عناوین متعدد و پرطمطراق، از تعارفات بدون رویه و از وارد کردن کلمات بیگانه در صحبت های روزمره و از تئوری باقی و «ایسم» گذاری باید پرهیز کرد و بسوی روشنهائی رفت که با زمان و شرایط ما مطابقت داشته باشد.

آقای نخست وزیر سپس به اهمیت آموزش اداری اشاره کرده و گفتند: انتظار ما از این دوره زیاد است زیرا در اینجا عده ای که صاحب فکر و تجربه هستند دور هم گرد آمده اند تا مسائل و دشواریهای اداری را متفقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و مسائل اداری را با تقویت روح همکاری و پیدا کردن راه حل های عملی (خارج از صحبت های معمولی و تئوریهائی که فقط در کتابها می خوانیم)، درمان کنند.

یکایک افراد ملت ایران بیمه خواهند شد

فاصله مبدأ تا مقصد را باید با سرعت

هر چه تمامتر طی کرد

آقای هویدا در جلسه شورای مرکزی حزب ایران نوین گفت:

● ایران اکنون کشوری است نمونه که در بسیاری زمینه ها بطور استثنائی پیش میرود و از هیچ قدرتی بیمی بدل راه نمیدهد. ایران با ایمانی راسخ و اراده ای تزلزل ناپذیر سرگرم بدست آوردن موفقیت های پسری در پی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می باشد. و کافی است لحظه ای بخاطر آوریم که ظرف شش سال گذشته از چه شرایطی به چه شرایطی دست یافته ایم. «این چیزی است که غرور ما را بر میانگیزد».

برنامه وسیع و پرثمر بیمه های درمانی و فرهنگی، برای عموم طبقات ملت ایران به مرحله اجرا در خواهد آمد. و به امر شاهنشاهی یکایک افراد ملت ایران اعم از شهری یا روستائی بیمه خواهند شد و هرکس اطمینان خواهد یافت که میتواند با پرداخت مبلغی اندک تحصیل فرزندان خود را از دبستان تا دانشگاه بیمه کند.

لحظه ای بیندیشید که تا چند سال قبل درباره ما و

کشور ما چه میگفتند و چه نغمه های شوم و یاس آوری ساز میکردند و همانها امروز چه میگویند. ما این توفیقات را در سایه رهبری بدست آورده ایم که بی تردید و بحق در تاریخ زندگی ملت ایران مقامی بلند و فراموش نشدنی دارد و این راه را تا سرحد پیروزی خواهیم پیمود تا هرکس در این سرزمین زندگی میکند از عالی ترین شرایط زندگی شایسته عصر خویش بهره مند باشد.

حزب ما حزب جوانی است که از آغاز فعالیتهای آن چند سالی پیش نمیگذرد. همه بیاد داریم که این حزب با همت و علاقه دبیر کل شهیدش که با تمام قوا در پی قوام و پیروزی حزب بود پایه گرفت و امروز مشاهده میکنیم که پایمردیهای او و سپس زحمات و تلاش های دبیر کل سابق و دبیر کل فعلی حزب ما را در آستانه پیشرفتهای سریع تر و انقلابی تر قرار داده است. فعالیتهای حزبی را نباید با يك دید زمانی کوتاه نگاه کرد. بی ریزی هدفهای مختلفی که در همه شئون بعمل آمده است باید با دیدی وسیع تر مورد بررسی قرار گیرد و این وظیفه دولت است که فاصله مبدأ تا مقصد را با سرعت هر چه بیشتر طی کند. رابطه دولت و حزب رابطه دوستی و همکاری است. بجای آنکه بگوئیم حزب برای ما چه میکند باید بگوئیم «ما برای حزب خود چه میتوانیم بکنیم؟» حزب ما باید مرکز سازندگی و آموزش و خدمت باشد. حزب ما مرکز کار و ایمان است نه مرکز کاریابی برای افراد.

حقوق بشر

انتخاب والا حضرت

شاهدخت اشرف بریاست کمیسیون حقوق بشر

● والا حضرت شاهدخت اشرف بهایوی بریاست بیست و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر برگزیده شدند. اسباب ایان به پیشنهاد نمایندگان کشور های سنگال، فرانسه، اوکرایین و یوگوسلاوی بعمل آمد. نمایندگان دولتهای مذکور ضمن اشاره به کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۶۸ در تهران تشکیل شد، خدمات ارزنده والا حضرت را در اداره کنفرانس مذکور یادآور شده و فعالیتهای نریختن ایشان را در امور اجتماعی و عام المنفعه در ایران مورد ستایش قرار دادند.



ناچار به اعتراف این حقیقت تلخ هستیم که مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر هنوز برای بسیاری از سکنه گیتی بشکل وعدو عیدی ساده باقی مانده است.

همکاران عزیز

قبل از هر چیز مایلیم سیاس و قدرشناسی عمیق خود را بخاطر اعتمادی که با انتخاب من بریاست بیست و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ابراز داشتید بیان دارم. اطمینان داشته باشید که این بار هم مانند فرست هائی که در گذشته پیش آمده سعی خواهم کرد انتظار شما را از ماموریتی که عهده دار آن شده ام کاملاً برآورده سازم و دربر تو همکاری ذقیمت شما برای مسائلی که در پیش داریم بدیترین شکل ممکن راه حلی پیدا کنیم.

همکاران عزیز، نماینده محترم دبیر کل من لازم میدانم پیش از آنکه کارهای خود را آغاز کنم این نکته را یادآور شوم که اجلاس فعلی باید بر مابین بیش از گذشته در تاریخ زندگی کمیسیون حقوق بشر یک مرحله مشخص و قابل توجه تلفی شود. اجلاس فعلی در حالی انعقاد می یابد که خانواده سازمان ملل و جامعه بین المللی برای برگزاری چنین بیست و پنجمین سالگرد سازمان ملل متحد آماده میشوند و این سالگرد با پایانی یکی از خونین ترین و مرگبارترین جنگهای که تاریخ شاهد آن بوده همراه است. جنگی که هدف آن مبارزه با مسلک های مبتنی بر نژادپرستی و تبعیض نژادی بود.

همچنین یادآوری این نکته مناسب است که اجلاس فعلی در سالی تشکیل میشود که دهمین سالگرد صدور اعلامیه اعطای استقلال به مالک و ملل مستعمره برگزار میشود. بعلاوه اجلاس ما در سالی تشکیل میشود که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال جهانی تعلیم و تربیت شناخته شده و بدین ترتیب مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکی از اساسی ترین حقوق مندرج در اعلامیه جهانی را مورد توجه و تاکید قرار داده است. و بالاخره اجلاس ما یادومین دهساله توسعه و پیشرفت تقارن یافته که از هم اکنون امیدهای بسیاری در خاطرها برانگیخته است.

خانها و آقایان: جمع و ترکیب استثنائی همه این شرائط و اوضاع و احوال را باید در طول مذاکرات خود از نظر دور نداریم. این شرائط ایجاب میکند که ما با قاطعیت و حرارت در راه تحقق هر چه وسیعتر حقوق بشری گام برداریم. حقوقی که کمیسیون ما حافظ، خادم و درعین حال مشوق آنست.

شرایط و اوضاع استثنائی همه نورافکن های زندگی بین المللی را بفعالیتهای و اقدامات مامتوجه ساخته زیرا بهر صورت هر مسئله ای که در مراجع بین المللی مورد بحث قرار میگیرد، حقوق بشری مانند زمینه اصلی و اجتناب ناپذیر آن تجلی می یابد. بنابراین ما باید خود را شایسته درخشش و جلوه ای که این ترکیب استثنائی شرائط بما بخشیده معرفی کنیم. این وظیفه سنگینی است که کمیسیون ما در پیش دارد زیرا در نظر اول دستور کار اجلاس که بما پیشنهاد شده ممکن است موجب بدبینی شود. در حقیقت ما می بینیم که سال بسال همان مسائل و مشکلات باز در دستور کار قرار میگیرد مسائلی که بما

که هر نوع تجاوزی بیکی از حقوق بشری در هر نقطه جهان زیانست که به مجموع انسانیت وارد میشود. بعبارت دیگر وقت آن رسیده است که مابیش از همیشه بجای تکیه کردن بر اختلافات، بر مشابتهای موجود اصرار ورزیم.

ومن فکر میکنم در خوش بینی اغراقی نباشد اگر بگویم فرضیه های جدید حقوق بشری از هم اکنون ما را تحت تاثیر و هدایت خود قرار میدهند. بی آنکه بخواهیم از اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاقها و دیگر قراردادهائی که به هموار ساختن راه کمک کرده اند سخنی بگوئیم فقط به فاصله زمانی که با اجلاس سابق داریم اشاره میکنم. در این مدت مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه مربوط به ترفی و توسعه اجتماعی را که خوشبختانه مساعی گذشته را تکمیل میکند تصویب کرد. سازمان وحدت افریقائی بیانیه ای راجع بکشورهای جنوب افریقا تصویب کرد که لحن جدیدی از لحاظ حقوق بشری در بردارد و در آن دفاع از حقوق بشری بشکل قاطع و دقیقی بیان شده است. و بالاخره مجمع عمومی سازمان ملل متحد ابتکار برادر تاجدارم را مورد توجه قرار داد و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را مامور ساخت که مسئله ایجاد یک لژیون جهانی از خدمتگزاران بشر را برای مشارکت در توسعه و پیشرفت مورد مطالعه قرار دهد. تابلویی که در برابر شما ترسیم کردم چنانچه به مساعی خستگی ناپذیر سازمانهای بین المللی، دولتی و یا غیر دولتی و افراد با حسن نیت در سراسر جهان اشاره نشود ناقص خواهد ماند. اما وقت من محدود است. بنابراین بایان این مطلب از سخنان خود نتیجه میگیرم که با وجود دلالتی که ممکن است موجب بدبینی ما شود یک روی مدال حقوق بشری در آستانه سال ۱۹۷۰ صورت کاملاً مثبتی دارد.

این عامل مثبت و خوش بین کننده هر قدر هم که مایلیم و معتدل باشد باید مارا به افزایش کوشش هایمان بمنظور تحقق علمی حقوق بشری در همه زمینها و در همه اکناف عالم برانگیزد. من اطمینان دارم که همه ما با چنین روحیه ای در خلال چند هفته ای که در پیش داریم در کنار هم کار خواهیم کرد.

از نطق افتتاحیه والا حضرت اشرف بهایوی در نخستین جلسه بیست و ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

پیشنهاد میشود کاهش نمی یابد، سهل است، دانشا حجم آنها روبافزایش است. این واقعیت را نمیتوان نادیده گرفت که با وجود مساعی ما میلیونها موجود انسانی همچنان در اضطراب، فقر و فاقه، بیماری و جهل بر می روند. حقوق بشر در گوشه و کنار جهان پایمال میشود. نژادپرستی هنوز در اطراف عالم مصائب بیشماري می آورد. انواع مختلف تبعیضاتی ها و ناسازگاریها هنوز حکمفرماست. در بسیاری از مناطق کره زمین، صدای تلیک توپها طنین اندازست. فاصله بین کشورهای تروتمند و ملل در حال توسعه روز بروز عمیق تر میشود.

خانها و آقایان: با اینوضع ماناچار باعتراف این حقیقت تلخ هستیم که مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر هنوز برای بسیاری از سکنه گیتی بشکل وعد و وعیدی ساده باقی مانده است. معذالک کمیسیون ما مانند دیگر واحدهای سازمان ملل از بذل مساعی خود بهیچوجه دریغ نورزیده است.

صورت کارهای انجام شده هر سال طولانی تر میشود. من در اینجا نمی خواهم از همه معاهدات و قراردادهای بین المللی که ما در تدوین و تنظیم آن مشارکت داشتیم و مجمع عمومی سازمان باعلاقمندی آنرا مورد تصویب قرار داد اسم ببرم. بعلاوه در محد این سیستم که عناوین همه قطعنامه هائی را که تصویب کرده ایم برای شما بازگو و تکرار کنم. فقط مایلیم توجه شما را به ملاحظاتی چند جلب کنم. اگر کارهای انجام یافته با وجود اینهمه حسن نیت در سطحی پائین تر از مشکلات و نیازها باقی مانده شاید بخاطر اینست که جهان بر مابین سرپرست از آن پیش می رود که ما بتوانیم باروشها و امکانات فعلی خود را با سرعت پیشرفت هم آهنگ سازیم. دهساله ای که بپایان رسید بیش از مجموع نیم قرن که قبل از آن بود شاهد تحولات و ترقیات عظیم علمی و فنی بود. آیا اکنون وقت آن نرسیده که ما از خود سؤال کنیم: وسائلی که مایکار میبریم و طریقه ای که مسائل را در نظر میگیریم آیا واقعا با سرعت و شتاب دائمی تاریخ مطابقت دارد؟ ما باید این مسئله را مورد تامل و بررسی دقیق قرار دهیم و تدریجاً روشهای جدیدی برای کار خود پی ریزی کنیم. لیکن در پشت سر این مسئله متد و روش يك مسئله ماهوی جلب نظر میکند دهساله ۷۰، طبق پیش بینی های دقیقی که بعمل آمده از نظر پیشرفتهای علمی و فنی بر مابین بر دهساله ۶۰ سبقت و پیشی خواهد گرفت. ترقی سرسام آور و حیرت انگیز تکنولوژی و تخصص، محیط اجتماعی متفاوتی بوجود می آورد. حتی عده ای از انرا این پیشرفتها بر تصور و اعتقاد ما از حقوق بشر نیز ابراز نگرانی میکنند. توجه باین سئوالها کمیسیون حقوق بشر را در حقیقت بدتامل و تحقیق در آینده خود بر میانگیزد.

همکاران عزیز: سالی که باخر رسید، شاهد تحقق یکی از قدیم ترین آرزوهای انسان یعنی تسخیر کره ماه بود لیکن در خلال این اکتشاف فنی قیاس ناپذیر و عواقب و نتایج علمی غیر قابل تخمین آن درس بسیار مهمی از زبان یکی از مه نوردان گرفته شد. مننورد مذکور گفته بود: وقتی از کره ماه نگاه میکنم در زمین هیچ مرزی دیده نمیشود. من فکر میکنم اینک بیش از هر زمان وقت آن رسیده که حقوق بشری را ما در سطح جهانی بنظر آوریم. صحبت از این نیست که مسائل را صرفاً در يك محیط محلی بررسی کرد، بلکه برعکس باید همیشه متوجه این نکته بود

تعلیمات حرفه ای در ندامتگاهها

● رئیس شهربانی در يك مصاحبه مطبوعاتی اقداماتی که در جهت اصلاح و هدایت زندانیان از جهل و بیسوادی انجام شده برای خبر نگاران داخلی و خارجی تشریح کرد.

تیمسار مبصر در این مصاحبه که در محل کتابخانه ندامتگاه مرکزی ترتیب یافته بود، گفت:

در ندامتگاه های کشور مدارس و آموزشگاه های حرفه ای تاسیس شده است تا علاوه بر آموزش زندانیان « علت » جهل و بیسوادی در شخصیت مجرم ریشه کن شود. در کلیه زندان های کشور قبل از هر چیز مسئله (اصلاح مجرم) مورد توجه است و در عین حال با تاسیس کارگاههای فنی و صنعتی در ندامتگاه ها، زندانیان قادرند با درآمدی که از این راه بدست می آورند نیازمندی های خود و خانواده اش را تامین کنند و پس از آزادی آموخته ای داشته باشند.

شهربانی کل کشور با این تدبیر موفق شده است تا سر حد امکان با «عامل» فقر مبارزه کند.

احداث مزارع بساز کشاورزی و مراع دامداری قسمت دیگری از برنامه آموزش حرفه ای و تامین زندگی آینده زندانیان است و در عین حال انواع وسائل و امکانات ورزشی برای این افراد ایجاد شده است تا جسم و روح زندانیان هماهنگ یکدیگر پرورش یابد.

وی سپس به تسهیلاتی که از جهات ارتباطی خانوادهای برای زندانیان فراهم شده اشاره کرد و اهمیت روانی این روش را شرح داد و یاد آور شد که ایران دومین یا سومین کشور جهان است که این روش را در ندامتگاه ها بکار برده است.

آشپزخانه

باستانشناسی و ایران شناسی

نمایشگاه آثار باستانی

● بزودی نمایشگاهی از آثار مکتوفه در طاق بستان از طرف موزه ایران باستان ترتیب خواهد یافت. در این نمایشگاه آثاری که معرف یک تمدن کهن پنج هزار ساله است بمرض تماشاگذاران عرضه میشود.

بازدید

نیکلای پادگورنی به ایران خواهد آمد

دربار شاهنشاهی اعلام داشت که بدعوت شاهنشاه آریامهر، حضرت نیکلای پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در نیمه اول فروردینماه از ایران بازدید خواهند کرد.

اعلامیه ای که از طرف دربار شاهنشاهی صادر شده باین شرح است:

نظر بهوالم دوستی ومودت بین کشور شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر از حضرت نیکلای پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دعوت فرمودند که برای یک دیدار رسمی بایران مسافرت فرمایند. حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این دعوت را قبول فرموده و در نیمه اول فروردین ماه ۱۳۴۹ برابر با نیمه دوم مارس ۱۹۷۰ بایران تشریف خواهند آورد.

وزیر دربار شاهنشاهی اسداله علم

وام درمانی ایجاد دو بیمارستان

● نخستین قرارداد پرداخت وام درمانی به گروههای پزشکی برای ایجاد بیمارستان بین بانک اعتبارات صنعتی و گروه پزشکی آراین نو مبادله شد.

بموجب این قرارداد چکی بملغ ۸۱ میلیون و ۷۵۰ هزار ریال از طرف بانک اعتبارات صنعتی در اختیار این گروه پزشکی قرار گرفت. از این وام که از محل اعتبارات عمرانی سازمان برنامه پرداخت شده است، برای ساختن یک بیمارستان ۵۰ تختخوابی در ماهشهر و

تئاتر

رستم و سهراب

● گروه نمایشی آناهیتا دو برنامه از سری نمایشنامه هائی که در گذشته آنها را اجرا کرده بود در دست تمرین دارد.

این دو برنامه نمایش رستم و سهراب و ائللو می باشد بازیگران نقش های اصلی این نمایشنامه عبارتند از:

مصطفی اسکویی در نقش های شاه سنگان و پاگو. کارمن اسکویی در نقشهای تهمنه و دزد مونا.

سودابه اسکویی در نقش های گردآفرید و املیا. خطابخش در نقشهای رستم و ائللو.

والی زاده در نقشهای کاوس محمودی در نقشهای افراسیاب و برابانسیو. امینی در نقشهای زنده رزم و کارسیو.

توریست

ایجاد دهکده توریستی غازیان

● برای ایجاد مراکز توریستی در شمال و استفاده از موقعیت ممتاز این منطقه در جلب توریست ها برنامه های زیادی در حال طرح و انجام است. از جمله این طرحها ایجاد یک دهکده توریستی است که طرح آن در مرحله مطالعه است.

در صورت تصویب این طرح که توسط سازمان جلب سیاحان مورد عمل قرار خواهد گرفت. بموازات بررسی طرح مذکور، پروژه دیگری نیز در ناحیه «گیلان» از طرف بخش خصوصی به

مرحله اجرا درآمده است که در غازیان ایجاد میگردد و هم اکنون حدود ۵۰ درصد از ساختمان آن پایان یافته است. دهکده غازیان شامل کلیه امکانات و تجهیزات یک دهکده مدرن میباشد و تا تابستان آینده آماده بهره برداری خواهد شد.

سمینار و کنگره

تشکیل سومین کنگره گیاه پزشکی کشور

● سومین کنگره گیاه پزشکی کشور در نیمه دوم شهریور ماه سال ۱۳۴۹ تشکیل خواهد شد.

در این کنگره که جلسات آن پنجروز طول خواهد کشید مسائل مربوط به علوم گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهی مورد بحث قرار خواهد گرفت. این کنگره در شیراز و در محل دانشگاه پهلوی بر گزار میگردد.

ایران شناسی و باستان شناسی

تشکیل دومین کنگره ایران شناسی

● دومین کنگره جهانی

ایران شناسی در سال ۱۳۴۹

درایتالیا تشکیل میشود. این کنگره تحت ریاست عالی شاهنشاه آریامهر و حضرت رئیس جمهوری ایتالیا در شهر رم تشکیل میشود.

دومین کنگره جهانی ایران شناسان از طرف فرهنگستان ایتالیا در شهر رم تشکیل خواهد گردید. در مدت تشکیل کنگره نیز نمایشگاهی از آثار باستانی و هنری ایران در کاخ انستیتوی فرهنگی ایتالیا «ایزمو» دائر خواهد بود و متن سخنرانی های کنگره بصورت کتاب مستقلی بعدا انتشار می یابد.

ارزشیابی و تحقیقات

یک واحد برای ارزشیابی نیروی انسانی تشکیل خواهد شد.

● بزودی واحدی برای ارزشیابی نیروی انسانی و تعیین قدرت کار و همچنین تشخیص چگونگی فعالیت های انجام شده در برابر برنامه های تصویب شده سازمانهای مختلف اداری تشکیل خواهد شد.

این واحد خودش کارمندی استخدام نمیکند و نیز بصورت یک اداره جدید نخواهد بود. بلکه با استفاده از متخصصینی که دولت در دستگاههای مختلف اداری خود دارد و همچنین با استفاده از کارشناسان موجود در دانشگاه و بخش خصوصی کار خواهد کرد.

وظیفه اصلی این واحد که در نخست وزیری فعالیت خواهد داشت، برنامه ریزی صحیح برای تمام دستگاههای دولتی است.

اعضای این واحد موظفند که به دستگاههای مختلف رفته و از نزدیک و به صورت عملی چگونگی مقدار کار انجام شده را در مقایسه بایرنامه های مصوبه تعیین کنند و نیز نیروهای انسانی لازم برای اجرای طرحها و مشکلات انجام آنها را ارزش یابی نمایند.

این واحد همچنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

این واحد هم چنین وظیفه خواهد داشت که پس از بررسی همه جانبه، گزارش کار خود را همراه با پیشنهادات اصلاحی ارائه دهد.

اجرای این برنامه، بدستور وزیر منابع طبیعی در بازدید از عملیات اجرایی طرح تثبیت شنای روان اطراف سمنان و دامغان مورد عمل قرار گرفت.

تقدیر

قدردانی از رئیس پیشین هنر سرای عالی

● برای قدردانی از کوششهای رئیس پیشین هنر سرای عالی مجلسی ترتیب داده شد.

وزیر علوم که بهرام جمعی از جمعیه های دانشگاهی در این مجلس شرکت کرده بود سخن تندیر از خدمات آقای هنریخی اظهار امیدواری کرد که در آینده امور هنر سرای عالی با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری پیشرفت کند.

ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

● از طرف ارتش و شهربانی

در سال ۱۳۴۹ بیست و پنج میلیارد و نهصد میلیون ریال در رشته های مختلف صنعتی سرمایه گذاری میشود . صنایع وابسته به ذوب آهن ، پتروشیمی و ماشین سازی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد

واگذاری شالیزار به زارعین

● در نیمه اول بهمن ماه سال ۱۳۴۸ ، ۳۱۸ هکتار شالیزار مازاد بر ۳۰ هکتار در استان گیلان و ۱۲۱ هکتار شالیزار مازاد بر ۳۰ هکتار در استان مازندران خریداری و به زارعان صاحب نسق واگذار شده است .

بدین ترتیب از آغاز اجرای قانون تا پایان ناتردهم بهمن ماه ، ۱۲۷۷۵ هکتار شالیزار ویراد برسی هکتار در استان گیلان و ۵۵۰۲ هکتار در استان مازندران خریداری و به زارعان واگذار شده است .

فیلم و سینما

جشنواره فیلمهای فارسی يك فستیوال فیلم فارسی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر ترتیب می یابد در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۹ در تهران کار خود را آغاز خواهد کرد .

کلیه تهیه کنندگان فیلم های فارسی برای شرکت در این فستیوال دعوت شده اند .

فیلمی از حسن شروانی

● حسن شروانی که قبلا در زمینه تئاتر فعالیت داشت و نیز مدتی کار های تلویزیونی میکرد فیلمبرداری دومین فیلم خود را به پایان رساند . این فیلم «پایان تاریک» نام دارد و موضوع آن نمائی است از زندگی مردم ایران با خصوصیات و آداب و رسوم مخصوصان

اکبر مشکین ، هوشنگ بهشتی ، اختر شروانی و حمید طاهری از جمله بازیگران این فیلم هستند .

فیلم کمندی «دزدوپاسان» ● «کریمی» سازنده و کارگردان و متخصص تهیه فیلم های عروسکی در حال حاضر مشغول کارگردانی يك فیلم کمندی است بنام «دزد و پاسان» .

فیلم «ملك جشید» او در دومین فستیوال فیلم کودک برنده یکی از جوایز بزرگ فستیوال شد .

● برنامه های جدید صنعتی مشتمل بر واگذاری نقش و وسیع تر به بخش خصوصی و افزایش ظرفیت و قدرت صادراتی کشور و نیز توسعه بیشتر در سطح جهانی ، پائین آوردن هزینه تولید و بالا بردن میزان کارائی و تامین رشد سریعتر برای اقتصاد کشور است .

این برنامه از اول سال ۱۳۴۹ به مرحله اجرا گذاشته میشود .

بموجب رونهای تازه ، اصول حمایت های صنعتی تغییرات اساسی یافته و ضابطه های جدیدی برای تأسیس واحد های تازه و توسعه واحد های موجود در نظر گرفته شده است و بخش خصوصی از امکانات کم سابقه ای برخوردار میشود و ضمن کمکهای وسیع و متنوعی در اختیار مادر کنندگان قرار خواهد گرفت .

سیاست هایی که اتخاذ شده حداقل تا پایان برنامه چهارم ثابت و بی تغییر خواهد ماند و هدف این است که بخش خصوصی حد و مرز روشنی برای فعالیتهای اقتصادی داشته باشد .

همچنین بر اساس تصمیماتی که از طرف دولت گرفته شده انتظار میرود میزان سرمایه گذاریهای صنعتی در برنامه چهارم بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از رقم های پیش بینی شده باشد . بخش خصوصی در این سرمایه گذاری نقش اساسی تری را بازی خواهد کرد و در نتیجه دولت خواهد توانست بانجام برنامه های اساسی در جهت توسعه اقتصادی بپردازد .

از این رو تا پایان برنامه چهارم از احداث واحدهایی که مدد رسید سرمایه آن متعلق به دولت باشد خود داری خواهد شد مگر در موارد خاصی که با لحاظ مصالح عالییه منکنت ضروری باشد و علاوه صنایع موجود دولتی از این پس مجاز نخواهند بود جز در رشته های اصلی خود اقدام توسعه بکنند و همچنین صنایع مکمل صنایع

میری تهران احداث شوند مگر آنکه طبیعت و نوع محصولات صنعتی بصورتی باشد که احداث آن در تهران ضرورت داشته باشد و در این صورت نیز موکول با اجازه هیئت وزیران خواهد بود . توسعه واحد های موجود تا آنجا که موجب انحصار نشود برای ایجاد واحد های تازه در همان رشته مقدمه خواهد بود و حمایت از صنایع جدید در حدود معقولی

برای توسعه صادرات تسهیلات گوناگونی در نظر گرفته شده است که از آن جمله معافیه های مالیاتی روی درآمد های حاصله از صادرات اعطای تسهیلات اعتباری از جانب بانک مرکزی به بانکهای مجاز ، تخفیف در هزینه های بندری ، ایجاد صندوق ضمانت صادراتی ، ایجاد تسهیلات کافی برای پیش خرید ارز های صادراتی ، حذف و جلوگیری از وضع هرگونه

این نمایشگاه «در خانه ایران» درباری ترتیب یافته بود و در مراسم آن جمعی از شخصیت های فرانسوی شرکت داشتند .

سپاهیان

اعطای سردوشی به سپاهیان ● سه هزار و ۱۳۱ نفر از سپاهیان دوره نهم بهداشت و دوره هشتم ترویج و آبادانی سردوشی دریافت داشتند .



مراسم اعطای سردوشی این سپاهیان در سر بازخانه کرج انجام شد . یکصد نفر از این سپاهیان پزشک ، ششصد نفر از آنان لیسانسیه و بقیه دیپلمه می باشند . این عده که دوره اولیه چهار ماهه آموزشی را گذرانیده اند در فروردین ماه برای خدمت عازم روستاها میشوند .

سپاهیان خدمات دادگستری ● مراسم جشن سردوشی سپاهیان خدمات دادگستری انجام شد . در این مراسم که در پادگان ساری برگزار شد ۲۴۷ نفر از سپاهیان خدمات دادگستری سردوشی دریافت داشتند .

عوارض شهری روی کالاهای صادراتی ، اسناد حقشوق گمرکی و سود بازرگانی تعیین استاندارد اجناس کالا های صنعتی و پرداخت جوایز صادراتی است .

رقم سرمایه گذاری صنعتی در برنامه چهارم بطور متوسط سالانه هفده میلیارد ریال است و حال آنکه در سال آینده این رقم به ۲۵ میلیارد و نهصد میلیون ریال خواهد رسید .

وزیر اقتصاد در پایان محاسبه اظهار داشت که کوشش ما از این پس بر این اساس خواهد بود که نتایج توسعه جد از نظر انسانی و چه از جهت جغرافیایی بطور عادلانه تری توزیع شود و امید است با توجه به تسهیلات تازه میزان فعالیت بخش خصوصی افزایش یابد و کالاهای بهیمت ارزاتری در اختیار مصرف کننده قرار گیرد .

کودکان

افتتاح يك نمایشگاه ● والا حضرت ولایتعهد در پاریس يك نمایشگاه نقاشی کودکان را افتتاح کردند .

مصرف خواهد گرفت بطوریکه زمین حفظ قدرت پایداری صنایع و منافع مصرف کنندگان وضع رقابت صنایع کشور بصورتی باشد که صنایع بتوانند در بازارهای خارجی با کالاهای مشابه برابری کنند .

وزیر اقتصاد ضمن اظهار مطالب فوق که در يك مصاحبه رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی بیان گردید هم چنین گفت: در ماههای اخیر واردات کالاهای مصرفی کاهش پیدا کرده و متقابلا باعث ایجاد واحد های جدید در کشور واردات مواد اولیه کالاهای واسطه و سرمایه های افزایش یافته است از این رو سرمایه گذاری های تازه میباشد متوجه این رشته ها بشود تا بتوان از رشد بی تناسب واردات جلوگیری کرد .

در اجرای برنامه های توسعه اقتصادی کشور باید متوجه منابع ارزی تازه ای بویم تا در ده سال آینده که نامدهه توسعه صادرات اعلام شده است از طریق صادرات امکانات ارزی کشور بنحو موثرتری تقویت شود .

ولنی از قبل صنایع وابسته به ذوب آهن ، پتروشیمی و ماشین سازی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد . با این ترتیب رقم سرمایه گذاری بخش خصوصی افزایش خواهد یافت .

صنایع جدید باید همچنان در خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتر



نصرت کریمی «کارگردان» در صحنه تمرین فیلم دزدوپاسان

پیشاهنگی

پیام علیاحضرت شهبانو بمناسبت هفته کار و پیشاهنگی

بسیار خوشوقتم که فرارسیدن هفته کار پیشاهنگی فرصتی ایجاد کرده است تا در باره یکی از مهمترین مسائل تربیتی با شما صحبت کنم. سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۰ را سال بین‌المللی تعلیم و تربیت اعلام کرده است تا با اجرای برنامه‌ها و طرحهایی تازه بار دیگر ادیان عمومی دنیا متوجه اهمیت مسئله آموزش و پرورش جوانان گردد.

فرد مسلم آنکه نتیجه نوجو با پرورش اطفال امروز داشتن جوانان بهرست و نتیجه تلاش بسیاری بهبود وضع جوانان امروز سیرت سربوت فردای مملکت است. بنسبت مردان کارداران و دبیران راز پیروزی بر مشکلات و هدایت و ارشاد جوانان در سرگرم داشتن ایشان بکارهای مورد علاقه و مفید است. این امر در مکتب تربیتی پیشاهنگی بوسیله رعایت میشود زیرا اطفال از هفت سالگی بر اثر آموزش تعلیمات مناسب با سن و نیازمندیهای خود بدریجا بکار کردن عادت میکنند و میآموزند که نه تنها خودیار باشند بلکه دیگران نیز مددکاری کنند. در نتیجه وظیفه شایسته و احساس مسئولیت جروعات اولیه آنان میشود.

یکی از برنامه‌های ابتکاری پیشاهنگی برگزاری هفته کار پیشاهنگی است. پیشاهنگان در طول آن بطور تعاونی و جمعی تلاش خود را برای تهیه کردن کار، آماده نمودن خود جهت فراگرفتن اطلاعات لازم و همچنین انجام کار مورد نظر و ایجاد درآمد شخصی بصورت میدارند. بواسطه آن مربیان پیشاهنگی با همکاری اولیاء و اعضای کمیته‌های واحد کمک نیز، برای جبران نظارت و راهنمایی میمایند.

مهم مانند همه مادرانی که بپرورش فرزندان خود علاقمند هستند از نظر نظارت به هفته کار فرزندان رضا بپای که شریجه بکمال است وظیفی دارم که باکمال میل بآن توجه خواهم نمود تا او نیز مانند سایر پیشاهنگان کشور با مشکلات مربوط بخود مواجه شود و بکار کردن عادت نماید و از حالا یاد بگیرد در برابر وظایف خطیر و سنگینی که در پیش خواهد داشت چگونه ایستادگی کند و مشکلات شخصی و مملکتی را مرتفع سازد.

مادران و پدران عزیز، بگذارید فرزندان شما از کودکی بکار کردن خوبگیرند و سرگرم باشند، بگذارید از قبول مسئولیت و انجام وظایف شخصی بپروازند، با استقبال حوادث گوناگون زندگی بپایند و از راه ایجاد درآمد های مادی و مختصر تا حدی برای خود استقلال مالی بوجود آورند. و شما که مربی یا پدر و یا مادر آنان هستید در مواقع ضروری به میزان استحقاق آنها را از نعمت تنویر، نوازش و راهنمایی بهرمنند سازید و مطمئن باشید که از این راه جوانان بدنیای خود و محیط خانواده و کشور خویش بیشتر دل خواهند بست و برای زیاتر ساختن آن از جانشانی دریغ نخواهند ورزید.

از خداوند بزرگ تسویق بپوشان گرامی و بخصوص پدران، مادران و مربیان پیشاهنگی را در اجرای هدفهای عالی تربیتیستی خواستارم.

درجه فوق مهندسی پالایشگاه دانشگاه تونگا و درجه دکترای مهندسی شیمی از دانشگاه اوکلاهای آمریکا می‌باشد.

رئیس جدید هنرهای عالی بازدید از تأسیسات بندری نارمک

● «مرتضی میرش» از بدآقده ملی از تأسیسات بندری طرف وزیر علوم و آموزش بندر عباس، خرمشهر، جزیره عالی بنوان رئیس هنرهای عالی و بندر بوشهر دیدن عالی نارمک معرفی گردید. کردند.

مرتضی میرش متولد سال ۱۳۱۹ - فارغ التحصیل «میلانیان» سفر بازدید خود دانشگاه نفت آبادان و دارای را انجام دادند.

شرایط پرداخت شهریه کارمندان دانشجو دولت برای کمک به آن دسته از معلمان و کارمندان که در دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی تحصیل میکنند تصمیم گرفت با شرایطی تمام یا قسمتی از شهریه آنها را بپردازد.

بوجب این تصمیم پنجاه تا صد درصد شهریه کارمندان و معلمان که به تحصیل اشتغال دارند بوسیله وزارتخانه ها پرداخت خواهد شد.

تصمیم هیئت دولت در زمینه پرداخت شروط شهریه دانشجویان و معلمان باین شرح است:

کلیه شهریه معلمان که در سابقه های ورودی دوره‌های دانشگاهی، دانشسراهای عالی، هنرهای عالی و سایر موسسات آموزش عالی پذیرفته شوند و در رشته های مورد نیاز که از طرف وزارت آموزش و پرورش تعیین میشود در دوره های شبانه تحصیل بپردازند از طرف وزارت آموزش و پرورش پرداخت خواهد شد.

در مورد کارمندان سایر وزارتخانه ها که در سابقه های ورودی دوره شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی پذیرفته میشوند و در رشته های مورد نیاز که از طرف وزارتخانه مربوط تعیین میشود در دوره های شبانه تحصیل بپردازند هشتاد درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

چنانچه کارمندان دولت اعم از معلمان وزارت آموزش و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

و پرورش و یا کارمندان سایر وزارتخانه ها در رشته های غیر از رشته های مورد نیاز تعیین شده از طرف وزارتخانه مربوط در امتحانات ورودی دوره های شبانه دانشگاهی و موسسات آموزش عالی توفیق یابند و به تحصیل بپردازند پنجاه درصد شهریه آنها از طرف وزارتخانه مربوط پرداخت خواهد شد.

مسکوکات طلا

پهلوی
نیم پهلوی
ربع پهلوی
لیبره زرر قدیم
لیبره زرر جدید

خشکیار

منز بادام اصفهان
منز حبه شیرین
بادام زمینی ایرانی
بادام زمینی هندی
منز گردو باب آمریکا
فندق قزوین
پسته بادامی
پسته باب صادرات
پرگه زردآلو کالیفرنیا
آلو مراغه
انجیر خشک
خرما بم معافاتی درجه یک

غلات

گندم (کمیابی همدان)
گندم (مشهد دیم)
جو کرمانشاه
جو شیراز

آرد

آرد تافتونی
آرد سمفرا

برنج

برنج سمیه آستانه
برنج سدری درجه یک رشتی
چمبرادر تهران

حبوبات

نخود اردبیل درشت
لپه تبریز
لوبیا چشم بلبلی مشهد
لوبیا چیتی نهاوند
لوبیا سفید دماوندی درشت
ماش کرمانشاه
عدس اردبیل شهری
لپه باقلا بروجرد
نخودچی ممتاز تبریز

دانه های روغنی

بزرگ
کمرچک تحویل کشتی
کنجد شمال
پونجه بزرگ
تخم کتان
زیره سبز
تخم کدو تبریز
تخم هندوانه آشتی
تخمه آفتابگردان خوی

روغن نباتی

روغن نباتی ورامین
روغن کنجد ورامین
روغن زیتون ورامین

روغن حیوانی

روغن کرمانشاهی
روغن کردستان
پنیر و کره و کشک
پنیر لیقوان
پنیر تبریز
کره خوراکی شهری
کره چکولایکی
کشک

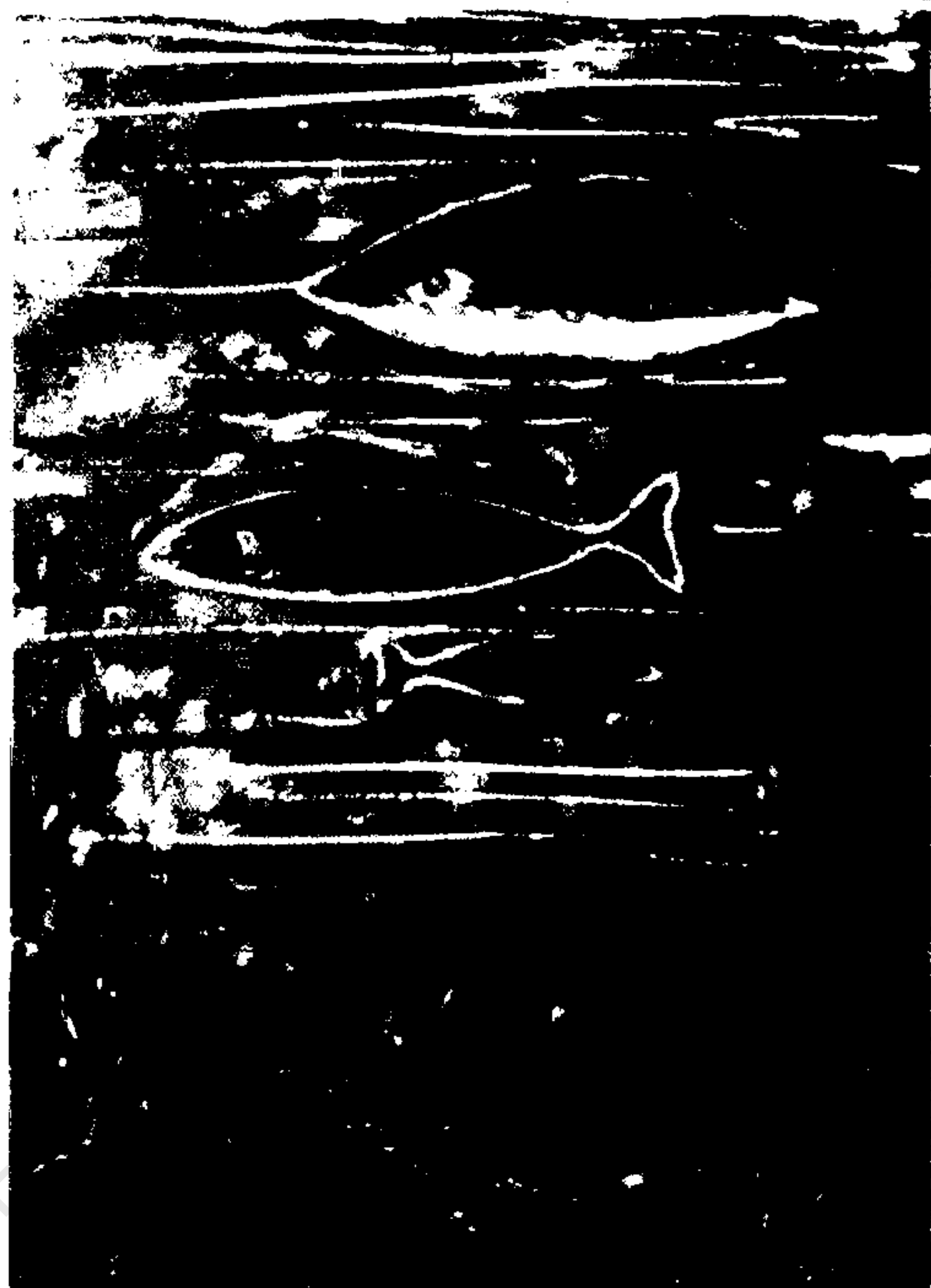
حد اقل	حد اکثر
ریال	ریال
۸۷۵۰	۹۰۰۰
۴۴۵۰	۴۶۵۰
۲۴۰۰	۲۵۰۰
۸۶۰۰	۸۷۰۰
۲۵۰۰	۲۶۰۰
یک کیلو	یک کیلو
۱۳۶	۱۳۸
۵۶	۶۳
۴۲	۴۳
۳۶	۳۸
۱۱۰	۱۱۳
۲۸	۳۵
۱۰۰	۱۵۵
۹۰	۱۲۲
۴۸	۵۰
۲۸	۳۴
۱۰	۲۵
۱۹	۱۹
سیصدکیلو	یک کیلو
۲۳۵۰	۲۴۵۰
۲۴۵۰	۳۴۵۰
۱۲۰۰	۱۳۲۰
۱۲۵۰	۱۳۲۰
یک کیلو	یک کیلو
۷۵	۸
۵۵	۶
یک کیلو	یک کیلو
۳۱	۳۶
۲۹	۳۰۵
۱۰	۱۱۲۵
یک کیلو	یک کیلو
۷	۸
۱۴	۱۵۵
۲۳	۲۳
۲۱	۲۳
۱۷	۱۷
۹	۱۰۵
۸	۱۱
۱۱۵	۱۱۵
۳۴	۴۰
یک کیلو	یک کیلو
۱۳۵	۱۳۵
۱۷۵	۱۷۵
۲۵	۲۵
۳۴	۳۴
۳۰	۳۰
۲۲	۲۲
۴۵	۵۵
۳۰	۶۰
۱۵	۴۰
حب دره کیلویی	حب پنج کیلویی
۵۱۰	۶۰۰
حب پنج کیلویی	حب پنج کیلویی
۳۰۰	۳۱۰
شیشه نهصد گرمی	یک کیلو
۱۰۰	۱۰۰
یک کیلو	یک کیلو
۲۴۰	۲۴۳
۱۸۵	۱۸۵
یک کیلو	یک کیلو
۹۰	۹۵
۷۰	۷۵
۱۴۰	۱۵۵
۱۲۲	۱۲۲
۲۳	۲۴

یک کیلو	یک کیلو
۶۰	۶۷
۱۲۰	۱۲۰
۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰
تخم مرغ	تخم مرغ
۴۹	۵۴
چای	چای
۴۰۰	۸۵۰
۱۰۷	۱۰۷
قند و شکر	قند و شکر
۲۳۲۰	۲۳۲۰
۲۶۲۵	۲۶۲۵
۲۵	۲۶
ادویه	ادویه
۷۶	۸۶
۸۸	۹۳
۱۱۵	۱۲۰
۹۵۰۰	۱۱۵۰۰
۲۵۰۰	۲۵۰۰
قهوه	قهوه
۱۴۰	۱۴۰
میوه و تره بار	میوه و تره بار
۴۷	۶۵
۳۵	۴۵
۳۰	۳۵
۲۰	۳۵
۴۰	۷۰
۵۰	۱۲۰
۱۰	۲۵
پارچه	پارچه
۱۷۲۵	۱۷۲۵
۲۴۵	۲۴۵
۴۴۰	۴۹۰
۴۰۰	۴۶۰
مصالح ساختمانی	مصالح ساختمانی
۲۹	۳۰
۲۳۵	۲۵
۸	۱۰
۱۱۰۰	۱۱۰۰
۱۳۵۰	۱۴۳۰
۱۳۵۰	۱۳۵۰
اتومبیل	اتومبیل
۴۸	۳۴۰۰۰۰
۴۸	۲۹۵۰۰۰
۴۸	۲۰۰۰۰۰
۴۸	۱۶۰۰۰۰
۷۰	۷۰۰۰۰۰

اقتباه
متاسفانه در شماره قبل در صفحه ۸۶ بجای عبارت «حسنعلی منصور پس از نامه و پانزدهم روز» اشتباه «دوماه و پانزده روز» به چاپ رسید که خوانندگان عزیز به این اشتباه چاپی توجیه کرده اند.



اثری از : حسین شهیدزاده



اثری از : شایسته اسدی



اثری از : مینو مفتاح



